آندره میشل / محمد جعفر پوینده

پیکار با تبعیض جنسی

پالایش کتاب، خانه، مدرسه
و جامعه از کلیشه‌های تبعیض جنسی

آندره میشل / محمد جعفر پوینده

پیکار با تبعیض جنسی

پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه
و جامعه از کلیشه‌های تبعیض جنسی

www.KetabFarsi.com

6,- €

آندره میشل

پیکار با تبعیض جنسی

پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه
از کلیشه‌های تبعیض جنسی

ترجمهٔ محمدجعفر پوینده

www.KetabFarsi.com

مؤسسه انتشارات نگاه
تهران - ۱۳۷۶

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Andrée Michel

Non aux stéréotypes. Vaincre le sexisme dans les livers pour

enfants et les manuels scolaires

Unesco, France, 1989

مؤسسه انتشارات نگاه: خیابان ۱۲ فروردین، شمارهٔ ۲۱، تلفن ۶۴۶۶۹۴۰

آندره میشل

پیکار با تبعیض جنسی

ترجمهٔ محمدجعفر پوینده

چاپ اول: ۱۳۷۶

چاپخانه: اتاق چاپ

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 964 - 6174 - 38 - 8

شابک: ۸ - ۳۸ - ۶۱۷۴ - ۹۶۴

www.KetabFarsi.com

تقدیم به نازنین پوینده و تمام دیگر هنرجویانِ هنرستان موسیقی دختران که با خوش درخشیدن در عرصهٔ والای هنر، گوشه‌ای از توانایی‌های پایان‌ناپذیر دخترانِ دیار ما را، چه زیبا و گیرا به تصویر می‌کشند.

پوینده، پاییز ۱۳۷۳

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب

درباره‌ٔ نویسنده ۱۱
پیشگفتار ۱۳
مقدمه ۱۷

بخش اوّل: کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه
۱. کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و کتاب‌های کودکان ۲۳
تعریف
محتوای کلیشه‌ها ۲۶
کلیشه‌هایی که آشکارا بیان می‌شوند و کلیشه‌هایی که پنهان می‌مانند ۲۸
نقش کلیشه‌های تبعیض جنسی ۳۱
شیوه‌های رسوخ و نیروی اقناعی کلیشه‌های تبعیض جنسی ۳۳
خانواده ۳۴
مدرسه ۳۶
جمع‌های بچه‌های همسن و همجنس ۳۶
بازار کار ۳۷
دنیای سیاست، رسانه‌های گروهی ۳۷
کتاب‌های کودکان و نوجوانان ۳۸
تأثیرات کلیشه‌های تبعیض جنسی ۴۶

www.KetabFarsi.com

۲. کلیشه‌های تبعیض جنسی در مدرسه وکتاب‌های درسی ۵۱
شکل‌های گوناگون تبعیض جنسی در مدرسه
تبعیض جنسی در تشکیلات نظام آموزشی ۵۲
تبعیض جنسی در روابط معلمان و شاگردان ۵۴
تبعیض جنسی در روابط میان شاگردان و در بازی‌ها ۵۶
تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی: کلیشه‌های تبعیض‌آمیز ۷۵
تبعیض جنسی در مدرسه چه تأثیراتی در کودکان دارد؟ ۶۹

تصویرهایی از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز و تبعیض‌ستیز ۷۷
منبع تصویرها ۹۲

بخش دوم: پاکسازی کتاب‌های درسی وکتاب‌های کودکان از تبعیض جنسی
مقدمه ۹۵
۳. شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان وکتاب‌های درسی ۹۸
راهنمای تحلیل تبعیض جنسی ۱۰۱
تحلیل کمّی ۱۰۱
تحلیل کیفی ۱۰۲
تحلیل تبعیض جنسی در ارجاعات اجتماعی اشخاص مذکر و مؤنث، در متن‌ها و نیز در تصویرها ۱۰۳
احوال مدنی ۱۰۴
وضعیت خانوادگی ۱۹۵
سطح اشتغال ۱۰۶
شغل ۱۰۶
تحلیل تبعیض جنسی در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث ۱۰۷
فعالیت‌های خانگی ۱۰۸
فعالیت‌های تربیتی با کودکان ۱۰۸
فعالیت‌های حرفه‌ای ۱۰۹

فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی ۱۱۰
فعالیت‌های اوقات فراغت ۱۱۰
فعالیت‌های هنری ۱۱۱
بازی‌ها ۱۱۱
فعالیت‌های اکتشافی و ماجراجویانه ۱۱۲
ورزش ۱۱۲
تحلیل تبعیض جنسی در رفتارهای اجتماعی ـ عاطفی اشخاص مذکر و مؤنث ۱۱۳
عواطف مثبت یا منفی ۱۱۳
مقاومت در برابر فشار اجتماعی ۱۱۳
ضعف و قدرت شخصیت ۱۱۴
تحلیل تبعیض جنسی در زبان ۱۱۵
تبعیض جنسی در واژگان ۱۱۵
تبعیض جنسی در دستور زبان ۱۱۷
اشاره‌ها و کنایه‌ها ۱۱۷

طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی ۱۱۹
طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ای ۱۲۵
تبعیض جنسی پنهان در ارجاعات اجتماعی و در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث ۱۲۷

۴. انتشار کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تبعیض ستیز ۱۲۹
راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض‌ستیز ۱۳۰
تقسیم عادلانهٔ اشخاص مذکر و مؤنث ۱۳۰
تقسیم عادلانهٔ نقش‌های متفاوت زنان و مردان ۱۳۰
در خانواده ۱۳۰
در زندگی درسی ۱۳۲
در زندگی شغلی ۱۳۲
در نقش‌های اجتماعی و سیاسی ۱۳۴

تقسیم عادلانهٔ خصوصیات مثبت و منفی میان هردو جنس ۱۳۶
جنبهٔ جسمانی و پوشاکی ۱۳۶
امتیازها و کمبودهای فکری ۱۳۷
امتیازها و کمبودهای عاطفی ۱۳۷
امتیازها و کمبودهای ارادی ۱۳۷
پرهیز از تبعیض جنسی در واژگان و دستور زبان ۱۳۸
- در واژگان ۱۳۸
- در دستور زبان و نحو ۱۳۹

۵. اقدامات ضروری برای پاکسازی نظام آموزشی از تبعیض جنسی ۱۴۱
اقدامات لازم در وزارت‌خانه‌ها یا اداره‌های آموزش و پرورش و فرهنگ ۱۴۲
اقدامات لازم در میان کارکنان اداری و غیرآموزشیِ مدارس ۱۴۵
اقدامات لازم در میان کارکنان آموزشی و آموزگاران ۱۴۸
اقدامات لازم در میان مربیان و مشاوران تربیتی ۱۵۸
اقدامات لازم در میان شاگردان ۱۶۴
نتیجه‌گیری ۱۶۷

۶. اقدامات ضروری دربیرون ازنظام آموزشی برای زدودن تبعیض جنسی ۱۷۰
اقدامات لازم در میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ۱۷۰
اهمیت پژوهش‌ها ۱۷۹
اقدامات لازم در میان شهرداری‌ها و اولیای شاگردان ۱۸۰
اقدامات لازم در رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها ۱۸۵
اقدامات لازم در میان کارفرمایان ۱۸۸
ارزیابی تأثیر اقدامات برضد تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی ۱۹۰
نتیجه‌گیری ۱۹۶

پیوست ۱
مجموعهٔ بررسی‌های ملی دربارهٔ سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ۲۰۱
گزینش‌هایِ پژوهشیِ ممکن ۲۱۰
پیوست ۲
راهنمای انتشارات مک‌گرو ـ هیل برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی ۲۱۵
پیوست ۳
رهنمودهای انتشارات فرنان ناتان برای نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ۲۲۳

ارجاعات کتاب‌شناختی ۲۲۷
کتاب‌های برگزیده ۲۳۳

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

دربارهٔ نویسنده

خانم آندره میشل در سال ۱۹۵۹ از «دانشگاه پاریس» دکترای جامعه‌شناسی گرفت و اکنون در «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» (CNRS) در فرانسه مدیریت گروه پژوهشی نقش‌های جنس‌ها و خانواده و توسعهٔ انسانی را برعهده دارد. او مقاله‌های بسیاری در مجله‌های فرانسوی و بین‌المللی به چاپ رسانده و چندین اثر نیز به قلم یا زیرنظر او نگاشته شده است[۱].

---

۱. این کتاب‌ها به ترتیب تاریخ انتشار عبارتند از:

1. *La condition de la Francaise d'aujourd'hui,* Genève, Gonthier, 1964. (Coll."Femme, 2".)

2. *Activité Professionnelle de la femme et vie conjugale,* Paris, CNRS, 1974.

3. *Tavail féminin: un point de vue,* Paris, Documentation francaise, 1975. (Coll. "Travaux et recherches de perspective, 54".)

4. *Femmes, sexisme et sociétés,* Paris. Presses Universitaires de France, 1977. (Coll. "Sociologie d'aujourd'hui".)

این کتاب به زبان‌های اسپانیایی و ایتالیایی ترجمه شده است.

5. *Les femmes dans la société marchande,* Paris, Presses Universitaires de Freace, 1977, (Coll, "Sociologie d'aujourd'hui",)

این کتاب به زبان اسپانیایی ترجمه شده است.

6. *Le féminisme,* Paris, Presses Universitaires de France, (Coll. "Que sais-je?".)

www.KetabFarsi.com

آندره میشل که عضو چندین انجمن علمیِ جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی است، در گردهمایی‌ها و مجامعِ ملی و بین‌المللیِ متعددی دربارهٔ برابری امکانات دختران و زنان در تمام عرصه‌ها، به ویژه در زمینهٔ آموزش و پرورش و کار و شغل شرکت ورزیده است. تاکنون دو کتاب از این پژوهشگر فرزانه و آزادیخواه به فارسی منتشر شده است.

۱. جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمهٔ فرنگیس اردلان، انتشارات دانشکدهٔ علوم اجتماعی و تعاون، تهران ۱۳۵۴.

۲. جنبش اجتماعی زنان، ترجمهٔ هما زنجانی‌زاده، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۲.

چاپ اوّل این کتاب در ۱۹۷۹ و چاپ سوم آن در ۱۹۸۶ منتشر شده و به زبان‌های اسپانیایی، پرتغالی، ترکی و فارسی (با عنوان جنبش اجتماعی زنان) ترجمه شده است.

7. *Femmes et multinationales*, Paris, Karthala / Agence de cooperation culturelle et technique, 1981.

پیشگفتار

پذیرش برابری زن و مرد به عنوان یک حق انسانی و این اندیشه که برابری زن و مرد باید در عمل تأمین شود، طی سالیان اخیر پیشرفت بسیار کرده است. امروزه درستی این تحول را هیچ‌کس انکار نمی‌کند و بسیاری از مسئولان کشورها برای عملی کردن آن تلاش می‌ورزند.

یونسکو همانند چندین نهاد دیگر سازمان ملل متحد برای افشای هرچه بیشتر تأثیر منفیِ پیشداوری‌های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه که به برابری و احترام متقابل زن و مرد آسیب می‌رسانند، نقشی مهم در این تحول ایفا کرده است.

بر این کسب آگاهی در فرصت‌های متعددی، به ویژه در «کنفرانس جهانیِ دههٔ ملل متحد برای زن» تأکید شده است. در این کنفرانس اعلام شد که آموزش و پرورش باید «باکنار گذاشتنِ تصویرهای کلیشه‌ایِ سنتی از نقش‌های مرد و زن و باکمک به آفرینش تصویرهای جدید و مثبت‌تر از شرکت زنان در زندگی خانوادگی، شغلی، اجتماعی، عمومی به دگرگونی اندیشه‌ها و برخوردها یاری رساند»[1]. علاوه بر این از

---

1. *Rapport de la Conférence de la Décenies des Nations Unies pour la femme: egalité, developpement et paix. Copenhage, 14-30 Juillet 1980,* P. 41. New York, Organisation des Nation Unies, 1980. (A / CONF. 94/ 35.)

«حکومت‌ها» خواسته شد که «تمام تدبیرهای ضروری را برای محو کلیشه‌های تبعیض جنسی در تمام سطوح آموزش و پرورش در پیش گیرند.»[1]

یونسکو با هدف دوگانهٔ پشتیبانی از تلاش‌های جاری در پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی و تشویق ابتکارها در این عرصه، از سال ۱۹۸۱ برنامهٔ وسیعی را برای جلب توجه افکار عمومی به مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و نیز برای برانگیختن و تشویق تلاش در این راه و پشتیبانی از چنین تلاش‌هایی اعلام کرد. این کتاب خانم آندره میشل، مدیر پژوهش در «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» در فرانسه نیز در چارچوب همین برنامه منتشر شده است. این کتاب حاصل پژوهشی شخصی است، ولی از آن‌جا که نتیجه گیری‌هایش بر تحلیل‌های چندین بررسی استوار است که به تقاضای یونسکو در مناطق مختلف جهان صورت گرفته‌اند، بُعدی بین‌المللی پیدا می‌کند (رجوع شود به ارجاعات کتاب شناختی).

این بررسی‌های ملی در هفت کشور (چین، فرانسه، کویت، نروژ، پرو، اوکراین، زامبیا) دربارهٔ تصویر زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان انجام شده است. هدف این بررسی‌ها آن بوده است که درک بهتر مسئلهٔ تبعیض جنسی و پیشبرد اقدامات مناسب برای حل آن را برای مقامات این کشورها میسر سازد. از سوی دیگر سه کتاب راهنمای منطقه‌ای که کارشناسان دنیای عرب، آسیا، اقیانوسیه، آمریکای شمالی، اروپای غربی تدوین کرده‌اند، بررسی‌های فوق را تکمیل می‌سازند.

این اثر که یونسکو امیدوار است در عمل به شناسایی و زدودن

1. *Ibid.*, P. 109.

پیشداوری‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی یاری رساند، در درجهٔ اوّل مسئولان تهیه، نگارش، تصویرگری، و انتشار کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را خطاب قرار می‌دهد، زیرا که این افراد از قدرت تأثیرگذاری بر اذهان برخوردارند و در نتیجه می‌توانند آن‌ها را در جهت برابری و احترام همگانی هدایت کنند. همچنین برای خوانندگانی وسیع‌تر، از میان مردان و زنانی که در تمام کشورها گرفتار این مسئله هستند، گیرا خواهد بود.

آندره میشل که شایستهٔ سپاسگزاری‌های فراوان یونسکوست، مسئولیت گزینش و معرفی موارد بررسی شده و نیز آرای ابراز شده در این کتاب را برعهده دارد، آرایی که الزاماً بیان‌کنندهٔ دیدگاه‌های یونسکو نیستند. مسئولیت واژگان جدیدی که در این کتاب به‌کار رفته نیز بر عهدهٔ نویسندهٔ آن است.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

مقدمه

تبعیض جنسی، یعنی اعمال و رفتار، پیشداوری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند، هنوز نیز در ردیف بدترین مصیبت‌هایی هستند که مایهٔ درد و رنج و محرومیت بشر می‌شوند، زیرا که از یک‌سو، زنان از این وضعیت عذاب می‌کشند واز سوی دیگر تمام جوامع ذخیره‌ای عظیم از توانایی‌های فکری و انسانی را که نادیده گرفته شده یا تحقیر گشته‌اند، از دست می‌دهند. تحت‌تأثیر جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان است که مفهوم «تبعیض جنسی» رواج یافته است. این مفهوم اشاره دارد به اعمال و افکار تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و نیز به این‌که این اعمال و افکار همان اندازه نادرست و محکوم شدنی‌اند که اعمال و افکار تبعیض‌آمیز قومی، دینی یا سیاسی. تا چندی پیش هرگونه تبعیض نسبت به جنس زن، حاصل یک نظام طبیعی محسوب می‌شد که وظایف و نقش‌های متفاوتی را بر عهدهٔ زنان و مردان می‌گذارد. چنین عقیده‌ای هنوز در بسیاری از نقاط جهان حاکم است. اما در پی ابداع عبارت «تبعیض جنسی» برای رسوا کردن همه انواع این تبعیض‌ها، پیشرفت اجتماعی بزرگی حاصل شده است. رواج این عبارت نشاندهندهٔ آن است که تفاوت‌های تحقیرکنندهٔ جنس زن نه ناشی از ارادهٔ خداوند است، نه حاصل یک نظم طبیعی، نه

www.KetabFarsi.com

مبتنی بر زیست‌شناسی، بلکه نتیجهٔ رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان است و چنین رفتاری از این پس باید کنار گذاشته شود و موقعیت عادلانه و شایستهٔ زنان جایگزین آن گردد، موقعیتی که در آن جایگاه زن، همتای مردان در تمام عرصه‌های جامعه (خانواده، کار، زندگی اجتماعی، سیاسی، هنری، دستیابی به علم و فنون و ورزش و مانند آن‌ها) باشد.

مثل همیشه طرفداران حقوق و آزادی زنان «فمینیست‌ها» بودند که نخستین گام‌ها را برای افشای انواع تبعیض نسبت به زنان، برداشتند. و از آن‌جا که در بیشتر کشورها، اکثر آموزگاران و در مواردی دبیران نیز زن هستند و به دلیل آن‌که آنان در مقام معلم، بسیار بیشتر از مردان با کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان سر و کار دارند و آن‌ها را می‌خرند و در امور درسی کودکان نیز نقشی فعال‌تر دارند، جای شگفتی نیست که خود آنان نخستین کسانی باشند که به وجود تبعیض جنسی در پیشداوری‌ها و افکار قالبیِ مسلط بر متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان پی ببرند و در کشورهای مختلف، به ویژه در کشورهای اسکاندیناوی، انگلستان، فرانسه و آمریکا دربارهٔ تعریف این نوع تبعیض جنسی به پژوهش بپردازند و برای افشای آن پیکار کنند.

بدین‌ترتیب پیکار با تبعیض جنسی، موضوع کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی شد که توجه حکومت‌ها و مسئولان آموزش و پرورش یعنی معلمان، اولیا، نویسندگان و ناشران را برانگیختند. اما درست نبود که این اقدام‌ها در چارچوب جغرافیایی تنگی محدود بمانند. یونسکو رسالت جهانی خود را در دفاع از برابری امکاناتِ دختران جوان و زنان در عرصهٔ آموزش و پرورش به خوبی انجام داد و برای این کار به مجموعه‌ای از

بررسی‌ها در تمام قاره‌ها دست زد تا وضعیت پیشداوری‌های موجود در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را روشن کند. این بررسی‌های ملی که به تقاضای یونسکو صورت پذیرفتند، مصالحی بسیار پربار و ارزشمند برای تعریف تبعیض جنسی در تصویرها و متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان در قاره‌های مختلف، فراهم آوردند و نیز دربارهٔ راه‌های شناخت تبعیض جنسی و تهیه کتاب‌هایی برای کودکان که در آن‌ها از تبعیض جنسی نشانی نباشد، رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه کردند. در این هنگام بود که در مرحلهٔ دوم، یونسکو ابتکار نگارش اثری را عهده‌دار شد که راهنمایی برای شناخت تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و توصیه‌هایی برای رفع آن‌ها عرضه می‌دارد.

من که برای نگارش این کتاب دعوت شده بودم، نه فقط از ذخیرهٔ آگاهی‌های موجود در بررسی‌هایی که پیشتر به تقاضای یونسکو انجام شده بود، غافل نماندم، بلکه متوجه شدم که برای این که هر کشوری در راه کاهش و حذف تبعیض جنسی در کلیهٔ کتاب‌های کودکان ـ اعم از درسی یا غیردرسی ـ تلاش ورزد، پیام به حکومت‌ها و مسئولانِ متفاوت آموزش و پرورش هنگامی با تأثیر و پذیرش بیشتر روبه‌رو می‌شود که بتوانم نه فقط حاصل پژوهش‌ها و توصیه‌های نمایندگان کشورهای غربی، بلکه نتایج کشورهای سوسیالیست و کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را نیز عرضه کنم. جهانی بودن تبعیض جنسی، یعنی موقعیت فرودست زنان که به ویژه با پیشداوری‌ها و کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی محافظت می‌شود، مقابله‌ای جهانی را طلب می‌کند: به همین سبب ضروری است که ملاحظات و پیشنهادهای کسانی که از آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و شوروی [سابق] در بررسی‌های یونسکو شرکت

کرده‌اند، در نظر گرفته شود.

در واقع به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست که گنجینهٔ پربار این اسناد و مطالب در بررسی‌های ملی و محلی بدون استفاده بماند. به همین سبب است که در هر فصل خواننده از قاره‌ای به یک قارهٔ دیگر، از کشوری به کشور دیگر سفر می‌کند. از چین به پرو، با گذر از اوکراین، لبنان، کویت، زامبیا، نروژ، فرانسه، کانادا و ایالات متحدهٔ آمریکا. بدین‌ترتیب هریک از این کشورها، در تدوین این کتاب نقشی غیرمستقیم اما مؤثر داشته است.

نکتهٔ شایان توجه آن‌که در کتاب حاضر برای رعایت توصیه‌هایی که برای نگارش کتاب‌های درسی و غیردرسی مخالف تبعیض جنسی داده شده است، از فرهنگ واژگان زبان فرانسه در مواردی فاصله گرفته‌ایم و برخی از نام‌هایی را که هنوز در این فرهنگ وجه مؤنث ندارند، به صورت مؤنث به کار برده‌ایم (مانند auteure ، مؤنثِ auteur، Professeure، مؤنثِ Professeur ، ingénieure ، مؤنثِ ingénieur ، écrivaine ، مؤنثِ écrivain). این نوآوری‌ها، دستاوردهایی هستند که هم‌اکنون در برخی از کشورهای فرانسه زبان، مانند کانادا، پذیرفته و رایج شده‌اند. این حرکت بی‌آن‌که اهمیتی بیش از حد به قوانین دستوری فرسوده بدهد، به پیش می‌رود. موضوع برابری جنسی آن قدر اهمیت دارد که سرپیچی‌هایی را از قوانین دستوری موجه سازد، قوانینی که در اکثر زبان‌ها جنس مذکر را برتر از جنس مؤنث («جنس دوم») می‌دانند. تغییر پیشنهادی و موردنظر ما آن است که دیگر در زبان یا در محتوای متون و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان نباید به زنان به عنوان («جنس دوم») برخورد بشود.

... نکتهٔ دیگر آن که جهانگیر بودن مسئلهٔ پیشداوری‌ها و سنت‌های تبعیض‌آمیز جنسی نباید دشواری و تنوع شیوه‌های برخورد به این موضوع بر مبنای هر وضعیت اجتماعی ـ فرهنگی خاص را از نظر دور بدارد. به همین سبب نهادهای عمومی، آموزگاران و به‌طورکلی همهٔ افراد دست‌اندرکار در آموزش و پرورش و نگارش و انتشار کتب در هر کشور وظیفه دارند که مناسب‌ترین اقدامات لازم را برای از بین بردن افکار و تصاویرِ تبعیض‌آمیز در مورد دختران و زنان و نیز پسران و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان برگزینند و تصاویر و مطالب مثبت‌تری را رواج دهند که برای دختران و زنان نیز جایگاهی شایسته قائلند.

این مطالب و تصویرهای جدید ممکن است در گسترش برخوردهای برابرانه و احترام متقابل میان زنان و مردان نقشی مؤثر ایفا کنند و هم به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یاری برسانند و هم به سعادت افراد.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بخش اول

کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و مدرسه

۱. کلیشه‌های تبعیض جنسی در جامعه و کتاب‌های کودکان

تعریف:

دو مفهوم تبعیض نژادی و تبعیض جنسی مشابهت‌های بسیار دارند: تبعیض‌نژادی نشاندهندهٔ تصویرها، نگرش‌ها، رفتارها و کلیشه‌های تبعیض‌آمیز نسبت به یک قوم است و تبعیض جنسی، شکل‌های متعدد نابرابری براساس جنسیت را دربر می‌گیرد. اگر شیوه‌های تفکر و رفتار فردی کمابیش آگاهانه به تبعیض جنسی آغشته باشد او را طرفدار تبعیض جنسی می‌نامند. به بیان روشن‌تر «تبعیض جنسی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیتِ افراد به تحقیر، طرد، خوارشمردن و

کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد»[1: 15][1]. و به یک مفهوم باز هم وسیع‌تر «تبعیض جنسی گرایشی است که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می‌پردازد»[2: 3].

پیشداوری، یعنی باور و عقیده‌ای پیش ساخته که تحمیلیِ محیط، زمانه و آموزش و پرورش است و به مفهوم کلیشه بسیار نزدیک است: کلیشه چیزی است که بی‌هیچ تغییری تکرار و باز تولید می‌شود، با الگویی ثابت و عام انطباق دارد و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز است: تصویر ذهنیِ یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای که برای اعضای یک گروه مشترک است و عقیده‌ای به غایت ساده شده، رفتاری عاطفی و یادآوریِ بی‌آزمون و بررسی را نشان می‌دهد [3]. کلیشه اعم از این که طرفدار تبعیض نژادی یا تبعیض جنسی باشد ممکن است در قالب داوری، احساس یا تصویر بیان شود. کلیشه‌های تبعیض نژادی به یک قوم خاص مربوط می‌شوند و کلیشه‌های تبعیض جنسی به جنس مخالف. تعریف کلیشه از نظر و. شستاکوف عبارت است از: گرایش به یکنواختی و یکسان‌سازی، یعنی حذف خصوصیات فردی و تفاوت‌ها و نبود کامل روحیهٔ انتقادی در مباحثه و ابراز عقیده [3].

کلیشه از آن‌جا که با تعمیم نابه جا و ساده‌انگاری افراطی همراه است، پدیده‌ای منفی به حساب می‌آید که تحریف واقعیت را در پی دارد. نادرستی کلیشه نیز در آن است که بی‌هیچ مبنای علمی و با استناد به یک تفاوت کاذبِ «طبیعی» خصوصیاتی را به یک قوم نسبت می‌دهد. البته

---

۱. از این پس تا پایان کتاب، منبع نقل‌قول‌هایی که در گیومه آمده، با دو عدد در کروشه مشخص شده است. عدد سمت چپ به شمارهٔ کتاب در ارجاعات کتاب‌شناختی (صفحهٔ ۲۲۷) برمی‌گردد و عدد سمت راست که پس از دو نقطه آمده است به صفحهٔ آن کتاب مربوط می‌شود.

تفاوت‌های زیست‌شناختی، هم بین اقوام وجود دارد (مانند تفاوت در رنگ و پوست) و هم بین جنس‌ها (مثل تفاوت در جنسیت) اما این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه توجیه کنندهٔ داوری‌های بی‌پایه‌ای از این قبیل نیست که گویا یک قوم یا جنس خاص هوش بیشتری دارد.

لیز دونیگان کلیشه را چنین تعریف می‌کند: «الگوی خشکی که واضع مشخصی ندارد و براساس آن، تصاویر و مفاهیم یا رفتارها به طور خود به خود تکرار می‌شوند» [2:3]. برمبنای این تعریف به روشنی درمی‌یابیم که یک مفهوم واحد برای توصیف یک تصویر یا نگرش یا رفتار، نه فقط به اسم و صفت تبدیل می‌شود، بلکه به صورت فعل نیز درمی‌آید، فعلی که به خودِ عملِ آفرینش کلیشه‌ها اشاره دارد. به عنوان مثال در کنار اسم کلیشه «stéréotype» در زبان فرانسه فعل کلیشه‌سازی «stéréotyper» ساخته شده است. این امر نشان می‌دهد که کلیشه‌ها اعم از نژادپرستانه یا جنس‌پرستانه فطری نیستند، بلکه آفریده‌ای اجتماعی‌اند.

در مورد تصاویر، کلیشه‌های تبعیض جنسی به خوار شمردن زنان و دختربچه‌ها و به بزرگداشتن مردها و پسربچه‌ها می‌پردازند. افزون براین در هریک از دو گروه اشخاصِ مؤنث و مذکر همشکلی خاصی یافته می‌شود و سدی میان این دو گروه وجود دارد که باعث می‌شود یکی از آن‌ها ویژگی‌های دیگری را نادیده گیرد یا تحقیر کند. به عبارت دیگر، اشخاص مذکر و مؤنث چنان کلیشه‌بندی شده‌اند که ارزشیافتگی گروه نخست از ارزشباختگی گروه دوم جدایی‌ناپذیر است.

اخلاق، رفتار و برخوردهای دوگانه، تبعیض‌آمیز و قالبی نسبت به مردان و زنان و خوارشمردن زنان به سود مردان در تمام جوامع معاصر دیده می‌شود. نمونهٔ برجستهٔ این امر نویسندهٔ بزرگی است که در پی عمل

جراحی برای تغییر جنسیت مشاهده کرد که برخورد دیگران با او دچار تغییری بنیادی شده است: «می‌گویند که فاصلهٔ اجتماعی میان دو جنس کاهش می‌یابد، اما من که در نیمهٔ دوم قرن بیستم، دو نقش مختلف را تجربه کرده‌ام، می‌توانم گواهی بدهم که آشکارا هیچ جنبه‌ای از زندگی، هیچ لحظه‌ای از روز، هیچ برخورد، هیچ توافق و هیچ واکنشی وجود ندارد که برای مردان و زنان متفاوت نباشد... همه‌چیز و همه‌کس با سرسختی تمام تغییر موقعیت مرا یادآوری می‌کردند... هراندازه با من بیشتر مثل زن رفتار می‌شد، خود را بیشتر زن احساس می‌کردم و خواه ناخواه با نقش جدیدم کنار می‌آمدم. اگر دیگران فرض می‌کردند که من نمی‌توانم به رانندگی بپردازم یا در بطری را باز کنم، احساس می‌کردم که به نحو غریبی بی‌دست و پا شده‌ام...[4].

به عبارت دیگر تمام کلیشه‌ها، حتی آن‌هایی که بی‌زیان به نظر می‌رسند، بر مخاطبانشان تأثیری مهم دارند.

محتوای کلیشه‌ها

در بالا دیدیم که کلیشه‌ها دربر گیرندهٔ تصاویر، نگرش‌ها، احساس‌ها یا اعمال هستند. در این‌جا به محتوای آن‌ها می‌پردازیم.

کلیشه‌ها ممکن است به جنبهٔ جسمانی یک گروه انسانی (زنان یا مردان) یا به خصوصیات فکری، عاطفی و یا به جنبه‌ای از موقعیت اجتماعی یک گروه انسانی مربوط شوند.

این نظر که «مردان پرخاشگرند» نیز داوری ناشی از تبعیض جنسی است، زیراکه پرخاشگری را به ویژگی فطری مردان تبدیل می‌کند و نقش تربیت را در زندگی پسرها و دخترها نادیده می‌گیرد، همان تربیتی که

پسرها را به پرخاشگری نسبت به دیگران تشویق می‌کند و دخترها را به خودداری از پرخاشگری یا به هدایت آن بر ضد خودشان می‌کشاند.

گفتارها یا تصویرهایی که در آن‌ها زنان چنان نمودار می‌شوند که گویی فقط کدبانو و مادرانی هستند که صرفاً با شوهر یا فرزندانشان رابطه دارند نیز گفتارها و تصویرهای تبعیض‌آمیز هستند، زیرا که به واقعیات زیر توجهی ندارند:

تمام زنان فقط همسر و مادر نیستند، بلکه زنان تنهایی نیز هستند (زنان مجرد، بیوه، طلاق گرفته، جدا شده و جز آن) که از انسانیت هیچ کم ندارند.

زندگی تمام زنان به رابطهٔ متقابل با شوهر و فرزندان خلاصه نمی‌شود. در سرتاسر جهان بسیاری از زنان در کنار این روابط، نوعی زندگی اجتماعی نیز دارند (مانند روابط با همسایگان در محله یا با همکاران در کارخانه یا اداره).

داوری‌هایی که مرد را چنان معرفی می‌کند که گویی در برابر زن و فرزندان همیشه نقش رئیس و برتر را دارد کلیشه‌ای است مبتنی بر تبعیض جنسی، زیرا که در بسیاری از خانواده‌ها زن و شوهر به طور مشترک به تصمیم‌گیری دربارهٔ زندگی خانوادگی، فرزندان و زندگی شغلی خود می‌پردازند. این نظر هم که مردان نه می‌توانند از فرزندان مراقبت کنند و نه به آنان محبت ورزند داوری مبتنی بر تبعیض جنسی است، زیرا که مردان نیز قادرند روابط محبت‌آمیزی با فرزندانشان داشته باشند و از آنان مراقبت کنند.

ذهن انسان با کلیشه‌سازی به عملی دوگانه دست می‌زند: از یک‌سو خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان نسبت می‌دهد که در مردان از آن‌ها

www.KetabFarsi.com

نشانی نیست و از سوی دیگر مردان را از ویژگی‌ها و توانایی‌هایی بهره‌مند می‌سازد که زنان از آن‌ها محرومند. نیازی به توضیح نیست که در این تقسیم کلیشه‌های تبعیض‌آمیز میان دو جنس، دو کفهٔ ترازو یکسان نیست: مردان بسیار بیش از زنان از ارزش‌های مثبت (شجاعت، هوش، اعتماد به نفس، شایستگی شغلی، خطرپذیری، ماجراجویی، روحیهٔ ابتکار و کارآیی) بهره‌مندند و زنان به ویژه به صورت افرادی بی‌بهره از این صفاتِ به اصطلاح «مردانه» و برخوردار از صفاتِ معروف به «زنانه» ترسیم می‌شوند، صفات «زنانه‌ای» که گویا مردان فاقد آن‌ها هستند.

کلیشه‌هایی که آشکارا بیان می‌شوند و کلیشه‌هایی که پنهان می‌مانند.

بررسی‌هایی که به درخواست یونسکو صورت گرفته‌اند، کلیشه‌های آشکارِ کتبی یا شفاهی را از کلیشه‌های نهفته و ضمنی متمایز می‌سازند.

ساروجینی بیزار یا [5] در میان کلیشه‌های آشکار به برنامه‌های درسی اشاره می‌کند که میان رشته‌های «اساساً زنانه» و رشته‌های «اساساً مردانه» تمایز می‌گذارند. چنین کلیشه‌هایی دخترها و پسرها را از دستیابی به برابری امکانات در زمینهٔ آموزش و پرورش محروم می‌سازند، زیرا که کودکان را از انتخاب رشته براساس گرایش‌ها و استعدادهایشان باز می‌دارند و تعیین رشته را بر مبنای کلیشه‌های تبعیض جنسی به آنان تحمیل می‌کنند.

علاوه براین، در برنامهٔ درسی، تعیین کارهای تکه چسبانی مقوا و پارچه برای دخترها و نجاری برای پسرها ناشی از یک کلیشهٔ آشکارا تبعض‌آمیز است، زیرا که این دوگانگیِ آموزشی، نوجوانان هردو جنس

را از دستیابی به کارهای عملیِ یکسان محروم می‌کند. البته منظور آن نیست که تمام پسرها را به کارهای تکه چسبانی یا تمام دخترها را به کارهای نجاری تشویق کرد، بلکه باید شاگردان را آزاد گذاشت تا براساس میل و استعداد خودشان کارهای عملی را انتخاب کنند. کلیشه‌های تبعیض جنسی نه فقط در نهادها و سازمان‌ها بلکه در عادات و آداب روزمره نیز که بین پسرها و دخترها تفاوت می‌گذارند، آشکارا بیان می‌شوند. به عنوان مثال اگرچه این امر در هیچ قانونی نیامده بارها شنیده‌ایم که پدر و مادرها به پسرشان می‌گویند: «گریه نکن، مگر تو پسر نیستی!». هدف از این داوری‌های کلیشه‌ای آن است که پسربچه را به پنهان داشتن عواطف خود وادارند در حالی که دخترها در بیان چنین عواطفی با منع و سرکوفت روبه‌رو نمی‌شوند.

تبعیض جنسیِ نهفته، در زبان یا نوشته‌ها به چشم نمی‌خورد، بلکه در برخوردها و رفتارهای متفاوت به افراد براساس جنسیت آنان جلوه‌گر می‌شود. مثلاً دختربچه‌ای را که پیراهن زیبایی بر تن کرده، غرق در ستایش می‌کنند ولی تحسین و آفرین برای موفقیت‌های درسی به پسر اختصاص دارد. در این مورد برخورد با بچه‌ها با داوری‌های تبعیض آمیز دربارهٔ یک جنس همراه نیست، بلکه خود برخوردها تبعیض‌آمیزند. همه‌چیز چنان می‌گذرد که گویی دختربچه برای این‌بار آمده که خوشایند دیگران باشد، اما پسربچه برای موفقیت اجتماعی ساخته شده است.

نوع دیگری از تبعیض جنسیِ نهفته، نادیده گرفتن برخی از جنبه‌هایِ زندگی اجتماعی است، بدین‌ترتیب که نمایش و ترسیم یک جنس به برخی از خصوصیات و بعضی از نقش‌ها محدود می‌شود. این نوع تبعیض جنسی در کتابی که ژولیندا ابونصر، ایرن لارفینگ و جمیله میکاتی

درباره شناخت کلیشه‌های جنسی در کتاب‌های درسی جهان عرب و رهنمودهایی برای مقابله با آن‌ها تهیه کرده‌اند، آمده است: «پیام‌های (آلوده به تبعیض جنسیِ) نهفته ممکن است به نحوی پوشیده انتشار یابند... از یک طرف مادر را بزرگ و گرامی می‌دارند و از طرف دیگر، یگانه گزینش برای دختران آن است که مادر بشوند» [1:16].

به نظر می‌رسد که مثال اخیر رایج‌ترین نمونهٔ نابرابری جنسیِ نهفته در رسانه‌های گروهی و کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان است: در مورد دختران و زنان فقط و فقط نقش عاطفی و مادرانه و خانوادگی آنان ترسیم و ستوده شده و نتیجهٔ منطقی این امر آن است که راه تمام دیگر نقش‌های اجتماعی (حرفه‌ای، سیاسی) برآنان بسته می‌شود.

همین مفهوم در بررسیی که لیز دونیگان در ایالت کبک در کانادا انجام داده، دیده می‌شود: «دختران گاهی آشکارا تشویق می‌شوند تا باور کنند که یگانه عناصر اساسی زندگی آیندهٔ آنان ازدواج و مادر شدن است، اما پسرها با الگوهای هویت‌یابی بسیار متنوع‌تری روبه‌رو می‌شوند و نقش خانوادگیشان، عاملی جزیی و بی‌اهمیت به حساب می‌آید» [2].

تبعیض پنهان عبارت از آن است که به دختران فقط یک الگویِ هویت‌یابیِ ارائه می‌شود که همان تشکیل خانواده است، اما پسرها از حق انتخاب گسترده برخوردار می‌شوند. تبعیض جنسی پنهان و غیررسمی در رفتار متفاوت پدر و مادرهای کشوری کم‌درآمد با دختر و پسرهایشان نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال تصویر دختربچه‌ای که برادر کوچک خود را بر دوش گرفته، در حالی که برادر بزرگش تیله‌بازی می‌کند یا سرگرم درست کردن بادبادک است: این تصویر نشان می‌دهد که تربیت این دختربچه از آغاز طوری است که باید پس از بیرون آمدن از مدرسه

به پدر و مادرش کمک کند، اما آزادی بیشتری به پسرها داده می‌شود و آنان مجبور نیستند که به پدر و مادرشان یاری برسانند. رفتارهای پدر و مادر، اعم از این که با توضیح و تفسیرهای کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز همراه باشد یا نباشد، به پسرها می‌فهماند که آنان جنس مسلط و برترند و به دخترها نشان می‌دهد که به جنس ضعیف و فرودست تعلق دارند.

نقش کلیشه‌های تبعیض جنسی

کلیشه‌های تبعیض جنسی مانند کلیشه‌های نژادپرستانه نقشی اجتماعی دارند که جامعه‌شناسان به بررسی آن پرداخته‌اند. در واقع ثابت شده است که پیشداوری‌های نژادپرستانه پیامد ستم و استثماری هستند که ریشه‌های تاریخی دارد. به عنوان مثال هنگامی که سیاه‌پوستان در پی فتوحات استعماریِ سفیدپوستان به برده تبدیل شدند، بایستی برای توجیه بردگی سیاهان و ستم و سلطهٔ سفیدپوستان پیشداوری‌ها و کلیشه‌های نژادپرستانه ابداع شود. و در پی این وضعیت تاریخی و تداوم تبعیض نژادی است که امروزه پیشداوری‌ها و کلیشه‌های نژادپرستانه دربارهٔ فرودستی مفروض سیاهان و برتری سفیدپوستان تکرار می‌شود. خلاصه آن که جامعه‌شناسان دریافته و نشان داده‌اند که پیشداوری‌ها و کلیشه‌های نژادپرستانه پیامد اعمال تبعیض‌آمیز در برابر یک قوم‌ و نقش آن‌ها، توجیه اسارت این قوم در وضعیت فرودستی (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و جز آن) است. اما از سوی دیگر کلیشه‌های نژادپرستانه، براساس یک دور باطل به حفظ اعمال تبعیض‌آمیز نسبت به یک گروه قومی که فرودست فرض شده است، یاری می‌رسانند.

کلیشه‌های تبعیض جنسی بر مبنای همین منطق شکل گرفته و باز تولید

شده‌اند. به عنوان مثال در غرب، پیدایش مالکیت خصوصی منقول که پول، آشکارترین صورت آن است به نوع جدیدی از خانواده نیاز داشت: خانوادهٔ بورژوایی که در آن شوهر، رئیس خانواده و اداره کنندهٔ اموال است، اما زن صلاحیت حقوقی ندارد. این خانواده که تا قرن چهاردهم میلادی در حقوق فرانسه جایی ندارد جایگزین خانوادهٔ فئودالی می‌شود که در درون آن زن شوهردار صلاحیت حقوقی داشته و در نتیجه از حق ادارهٔ اموال خود، حق تعقیب قضایی و شرکت در زندگی سیاسی بهره‌مند بوده است. حقوقدانان قرن چهاردهم برای این که فقدان صلاحیت حقوقی جدید زن شوهردار را در خانواده‌های بورژوا توجیه کنند از حقوق روم مفهوم کلیشه‌ای «جنس ضعیف» را وام می‌گیرند. این امر نشان می‌دهد که چنین کلیشه‌ای برای توجیه نوع جدیدی از خانواده به کار می‌رود، خانواده‌ای که با اعمال و قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنانِ شوهردار مشخص می‌شود.

بعدها پیشداوری‌های دیگری برای تحقیر زنان غرب رواج یافتند: در پایان قرن نوزدهم، اعمال تبعیض‌آمیز نسبت به زنان کارگر، در کنار اسارت زنان بورژوا در خانه‌ها به کلیشه‌های جدید دربارهٔ زنان انجامید. براساس این کلیشه‌ها زنان «کدبانو» به حساب می‌آیند و حتی وقتی کار بکنند نیز فقط می‌توانند «کار فرعی» و به ناچار «مزد ناچیز» داشته باشند [7].

اکنون آسان‌تر درمی‌یابیم که چرا در جامعه‌های معاصر، کلیشه‌های تبعیض جنسی تداوم پیدا می‌کنند. در تمام موارد، هدف این کلیشه‌ها تقویت و توجیه وابستگی، فرودستی و نابرابری موقعیت زنان در جامعه است. این موقعیت را سازمان ملل متحد در سطح جهانی به صورت زیر

خلاصه کرده است:

زنان در حدود پنجاه درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و شصت و شش درصد از کل ساعت کار (کار با مزد و کار بی‌مزد) را انجام می‌دهند.

باوجود این، آنان فقط سی و سه درصد از نیروی کار مزدگرفته را دربر می‌گیرند، زیرا که مردان، غالب کارهای با مزد را به خود اختصاص می‌دهند.

زنان اقلیتی ناچیز از مسئولان بلندپایهٔ سیاسی را در سطح ملی یا بین‌المللی تشکیل می‌دهند. آنان فقط ده درصد از کل درآمد جهانی را دریافت می‌کنند و صاحب کم‌تر از یک درصد از املاک جهانی هستند.

شیوه‌های رسوخ و نیروی اقناعیِ کلیشه‌های تبعیض جنسی

شیوهٔ کار نظام اجتماعی حاکم بر جهان آمیخته به تبعیض جنسی است، زیراکه زنان در چهارگوشهٔ جهان فرودست به حساب می‌آیند و تحقیر می‌شوند. صرفِ مشاهدهٔ بازتولید و نحوهٔ کار این نظام، ابزار پرورش اجتماعی مؤثری است برای تلقین این مفهوم به کودکان و بزرگسالان هردو جنس که زنان، جنس فرودست و ضعیفند. به علاوه همین نظام کودکان و جوانان را به پذیرش همهٔ کلیشه‌های تبعیض جنسی وامی‌دارد، کلیشه‌هایی که وضع موجود را با تمام بی‌عدالتی و تباهی‌هایش توجیه می‌کنند.

اما در درون این نظام اجتماعی فراگیرِ ملی یا بین‌المللی، نظام‌های اجتماعی خُردی وجود دارند که کودکان و جوانان، زندگی روزمرهٔ خود را در چارچوب آن‌ها سپری می‌کنند و این نظام‌های اجتماعی خُرد نیز

برای توجیه فرودستی یک جنس نسبت به جنس دیگر، کلیشه‌های تبعیض جنسی را در مغز کودکان و بزرگسالان فرو می‌کنند. این نظام‌های خُرد عبارتند از: خانواده، مدرسه، جمع‌های بچه‌های همسن و همجنس، مؤسسه، بازار کار، حزب سیاسی، سندیکا، اتحادیه، رسانه‌های گروهی. در این جا نقش بعضی از این نظام‌های خُرد را به طور مختصر از نظر می‌گذرانیم.

خانواده

خانواده اعم از این که به کشوری توسعه یافته یا روبه توسعه یافته تعلق داشته باشد بهترین عامل انتقال تبعیض جنسی است. پژوهش‌های مربوط به زمان کار نشان می‌دهد که در تمام کشورها کارهای خانگی زنان بیش از مردان است و مردان غالباً برای به دست آوردن مزد یا درآمد، زمان بیشتری در بیرون از خانه کار می‌کنند. کارِ مرد ارزش دارد، زیرا که پول‌ساز است. کار خانگی مادر باوجودی که آسایش همسر و فرزندان را تأمین می‌کند چون چندان یا اصلاً پول‌ساز نیست، بی‌ارزش است. همین امر از علت‌هایِ بالقوهٔ تحمیل کلیشه‌های تبعیض جنسی به کودکان است: پدر، برتر انگاشته می‌شود و مادر، فرودست به حساب می‌آید، به ویژه که آداب و رسوم و مقررات خانوادگی نیز معمولاً عنوان «رئیس خانواده» را به شوهر اعطا می‌کند و او را «نان‌آور خانه» می‌داند.

تقسیم کاری که کودک بین پدر و مادر خود مشاهده می‌کند در شکل‌گیری هویت پسرانه یا دخترانهٔ او نقش اساسی دارد. وظایفی که مادران جوان در مناطق روستایی در کشورهای رو به توسعه انجام می‌دهند در شکل‌گیری برداشتی که دختربچه‌ها از نقش خود دارند،

عاملی تعیین‌کننده است. آنان باید از خواهر و برادرهای کوچکشان نگهداری کنند اما پسرها از شش سالگی به مراقبت از گله‌های بز، گوسفند یاگاو می‌پردازند [5].

برخوردهای متفاوت پدر و مادر با دختر و پسرها نیز از کلیشه‌های تبعیض جنسی تأثیر می‌پذیرد. در غرب رسم براین است که برای دختربچه‌ها، عروسک، سرویس آشپزخانهٔ کوچک، وسایل خانه و چرخ خیاطی کوچک بخرند. در حالی که برای پسر بچه‌ها بازی‌های خانه‌سازی، اسباب‌بازی‌های برقی، یا ماشینی (خودرو، هواپیما، قطار) می‌خرند. این اسباب‌بازی‌ها در پسرها استعدادهایی غیر از توانایی انجام کارهای خانگی را پرورش می‌دهند.

اما توزیع نابرابر نقش‌ها در درون خانواده، تقسیم کار بین پدر و مادر (کارِ بامزد پدر و کار بی‌مزد مادر) یگانه ابزارهای القای کلیشه‌های تبعیض جنسی در ذهن اعضای خانواده نیست.

برخوردها، رفتار و عواطف پدر و مادر نسبت به فرزندانشان برحسب این که پسر باشند یا دختر متفاوت می‌شود. به عنوان مثال در بسیاری از کشورها تولد نوزاد پسر شادمانی‌های گسترده و دیرپایی در پی دارد، اما تولد نوزاد دختر یا به سکوت برگزار می‌شود و یا به سرزنش‌ها و سرکوفت‌های شوهر به همسرش می‌انجامد.

علاوه بر کلیشه‌های تبعیض‌آمیزِ پیشگفته باید به برخوردهای تبعیض‌آمیز در حالات و رفتار پدر و مادر نسبت به فرزندان، به ویژه در جوامع یا قشرهای بسیار تنگدست اشاره کرد: به عنوان مثال غذایی که به پسرها می‌رسد بیشتر و بهتر از دخترهاست و نیز تحصیلات دخترها بسیار آسان‌تر از پسرها قربانی می‌شود. در نتیجهٔ همین امر میزان بی‌سوادی زنان بیش از مردان است.

مدرسه

مدرسه نیز جایگاه فراگیری تبعیض جنسی است ـ به ویژه از رهگذر کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی که در کتاب‌های درسی به وفور دیده می‌شود. این موضوع در فصل دوّم بررسی شده است.

جمع‌های بچه‌های همسن و همجنس

جمع بچه‌های همجنس نیز مکتب دوگانهٔ تبعیض جنسی است. بچه‌های هردو جنس با مشاهدهٔ بازی‌های دوستانشان پی می‌برند که بازی‌ها نیز پسرانه و دخترانه دارند: بازی‌های پر سر و صدا و شلوغ مخصوص پسرهاست (این بازی‌ها را مثل فوتبال می‌توان در کوچه انجام داد) اما بازی‌های دخترها در درون خانه انجام می‌شود و باید دور از چشم دیگران باشد (به عنوان مثال، عروسک‌بازی یا لی‌لی‌بازی در گوشهٔ حیاط).

جمع بچه‌های همجنس فعالیت‌هایی را در بین بچه‌های هردو جنس تشویق می‌کنند که کاملاً به کلیشه‌های تبعیض‌آمیز آغشته‌اند. در واقع برای پذیرفته شدن در جمع بچه‌های همجنس باید همرنگ دیگران شد و ارزش‌ها و هدف‌های جمع را قبول کرد. در چنین جمع‌هایی مجازات نافرمانی و سرکشی، ترس از کنار گذاشته شدن از بازی و محروم شدن از دوستی اعضای جمع است[5]. مثلاً در یکی از کتاب‌های آموزشی آمده است که «بسیاری از دختران نوجوان می‌پندارند که رشد توانایی‌های فکریشان صرفاً تأثیری منفی خواهد داشت، زیرا که همیشه اهمیت و صلاحیت مردان از آنان بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر محیط زندگی پسرها آنان را به کامیابی در ورزش یا در تحصیلات عالی می‌کشاند[5].

جمع بچه‌های همسن نیز معمولاً با جمع بچه‌های همجنس و همبازی درهم می‌آمیزد و به همان ترتیب حامل کلیشه‌های تبعیض جنسی است.

بازار کار

بازار کار معمولاً کارها و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را طوری بین مردان و زنان تقسیم می‌کند که بعضی از رشته‌های شغلی و کارها و حرفه‌ها را صرفاً زنان انجام می‌دهند و برخی دیگر را فقط مردان. علاوه بر این، به کارهای مردان و زنان مزد برابر تعلق نمی‌گیرد. به تردستی و مهارت زنان در سوار کردن دستگاه‌های برقی یا چرخ خیاطی کم‌تر از آن کارهای مردان که به نیروی بدنی نیاز دارد یا با ماشین ابزارها انجام می‌شود، درجه و مقام و مزد و ارزش تعلق می‌گیرد. تخصص‌های شغلیِ عالی در حرفه‌های دستی مثل تخصص‌های کارگران ورزیده یا بسیار ورزیده به مردان اختصاص دارد، در صورتی که زنان معمولاً نیروی کار بی‌تخصص یا کارگر متخصص مادام‌العمر ساده محسوب می‌شوند.

در تمام حرفه‌ها اعم از دستی یا غیردستی، مدیران و مسئولان معمولاً فقط از بین مردان انتخاب می‌شوند و فرض براین است که زنان یا علاقه‌ای به این شغل‌ها ندارند و یا از انجامشان ناتوانند.

بدین‌ترتیب دنیای کار نیز در عمل، تابع و مروّج تبعیض جنسی است: برای کودک کافی است که نگاهی به این دنیا بیندازد تا از فرودستی کاذب و تحمیلیِ زنان اطمینان پیدا کند.

دنیای سیاست، رسانه‌های گروهی

دنیای سیاست و رسانه‌های گروهی نیز حامل نابرابری جنسی هستند.

کودکان از رهگذر رسانه‌های گروهی از یک‌سو مردان را مشاهده می‌کنند که همه‌جا، در دولت، در مجلس، در گردهمایی‌های سیاسی یا صنفی و در سازمان‌های بین‌المللی در جلو صحنه قرار دارند و از سوی دیگر می‌بینند که زنان از صحنه غایبند و یا اگر هم حضور دارند، سپاه منشی‌ها، ماشین‌نویس‌ها و مترجمانی را تشکیل می‌دهند که نقش‌های فرعی به عهده دارند یا خاموش باقی می‌مانند. با نظارت یونسکو، پژوهشی جامع دربارهٔ رسانه‌های گروهی به عنوان حامل پیام‌های تبعیض جنسی در میان کودکان و عامهٔ مردم انجام شده است [9]. از این پژوهش چنین برمی‌آید که در چهارگوشهٔ جهان در تمام کشورها تصاویری که رسانه‌های گروهی از مردان و زنان ارائه می‌دهند بر کلیشه‌های تبعیض‌آمیز مردانه و زنانه استوار است.

کتاب‌های کودکان و نوجوانان

کتاب‌های کودکان و نوجوانان از مؤثرترین عوامل انتقال هنجارها، ارزش‌ها و عقاید مبتنی بر تبعیض جنسی است. کتاب‌های مصوری هم که کودکان پیش از رفتن به مدرسه و پیش از یادگیری خواندن و نوشتن، نگاه می‌کنند، به همین ترتیبند. کودکان و جوانان قصه‌های کارتونی، داستان‌های مصور، رمان‌های پرماجرا و مجله‌های مخصوص کودکان را در خانه (در صورتی که پدر و مادر قدرت خرید آن‌ها را داشته باشند) یا در مدرسه یا در مکان‌های تفریحی و پرورشی مخصوص کودکان[1] (خانهٔ

www.KetabFarsi.com

---

۱. این آثار که تأثیری چشمگیر بر رشد نگرش‌ها و رفتارهای جوانان دارند، در کتاب حاضر بررسی نشده‌اند و چنان پر اهمیتند که به تنهایی، بررسی ژرف و مستقلی را می‌طلبند.

جوانان و کودکان، اتاق پیشاهنگی، مراکز تفریحی عمومی یا خصوصی، کتاب‌خانه‌های کودکان یا نوجوانان و مانند آن‌ها) ورق می‌زنند و می‌خوانند. این آثار در مدارس، بخشی از مصالح آموزشی محسوب می‌شوند.

با توجه به مسئلهٔ وخیم تأثیر کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی بر رشد نگرش‌ها و برخوردهای تبعیض‌آمیز جنسی در میان جوانان، یونسکو در ۱۹۸۱ مجموعه‌ای از بررسی‌های ملی را دربارهٔ تصویری که کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی از زنان و مردان ارائه می‌دهند تدوین کرد تا در این زمینه به نشان دادن علل، برانگیختن افکار عمومی و جلب توجه مقامات ملی و تشویق تلاش برای یافتن راه‌حل‌های مناسب بپردازد.

وجود کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در تمام بررسی‌هایی که در کشورهای مختلف جهان صورت گرفت، به اثبات رسید.

بررسی انجام شده در جمهوری خلق چین[10] از کوشش‌هایی گزارش می‌دهد که نویسندگان کتاب‌های کودکان و نوجوانان در این کشور، به ویژه پس از ۱۹۷۹، برای حذف کلیشه‌های تبعیض جنسی در آثارشان انجام داده‌اند. باوجود این، وزیر فرهنگ چین معترف است که هنوز نشانه‌های کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باقی مانده است. البته شیوهٔ ترسیم زنان و دختران چینی به نحوی است که آنان به بسیاری از شغل‌هایی که پیشتر «به طور موروثی» از آنِ مردان بودند، دستیابی دارند، اما جایگاه زنان چین در خانواده عاری از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز نیست. به علاوه، نویسندگان این گزارش خاطرنشان می‌کنند که در آثاری که در آن‌ها از مدرسه سخن به میان آمده، آموزگارانِ مرد بیشتر از آموزگارانِ زن حضور دارند. در

آثاری که به توصیف زندگی در مزارع می‌پردازند، مسئولان غالباً مرد هستند[10] . همچنین هنوز در تعدادی اندک از کتاب‌های کودکان «پسرها و مردان در نقش آفرینشگر و تصمیم‌گیرنده ترسیم شده‌اند، اما دخترها و زنان به صورت اشخاصی «منفعل» که نقشی فرعی دارند، توصیف شده‌اند.» [10:47] .

تمام این کلیشه‌های تبعیض‌آمیز به بازمانده‌های ذهنیت فئودالی که پیشتر در چین حاکم بود، نسبت داده شده‌اند. با وجود این، به نکات زیر نیز اشاره می‌شود: «در چین مجموعه‌ای به نام گزیدهٔ متون برای کودکان منتشر می‌شود که بسیار پرطرفدار است و متون برجسته از منابع مختلف را دربر می‌گیرد. در دو سوم از داستان‌هایی که در سال ۱۹۸۱ در این مجموعه به چاپ رسیده، قهرمانان اصلی پسربچه‌ها هستند و فقط در یک سوم از این داستان‌ها به دختران نقش اوّل داده شده است. در ۱۹۸۱ هجده داستان در ژورن ـ مجلهٔ ادبی مشهور کودکان ـ چاپ شده است: در دوازده داستان ـ یعنی دو سوم کل داستان‌ها ـ قهرمانان اصلی پسر هستند و در شش داستان، دختر، انتشارات کودکان چین در ۱۹۸۱، در مجموعهٔ ادبیات برای کودکان، هشتاد و پنج داستان (صرف‌نظر از ترجمه‌های متون خارجی) منتشر کرده اما فقط در سی‌داستان، یعنی حدود سی و پنج درصد از آن‌ها قهرمانان اصلی زنان هستند.» [10:50] .

بررسی انجام شده در جمهوریِ سابقاً سوسیالیست اوکراین [11] نشان می‌دهد که در ادبیات کودکان در بیشتر موارد زنان مانند مردان به صورت افرادی مسئول و جسور که نقش‌های اجتماعی و حرفه‌ای را برعهده دارند، ترسیم شده‌اند. اما این جنبهٔ مثبت ادبیات کودکان، کامل نیست،

زیرا که هنوز کلیشه‌های موسوم به «کلیشه‌های تعیین اهمیت»[1] که بین دختران و زنان با پسران و مردان فرق می‌گذارند این‌جا و آن‌جا دیده می‌شوند. کلیشه‌های تعیین اهمیت عبارتند از کلیشه‌هایی که در یکی از سه عرصهٔ زیر جنس مرد را از جنس زن برتر می‌شمارند: «نقش‌های سیاسی و اجتماعی، نقش‌های شغلی و خانوادگی، خصوصیات توصیف‌گر هر جنس.»

بدین ترتیب با وجودی که در ادبیات کودکان، میزان نقش‌های شغلی میان زنان و مردان تقریباً به یک نسبت بالاست (ناگفته نماند که درصد مربوط به مردان پنج برابر بیش از زنان است) مردان و زنان به فعالیت‌های شغلی یکسانی نمی‌پردازند. در این آثار باوجود دامنهٔ بسیار گستردهٔ گزینش مشاغل، زنان غالباً در عرصه‌ای کار می‌کنند که در آن روابط میان افراد مطرح است، یا با طبیعت سر و کار دارد، اما مردان اساساً به فعالیت‌های فنی می‌پردازند. همچنین، قهرمانان مثبت محبوب کودکان و نوجوانان غالباً از میان مردان هستند نه زنان [11:18]. در مقابل، در مورد نقش‌های خانوادگی، هنگام مقایسهٔ مردان با زنان، نقش‌های مهم‌تر به زنان داده می‌شود. این امر ناشی از کلیشه‌های سنتی زمان گذشته است که در درون خانواده، در زمینهٔ مراقبت از فرزندان و خانه‌داری «وظایفی» گسترده‌تر را به زنان تحمیل می‌کردند [11:18].

نویسندگان گزارش دربارهٔ اوکراین خاطرنشان می‌سازند که در آثار منظوم یا منثور و نیز در تصویرهای کتاب‌های کودکان، به زنان تقریباً

---

۱. عبارت «کلیشهٔ تعیین اهمیت» نشاندهندهٔ عقیده‌ای است که در زندگی و در ادبیات به صورت کلیشهٔ بیان‌کنندهٔ برتری یک جنس بر جنس دیگر در یکی از عرصه‌های فعالیت بشری، درآمده است.

همان‌قدر اشاره شده است که به مردان (زنان در تصاویر، بیشتر مطرح شده‌اند و در متون منثور، کمتر). همچنین در هیچ‌یک از آثار ادبی مخصوص کودکان «به هیچ شکل بر برتری جسمانی، فکری یا اخلاقی یک جنس بر جنس دیگر پافشاری نشده است» [11:20] . برعکس، ویژگی‌های فردی هرشخص، اعم از مثبت یا منفی به تفصیل تشریح شده‌اند.

با این همه، فقدان مقایسه‌هایی که تحقیر زنان یا دختران را ممکن می‌سازند مانع از بقای کلیشه‌های تبعیض جنسی نیست. به همین سبب در مورد پسرها یا دخترها بر خصوصیات یکسانی تأکید نشده است. به عنوان مثال در کتاب‌های کودکان، به انواعی از کلیشه‌های تبعیض جنسی برمی‌خوریم: «اغلب، پسرها بازی‌ها، منافع و تمایلات خاص خود را دارند: به ماهی‌گیری و فوتبال علاقه‌مندند و انواع ماشین‌ها را هم دوست دارند. اما دخترها به چیدن گل و میوه‌های خودرو علاقه‌مندند، خیاطی و بافتنی را ترجیح می‌دهند و به مادرشان در خانه کمک می‌کنند. پسرها پر جنب و جوش‌ترند و دخترها، بیشتر اوقات ساکت و آرام هستند. دخترها در آواز و رقص و از بر خواندنِ اشعار موفق‌ترند. ولی پسرها در ورزش، شطرنج و رسم فنی برترند.» [11:21-22] . همچنین در میان افراد بزرگ نیز گاهی موارد زیر مشاهده می‌شود: «کلیشهٔ مردِ مدافع مام میهن، مرد سلحشوری که زن را از کارهای بدنی ستوه‌آور خلاص می‌کند و به او امکان می‌دهد تا پیوندهای بسیار نزدیکی با فرزندان داشته باشد.» [11:24] .

در مقابل، گزارش اوکراینی خاطرنشان می‌سازد که در مجله‌های کودکان که در آن‌ها تصاویر دختران و زنان بیش از پسرها و مردان است،

نقش‌های اجتماعی آمیخته و نیامیخته با تبعیض جنسی به نسبت مساوی تقسیم شده‌اند و این نکته هم برای زنان صادق است و هم برای مردان. به نظر نویسندگان گزارش، این امر یک نوع تعادل ایجاد می‌کند، برخلاف تعداد بیشتر تصویرهای کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در مورد دو جنس در آثار ادبی و تصاویر آن‌ها [11:24-25].

بررسی مربوط به نروژ کوشیده است تا نه فقط پیام‌های آشکار، بلکه «پیام‌های نهفته‌ای» را هم که ممکن است حامل اشکال تبعیض جنسی باشند، عیان سازد. نتایج این بررسی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد [...-12:98]:

در کلیشه‌ها، خانوادهٔ هسته‌ای، متشکل از پدر، مادر و فرزندان، غلبه دارد حال آن که از خانواده‌های متشکل از پدر یا مادرِ بیوه یا طلاق گرفته، مادران یا پدران مجرد، و فرزندان یتیم کمتر نشانی هست یا اصلاً دیده نمی‌شوند.

تقسیم کار در درون خانواده کاملاً سنتی است: در حالی که مرد می‌تواند چندین نقش را عهده‌دار شود (هم پدر باشد و هم شاغل) زن در بیشتر موارد فقط مادر خانه‌دار است. این امر دو پیامد مهم دارد: در وهلهٔ اوّل، تشدید گرایش مبتنی بر گسترش نقش مرد از این رهگذر که وظایفی را خاص مردان می‌داند که در واقع زنان نیز به آن‌ها می‌پردازند. در وهلهٔ دوم کاهش اهمیت کار زن در خانه و نیز در بیرون، از رهگذر محدود کردن آن در چارچوب خانه‌داری.

به زنان هیچ نقش فعالی داده نشده است و گویا آنان هیچ گزینه‌ای جز کدبانوگری ندارند. برخلاف مردان که فعال، مسئول، فاتح، قهرمان و مانند آن نمودار می‌شوند، زنان جز در نقش مادر، همسر و دستیار غالباً

منفعل ظاهر نمی‌گردند. گویا برای زنـان هیچ گـزینش دیگـری در کـار نیست، زیرا که در هیچ پیامی زنی دیده نمی‌شود که نقشی غیرسنتی داشته باشد.

این الگوهای هویت‌یابی که از زندگی واقعی کودکان بسیار دور است، در همه‌جا و به شدت به عنوان بهترین الگو تبلیغ می‌شود.

کاربرد رایج برخی از صیغه‌های دستوری مانند خنثی، جمع و مجهول در توصیف بعضی از فعالیت‌ها، کار زنانه را به ویژه در عـرصهٔ خـانگی «نامشهود» می‌سازد.

خلاصه آن که در نروژ، در کتاب‌های کودکان، مردان بـه صـورت افرادی فعال و مسئول و زنان به صورت مادر و همسران منفعل و حتی غیرمسئول ترسیم شده‌اند.

در فرانسه کلیشه‌های تـبعیض جنسی در کتـاب‌های کودکـانِ تمـام گروه‌های سنی از نوزادی تا بلوغ دیده می‌شود. آثار سوزان برو [13] نشان می‌دهد که کتاب‌های مصور برای کودکانی کـه هـنوز راه رفـتن، سـخن گفتن، خواندن و نوشتن را بلد نیستند، انباشته از تصویرهای تبعیض جنسی هستند، تصاویری که ذهن کودک را حتی پیش از آن که قادرِ به تشخیص خوب از بد باشد، پر می‌کنند. به عنوان مثال در این آثار نشان داده شده که در آلبوم‌هـای دو مـجموعه از مـهم‌ترین مجموعه‌هـا بـرای کودکـان فرانسوی، پدر به اصطلاح نان‌آور خـانه است و بـا پـولی کـه بـه دست می‌آورد، زندگی خانواده را تأمین می‌کند، در حالی که مادر به کارهای خانه می‌پردازد. شغل‌های مردانه، قدرت، اعتبار، مقام و فن آزمودگی به همراه دارند، اما شغل‌های زنانه چندان اعتبار و تخصصی ندارند و مـزد کمتری بابتشان پرداخت می‌شود (تمام مشاغلی که امروزه زنان فرانسوی

www.KetabFarsi.com

به آن‌ها دستیابی دارند مانند کارهای تخصصی، مشاغل آزاد، امور هنری و مانند آن‌ها نادیده گرفته شده‌اند). چهارصفت مردانهٔ مهم، مردان و پسران را مشخص می‌کند: استقلال، کامیابی، شایستگی و دوستی. در مقابل، صفات زنان در بیشتر موارد منفی یا دست‌کم مبهم است: «پسرها دنیا را زیر پا می‌گذارند و آگاهی می‌اندوزند؛ دختربچه‌ها در خانه می‌مانند و نقش آیندهٔ خود را در قالب زنان خانه‌دار و فرمانبر یاد می‌گیرند.» [13:20] . این نمونه‌ها به روشنی تمام نشان می‌دهد که حتی پیش از آن که کودکان به مهدکودک بروند، تبعیض جنسی چگونه در ذهنشان فرورفته است.

آثار ماری ـ ژو شومبار دولوو نشان داده که در فرانسه، قاعده عبارت است از محو یا کمبود تصویرهای دختران و زنان در داستان‌ها و کتاب‌های مصور برای کودکان هفت تا چهارده ساله. به عنوان مثال، پسرها دوبرابر دخترها در نقش افراد ماجراجو ظاهر شده‌اند. فقط چهل درصد از دختران در داستان‌ها و کتاب‌های مصور کارهای آدم‌بزرگ‌ها را انجام می‌دهند، در حالی که این رقم در مورد پسران، هفتاد درصد است. بیست و نُه درصد از دختران در برابر بزرگ‌ترها رفتارهای فرمانبردارانه دارند، اما پسرهایِ گوش به فرمان بزرگ‌ترها هفده درصد هستند. بدین‌ترتیب وابستگی بیشتری که پدر و مادرها از دخترها ـ در مقایسه با پسرها ـ طلب می‌کنند در داستان‌ها و کتاب‌های مصور بازتاب می‌یابد. همچنین پسرها کمی (حدود ده درصد) بیش از دخترها از هوش برخوردارند و این امر نشاندهندهٔ آن است که پدر و مادرها غالباً به آموزش پسرها بیش از دخترها اهمیت می‌دهند [14] . بنابراین تبعیض جنسی درادبیات برای کودکان هفت تا چهارده ساله بازتاب گسترده دارد.

به تازگی، بخش فرانسوی فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌ایِ آموزش، پس از آن که در بیست اثر از مجموعه‌های خاص کودکان دربارهٔ وضعیت زنان و مردان و صفاتی که به آنان نسبت داده شده و نیز درباره تصاویر، به پژوهش پرداخت، به نتیجهٔ زیر رسید: «بی‌هیچ اغراقی باید گفت که ادبیات کودکان (کارتون‌ها و کتاب‌ها) به‌طور عمده، مادر، پدر، دختر و پسر کاملاً سنتی را ـ گاهی حتی با ظاهری بسیار نو ـ زنده می‌کنند... ناگفته نماند که نگرش‌هایِ بسیار آلوده به تبعیض جنسی، غالباً در متونی یافت می‌شوند که از لحاظ ادبی ـ خواه در نگارش، خواه در ساختار کلی کتاب ـ از همه سطحی‌ترند: بدین‌ترتیب تبعیض جنسی با تصنع و ابتذال همراه است و بسیاری از این آثار به نظر ما بیشتر به ادبیات بچه‌گانه مربوطند تا به ادبیات کودک.» [15:10].

نویسندگان این پژوهش می‌افزایند که اکنون شاهد یکسان‌سازی فزایندهٔ ادبیات کودکان هستیم. این پدیده تاحدی از گسترش و رواج کتاب‌های کودکان و وفور ترجمه‌های بیگانه (پنج کتاب از هر هفت کتاب) ناشی می‌شود. در واقع گرایش حاکم به حذف تفاوت‌های فرهنگی یا فردی است تا دیگر جز یک «اسکلت همه‌جا حاضر» باقی نماند. «به همین سبب جای تعجب نیست که در این ادبیات، زن نیز در انطباق تام و تمام با کلیشه‌هایی نمودار می‌شود که اگرچه منفی هستند، متأسفانه صفات و خصوصیاتشان از پذیرش جهانی برخوردار است.» [15:10].

تأثیرات کلیشه‌های تبعیض جنسی

کلیشه‌های تبعیض جنسی که پیامد انواع نابرابری میان دو جنس هستند

به سهم خود به عامل تبعیض میان جنس‌ها بدل می‌شوند. هرچه کودک کوچک‌تر باشد، کم‌تر می‌تواند در برابر هجوم کلیشه‌هایی ایستادگی کند که او را وامی‌دارند تا به جنس دیگر، صفت‌ها، امتیازها یا کمبودهای سنتی را نسبت دهد. بدین‌ترتیب نوزادان وادار می‌شوند که صفات قهرمانانه به پسرهانسبت دهند و دخترها را تحقیر کنند. مورد زیر را مادر یک دختر پنج ساله (سیلوی) گزارش کرده است: سیلوی قوی‌تر و پرخاشگرتر از دوست همسن خود در کودکستان (اتین) است. گاهی حتی با وجودی که سیلوی اتین را کتک می‌زند باز هم می‌گوید: «دوست داشتم پسر باشم، برای این که پسرها قوی‌ترند.» اتین نیز همین کلیشه را تکرار می‌کند: «به ما می‌گویند مرد! ما قوی‌تریم... دخترها ضعیفند!»[1] سیلوی و اتین باوجودی که پنج سال بیشتر ندارند چنان در اندیشه و گفتار خود به کلیشه‌های تبعیض جنسی خو گرفته‌اند که واقعیت آشکار پیش‌روی خود را نیز انکار می‌کنند و نمی‌پذیرند که در روابط متقابلشان، سیلوی قوی‌تر از اتین است.

یکی از پژوهشگران فرانسوی نشان داده که کودکان هردو جنس حتی در سن سه تا چهار سالگی نیز گزینش‌های پدر و مادرهایشان را در مورد اسباب‌بازی یا لباس، پذیرفته و جذب کرده‌اند، گزینش‌هایی که آلوده به تبعیض جنسی هستند، زیرا که پدر و مادر براساس جنسیت فرزندانشان برای آنان لباس و اسباب‌بازی می‌خرند، نه براساس میل و انتخاب بچه‌ها [16].

پژوهش‌های انجام شده در میان کودکان هفت تا یازده ساله که به

---

۱. مقایسه شود با این کلیشهٔ رایج در میان پسر بچه‌های ایرانی:
دخترا موشند، مثل خرگوشند! پسرا شیرند، مثل شمشیرند!

دبستان می‌روند، تأثیرات کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را نشان داده است. به عنوان مثال در ایالات متحدهٔ آمریکا پسرهای دبستانی نظری کاملاً کلیشه‌ای دربارهٔ خود دارند: قدرت، بازی‌های خشن، مسابقه‌های ورزشی، توانایی و شایستگی (بالا رفتن از درخت، آتش‌بازی و مانند آن‌ها) را ترجیح می‌دهند و از این که حساب و دیکته‌شان بهتر از دخترهاست به خود می‌بالند. معمولاً تشویش دارند، زیرا که براساس کلیشه‌های منفی به دخترها نگاه می‌کنند و همیشه از شباهت به آنان می‌ترسند. در نظر آنان دخترها ترسو و بزدل جلوه می‌کنند، به چیزهای بیهوده می‌پردازند، عروسک‌بازی، دوخت و دوز و آشپزی می‌کنند و مواظب بچه‌ها هستند.

گزینش‌های شغلی پسران و دختران هفت تا یازده سالهٔ آمریکایی درست مثل نظریاتشان دربارهٔ خصوصیات دو جنس، کلیشه‌ای است. کلیشه‌های جنسی تبعیض‌آمیز در کتاب‌های مصور، کودکان را به انکار واقعیت‌های بیخ گوششان می‌کشاند. از جمله در همین ایالات متحدهٔ آمریکا دختربچهٔ هفت ساله‌ای را مثال می‌زنند که پس از دیدن مجموعه‌ای از عکس‌های مربوط به مردان پزشک و زنان پرستار گفته است: «من نمی‌توانم پزشک بشوم، فقط می‌توانم پرستار باشم. این را از کتابم یاد گرفته‌ام» [17]. این تصویرها و کلیشه‌های تبعیض‌آمیز قدرتی هولناک دارند و باعث می‌شوند که دختران از ابراز خواسته‌ها و نشان دادن توانایی‌هایشان خودداری ورزند و گزینش‌های شغلی خود را به محدوده‌های سنتیِ شغل‌های کلیشه‌ای منحصر سازند، شغل‌هایی که موقعیت فرودست و مزدهای ناچیز را به زنان اختصاص می‌دهد (پرستاری، فروشندگی، منشی‌گری، ماشین‌نویسی و مانند آن‌ها).

www.KetabFarsi.com

در هندوستان، مردان برای شغل‌هایی از قبیل کارگری، دستفروشی، کارمندی یا مغازه‌داری پرورش می‌یابند، اما زنان به ویژه درگیر روابطی می‌شوند که باید به طرق مختلف به صورت خویشاوند، مادر، همسر و مانند آن‌ها به دیگران خدمت کنند. آنان خود را افرادی مستقل احساس نمی‌کنند [5] . ژاکلین و موری استراوس در پژوهشی تطبیقی میان مینئاپولیس (در ایالات متحدهٔ آمریکا) و بمبئی (در هند) نشان داده‌اند که خلاقیت کودکان در گرو آزادی و استقلالی است که پدر و مادرهایشان به آنان می‌دهند. و از آن جا که در این دو شهر پدر و مادرها به دخترها کم‌تر از پسرها آزادی می‌دهند، در جریان مسابقه‌ای که از هردو گروه راه‌حل یک بازی را خواسته بودند، خلاقیت دختران هم در بمبئی و هم در مینئاپولیس کم‌تر از پسران بود.

در هرحال کلیشه‌های تبعیض جنسی که دختران را به سبب جنسیتشان از استقلال محروم می‌سازد، مانع پیشرفت آنان می‌شود و برابری امکانات و تمام اصول برابری جنسی در منشورهای ملی و بین‌المللی را نیز نفی می‌کند. از سوی‌دیگر توانایی‌های خلاق دختران و زنان که اسیر سرطانِ اندیشه‌ها و عادات کلیشه‌ای و فلج‌کننده شده‌اند، از شکوفایی باز می‌مانند و جامعه نیز با محروم شدن از این توانایی‌ها در حقیقت سرمایهٔ انسانیِ سرشاری را از دست می‌دهد.

تصاویر کلیشه‌ای پسرها در رسانه‌های گروهی و کتاب‌های کودکان نیز پسران و مردان را از شکوفایی همه‌جانبهٔ احساسات و انسانیتشان باز می‌دارد. دنیای بی‌رحمانه‌ای که در آن به سر می‌بریم چه‌بسا حاصل همین پرورش و هدایت تک بُعدی پسربچه‌ها و مردان به سوی خشونت، رقابت، پرخاشگری و بی‌اعتنایی و بی‌احساسی است [19] .

در پایان می‌توان گفت که پژوهش‌های انجام گرفته در کشورهای متفاوتی که در بالا به آن‌ها اشاره شد به نتیجه‌ای واحد می‌رسند: کلیشه‌های تبعیض جنسی هم بر پسران و هم بر دختران، تأثیری منفی می‌گذارند، اگرچه تأثیر منفی آن‌ها بر دختران بیشتر است؛ زیرا که آنان در این کلیشه‌ها به صورت جنس ضعیف و فرودست مطرح می‌شوند. در واقع این کلیشه‌ها دختران و زنان را به عنوان انسان‌هایی برخوردار از حقوق کامل و همشأن و هم‌رتبهٔ پسران و مردان به رسمیت نمی‌شناسند، از برقراری روابط هماهنگ و برابر میان افراد دوجنس و از شرکت کامل دختران و زنان در پیشرفت جامعهٔ خود جلوگیری می‌کنند و بدین‌ترتیب دختران و زنان را از شکوفایی تمام توانایی‌های انسانی خود (توانایی‌های معنوی، عاطفی و ارادی) باز می‌دارند.

www.KetabFarsi.com

۲. کلیشه‌های تبعیض جنسی در مدرسه و کتاب‌های درسی

شکل‌های گوناگون تبعیض جنسی در مدرسه

مدرسه، نهادی منفرد و جدا از جامعه نیست؛ برعکس در دل آن جای دارد و هدفش القای ارزشها و قواعد اجتماعیِ زمانه و جامعه به کودکان است. به همین سبب حتی هنگامی که دولت‌ها از آرمان‌های برابری دو جنس هواداری می‌کنند، مدسه همچنان به انتقال کلیشه‌های تبعیض جنسی و به کاربرد تبعیض‌های زیانبار برای زنان ادامه می‌دهد. چنین تضادی به ویژه در بررسی تصویرهای مردان و زنان در کتاب‌های درسی آشکارتر می‌شود. به عنوان مثال به رغم آرمانِ انساندوستانهٔ دولت زامبیا در دفاع از برابریِ دو جنس، ل. پ تمبو می‌پذیرد که کتاب‌های درسی زامبیا «انباشته از کلیشه‌ها، تصویرهای کاذب، زخم زبان‌ها و مانند آن‌هاست». او معتقد است که «تصویرهایِ ارائه شده، ارزش‌ها و برخوردهای متفاوت جامعه را به دختران و پسران بازتاب می‌دهد» [20:33-34]. به عنوان مثال پدر و مادرها همچنان درس خواندن پسران را به بهای محرومیت دختران، تشویق و تسهیل می‌کنند.

افزون براین، همان‌گونه که در گزارش بررسی مربوط به کشور پرو خاطرنشان شده، اصلاح برنامهٔ‌موزشی ممکن است فقط تأثیراتی ناقص در پی داشته باشد [21]. بنابراین در هر جامعه‌ای بین آرمان‌هایِ اعلام شده در قوانین دولت‌ها و عمل‌های روزانه در نظام آموزشی، تفاوت‌های کمابیش گسترده‌ای وجود دارد.

تبعیض جنسی در تشکیلات نظام آموزشی

کودکان، طرفداری از تبعیض جنسی را نه فقط از کتاب‌های درسی و غیردرسی بلکه از سلسله مراتب نظام آموزشی نیز یاد می‌گیرند: برای آن‌ها کافی است که ببینند در خودِ مدرسه‌شان شغل‌های زنانه و مردانه چگونه تقسیم شده است. همان‌گونه که در گزارش کمیسیون جامعهٔ اروپا آمده است کودکان می‌بینند که اغلب آموزگاران زن هستند ولی مقام‌های مهم اداری مثل مدیریت و نظارت به‌طور کلی در انحصار مردان است. این الگویی بسیار رایج است که آن را نباید به هیچ‌وجه بی‌اهمیت دانست، زیرا همین الگو به پسرها می‌آموزد که آنان بعدها مدیرانِ آموزش و پرورش، حکومت، دنیای کار و جامعه خواهند شد، اما زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌ها نقش درجهٔ دوم و زیردست مردان خواهند داشت و علاوه براین، در اعماق ذهن دختران «سقف و حدی» برای بلندپروازی‌های آنان قرار می‌دهد [22].

از آمارهای جامعهٔ اروپا چنین برمی‌آید که به عنوان مثال در فرانسه در سال ۱۹۷۶، ۶۷/۷٪ از آموزگاران، زن بوده‌اند حال آن که فقط ۴۱٪ از مدیران مدارس از بین زنان انتخاب شده‌اند. در ایتالیا این نسبت‌ها به ترتیب عبارتند از ۶۸٪ و ۳۱٪؛ در انگلستان، ۷۶/۵٪ و ۴۲/۹٪؛ در ایرلند ۷۱/۸٪ و ۵۲٪ (در این آمار مدیران و ناظم‌های مرد و زن نیز محسوب شده‌اند). تشکیلات تبعیض‌آمیز در دبیرستان نیز تکرار می‌شود، به ویژه از هنگامی که در پی ادغام مدارس دخترانه و پسرانه نسبت مدیران زن در دبیرستان‌ها کاهش یافته است. از سوی دیگر بیشتر بازرس‌های مدارس نیز مرد هستند. چنین موضوعی فقط به تقویت این کلیشه می‌انجامد که گویا انجام وظایف بازرسی و مدیریت صرفاً از

مردان برمی‌آید، زیراکه زنان هم در آموزش و پرورش و هم در سطح جامعه، آشکارا نقشی فرودست دارند.

ساروجینی بیزاریا [5] نشان می‌دهد که کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در آموزش و پرورشِ هند را باید در ساختار برنامه‌ها و نحوهٔ اجرای آن‌ها یافت، یعنی در واقع از هنگام طرح‌ریزی تا زمان کاربرد آن‌ها. به علاوه، بررسی فرهنگ سنتی هند به روشنی نشان می‌دهد که موانعی وجود دارد که یا دختران را از رفتن به مدرسه باز می‌دارد یا به زودی آنان را به دلیل دور بودن مدرسه از خانه، حضور معلم مرد یا زن، ساعت شروع و پایان کلاس‌ها، برنامهٔ آموزشی یا ازدواج زودرس، به ترک تحصیل وامی‌دارد.

در هندوستان کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در وهلهٔ اوّل به تمام برنامه‌هایِ جاری در نظام آموزشی از آموزش پیش از دبستان تا دانشگاه و تحصیلات عالی مربوط می‌شود. برنامهٔ آموزشی، هم برنامهٔ درسی را دربر می‌گیرد و هم فعالیت‌های بیرون از مدرسه را، از بازی‌ها تا گردهمایی‌ها، از طرح‌های کار تا برنامه‌های دانشگاهی یا آموزش حرفه‌ای، از برنامه‌های تربیت جوانان تا اردوهای خدمات اجتماعی [5].

ساروجینی بیزاریا بدین ترتیب بررسی کلیشه‌های تبعیض جنسی راکه در عرصه‌های متفاوت نظام آموزشی ـ بی‌هیچ استثنایی ـ نمودار می‌شوند، پیشنهاد می‌کند و به عنوان نمونه از نوع خاصِ آموزش حرفه‌ای که براساس برداشتی کلیشه‌ای از نقش اجتماعی و حرفه‌ایِ آینده دختران و پسران به آنان اختصاص یافته، ، یاد می‌کند (خیاطی و آشپزی برای دختران، نجاری و آهنگری برای پسران).

تبعیض جنسی در روابط معلمان و شاگردان

از مدت‌ها پیش، پژوهش‌های انجام شده در ایالات متحدهٔ آمریکا و انگلستان نشان داده‌اند که معلمان (مرد و زن) با شاگردان دختر و پسر رفتار یکسانی ندارند.

در کشور پرو، به تقاضای یونسکو، کمیسیون همکاری با این سازمان، براساس پرسشنامه‌ای که در میان آموزگاران چهار مدرسه در محله‌های مختلف شهر لیما توزیع شد، پژوهشی انجام داد. هدف این پژوهش ارزیابی عوامل گوناگونِ مؤثر بر رفتار آموزگاران (لایه‌های اجتماعی - اقتصادی، مناطق تأثیرپذیر از شهرهای ساحلی یا کوهستانی)، مطالعات معمول کودکان و برداشت‌های آنان از نقش مرد و زن بود. ۱۵۲ آموزگاری که در ۱۳ کلاس در چهار مدرسه طرف پرسش قرار گرفته بودند در کلاس اوّل (بچه‌های هفت ساله) کلاس دوم (بچه‌های هشت ساله) و کلاس سوم (بچه‌های ده ساله) درس می‌دادند.

آموزگاران پرسش‌شونده با وجودی که می‌دانستند کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در کتاب‌های درسی با واقعیت انطباق ندارند، معتقد بودند که مسئله چندان وخیم نیست، زیرا به نظر آنان وظیفهٔ معلم است که به شاگردان توضیح دهد که دخترها هم می‌توانند همان کارهای پسرها را انجام دهند [21:79]. در این جا به نظر ما به نقش کتاب‌های درسی و نیز به نقش معلم در پیکار با تبعیض جنسی، اهمیت بیش از حد داده شده است. افزون براین معلوم شد که این معلم‌ها دربارهٔ توزیع سنتی نقش‌های مردانه و زنانه نیز برخورد و نگرشی تردیدآمیز دارند. در واقع اگر تقریباً تمام آنان «مردسالاری» یا برداشت خودپسندانهٔ مردان از هویت خود در مقابل زنان را محکوم می‌کنند، بسیاری می‌ترسند که ردّ نقش‌های سنتی

دو جنس، ارزش‌های اخلاقی را که در نظر آنان به برداشت سنتی ازخانواده و زن به عنوان «اساس کانون خانوادگی» وابسته‌اند، متزلزل سازد.

از سوی دیگر نویسندگان گزارش پیشگفته، در سیزده کلاسِ آن چهار مدرسه رفتار معلمان با دخترها را نیز بررسی کرده و دریافته‌اند که در کلاس اوّل، معلم‌ها توجه بیشتری به پسرها دارند و با دخترها جدی‌تر هستند، هرچند دخترها بیشتر از پسرها سر و صدا به پا نمی‌کنند. برعکس در کلاس‌های دوم تا پنجم، معلم‌ها رعایت نظم را به پسرهای شلوغ و پرهیاهو گوشزد می‌کنند. دخترها برعکس با رفتار آرام، منطبق با قواعدِ اطاعتی مشخص می‌شوند که از همان آغاز کودکی بسیار بیشتر از پسرها، از زبان پدر و مادریا معلم‌ها شنیده‌اند. تلقین این قواعدِ اطاعت و فرمانبرداری در کلاس‌های اوّل به آسانی دیده می‌شود [21:9-91].

پژوهش‌های اسپولدینگ [23:149] نشان داده که در ایالات متحدهٔ آمریکا، آموزگاران نزد پسرها، ابراز وجود، و نزد دخترها خودداری از ابراز وجود را تشویق می‌کنند. به علاوه تشویق خلاقیت نیز بین پسرها بسیار بیشتر از دختر‌هاست و در اغلب موارد نیز دخترها فرودست‌تر از پسرها به حساب می‌آیند و بسیار بیش‌تر از پسرها نادان یا ناتوان خوانده می‌شوند (۴۰ درصد از دختران و ۲۶ درصد از پسران). نتیجهٔ ناگزیر چنین برخورد نامناسبی، رشد احساس حقارت در دختران است [23:150].

در یکی از پژوهش‌های فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌ای آموزش نیز به بقای کلیشه‌های تبعیض جنسی در روابط دختران و مربیان حرفه‌ای اشاره شده است: «ایدئولوژی تبعیض جنسی نقش مهمی در هدایت و

پرورش دختران جوان دارد. از جمله معیار قضاوت دربارهٔ آمادگی روانی دختران، سازگاری یا ناسازگاری آنان با کلیشه‌های شُغلی زنانه است که در هرحال به کارهای کم مزد (حتی اگر مدرک تحصیلی لازم، بالا باشد)، کم ارج و کم اعتباری برمی‌گردند که به طورکلی «ویرانسرای شغل‌های بی‌ارج» را تشکیل می‌دهند» [15:6].

تبعیض جنسی در روابط میان شاگردان و در بازی‌ها

به تازگی یکی از زنان آموزگار فرانسوی خاطرنشان کرده که در بعضی از محله‌های حومهٔ پاریس که محل زندگی خانواده‌های کم‌درآمد و جایگاه رواج افکار سنتی دربارهٔ زنان است، پسرها در بازی‌های خود برخوردی بسیار تبعیض‌آمیز به دخترها دارند. به عنوان مثال روزی پسرها از معلم خود می‌خواهند که بازی فوتبال یادشان بدهد. معلم قبول می‌کند ولی به شرطی که دخترها هم بازی کنند. پسرها این را نمی‌پذیرند و بهانه می‌آورند که دخترها را چه به فوتبال! معلم هم می‌گوید که به پسرها، تنهایی، فوتبال یاد نمی‌دهد. بازهم در فرانسه سوزان مولو از اعضای مرکز ملی پژوهش‌های علمی خاطرنشان کرده که پسرها در بیشتر موارد حیاط مدرسه را به توپ‌بازی اختصاص می‌دهند (این کار در اصل در صورت کوچک بودن حیاط ممنوع است) و دخترها هم به ناچار فقط تماشاچی می‌شوند [24]. افکار تبعیض‌آمیز دربارهٔ جایگاه دختران در مکان‌های ورزشی و در انواع مختلف ورزش، ملکهٔ ذهن پسرها شده است. یک مثال دیگر: پسرها بازی‌های الکترونیکی را در انحصار خود درمی‌آورند و در مدرسه کامپیوترها را از آنِ خود می‌کنند و دخترها را از دسترسی به آن‌ها دور می‌سازند. بدین ترتیب بچه‌ها دیر یا زود، آگاهانه

یا ناآگاهانه، کلیشه‌های مربوطه به جایگاه هرجنس را در مکان‌ها و انواع بازی‌ها می‌پذیرند و به کار می‌بندند.

پژوهشی که در کشور پرو، در میان شاگردهای پسر و دختر صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که از همان دورهٔ آمادگی، بچه‌ها تبعیض جنسی را ملکهٔ ذهن و راهنمای عمل خود کرده‌اند. در نظر این دانش‌آموزان، هویت مرد در «کار» است اما هویت زن به کارهای بی‌مزدِ کم‌قدر و کسالت‌آور محدود می‌شود. موضوع دختربچه‌ای که در کارهای خانگی به کمک مادرش می‌شتابد، در مقابل پسر بچه‌ای که به پدرش کمک می‌کند، مطرح شده است. بیشتر پسرها حتی وقتی که مادرشان بیرون از خانه کار می‌کند نیز رهبری خانواده و وابستگی زن را به نقش حرفه‌ای مرد پیوند می‌دهند [21:165].

تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی:

کلیشه‌های تبعیض آمیز

سرشت تبعیض‌آمیز مدرسه هنگامی آشکارتر می‌شود که نقش‌های زنانه و مردانه را در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی بررسی می‌کنیم: نکته‌ها و مسائلی که در کتاب‌های کودکان به چشم می‌خورد، در کتاب‌های درسی نیز بازیافته می‌شود.

باوجود سنت کهن بازبینی کتاب‌های درسی در نروژ، بررسی بسیار مشروح بیست کتابِ دورهٔ دبستان، دوام کلیشه‌های تبعیض‌آمیز مذکر و مؤنث را «تقریباً در تمام آن‌ها» نشان داده است. تبعیض نسبت به دختران و زنان به شکل‌های زیر جلوه‌گر می‌شود: در مطالب و تصویرها از دختران

و زنان بسیار کمتر از پسران و مردان یاد شده است. در هرحال نقش‌هایی که به دختران و زنان اختصاص یافته، محدودیت بیشتر و تنوع کم‌تری دارند. علاوه براین امکان‌های آنان برای الگوپذیری، محدودتر است و گزینش مثال‌ها و موضوعات نیز در خدمت امتیاز دادن به پسرهاست [12:101].

تبعیض‌های آشکار در مورد دختران در کتاب‌های درسی نروژ در تصویرهای کتاب‌های علوم طبیعی (فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی) بیش‌تر به چشم می‌خورند: «در کتاب‌های فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی، تصویرهای پسران و مردان بسیار بیش‌تر از دختران و زنان است (هفتاد و یک درصد از مجموع تصویرها برای شاگردان اوّل دبیرستان)... از اوّل تا آخر این کتاب‌ها مردان و پسران فعال‌ترند. آنان را غالباً در محل‌های کار می‌یابیم و هنگامی که بخواهند به توصیف انسان‌ها بپردازند، پسران و مردان انتخاب می‌شوند. در یکی از کتاب‌ها شخصیتی که همیشه در تمام مطالب دیده می‌شود، یک مرد است. برای نشان دادن سشوارهای برقی و ترازوهای وزن‌کشی در حمام تصویرهای زنان و دختران به کار می‌رود... گرایش بسیار آشکار وجود دارد که در بیشتر ورزش‌ها ـ نه فقط در وزنه‌برداری بلکه همچنین در رشته‌هایی مانند دو و شیرجه ـ فقط مردان نشان داده شوند.» [12:70].

بررسی پیشگفتهٔ فرانسوی دربارهٔ کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی دورهٔ دبستان و هنرستان‌های فنی، بیشتر به بررسی کتاب‌های علمی و فنی کودکان هشت تا سیزده سال پرداخته است. نویسندگان این بررسی به اثبات فرضیهٔ آغازین خود پرداخته‌اند که برطبق آن: «در بهترین حالت، کتاب‌های درسی بازتاب ایدئولوژی مسلط در

فرانسهٔ امروز تجسم تبعیض جنسی حاکم بر محیط هستند» [15:16]. این حکم در مورد تمام کتاب‌های بررسی شده در تمام رشته‌ها و در همه سطوح آموزشی صادق است.

تحلیل تصویرها و موضوعات کتاب‌های درسی دورهٔ دبستان نشان می‌دهد که کودکان هیچ امکانی برای گریز از کلیشه‌های تبعیض جنسی ندارند. در تصویرهای زنانه و مردانهٔ کتاب‌های درسی «پسران [...] از امکانات نامحدود و آیندهٔ شغلی و نیز انبوه گزینش‌ها برخوردارند. دختران فقط می‌توانند خود را برای «مادر شدن» آماده کنند. و بدین‌ترتیب است که هردو گروه با برچسب‌های متفاوت در رده‌بندی‌های تبعیض‌آمیز محصور می‌شوند و مجبورند که خود را با تصویری که به آنان ارائه و تلقین شده، و با انتظاراتی که از آنان می‌رود، منطبق سازند. پسران و دختران بدین‌ترتیب اگر هم برای تمام پیشداوری‌ها و تمام تبعیض‌ها آماده نشوند، دست کم پذیرای رواج نابرابری جنسی برای تداوم هرچه بیشتر نابرابری به طور کلی خواهند بود» [15:15].

بررسی کتاب‌های درسی علمی تبعیض جنسی را نه فقط در تعداد بسیار بیشتر تصویرهای زنانه از مردانه بلکه در گرایش بسیار آشکار پسران به [...] دختران از این رشته نشان می‌دهد. بدین‌ترتیب هیچ جای تعجب نیست که ببینیم دختران بسیار کم‌تر از پسران جذب کارهای علمی می‌شوند.

به عنوان مثال در کتاب‌های فیزیک در اغلب موارد دنیای زندگی پسران (قطار برقی، بازی، دوچرخه) یا مردان (کارخانه، صنعت، نجوم و مانند آن‌ها) بسیار بیشتر از دختران و زنان مطرح شده است. زنان به ندرت ترسیم شده و یا بدون شغل و حرفه مطرح شده‌اند، اما مردان چنان تصویر

شده‌اند که گویی می‌توانند هرکاری را انجام دهند: هواشناس، آهنگر، بنا، کفاش، مسّاح، دونده و... غیبت آشکار دختران در چنین کارهایی فقط به این فرضیه میدان می‌دهد که عرصهٔ فیزیک در حیطهٔ توانایی آنان نیست، دختران نالایقند (گویا آنان قادر نیستند هیچ آزمایشی را انجام دهند)، آنان فقط می‌توانند زیردست پسرها و حداکثر نیمه فعال باشند (حرف پسرها را گوش کنند!): همهٔ این امور بخشی از تبعیض‌آمیزترین کلیشه‌ها هستند که «زنان را موجوداتی منفعل، تابع و آمادهٔ خدمتگزاری به دیگران بارمی‌آورند» [15:18].

در علوم طبیعی، به ویژه در زیست‌شناسی، محتوای کتاب‌های درسی نشاندهندهٔ نوعی «انسان زدایيِ ماشینی» است [15:19] . این نوع خوار شمردن انسان و بزرگ شمردن ماشین‌ها با ترسیم تبعیض‌آمیز مردان و زنان همراه است: مردان، فاتح و قوی و تنومند هستند اما زنان پیش و بیش از هرچیز فقط به صورت مادر ترسیم شده‌اند [15:22].

در کتاب‌های ریاضی به همراه بالا رفتن سطح درس‌ها، از تعداد تصویر اشخاص کاسته می‌شود، اما در هرحال در این کتاب‌ها نیز مردان بیشتر از زنان و دختران ترسیم شده‌اند و این تصور به ذهن کودکان هردو جنس القا می‌شود که گویا ریاضیات، در اساس، عرصه‌ای مردانه است [15:22].

در کتاب‌های دورهٔ متوسطه، تبعیض جنسی همه‌جا حضور دارد. به عنوان مثال در زبان فرانسه، واژهٔ مذکر «homme» هم به معنای «مرد» است و هم به معنای مجموعهٔ انسان‌ها. حرفه‌ها و مشاغل نیز به مردان اختصاص دارند، در حالی که زنان در نقش مادرانی جلوه‌گر می‌شوند که در خانه به انتظار شوهر و فرزندان خود نشسته‌اند [15:58].

www.KetabFarsi.com

در کتاب‌های ادبیات از نویسندگان زن چندان خبری نیست، تو گویی آنان اصلاً وجود خارجی ندارند: «در متن‌های ادبیات چینی، کار، ورزش، محافل دوستانه، شجاعت و قهرمانی‌گری منحصراً به مردان تعلق دارند.» [15:26].

در کتاب‌های تاریخ، زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، محو شده‌اند! در کتاب‌های جغرافیا به کار مردان اشاره شده است، اما زنان فقط در نقش همسر، مادر یا کدبانو ظاهر می‌شوند [15:26].

در کتاب‌های علوم در دورهٔ متوسطه «مثال‌ها و مسئله‌ها و تصویرها، تبعیض‌آمیزند» [15:26]. پسران مسائل را حل می‌کنند و در انجام کارها، مهارت دارند، اما دختران، دست و پا چلفتی هستند. مردان، فعالند و زنان، منفعل.

باوجود تنوع بسیاری که بین کتاب‌های درسیِ مدارس عمومی و مدارس حرفه‌ای وجود دارد، کلیشه‌های تبعیض جنسی در آن‌ها به روشنی نمایان است.

نویسندگان تحقیق‌بخش فرانسویِ فدراسیون بین‌المللیِ اتحادیه‌ای آموزش، چنین نتیجه می‌گیرند که «کهنه‌ترین و مضحک‌ترین کلیشه‌هایِ تبعیض جنسی، کودکان و دانش‌آموزان را از نوباوگی تا آخر دبیرستان دنبال می‌کنند و آنان را در صحنه‌ای جای می‌دهند که در آن، مردان همه‌جا حاضرند، نقش‌های مهم برعهده دارند، تاریخ را می‌نویسند و دنیا را به پیش می‌برند، در حالی که زنان، خوار و مطیع گشته و اسیر کارهای خانه‌داری یا وظایف مادرانه شده‌اند.» [15:38]. در نتیجه: «در اکثریت عظیم کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، از زنانِ دیگر هیچ نشانی

نیست: از زنانی که منفعل نیستند، فرزندانشان را خودشان بزرگ می‌کنند و در بیرون از خانه هم به‌کار مشغول هستند، زنانی که از ازدواج رو برتافته‌اند و می‌خواهند بیرون از ازدواج به شخصیت انسانی خود تحقق بخشند، زنانی که مسئولیت‌های حرفه‌ای دارند، زنانی که نقشی در جامعه ایفا می‌کنند، در شورای محل، در انجمن اولیاء، در سندیکا، در حزب سیاسی به فعالیت می‌پردازند. از زنان پیشاهنگ، زنان خلبان یا زنان ورزشکار و رکوردشکن نیز هیچ خبری نیست» [15:39].

در تحقیقی که دربارهٔ کشور پرو انجام گرفته، فهرست تصویرها و مطالب تبعیض‌آمیز در بیست و نه کتاب بسیار رایج در شش کلاس آموزش ابتدایی در شهر لیما آمده است. این تحقیق نشان می‌دهد که در متن‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی در تمام سطوح آموزش ابتدایی، غلبه و تقدم با مردان و پسران است. به عنوان مثال در متن‌ها هفتاد و هشت درصد از ارجاعات، به مردان و پسران است و بیست و دو درصد به زنان و دختران، و در تصویرها نیز این نسبت، هفتاد و پنج به بیست و پنج درصد است. به علاوه، غلبهٔ ارجاعات مردانه پا به پای بالا رفتن کلاس‌ها در دورهٔ ابتدایی افزایش می‌یابد: در تصویرهای کتاب‌های کلاس اول، نسبت مردان و پسران شصت و پنج درصد است و در کلاس ششم به هشتاد و دو درصد می‌رسد [21:18].

ویژگی‌های هردو جنس نیز کلیشه‌ای است: مردان به طور عمده شجاع، با هوش، میهن‌پرست، برخوردار از روحیهٔ همکاری توصیف شده‌اند و زنان، مطیع و از خودگذشته جلوه می‌کنند.

در داخل خانه زنان در حال شست و شو، آشپزی، رسیدگی به بچه‌ها تصویر شده‌اند، در حالی که مردان سرگرم استراحتند و در انجام تکالیف

www.KetabFarsi.com

بچه‌ها به آنان یاری می‌رسانند. خانه به صورت جایگاه ممتاز زنان توصیف شده است: در یک‌صد متن مربوط به توصیف خانه، هفتاد متن زنان را نشان می‌دهد و سی متن، مردان را [21:38]. در مقابل، در تصویرهای مربوط به مدرسه، هشتاد درصد اشخاص، مذکر و فقط بیست درصد از آنان مؤنث هستند [21:40].

در کتاب‌های دبستانی در پرو، دنیای کار اساساً از آنِ مردان است: از صد و چهار شغل شمارش شده، هشت شغل مختص زنان است، هفتاد و نُه شغل خاص مردان و فقط هفده شغل، مختلط است [21:43]. شغل‌هایی که به تحصیلات عالی نیاز دارند تقریباً فقط مختص مردان هستند. شغل‌های معروف به زنانه، در واقع ادامهٔ نقش خانگی زنان در بیرون از منزل هستند (رخت‌شویی، دوزندگی، آشپزی و مانند آن‌ها). این کتاب‌ها از واقعیت به دورند، زیرا که در آن‌ها نه به زنان بازرگان اشاره شده است و نه به زنانی که حرفه‌ای هنری دارند. عرصهٔ هنر چنان ترسیم شده که گویی مختص مردان است [21:44-46].

بازی‌ها نیز بیشتر مردانه‌اند تا زنانه: در تصویرها و متن‌ها، سی و یک تصویر، و بیست و هفت متن به پسرها اختصاص داده شده است، اما فقط هفت تصویر و شش متن به دخترها مربوط می‌شود. فعالیت‌های پسرها پُرتنوع‌تر است و به ماجراجویی و سرعت و خطرپذیری نیاز دارد؛ وسیله‌های بازی پسرها (دوچرخه، اسکیت، توپ) تحرک‌انگیزند. در مقابل، فعالیت‌های دخترها، بی‌تحرک و منفعل جلوه می‌کنند (گوش دادن به رادیو، دید و بازدید و مانند آن‌ها). دخترها به خصوص با عروسک یا سرویس‌های آشپزی کوچک که یادآور وظایف خانگی زنان است، بازی می‌کنند [21:54 , 63-64]. در این جا نیز دنیای خلاقیت و

ماجراجویی و ابتکار خاص پسرهاست و دخترها از آن محروممند.

در کتاب‌های درسی در پرو از نقش زنان در تاریخ تقریباً هیچ نشانی نیست، زیرا که در متن‌ها، نود و یک درصد ارجاعات، و در تصویرها، هشتاد و نُه درصد ارجاعات به مردان و پسران اختصاص دارند [21:65].

تحقیقی که در زامبیا صورت گرفته، کتاب‌های درسیِ دبستان‌ها و دبیرستان‌ها (برای شاگردان هفت تا پانزده ساله) را بررسی کرده است. آشکارترین نتیجهٔ کلی این تحقیق آن بوده است که «در مجموع آثار بررسی شده، نقش مردان بسیار برتر از زنان است» [20:3]. این چیرگی در نمایش فزون‌ترِ عدديِ مردان نسبت به زنان، در ویژگی‌های شخصیتی و در حرفه‌ها و نقش‌هایی که برای هردو دسته در نظر گرفته شده‌اند، نمایان می‌گردد.

نویسندهٔ این تحقیق، ل. پ. تمبو دربارهٔ ویژگی‌های شخصیتی نابرابر مردان و زنان می‌نویسد که «در مورد توانایی‌های فکری، مردان چنان توصیف شده‌اند که گویی باهوش‌تر، خلاق‌تر، کنجکاوتر، متکبرتر و جسورتر از زنان هستند. در عرصهٔ ورزش نیز زنان به ستایش منفعلانهٔ چابکی مردان در بازی فوتبال یا سایر ورزش‌ها می‌پردازند» [20:30].

مشاغل و نقش‌های افراد مذکر و مؤنث در کتاب‌های درسی زامبیا، آشکارا متفاوتند: «مردان از قدرت و اعتبار برخوردارند: آنان مدیر مدرسه، پزشک، مهندس، رئیس اداره هستند و زنانی را تحت فرمان خود دارند که همگی معلم ساده، کدبانو، کلفت، پرستار، منشی یا خانه‌دارند. کارهای دشوار مانند رانندگی مترو، اتوبوس یا کامیون، خلبانی، مکانیکی را فقط اشخاص شجاع و باهوش ـ یعنی مردان ـ می‌توانند انجام دهند. زنان در معرض تجاوز و بهره‌کشی و اذیت و آزار

مردان قرار دارند. مردان به تصمیم‌گیری می‌پردازند و قانون تعیین می‌کنند. زنان فرمانبری و دنباله‌روی می‌کنند.» [20:30].

در کتاب راهنمای ابونصر [1] فهرستی از کلیشه‌های تبعیض‌آمیزِ مردانه و زنانه در هفتاد و نُه کتاب درسی به زبان عربی که در سال ۱۹۸۲ در مدرسه‌های هفت کشور عربی رایج بوده، آمده است. این هفت کشور عبارتند از: لبنان، تونس، مصر، عربستان سعودی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، قطر، کویت. در کتاب‌های درسی به زبان عربی، در تمام کشورها (اعم از مرتجع یا مترقی، پیشرفته یا عقب مانده) زنان به شیوه‌ای واحد و تبعیض‌آمیز توصیف شده‌اند. در حالی که زنان عرب امروزه متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین کارها را انجام می‌دهند، تصویری که از آنان در کتاب‌های درسی به نمایش گذاشته می‌شود، برمبنای سیمای سنتی زنی که رفاه اقتصادی و پایگاه اجتماعیش به مرد وابستگی دارد، شکل گرفته است. در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی عربی، زنان به صورت اسیران محبوس در خانه توصیف شده‌اند و یگانه کارهایی هم که در بیرون از خانه انجام می‌دهند دنبالهٔ وظایف خانگیشان است [1:12]. توصیف شخصیت آنان نیز کاملاً کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز است: «زنان و دختربچه‌ها در کتاب‌های درسی عربی، ضعیف، حسّاس، مطیع، وابسته، فداکار، بی‌هیچ هویت شخصی توصیف شده‌اند. آنان همانند رنجبران محترم و محبوبی ترسیم شده‌اند که از رهگذر اجرای دقیق نقش‌هایِ از پیش تعیین شده و با انجام کارهایِ مادرِ تمام وقت، کدبانو، همسر وظیفه‌شناس و دختر مطیع و محترم، وظیفه خود را به بهترین وجه انجام می‌دهند و به اوج پایگاه اجتماعی خاص خود می‌رسند.» [1:12].

این‌گونه تصویرهای تبعیض‌آمیز در کتاب‌های درسی عربی نادرستند

زیرا که تنوع نقش‌هایی را که برخی از زنان برعهده دارند، نادیده می‌گیرند. در واقع در کشورهای عربی، زنان بیش از پیش به تحصیلات عالی راه می‌یابند و در بازار کار، در مقام مدیر، هنرمند، کارگر مستقل، روزنامه‌نگار و نویسنده جایگاهی خاص خود دارند. برخی از زنان نیز در سازمان‌هایی که به فعالیت‌های داوطلبانه می‌پردازند، در ادارهٔ املاک خود، در کشاورزی و دیگر امور مسئولیت‌های سنگینی بر دوش دارند. [1:12] .

نویسندگان تحقیق دربارهٔ اوکراین پی برده‌اند که در مجموعِ متن‌های کتاب‌های کلاس اول دبستان، تعداد شخصیت‌های مرد و زن، برابر است. در صد و بیست و هفت متن ادبی در این کتاب‌های درسی، سی عنوان مربوط به زنان است و سی و شش عنوان، مربوط به مردان. در کتاب‌های کلاس دوم دبستان، این ارقام عبارتند از: سی و یک برای زنان و سی و چهار برای مردان. در کتاب‌های کلاس سوم، از بین صد و پنجاه عنوان، سهم زنان بیست و هفت و سهم مردان، بیست و شش عنوان است. به علاوه در این کتاب‌های درسی، ویژگی‌های شخصیتی افراد مذکر و مؤنث به دقت مشخص شده‌اند [11:20] .

در کتاب‌های درسی که به توصیف دختران و پسرانی می‌پردازند که می‌توانند از پس کارهای خودشان برآیند نیز کلیشه‌های تبعیض جنسی وجود دارند و کارهایی که پسرها انجام می‌دهند معمولاً پیچیده‌تر و دشوارتر از کارهای دختران است [11:21] . در متن‌های ادبی کتاب‌های دبستانی، خصوصیات مثبتی که از زنان و دختران ارائه شده، تقریباً مساوی خصوصیات مردان و پسران است. با این همه خصوصیات مثبت دوجنس، یکسان نیستند: «مردان، زبردست، شجاع، مصمم، بی‌پروا،

سلحشور، صادق، مهربان، پویا، مبتکر، کاردان، سریع، باهوش، چابک، دقیق، متعادل و در عین‌حال، مهمان‌نواز، دلسوز، دوراندیش و خوش‌برخورد ترسیم شده‌اند. اما در بین زنان، خصوصیاتی مانند بخشندگی و ملایمت، غلبه دارد. زنان، مهربان، دوست داشتنی، مطمئن، سرشار از دلسوزی، صادق، صمیمی، راستگو، پر محبت، خوشرو، و در عین‌حال زحمت‌کش، با پشتکار، جدی، دقیق، شجاع، آرام و پرتوقع هستند.» [11:21].

بدین ترتیب می‌بینیم که در کتاب‌های درسی کلاس‌های اوّل و دوم و سوم در اوکراین، تعداد اشخاص مذکر و مؤنث تقریباً برابر است و خصوصیات مثبت زنان غالباً بیشتر از مردان است. با این همه کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در کتاب‌های درسی اوکراین، به ویژه در کتاب‌های مخصوص کودکان ده تا چهارده ساله، دیده می‌شود: «۳۸/۳% از ارجاعاتی که به فعالیت‌ها یا استعدادهای حرفه‌ای شده است به زنان اختصاص دارد و ۶۱% به مردان. با مقایسه این دو رقم، وجود کلیشهٔ برتری مردانه در عرصهٔ شغل و حرفه، آشکار می‌شود.» [11:18].

علاوه براین، تداوم نمایش خانواده‌های دهقانان و پیشه‌ورانی که در آن‌ها مردان به‌طور سنتی نقش حامی خانواده را ایفا می‌کنند و زنان بیشتر به وظایف خانگی می‌پردازند «نوعی کلیشهٔ روان‌شناختی را ایجاد کرده که «وظایف زن» در زمینهٔ خانه‌داری و به ویژه نسبت به بچه‌ها همچنان بسیار گسترده‌تر از وظایف مرد است.» [11:19]:

خلاصه آن‌که تحقیق دربارهٔ اوکراین، کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی را در کتاب‌های درسی به سه دسته تقسیم می‌کند [11:26]:

گروه اوّل (۶۸%) به مبالغه دربارهٔ ویژگی‌های شخصیتی هرجنس

برمی‌گردد: براساس این کلیشه‌ها، مردان، کارآمد و شجاع و عاقل و با پشتکارند، اما زنان تابع عاطفه، ملایمت و دلسوزی هستند.

گروه دوم (۲۳٪) به برتر شمردن نقش‌های خانوادگی و حرفه‌ای که به‌طور سنتی به این یا آن جنس نسبت داده می‌شود، برمی‌گردد: زنان، کدبانو، پرستار، آموزگار و مانند آن‌ها هستند، اما مردان تکیه‌گاه اصلی خانواده هستند، حساب و کتاب مخارج خانواده دست آنان است و به کارهایی مانند نظامی‌گری، هیزم‌شکنی و جواهرسازی می‌پردازند.

گروه سوم (۶٪) تفاوت‌های مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را برجسته می‌سازد: زنان منفعل هستند، اما مردان، مسئولیت‌های مدیریتی را عهده‌دار می‌شوند.

حضور کلیشه‌های تبعیض جنسی در ۵۵/۷٪ از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان در اوکراین نشان می‌دهد که این نسبت بسیار فراتر از نسبت گرایش به خنثی‌سازی کلیشه‌های تبعیض جنسی (۴/۵٪) یا گرایش به کنار زدن آن‌ها (۳۹/۸٪) است [11:26].

گروه پژوهشی مربوط به کویت به بررسی کتاب‌های درسی در زمینهٔ دین اسلام، زبان عربی، علوم عام، علوم انسانی، آموزش نظامی، روان‌شناسی، زبان انگلیسی، و نیز کتاب‌های کودکان پرداخته است. در این کتاب‌ها، زنان و دختران یا غایب هستند، یاحضوری ناچیز دارند و یا ترسیم آنان، همانند مردان و پسران، بسیار کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز است. بررسی یک کتاب عربی برای کودکان ۶ تا ۷ ساله نشان می‌دهد که به عنوان مثال از میان ۵۶ تصویر، ۷۶٪ به نمایش پسرها اختصاص داده شده، ۱۰/۶٪ به نمایش دخترها و ۱۲/۵٪ به نمایش پسرها و دخترها [25]. به علاوه نویسندگان این بررسی معتقدند که بین نقش‌های

مرادنه و زنانه تعادلی وجود ندارد: در ۷۵٪ از موارد، شخصیت‌های اصلی، پسر هستند و در ۲۵٪ از موارد، دختر. پسرها نقش‌های بسیار پویا یا سرگرم‌کننده دارند: همراه با پدرشان به ماهی‌گیری یا ساحل دریا می‌روند، فوتبال‌بازی می‌کنند، جنگ و دعوا به راه می‌اندازند و بر دشمنشان چیره می‌شوند، اما دخترها یا به کلی غایبند، یا مثلاً عروسک‌بازی می‌کنند [25].

به همین ترتیب در یک کتاب عربی برای کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله می‌بینیم که در ۸۲٪ از تصویرها فقط پسران نمایش داده شده‌اند و در ۱۸٪ از آن‌ها، دختران به تنهایی یا در کنار پسران حضور دارند [25]. ۸۴٪ از ۲۴ شخصیت اصلی، پسر یا مرد هستند و ۱۶٪ زن یا دختر [25]. باوجودی که کتاب از رفتار یک زن قهرمان و تاریخی که در زمان پیامبر اسلام در میدان جنگ خوش درخشید، ستایش می‌کند، به نقش زنان در آموزش و پرورش حتی اشاره‌ای هم نشده است.

تبعیض جنسی در مدرسه چه تأثیراتی در کودکان دارد؟

حضور تبعیض جنسی در مدرسه نشاندهندهٔ آن است که مدرسه کاری جز بازتاب دادنِ پیشداوری‌های جامعه انجام نمی‌دهد و نهادی اجتماعی است که تبعیض جنسی نسبت به زنان و دختران را که حتی پیش از ورود کودکان به مدارس، در مغزشان فرورفته، تقویت می‌کند. ساروجینی بیزاریا [5] در کتاب راهنمایی که برای شناخت و طرد کلیشه‌های تبعیض جنسی تدوین کرده، نقش مدرسه را در تحکیم این کلیشه‌ها نشان می‌دهد و می‌افزاید که کلیشه‌های تبعیض جنسی که در جامعه وجود دارند، در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی بازتاب می‌یابند و بدین ترتیب، هم به ضرر

www.KetabFarsi.com

زنان و هم به ضرر مردان، تقویت می‌شوند.

نویسنده برای نمونه از کلیشهٔ جنسیِ رایج در مورد ضرورت منصرف کردن دختران از آموزش فنی و علمی یاد می‌کند و می‌افزاید که احساس فرودستی دختران در جامعه، غالباً حاصل تلقینات آموزگاران مرد و زنِ آنان است. مثلاً آموزگاران و مادران، با گفته‌هایی از این دست که «تو دختر هستی و این کارها به دخترها نیامده» دختران را از تحصیلات فنی و علمی، دلزده می‌کنند. به علاوه، این دختران تحت‌تأثیر کلفت‌های بی‌سوادی قرار دارند که تبعیض جنسی را تداوم می‌بخشند و افق فکری دختران نوجوان را بسیار تنگ می‌کنند. کتاب‌های درسی نیز زنان را فقط در نقش سنتیِ زن خانه‌دار، و در بهترین حالت در شغل‌های کلیشه‌ای مانند پرستاری و مربی‌گری مهدکودک ترسیم می‌کنند. دختران با دنیای تکنولوژی کم‌تر آشنایی دارند و بیشتر آنان به عرصه‌های ادبی کشیده می‌شوند و بدین‌ترتیب این کلیشهٔ تبعیض‌آمیز تداوم می‌یابد که آموزش فنی و علمی خاص پسران است.

کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی که در مدارس رواج دارند و تأثیراتی زیانبار بر راهنمایی درسی دختران می‌گذارند، در فرانسه نیز یافت می‌شوند. در تحقیقی که «فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌ای آموزش» دربارهٔ فرانسه انجام داده، آمده است که غیبت تقریباً کامل دختران و زنان در کتاب‌های علوم تجربی باعث شده که به عنوان مثال دختران در سر درس فیزیک، برخلاف پسران، برای صحبت کردن دربارهٔ مسائل علمی بسیار تردید کنند [15:19].

تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی فقط در گرایش‌های آموزشی و حرفه‌ای دختران جوان تأثیر نمی‌گذارد، بلکه در برداشتی که

هرجنس از دیگری دارد نیز اثر می‌گذارد. در یکی از تحقیقاتی که دربارهٔ فرانسه صورت گرفته [16] آمده است که بچه‌های دبستانی، اعم از پسر یا دختر، جنس دیگر را به‌ویژه در عرصهٔ حرفه‌ای خیلی زود براساس کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی درک می‌کنند. به همین سبب پسربچه‌های ۸ تا ۱۱ سالهٔ دبستانی در پاسخ‌های خود، گرایش‌های شغلی دختران را کم اهمیت دانسته و آن‌ها را به مشاغل زنانهٔ سنتی که جز تداوم کارهای خانگی زنانه (پرستاری، بچه‌داری، دوزندگی و مانند آن‌ها) در بیرون از خانه نیستند، محدود کرده‌اند. اما دختران در پاسخ‌های خود نه فقط خواستار اجرای حرفه‌های سنتی شده‌اند، بلکه به یکی از مشاغلی که تازه در اختیارشان گذاشته شده نیز تمایل نشان داده‌اند (پزشکی، روزنامه‌نگاری، خلبانی و مانند آن‌ها). با این همه باید خاطرنشان کرد که همین دختران، تمایلات حرفه‌ایِ کلیشه‌ای را به پسران همسن خود نسبت می‌دهند: آنان پسرها را بلندپرواز و جویای کارهای معتبر و پردستمزد تصور می‌کنند، در حالی که خود پسرها غالباً چنین خواسته‌هایی ندارند. بدین ترتیب پسران و دختران در مدرسه کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را ملکه ذهن خود می‌کنند [16:140-150].

در پرو که در آن‌جا کتاب‌های درسی تصویر زنان را جز در چارچوب خانه نشان نمی‌دهند و از اشاره به فعالیت‌های حرفه‌ای آنان در بیرون از خانه خودداری می‌ورزند، دانش‌آموزان پسر و دختر یاد می‌گیرند که این فعالیت‌ها «اعتبار و رواج کم‌تری دارند» [21:164].

تحقیقی که دربارهٔ اوکراین صورت گرفته نسبت به تأثیر شوم کلیشهٔ نابرابری دو جنس، در متن‌ها و تصویرهایِ مربوط به بازی‌های کودکان و در کتاب‌های درسی هشدار می‌دهد. در واقع، این کلیشهٔ نابرابری ممکن

است به کلیشهٔ نقش‌های اجتماعی دربارهٔ کارها و فعالیت‌های حرفه‌ای و نیز، حقوق خاص و مجزای زنان و مردان بدل شود: «دنیای درونی کودک در بازی که سرچشمهٔ اندیشه‌ها و عادات اوست، شکل می‌گیرد. بنابراین بی‌نهایت اهمیت دارد که نویسندگان کتاب‌های کودکان دربارهٔ تصویری که از بازی‌های آنان ارائه می‌دهند به بازنگری بپردازند. در این میان به نظر ما، برخی از نویسندگان که با بیانی شیرین و گیرا به توصیف دختری «استثنایی» که به همراهی پسرها نقش فرمانده ناو را ایفا می‌کند، یا پسری «استثنایی» در حال کار با چرخ خیاطی، می‌پردازند، راه خطا می‌پیمایند.» [11:22] .

در ایالات متحدهٔ آمریکا دربارهٔ پیامدهای کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی که جامعه و مدرسه در مغز شاگردان دختر و پسر فرو می‌کنند، بررسی‌های بسیار ژرفی صورت گرفته است.

یکی از بدیهی‌ترین این پیامدها را مارتا هورنر، رواج «ترس از موفقیت» در بین دختران نامیده است. پژوهش دربارهٔ «ترس از موفقیت» در بین دختران دبستانی ۱۰ ساله راگریس باراش انجام داد. او مشخص کرد که این ترس ممکن است در دختربچه‌ها دوبار بیشتر از پسربچه‌ها مشاهده شود (۵۲٪ دختربچه‌ها و ۲۵٪ پسربچه‌ها گرفتار این ترس هستند) [26:199-...] . این ترس از موفقیت، معمولاً با حس «زنانه» نبودن و با احتمال عدم پذیرش اجتماعی همراه است، چرا که موفقیت ممکن است همانند نوعی گسست از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز سنتی دربارهٔ جنس مؤنث جلوه کند. همین پژوهش نشان می‌دهد که در بین دختران «ترس از موفقیت» به همراه سن آنان بالا می‌رود و در ۱۵ سالگی، زیر فشار اجتماعی فزاینده برای وابسته ساختن اجتماعیِ زنان به اوج خود می‌رسد.

همچنین پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که نتیجهٔ تست‌های عمومی هوش برای کودکان همسن، باتوجه به جنس کودک دچار تغییر و تحولاتی می‌شود. دختر بچه‌های آمریکایی در دورهٔ پیش از دبستان، از آن جاکه به تمامی تابع کلیشهٔ فرودستی زنان نشده‌اند، در تست‌های عمومی هوش، نتیجه‌ای بهتر از پسرها به دست می‌آورند. اما اگر همین بچه‌ها را طی سال‌های مدرسه زیر نظر بگیریم، درمی‌یابیم که پیشرفت پسرها سریع‌تر از دخترهاست و به هنگام ورود به دبیرستان، موفقیت پسرها در تست‌های عمومی هوش بیشتر از دخترهاست [...-26:199].

تمایلات حرفه‌ایِ کودکان پسر و دختر آمریکایی از همان دورهٔ آمادگی و در دبستان، براساس کلیشه‌های تبعیض‌آمیز مردانه و زنانه شکل می‌گیرد. به‌علاوه، این کلیشه‌ها به کاهش سطح خلاقیت دختران و به گسترش هرچه زودترِ ترس از موفقیت در میان آنان یاری می‌رسانند. اما این رشته سر دراز دارد: این سدهای روانی ـ اجتماعی که از رهگذر کلیشه‌های جنسی به دختران تحمیل شده‌اند و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان نیز بر نفوذشان می‌افزایند، در پی نوعی تأثیر واکنشی، دختران را به احساس حقارت و دست کم شمردن خود می‌کشانند [27:150]. سپس مانند یک دور باطل، این احساس حقارت جز به افزایش ترس از موفقیت و کاهش کامیابی‌های درخشان فکری در بعضی از عرصه‌ها نمی‌انجامد.

پی بردن به نقش مدرسه در شکل‌گیری احساس حقارت در میان دختران دانش‌آموزِ آمریکایی و نیز در تکوین ارزشباختگی خاص آنان، اهمیت بسیار دارد. پیشتر دیدیم که بررسی روابط آموزگاران (مرد و زن) با دانش‌آموزان (پسر و دختر) در ایالات متحدهٔ آمریکا نشان داده که

www.KetabFarsi.com

آموزگاران با پسرها بیشتر از دخترها ارتباط برقرار می‌کنند (این ارتباط شکل های مختلف دارد: سرزنش، ستایش یا طرح پرسش) و دخترها، برعکس، غالباً با تذکرات تحقیرآمیز روبه‌رو می‌شوند. نتیجهٔ چنین رفتاری آن است که پسران که بسیار بیشتر از دختران در مباحثات کلاس شرکت می‌ورزند، پرسش‌های بیشتری مطرح می‌سازند و آموزگاران نیز به آنان بیشتر توجه می‌کنند و بدین ترتیب به صورت جنس مهم و برتر در نظر گرفته می‌شوند، حال آن که در میان دختران، احساس فرودستی آنان پرورش داده می‌شود. تجربه‌ای که تارنس در یک کلاس دبستان انجام داد، درستی این نتیجه گیری را تأیید می‌کند: در جریان این تجربه با وجودی که دانش‌آموزان دختر در کار با اسباب‌بازی‌های 'علمی، مهارتی بیش از پسرها نشان دادند، در پایان شاگردان هردو جنس، به رغم واقعیت امر، اعلام کردند که نتیجهٔ پسرها بهتر بوده است [27:151].

ماری ـ ژوشومبار دولوو همین احساس ارزشباختگی را در ذهن دختران در فرانسه نشان داده است. او از دانش‌آموزان ۸ و ۹ ساله می‌پرسد که کدام شخصیت‌های همسن خود را که در کتاب‌ها و رسانه‌های گروهی معرفی شده‌اند، برتر می‌شمارند؟ در پاسخ درمی‌یابد که بیشتر آنان، پسربچه‌ها را ترجیح می‌دهند: فقط ۱۵٪ از پسرها، شخصیت‌های دختر را برمی‌گزینند، در حالی که اشخاص برگزیدهٔ ۴۵٪ از دخترها، پسر هستند. از سوی دیگر «۹۵٪ از پسران آرزو دارند که به یکی از شخصیت‌های پسر بدل شوند...و یک سوم از دختران نیز می‌پندارند که به قهرمانان پسر بدل خواهند شد» [14:23-24].

بنابراین در فرانسه نیز مانند ایالات متحدهٔ آمریکا، نقش مردانه آشکارا برتر جلوه می‌کند، اما نقش شخصیت زنانه فروتر شمرده می‌شود.

این امر پسران را برمی‌انگیزد که خود را در نقش‌های مردانهٔ کلیشه‌ای و خشک محبوس سازند و دختران را وامی‌دارد که تمایلی به همانندی با شخصیت‌های مؤنث نداشته باشند و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و رسانه‌های گروهی نیز شخصیت‌های زنانه را به صورت افرادی مضحک، فرعی، زیردست، بی‌بهره از هرگونه ارزش اجتماعی یا شغلی معرفی می‌کنند.

دختران تحت‌تأثیر کلیشه‌های تبعیض جنسی احساس می‌کنند که نمی‌توانند در رشته‌های علمی به موفقیت دست یابند. در بسیاری از کشورها پدر و مادرها و آموزگاران غالباً دختران را از رفتن به رشته‌های علمی منع می‌کنند تا پسران را در این رشته‌ها جای دهند. در واقع بچه‌ها برای موفقیت در این عرصه باید به داشتن استقلال و ابتکار تشویق شده باشند. اما بیشتر اوقات دختران برخلاف پسران، در زندگی روزانه یا در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان با چنین تشویق‌هایی روبه‌رو نمی‌شوند. در حالی که در حقیقت «پیشرفت فکری دختران هنگامی تسریع می‌شود که آنان اعتماد به نفس دارند و پویا هستند و احساس می‌کنند که سررشتهٔ کارها و رویدادهای مؤثر بر زندگیشان را خود در دست دارند» [28:132].

همان‌گونه که «کمیسیون جامعهٔ اروپا» خاطرنشان می‌سازد، تردیدهای دختران در دنبال کردن علوم را «برتری مداوم معلمان مرد در درس‌های علمی "حتی در دبستان" و برتری معلمان زن در درس‌های ادبیات» تقویت می‌کند، زیرا که «پسران و دختران در گزینش‌های درسی خود از همانند دانستن خویش با آموزگارانشان در درس‌های مختلف تأثیر می‌پذیرند» [22].

در تحقیقی که دربارهٔ زامبیا صورت گرفته، پیامدهای آموزش تبعیض‌آمیز در مدرسه، ذکر شده است: «کتاب‌هایی که به اشخاص مذکر برتری می‌دهند، تصویری کاذب را از زن منتقل می‌سازند، تصویری که بیشتر وقت‌ها صفاتی را که عموماً منفی و بد شمرده می‌شوند، مجسم می‌سازد. از این لحاظ می‌توان گفت که آموزش رایج به ضرر زنان است، زیرا که آنان را همواره ناچیز و فرودست نشان می‌دهد و کودکان را وامی‌دارد که پسران را برتر از دختران بدانند» [20:12].

تحلیل‌های پیشگفته این اندیشه را به ذهن راه می‌دهند که اگر بخواهیم تبعیض جنسی را در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی از بین ببریم تا امکان شکوفایی همه جانبهٔ استعدادهای هردو جنس فراهم آید، باید نه فقط در عرصهٔ کتاب بلکه در تمام دیگر بخش‌های نظام آموزشی نیز به روشنگری در باب تبعیض جنسی و پیکار عملی با آن بپردازیم.

www.KetabFarsi.com

تصویرهایی از کلیشه‌های تبعیض آمیز و تبعیض ستیز

باید کلیشه‌هایی را که مردان و زنان را محبوس نقش‌هایی می‌سازد که بر مبنای جنسیت تعیین شده‌اند، دور بریزیم. تصویرهای صفحات بعد که به دو دستهٔ تبعیض آمیز و تبعیض‌ستیز تقسیم شده‌اند از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان گرفته شده‌اند. هدف ما از این کار، جلب توجه کلیهٔ خوانندگان و به ویژه آموزگاران به مسئلهٔ تبعیض جنسی است.

کلیشه‌های تبعیض جنسی در بازی‌های کودکان

از همان آغاز کودکی ... جدایی و تبعیض بر مبنای جنسیت آغاز می‌شود.

2

دختر با عروسک، و پسر با مکعب‌های هوش، بازی می‌کنند.

*****

3

پسران و دختران جداگانه، بازی‌های متفاوت می‌کنند.

*****

4

دختر با پای پیاده راه می‌رود.

*****

5

پسر سوار دوچرخه است.

*****

www.KetabFarsi

6

پسر پارو می‌زند،

دختر تماشا می‌کند.

****

پیش به سوی برابری جنسی

7

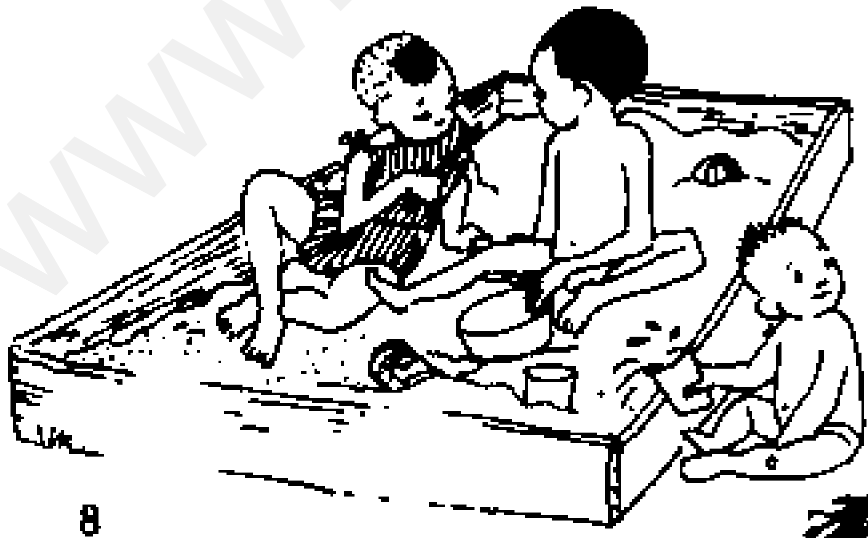

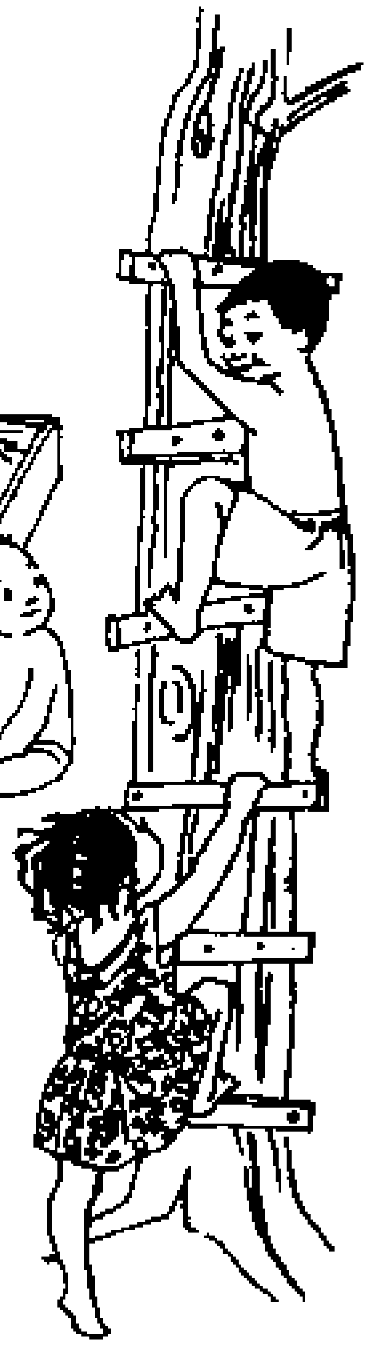

8

دختران و پسران با هم بازی می‌کنند.

*****

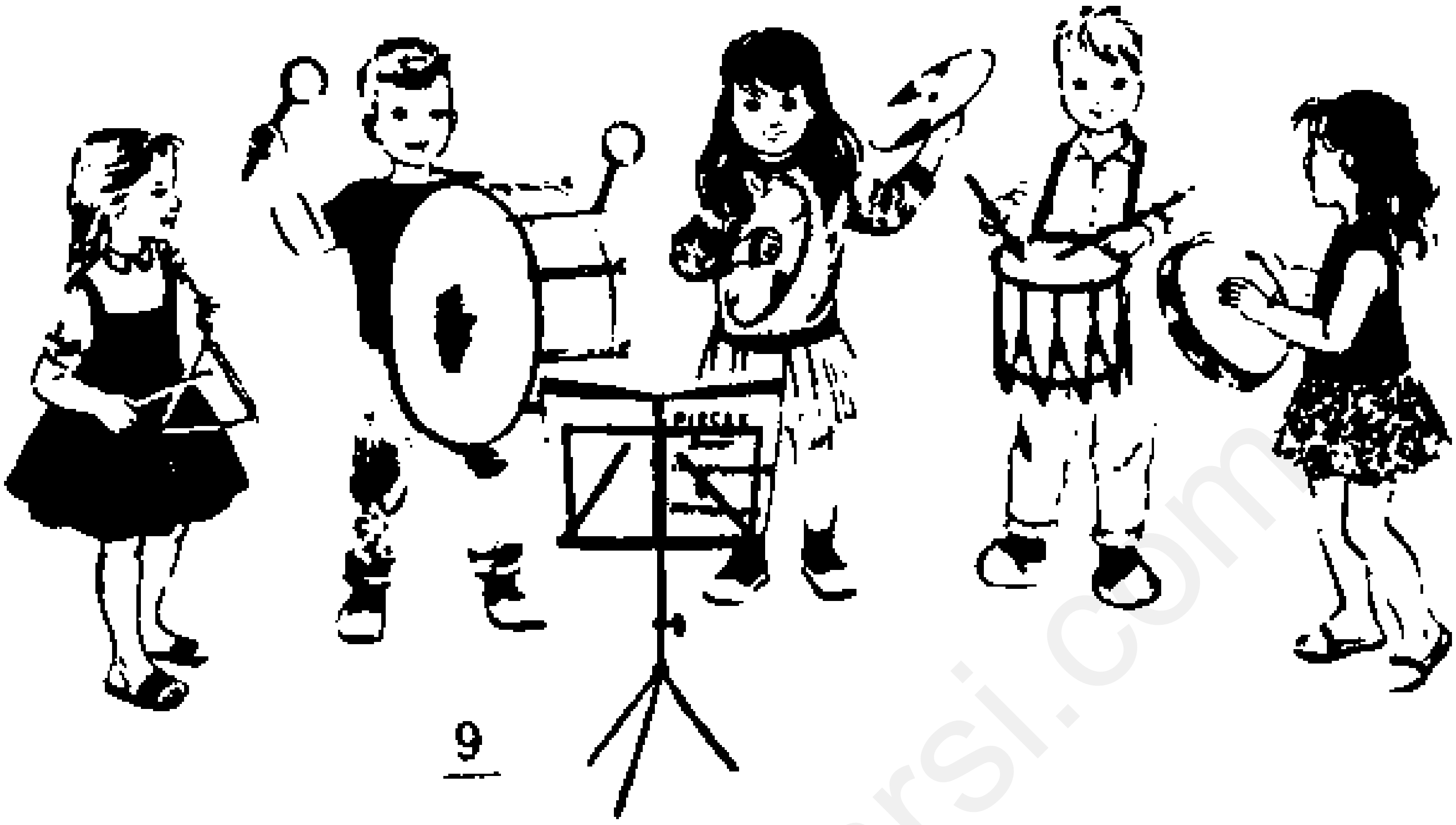

9

دختران و پسران در یک گروه واحد موسیقی می‌نوازند.

****

IO

دختر و پسر هر دو خیاطی می‌کنند.

*****

www.KetabFarsi.com

11

دختران به تعمیرکاری مشغول هستند.

****

کلیشه‌ها

کارهای خانگی

فقط مادران و دختران به کارهای خانگی می‌پردازند.

12

دختر باید برود آب بیاورد.

www.KetabFarsi.com

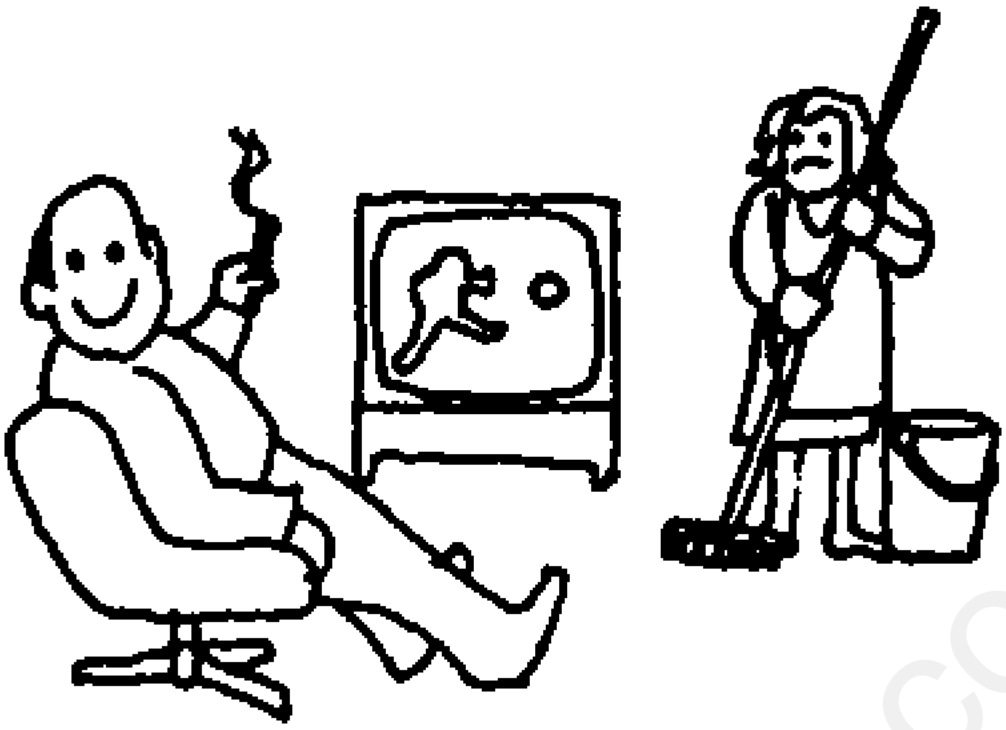

13

وقتی که پدر در تلویزیون فوتبال نگاه می‌کند، مادر جارو می‌زند.

****

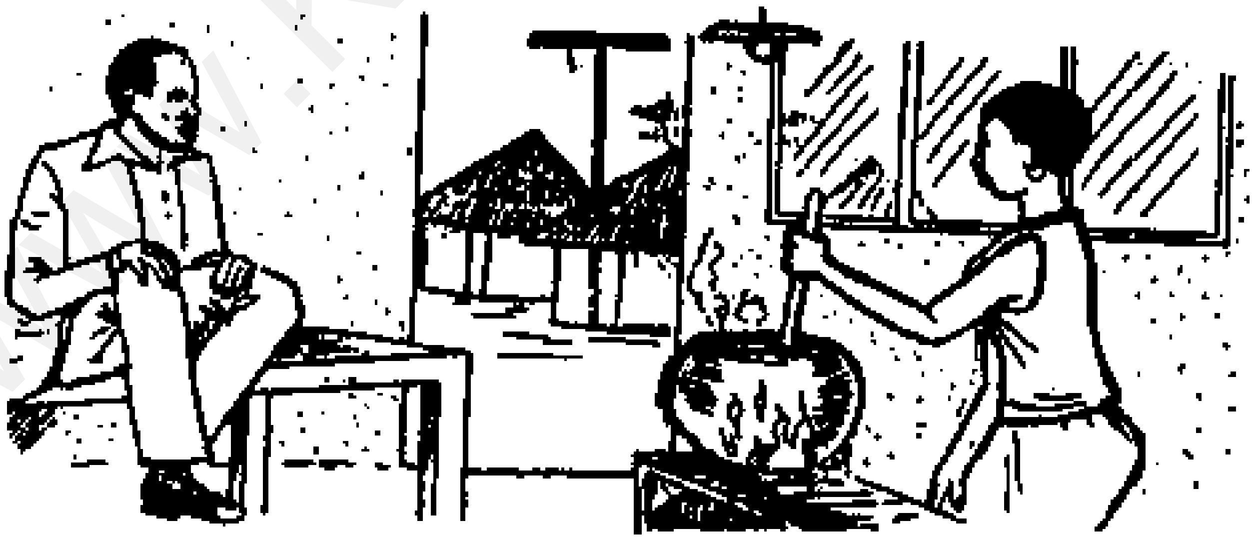

14

مادر غذا را آماده می‌کند،

پدر انتظار می‌کشد.

****

www.KetabFarsi.com

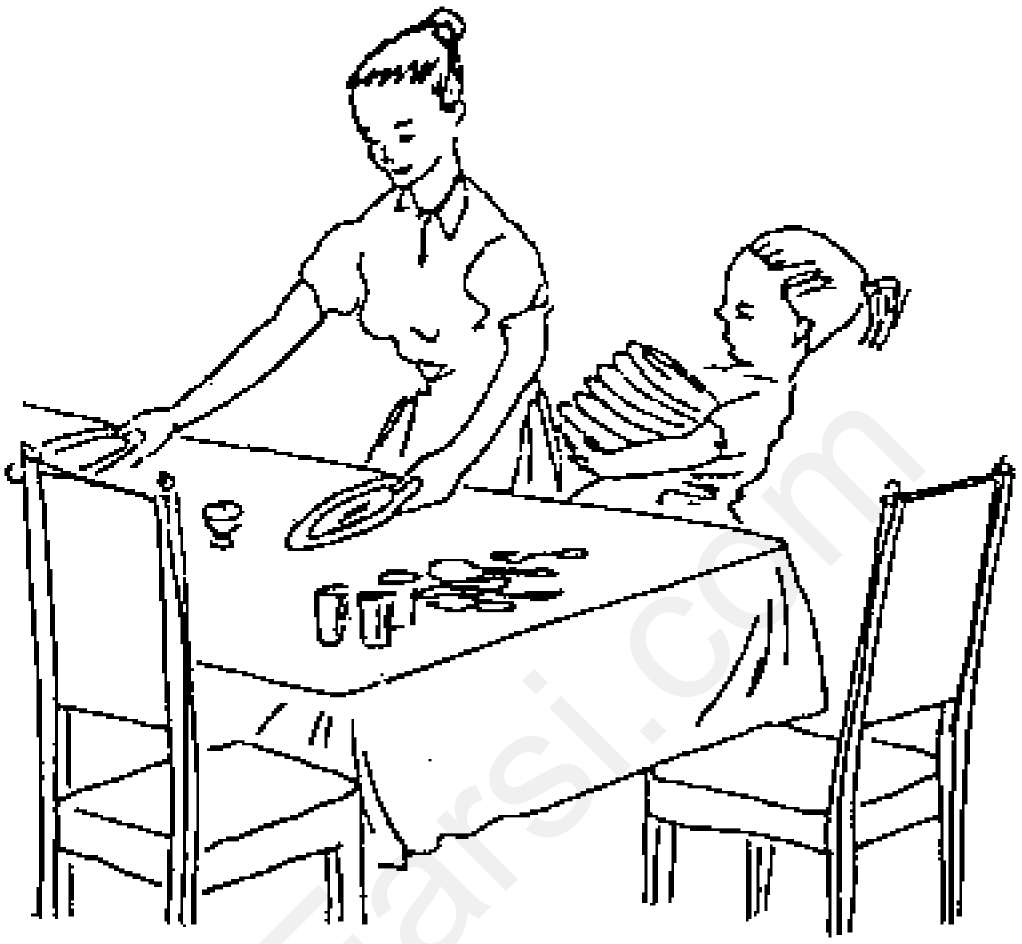

15

مادر و دختر سفره را می‌چینند.

*****

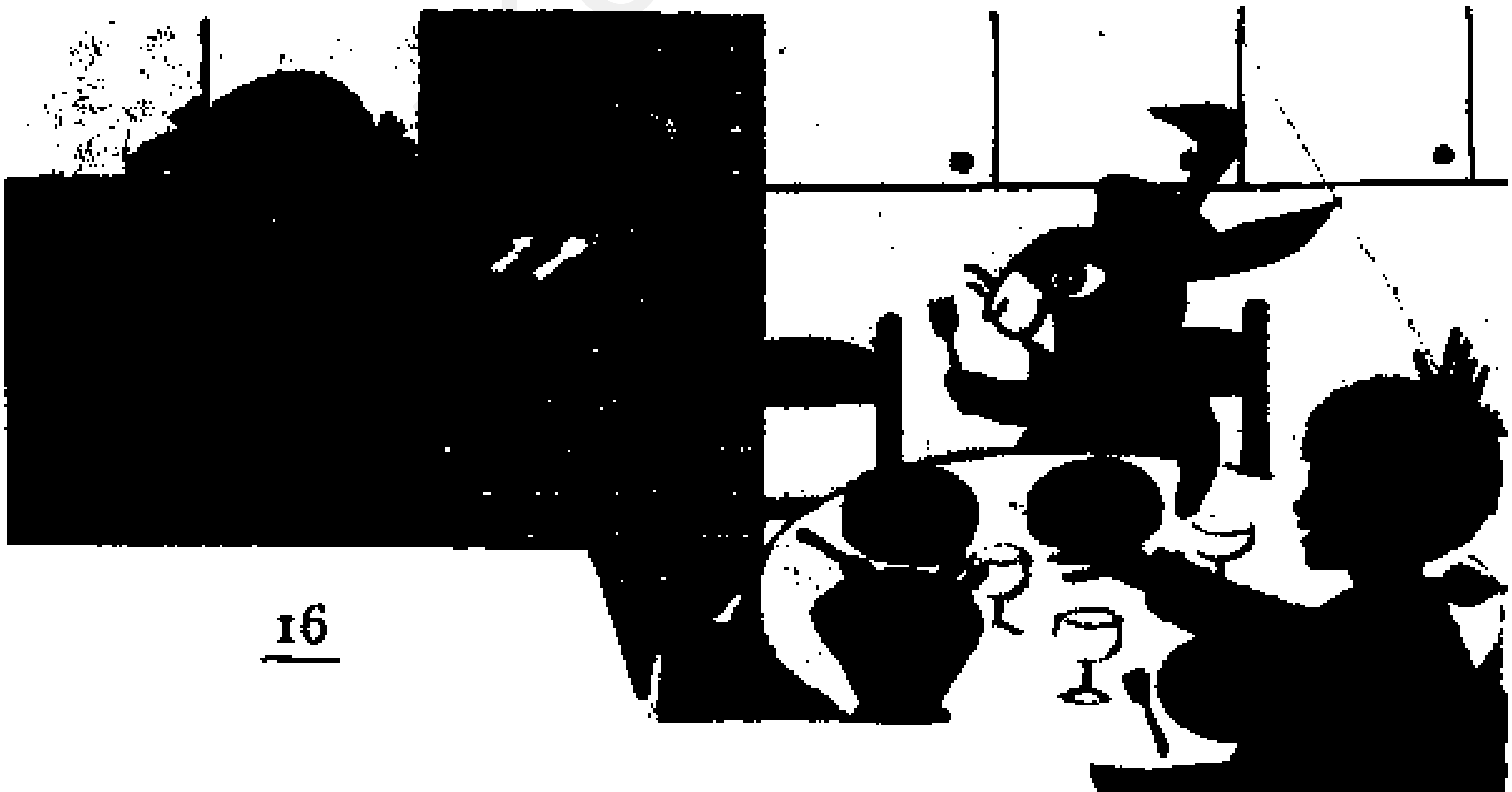

16

دختر است که غذا را سر میز می‌آورد.

*****

پیش به سوی برابری جنسی

افراد هر دو جنس از کوچک تا بزرگ، در کارهای خانگی شرکت می‌ورزند.

17

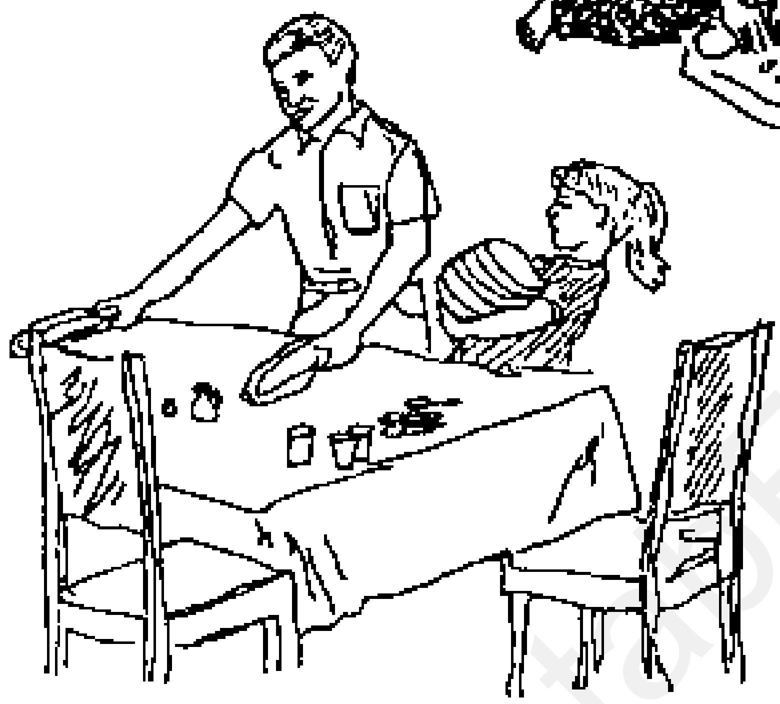

18

پدر همراه با دختر سفره را می‌چیند.

19

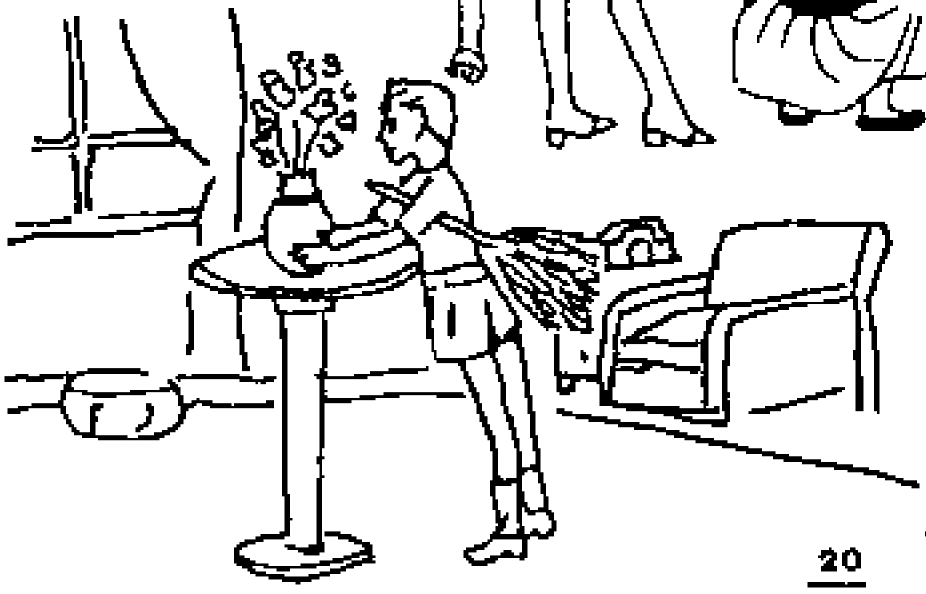

پسر خانه را تمیز می‌کند.

20

****

www.KetabFarsi.com

21

پسر و دختر غذا را آماده می‌کنند.

****

کلیشه‌ها

در خانه

هرکسی در خانه، با توجه به جنسیت خود، نقشی پیشاپیش تعیین شده دارد.

22

پدر روزنامه می‌خواند، مادر بافتنی می‌بافد.

23

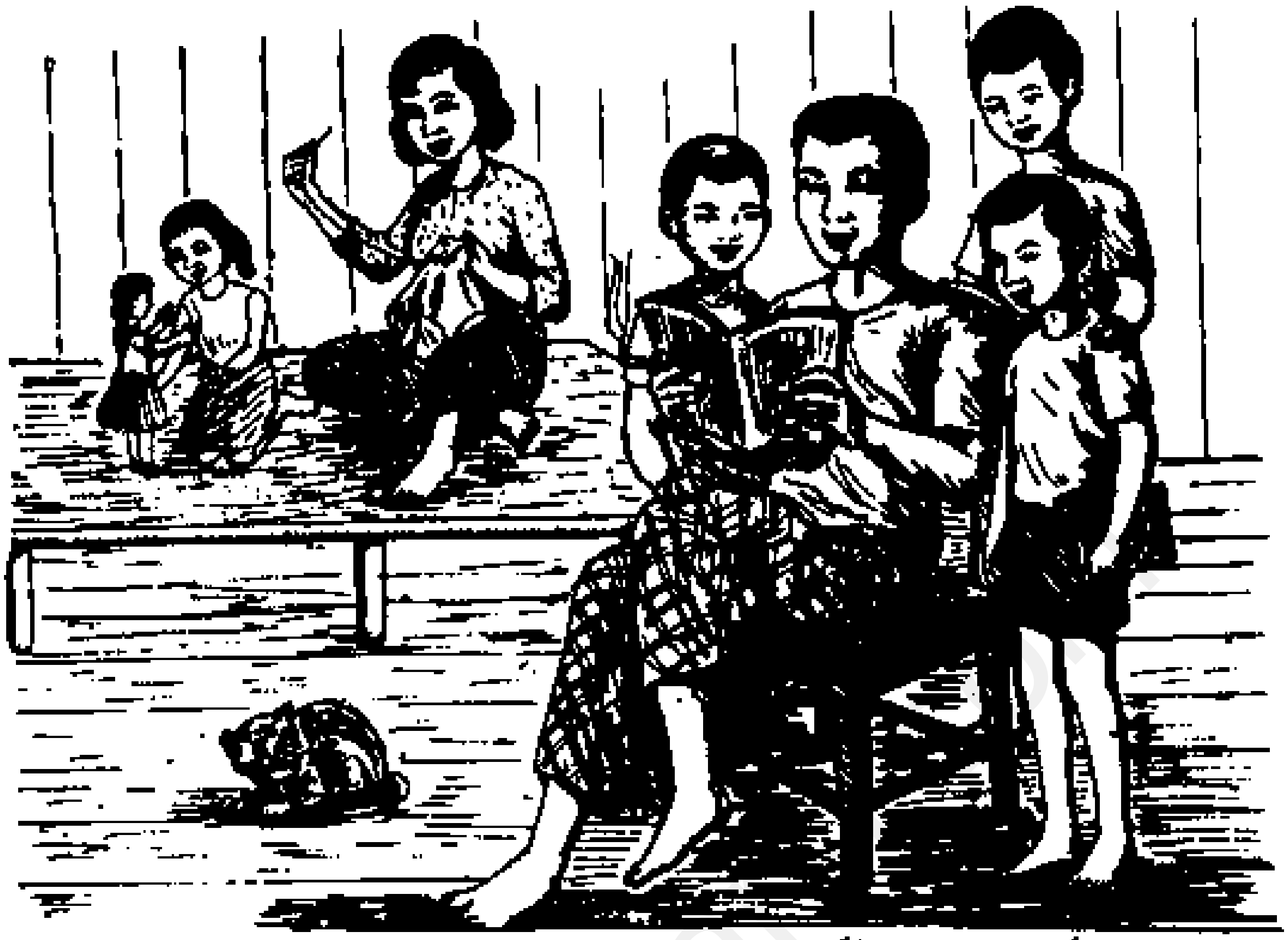

پدر برای پسرها کتاب می‌خواند، مادر وصله می‌زند، دختر عروسک‌بازی می‌کند.

پیش به سوی برابری جنسی

کارها و سرگرمی‌ها در درون خانواده بی‌هیچ تبعیضی تقسیم شده‌اند.

26

پدر برای دخترش کتاب می‌خواند، مادر برای پسرش کتاب می‌خواند.

24

25

پدر و مادر با هم به فرزندانشان رسیدگی می‌کنند.

کلیشه‌ها

در محل کار

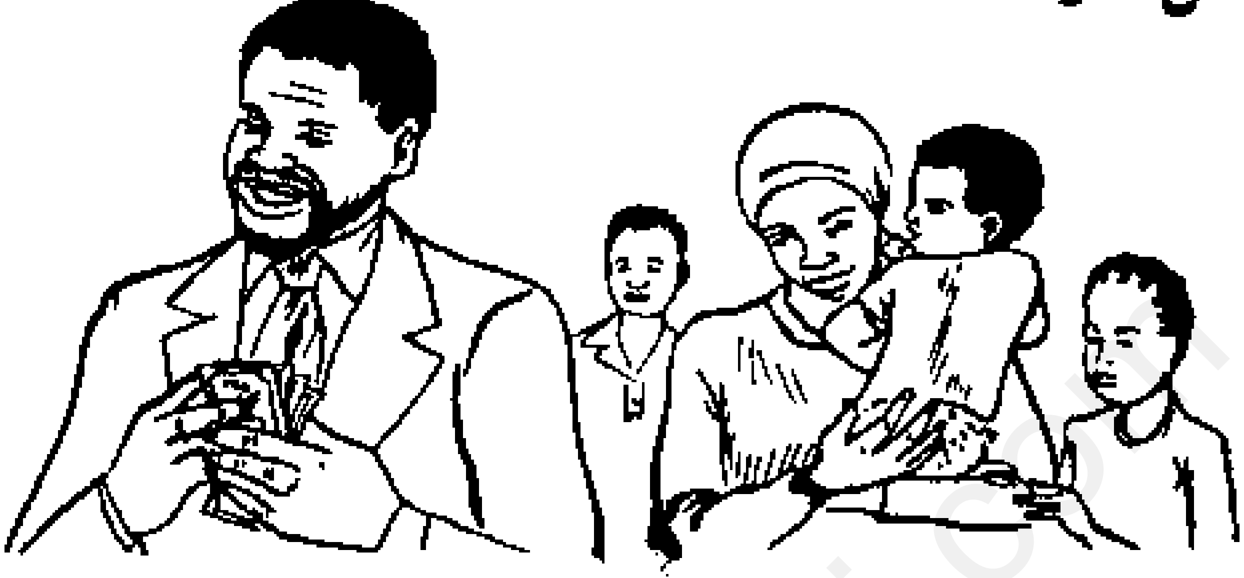

27

پدر برای تأمین نیازهای خانواده پول به دست می‌آورد؛ مادر به بچه‌ها وکارهای خانگی می‌رسد.

****

زنان فقط کارهای معروف به «زنانه» را انجام می‌دهند:

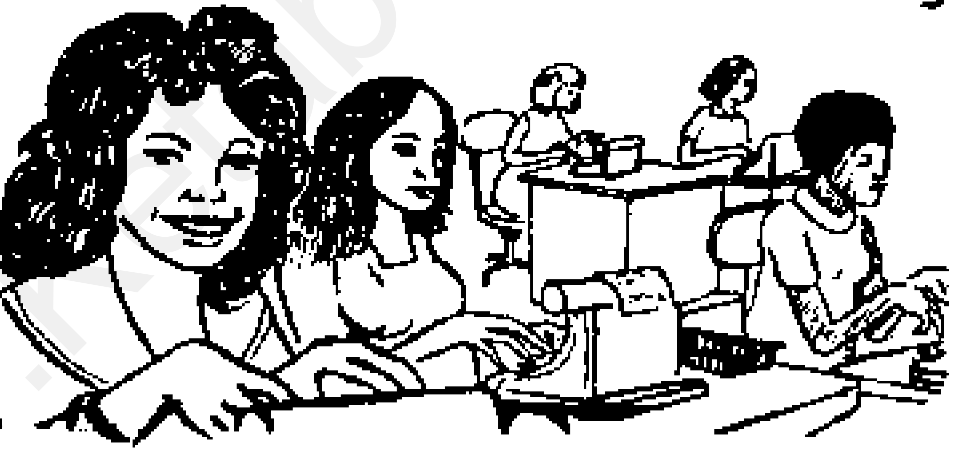

ماشین نویسی.

28

29

****

پرستاری

www.KetabFarsi.com

خانه‌داری

پیش به سوی برابری جنسی

3¹

مردان و زنان در کنار هم در آزمایشگاه کار می‌کنند.

****

3²

زنان امروزه مجموعه‌ای از کارهایی را که پیشتر در انحصار مردان بود، انجام می‌دهند.

****

www.ketabfarsi.com

منبع تصویرها

۱. این تصویر را «کمیته ملی سوئد برای برابری میان زنان و مردان» تهیه کرده است.

۲، ۷، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۶، این تصویرها در کتاب زیر چاپ شده است:

Identification and elimination of sex stereotypes in and from school text books-Some suggestions for action in the Arab world.

این کتاب را سه تن از اعضای «انستیتوی مطالعات زنانه در دنیای عرب» (کالج دانشگاهی بیروت)، پاریس، یونسکو، ۱۹۸۳ تهیه کرده‌اند (سند /ED-84/WS/3). این سه تن عبارتند از: Julinda, Abu Naśr ، Jamileh Mikati, Irene Lorfing.

۳، ۲۳. این دو تصویر از یک کتاب درسی برای کلاس دوم دبستان گرفته شده‌اند. این کتاب را «کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان» برای فرزندان پناهندگان خمر در اردوگاهی در تایلند منتشر کرده است.

۵، ۶، ۹. این تصویرها اثر گردا (Gerda) است و در یکی از کتاب‌های درسی کلاس اول دبستان چاپ شده است:

Le Francais, Paris, Armand Colin , 1964.

۸، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۳۱. این تصویرهای را ژیل پول (Jill Poole) برای کتاب زیر کشیده است:

Manuel sur le développement de l'enfant; la vie familiale et la nurition.

ناشر این کتاب «مرکز آفریقایی پژوهش و آموزش برای زنان» وابسته به «کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا»، آدیس‌آبابا، ۱۹۸۲ است.

۱۰. این تصویر را نقاش چینی لین وان ـ تسوئی (Lin Wan Tsouei) برای کتاب زیر کشیده است.

Nos petits amis, Éditions en langues étrangéres, Beijing, 1976.

۱۱. این تصویر از جزوهٔ *A Woman in Finland* گرفته شده است. ناشر این جزوه، «شورای برابری زنان و مردان در فنلاند» است.

۱۲، ۳۲. این تصویرها با مجوز «تریبون بین‌المللی زن» چاپ شده است. مسئول هنری این تریبون (Anne S. Waalker) است.

۱۳. این تصویر از یک کتاب درسی در نروژ برای رسوا کردن کلیشه‌های سنتی تبعیض جنسی گرفته شده است. ناشر این کتاب:

Det Norske Samlaget, Oslo, Norvége, 1983.

۱۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳. این تصویرها از جزوهٔ *(Zimbabwe women)* گرفته شده است. ناشر این جزوه «مرکز آفریقایی پژوهش و آموزش برای زنان» وابسته به «کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا» آدیس‌آبابا، ۱۹۸۲ است.

۱۶. این تصویر از کتاب زیر گرفته شده است:

Caroline et Bruni, Éditions Casteilla, 25, rue Monge. 75005 Paris, 1969.

۲۱، ۲۵، ۳۰. این تصویرها از کتاب‌های درسی نروژ، از مجموعهٔ (Likestillin sboka) گرفته شده است.

ناشر این کتاب‌ها:

Cappelen, Oslo, Norvége, 1983, 1984.

بخش دوم

پاکسازی کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان از تبعیض جنسی

مقدمه

نمونه‌هایِ برگرفته از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان در کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که این آثار غالباً نه فقط دستور زبان یا جبر بلکه برتری یک جنس بر جنس دیگر را نیز یاد می‌دهند، چرا که نقش‌های همراه با قدرت، سلطه، اعتبار، خلاقیت به جنس مذکر تعلق دارد و زنان ناچیز، یا محبوس در نقش‌های بسیار سنتی هستند. این نحوهٔ القایِ نقش‌های سنتی مردانه و زنانه در ذهن کودکان حاصلی جز این ندارد که به دختران، تصویری بسیار ارزشباخته از شخصیتشان، و به پسران حس برتریشان را می‌دهد.

اما برعکس، هدف مدرسه و آموزشی که یونسکو برای گسترش آن‌ها در جهان تلاش می‌کند، تأمین برابری امکانات برای هردو جنس است تا

www.KetabFarsi.com

هر پسر و هر دختری بتواند تمام توانایی‌های شخصی خود را به غایت شکوفا کند. کلیشه‌های تبعیض جنسی که در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به وفور یافت می‌شوند، نافی این هدفند. در نتیجه یکی از عاجل‌ترین هدف‌های مدرسه باید آن باشد که به عامل دگرگونی برای برقراری برابری واقعی میان دو جنس تبدیل گردد. این امر در گرو کوششی دوگانه است: از یک‌سو زدودن کلیشه‌های تبعیض جنسی و از سوی دیگر، تشویق و ترویج تصویری مثبت که به دختران و زنان ارزش می‌بخشد. و. شستاکوف نیز باتوجه به همین نکته است که می‌گوید برابری واقعی میان مردان و زنان، دو بُعد دارد. یکی از این ابعاد، منفی است: زدودن تمام کلیشه‌های منفی و پیشداوری‌های مربوط به زنان. بُعد دیگر مثبت است: آفریدن تصویری جدید از زنان و بسط توانایی آنان در افزودن به قدر و منزلت خود [3].

به همین ترتیب در بررسیی که دربارهٔ چین صورت گرفته نیز آرزو شده است که «کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی [...] به ارتقای برابری میان زنان و مردان یاری برسانند و مواد شایستهٔ قانون اساسی چین هرچه بیشتر به اجرا درآید» [10:66].

بررسیِ صورت گرفته دربارهٔ زامبیا نیز همین دیدگاه را می‌پذیرد: «یکی از نقش‌های رسمی آموزش و پرورش جلب توجه افکار عمومی به وضعیت واقعی و به راه‌های اصلاح آن است. به عبارت دیگر آموزش و پرورش می‌تواند محرکِ دگرگونی جامعه باشد. کتاب‌هایی که کودکان می‌خوانند تا حد زیادی در آماده ساختن آنان برای نقش آیندهٔشان در مقام مرد یا زن و کارگر و زحمتکش سهم دارد. به بیان دیگر این کتاب‌ها به ایجاد دنیای آدم بزرگ‌ها یاری می‌رسانند. بنابراین ضرورت مطلق

دارد که دنیای توصیف شده در کتاب‌ها، با ارزش‌هایی که نه فقط جامعه را مشخص می‌سازند، بلکه برداشت جامعه را از ماهیتِ روابط میان دختران و پسران، میان مردان و زنان هدایت می‌کنند، همخوان باشد.» [20:34].

بدین ترتیب، آموزش کودکان در مدرسه یا آموزش مداوم بزرگسالان به معنای تقویت تبعیضی که زنان را گرفتارِ موقعیتی فرودست می‌کند، نیست، بلکه برعکس عبارت است از تلاش برای دگرگون کردن نابرابری میان دو جنس. در نتیجه، کتاب‌های درسی نیز درست مثل کتاب‌های کودکان باید راه دگرگون کردن وضعیت ناخوشایند تبعیض جنسی را نشان دهند.

بخش دوم کتاب حاضر اختصاص دارد به شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، تهیهٔ کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسیِ عاری از تبعیض، و نیز اقدامات لازم برای زدودن تبعیض جنسی هم در نظام آموزشی و هم در بیرون از این نظام.

۳. شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکـان و کتاب‌های درسی

بر مبنای این اصل که کتاب‌های درسی و کتاب‌های کوکان باید نه فقط جامعه را بازتاب دهند، بلکه یکی از عوامل دگرگونی نیز باشند و آینده را در جهت برابری جنس‌ها آماده سازند، می‌توان به طرح دو اندیشهٔ پایه‌ای پرداخت که به شناسایی تبعیض جنسی یاری می‌رسانند.

تبعیض جنسی هنگامی وجود دارد که متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتـاب‌های کودکـان، زنـان و مـردان، دختـران و پسـران را در کارکردهای کلیشه‌ای که بازتابگر تنوع نقش‌ها نیستند، توصیف می‌کنند. نخستین جلوهٔ تبعیض جنسی عبارت است از: انکار واقعیت اجتماعی و تنوع موقعیت‌ها. این انکار به ارائهٔ مضحک و کاریکاتوروار تصویرها و نقش‌های مردانه و زنانه می‌انجامد. در این مورد، اتفاق نظر حاکم است.

علاوه براین، هنگامی که کتاب‌های درسی به نمایش وضـع مـوجود بسنده می‌کنند بی‌آن که به انتقاد از آن بپردازند یا جایگزینی ارائه دهند نیز با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. در واقع این امر در حکـم پـذیرش ضمنیِ نابرابری‌ها و تبعیض‌هایی است کـه در بـیشتر جـامعه‌های کـنونی دامنگیر دختران و زنان است. و پیداست که چنین پذیرشی به تقویت این نابرابری‌ها و تبعیض‌ها می‌انجامد. اکثر نویسندگان گزارش‌هایی که در این کتاب از آن‌ها نام برده شده، با چنین تحلیلی موافق هستند.

به عنوان مثال در بررسی دربارهٔ نروژ آمده است: «فرض کنیم که شغل زنان بسیار اندکی لوله کشی، استادی دانشگاه یا کارمندی در بخش صنعت نفت است. در این حال ارائه تصویری واقع‌گرایـانه و دقـیق از وضـعیت

موجود به معنای آن نیست که زنانی که این مشاغل را دارند، هیچ‌گاه نشان داده نشوند. به عبارت دیگر به نظر ما، کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان جز به انتقال کلیشه‌های تبعیض جنسی نمی‌پردازند، حتی اگر محتوایشان با آنچه اکثریت جمعیت در واقعیت امر انجام می‌دهند، همخوان باشد.» [12:7].

این تحقیق به ویژه به ذکر دیدگاه ک. اسکژونسبرگ [29] دربارهٔ کتاب‌های کودکان می‌پردازد: «کتاب‌هایی واقع‌گرا شمرده می‌شوند که قواعد و آدابِ رایج در میان بخش‌های بزرگ جامعه را بازتاب می‌دهند، ولی نویسندگانی که به این قواعد و آداب بسنده می‌کنند، خوانندگان را از پی بردن به این که دیگر انواع آداب ورفتار نیز امکان‌پذیر است، باز می‌دارند. می‌توان گفت که ادبیات کودکان وقتی وضع موجود را با سکوت و بی‌برخورد انتقادی می‌پذیرد، به طور ضمنی به بقای کلیشه‌های سنتی دربارهٔ نقش‌های افراد دو جنس یاری می‌رساند.»

لیز دونیگان در تحقیق خود دربارهٔ کِبک [در کانادا] همین نظر را بیان می‌کند: «کسی نگفته است که کتاب‌های درسی باید «رونوشت دقیقِ» واقعیت اجتماعی را به دانش‌آموزان نشان دهند. این کتاب‌ها باید ابزار آموزش و پرورش باشند. جوانان باید در آن‌ها نه فقط بازتاب محیط زندگی خود، بلکه موضوعاتی را بیابند که ذهن و تخیلشان را گسترش دهد و آنان را برای درک دگرگونی‌هایِ اجتماعیِ جاری آماده سازد. به عنوان مثال حتی اگر زنان ۱۰٪ پزشکان کانادا را تشکیل دهند، نباید به هیچ دلیلی این آمار را «بالاترین میزان» و سپری‌ناپذیر به حساب آورد. از سوی دیگر باید در کتاب‌های درسی مردان را در نقش پرستار نیز نشان داد، حتی اگر هنوز تعداد مردان پرستار بسیار اندک باشد. باید امکانات

جدیدی را که شاید به نسل پیش عرضه نشده بود، اما در هرحال برای جوانان امروز وجود دارد، به آنان نشان داد.» [2:176].

ساروجینی بیزاریا، نویسندهٔ کتاب راهنمای شناخت و طرد تبعیض جنسی در آسیا و اقیانوسیه [5] می‌افزاید که برای مبارزه با تبعیض جنسی، زدودن نقش‌های کلیشه‌ای زنان و مردان در کتاب‌های درسی کافی نیست، بلکه باید به نحوی اثباتی عمل کرد و نقش‌های مردانه و زنانهٔ غیرسنتی را که هنوز در جامعه کنونی هند رواجی نیافته است، مطرح ساخت. به عنوان مثال می‌توان از زنان مصمم، زنان مهندس یا ریاضیدان، مردان حساس، شاعر، نویسنده یا نقاش، از زنان ورزشکار، زنانی که در محیط روستایی به کارهای دشوار می‌پردازند، زنان شجاع در صحنه‌های جنگ و صلح، زنانی که مدیر مؤسسات صنعتی هستند و مانند آنان یاد کرد.

از مجموعهٔ آرای نویسندگان تحلیل‌های پیشگفته چنین برمی‌آید که دو نوع تبعیض جنسی وجود دارد: تبعیض جنسی آشکار، هنگامی است که کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، بی‌توجه به تنوع موقعیت‌های موجود در جامعه، مردان و زنان و پسران و دختران را جز در نقش‌های محدود، بسته، کلیشه‌ای، قراردادی، سنتی توصیف نمی‌کنند. تبعیض جنسی پنهان، هنگامی است که این آثار، واقعیت جامعه‌ای را که در آن زنان و دختران فرودست‌تر از مردان و پسران هستند، نشان می‌دهند، اما نمی‌کوشند تا این فرودستی کاذب را به پرسش بکشند یا کودکان را با موقعیت‌های (حتی هنوز نادری) آشنا سازند که در آن‌ها، زنان و دختران ثابت می‌کنند که هیچ دست کمی از مردان و پسران ندارند.

راهنمای تحلیل تبعیض جنسی

راهنمای تحلیلی را که در این‌جا ارائه می‌شود، هر شخص یا نهادِ علاقه‌مند به شناخت تبعیض جنسی در متن‌ها و تصویرهای آثار ـ اعم از کتاب درسی، کتاب کودکان یا هر اثر دیگری ـ می‌تواند به کار ببرد. این راهنما را می‌توان براساس محتوای اثر مورد بررسی به سه قسمت تقسیم کرد:

تحلیل کمّی محتوا: عبارت است از ارزیابی آماری و مقایسه‌ایِ تعداد اشخاص مذکر و مؤنث در عنوان‌ها و متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان.

تحلیل کیفی محتوا: عبارت است از مقایسهٔ آماری صفات خاص اشخاص مذکر و مؤنث در عنوان‌ها، متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان.

تحلیل تبعیض جنسی در دستور زبان: این نوع تبعیض جنسی در کاربرد واژگان و قواعد دستوری نمایان می‌شود.

راهنمای تحلیلی که این سه بُعد تبعیض جنسی را در نظر بگیرد، امکان ارزیابی ژرف ـ اگر نه کاملِ ـ تبعیض جنسی را در هر کتابی فراهم می‌آورد.

تحلیل کمّی

برای تحلیل تبعیض جنسی در کتاب‌های مختلف پیش از هرچیز باید آمار مقایسه‌ای دربارهٔ تعداد اشخاص مذکر و مؤنث در متن و نیز در تصویرها تهیه شود. به عنوان مثال، پژوهش لیزدونیگان دربارهٔ کبک [2] که در ۱۹۷۴ـ۱۹۷۵ به بررسی ۲۲۵ کتاب درسیِ دبستانی و دبیرستانی

پرداخته است نشان می‌دهد که در این کتاب‌ها از میان ۲۴۰۰۰ شخصیت مذکر و مؤنث، در ازای هر زن، دو مرد وجود دارد (یعنی ۳۲٪ افراد، مؤنث هستند و ۶۸٪، مذکر). این آمار جلوهٔ آشکار تبعیض جنسی است زیرا که تقریباً در تمام جوامع، تعداد زنان اگر بیشتر از مردان نباشد، مساوی آنان است. این امر که زنان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان غایب باشند یا حضوری ناچیز داشته باشند نشاندهندهٔ جایگاه فرودست زنان در جامعه است و این فرودستی را تشدید می‌کنند. این غیبت یا کمبود حضور به خودی خود نوعی کلیشهٔ تبعیض جنسی است.

تحلیل کمّی را می‌توان با جدا ساختن اشخاص اصلی و اشخاص فرعی، دقیق‌تر کرد: شخصیت اصلی کسی است که در داستان کتاب (و نیز عنوان و تصویرها) یا در متن و تصویرها و عنوان‌های کتاب درسی، نقش محوری دارد. شخصیت فرعی، تابع و زیردستِ شخصیت محوری است. به عنوان مثال پژوهش دربارهٔ کِبِک نشان می‌دهد که در ۱۰۰ نقش اصلی، ۷۲٪ نقش‌ها را مردان یا پسربچه‌ها برعهده دارند و ۲۸٪ را زنان و دختران. نویسندهٔ این پژوهش، لیز دونیگان، معتقد است که در پرتو همین نخستین بخش از راهنمای تحلیل می‌توان گفت که کتاب‌های درسی در کِبِک انباشته از کلیشه‌های تبعیض جنسی هستند، زیرا که حضور افراد مذکر دو برابر بیش از افراد مؤنث است و سه چهارم از نقش‌های اصلی را اشخاص مذکر ایفا می‌کنند.

تحلیل کیفی

بازهم براساس راهنمای تحلیل تبعیض جنسی در پژوهش مربوط به کِبِک، صفات خاصِ منسوب به اشخاص مذکر و مؤنث را در آثار (اعم

از درسی یا غیردرسی) می‌توان به سه دسته تقسیم کرد [2:5]: ارجاعات اجتماعی؛ فعالیت‌ها؛ رفتارهای اجتماعی ـ عاطفیِ آشکارِ افراد.

پیش از پرداختن به کاربرد این راهنما دو اصل را باید پذیرفت:

نخست آن که اگر در یک کتاب درسی یا کتاب کودکان، در مجموعه‌ای از متن‌ها یا تصویرها فقط یک صفت کلیشه‌ای به یک فرد مذکر یا مؤنث نسبت داده شده باشد، آن کتاب را نمی‌توان طرفدار تبعیض جنسی نامید. برای وجود تبعیض جنسی در کتاب، تکرار کلیشه‌ها در تصویرها یا در متن‌ها ضروری است. البته این قاعده، استثنا هم دارد و آن در موردی است که فقط یک تصویر یا یک متن به ستایش از اسارت یا فرودستی زنان و دختران بپردازد.

دوم آن که، واحد تحلیلِ تبعیض جنسی، شخصیت مذکر و مؤنث است، خواه این شخصیت به صورت انسان (کودک، بزرگ‌سال، کهن‌سال) یا به صورت حیوانی نر یا ماده ترسیم شده باشد. به عنوان مثال پژوهشی که دربارهٔ زامبیا صورت گرفته، تبعیض جنسی را از جمله در داستانی از یک کتاب درسی کلاس سوم نشان می‌دهد. دو قهرمان اصلی این داستان، حیوان هستند (سگ، نمادِ مذکر، بز، نمادِ مؤنث). در این داستان بزِ ماده قربانی حیله‌گریِ سگ نر می‌شود و نویسندهٔ پژوهش از این امر به تبعیض جنسی می‌رسد؛ زیراکه در مجموع این کتاب درسی، تمام انسان‌های مذکر یا حیوانات نر، هوشمند معرفی شده‌اند و همهٔ افراد مؤنث یا حیوانات ماده، احمق جلوه می‌کنند [20:7].

صفت‌های نسبت داده شده به اشخاص مذکر و مؤنث که لیزدونیگان به بررسی و تمایز آن‌ها پرداخته است، شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، و نیز ارزیابی دامنه و وخامت این

تبعیض را امکان‌پذیر می‌سازند. ما تقسیم‌بندی‌های عمدهٔ معیارهایی را که در پژوهش دربارهٔ کِیک آمده است، برگرفته‌ایم و فقط به آن‌ها چند مقولهٔ تکمیلی افزوده‌ایم.

تحلیل تبعیض جنسی در ارجاعات اجتماعی اشخاص مذکر و مؤنث، در متن‌ها و نیز در تصویرها

منظور ما از «ارجاعات اجتماعی» خصوصیات ایستای اشخاص مذکر و مؤنث در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان است. ارجاعات اجتماعی در تقابل با فعالیت‌ها و نقش‌های عملی و رفتاری اشخاص قرار می‌گیرند. ارجاعات اجتماعیی که بررسی شده‌اند به موارد زیر مربوط می‌شوند: احوال مدنیِ زناشویی، وضعیت خانوادگی، وضعیت کاری، چارچوب زندگی و شغل.

احوال مدنی

نشان دادن متفاوت مردان و زنان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان از دیدگاه وضعیت تأهل یا تجرد آنان، از وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی خبر می‌دهد. کتابی که بیشتر زنان را ازدواج کرده نشان می‌دهد اما مردان را در حالت تجرد توصیف می‌کند، کلیشه‌ای تبعیض‌آمیز را منتقل می‌سازد، زیرا این اندیشه را به کودکان القا می‌کند که وضعیت زن به ازدواج گره خورده است اما وضعیت مرد از آن مستقل است. ولی واقعیت جامعه‌شناختی نه فقط نشان می‌دهد که تعداد مردان و زنان متأهل با هم برابر است، بلکه آشکار می‌سازد که در بین زنان نیز مانند مردان، بسیاری از افراد یا اصلاً ازدواج نکرده‌اند و یا پس از

ازدواج، به علل مختلف تنها زندگی می‌کنند: مردان و زنان مجرد، بیوگان، مردان و زنان طلاق گرفته، مردان و زنانِ جدا شده، زنانِ طرد شده و مانند آنان. در مجموعهٔ کشورهای پیشرفته، براثر طول عمر بیشتر زنان، تعداد زنان بیوه بسیار بالاتر از مردان است. در جهان تخمین زده می‌شود که مسئولیت حدود یک سوم کل خانواده‌ها برعهدهٔ زنان است. اما کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی هرگز چنین خانواده‌هایی را نشان نمی‌دهند و همواره برای همرنگی با یکی از کلیشه‌های سنتی تبعیض جنسی، مردان را «مسئول خانواده» جلوه می‌دهند و بدین‌سان نه فقط واقعیت را نادیده می‌گیرند، بلکه زنان ازدواج نکرده‌ای راکه آداب سنتی را زیر پا می‌گذارند و مثلاً خانواده‌ای را به تنهایی اداره می‌کنند، از حق موجودیت، محروم می‌سازند.

وضعیت خانوادگی

هنگامی که به رسم رایج، اشخاص مؤنث صرفاً با وضعیت خانوادگیشان ـ عموماً به صورت مادر ـ معرفی می‌شوند اما اشخاص مذکر فقط در موارد استثنایی در مقام پدر توصیف می‌شوند، ما با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. در واقعیت امر، باوجودی که بیشتر اوقات، مردان، کار بزرگ کردن و تربیت بچه‌ها را به زنان واگذار می‌کنند، هم مردان و هم زنان غالباً درگیر نقش پدرانه و مادرانهٔ خود هستند. به علاوه، هنگامی که زنان فقط و فقط در مقام مادر معرفی می‌شوند، این در حکم آن است که صفت انسان بودن را از زنانی که مادر نیستند، اما مسئولیت‌های اجتماعی، حرفه‌ای، یا سیاسی برعهده دارند، یا از زنانی که نقش خانوادگی و نقش اجتماعیِ بیرون از خانواده را همزمان انجام می‌دهند، سلب کنیم.

سطح اشتغال

در حالی که در سرشماری سال ۱۹۷۱ زنان کانادایی بیش از یک سوم جمعیت فعال (۳۵%) را تشکیل می‌دهند، زنانی که در ۲۲۵ کتاب درسیِ بررسی شده در تحقیق مربوط به کِبِک، صاحب شغلی هستند، فقط ۱۰% از مجموعِ اشخاصِ شاغل هردو جنس را تشکیل می‌دهند. در واقع چنین اشتباهی به معنای آن است که به کودکان باورانده شود که جایگاه زن در درون خانواده است و جایگاه مرد در زندگی حرفه‌ای (کار بیرون از خانه) [2:32].

یک مثال دیگر: بررسی ۱۳۴ کتاب درسیِ رایج در ایالت نیوجرسی در آمریکا نشان می‌دهد که مردان به ۱۴۷ حرفه دسترسی دارند و زنان فقط به ۲۵ حرفه [30:119].

تحلیل کتاب‌های درسیِ کِبِک نشان می‌دهد که ۵۰% از مردان در محل کارشان نشان داده شده‌اند، اما این نسبت در مورد زنان فقط ۱۷% است. در مقابل، ۲۶% از زنان و فقط ۶/۶% از مردان در خانه یافت می‌شوند [2:47]. همین تفاوت میان پسران و دختران نیز دیده می‌شود: پسران غالباً بیش از دختران در مدرسه یا در دل طبیعت به چشم می‌خورند.

شغل

راهنمای تحلیل دربارهٔ ارجاعات اجتماعی اشخاص در متن‌ها و تصویرها نباید فقط به داشتن یا نداشتن شغل محدود شود. علاوه‌براین باید بررسی کرد که آیا خود شغل‌ها نیز حامل کلیشه‌های تبعیض جنسی هستند یا نیستند. وقتی در کتابی شغل‌های زنان جز به صورت فعالیت زنانهٔ سنتی

www.KetabFarsi.com

که وظایف خانگی آنان (پرستاری، بچه‌داری، دوزندگی، آموزگاری، آرایش‌گری و...) را در بیرون از خانه تداوم می‌بخشد، نشان داده نمی‌شوند و یا اثر مورد بحث از نشان دادن دیگر فعالیت‌هایی که زنان در جامعه انجام می‌دهند (مثل زنانی که به پزشکی، وکالت، رانندگی، سرکارگری، باغبانی، ریاست کارخانه، فیزیکدانی و دیگر کارها می‌پردازند) غافل می‌ماند، آن گاه می‌توان گفت که کلیشه‌های تبعیض جنسی در این کتاب به کار رفته است. همچنین کتاب‌های درسیی که برخلاف آنچه در واقعیت دیده می‌شود، فقط مردان را مسئول شغل‌های معتبر یا مهم نشان می‌دهند نیز آلوده به تبعیض جنسی هستند.

تحلیل تبعیض جنسی در فعالیت‌های اشخاص مذکر ومؤنث

برای روشن شدن بیشترِ موضوع، فعالیت‌های واگذار شده به افراد مذکر و مؤنث را به پنج دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. فعالیت‌های مختص خانگی؛

۲. فعالیت‌های تربیتی با کودکان؛

۳. فعالیت‌های حرفه‌ای؛

۴. فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی؛

۵. فعالیت‌های اوقات فراغت (ورزش، هنر، خرده کاری و مانند آن‌ها).

بررسی نقش‌هایی که مردان و زنان و پسران و دختران در تمام این فعالیت‌ها برعهده دارند، شناسایی تبعیض جنسی را امکان‌پذیر می‌سازد.

فعالیت‌های خانگی

کار خانگی، تمام کارهای نگهداری از خانه (مرتب کردن وسایل، نظافت و شست و شو، دوزندگی و مانند آن‌ها) را به علاوهٔ آشپزی و کارهای مربوط به آن (خرید، پاک کردن سبزی و میوه، آماده کردن غذا و غیره) در برمی‌گیرد. در کشورهای در حال توسعه باید کارهای شاقّی مانند آوردن آب و تهیهٔ چوب و هیزم را نیز به این وظایف افزود. در این مورد، هنگامی می‌توان از وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی در متن‌ها و در تصویرها سخن گفت که این وظایف منحصر به دختران و زنان باشد و پسران و مردان به طور منظم از آن‌ها معاف باشند [2:64,69] . در کتاب‌های درسیِ کِبِک از ۱۰۰ کار خانگیِ افراد که در متن‌های کتاب‌های درسی نشان داده شده، ۸۵ کار را زنان و دختران و فقط ۱۷ کار را مردان یا پسران انجام می‌دهند. وضعیت کارهای مربوط به آشپزی اندکی متفاوت است. زیرا که ۷۷٪ از انجام‌دهندگان این کارها زن هستند و ۲۵٪ مرد.

فعالیت‌های تربیتی با کودکان

این فعالیت‌ها به نقش ارتباطی بزرگ‌سالان با کودکان مربوط می‌شود [2:53]. در این مورد باید هم مقدار و کمیّت این نقش‌ها را بررسی کرد و هم ماهیت و کیفیتشان را. کتاب‌های درسیِ کِبِک زنان را بسیار بیشتر از مردان، در تماس با کودکان نشان می‌دهند و این امر بی‌تردید نوعی کلیشهٔ تبعیض‌آمیز است، زیرا که ارتباط با کودکان را منحصراً به زنان نسبت می‌دهد. تحلیل ماهیت این روابط نیز شناسایی دیگر کلیشه‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد: در حالی که زنان به صورتِ فراهم‌کنندهٔ آسایش

مادی و عاطفی فرزندانشان نشان داده می‌شوند (رسیدگی به غذا و نظافت و پوشاک، ناز و نوازش بچه‌ها، اطمینان خاطر و دلداری دادن به آنان و...)، روابط اقتدارآمیز و اعتبارآور در اختیار مردان است (پرسش به پاسخ‌های کودکان، تشویق آنان به انجام کار، یاری به آنان در حل مشکلات و مانند آن‌ها).

فعالیت‌های حرفه‌ای

ارجاع اجتماعی مربوط به شغل یا پیشه به شناخت تعداد زنان و مردان شاغلِ حقوق بگیر، و نوع حرفهٔ آنان بسنده می‌کند. نمودار «فعالیت‌های حرفه‌ای» بیشتر به اشخاص مذکر یا مؤنثی که فعالیتی حرفه‌ای را انجام می‌دهند، مربوط می‌شود (به عنوان مثال، پزشکی که به درمان بیمار می‌پردازد، یا آموزگاری که در کلاس درس می‌دهد و مانند آن‌ها). هنگامی که در فعالیت‌های حرفه‌ای، مردان در نقش‌های فرماندهی و زنان در نقش مُجری ظاهر می‌شوند، با کلیشه‌های تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. وقتی بیشتر زنان به صورت کارگرانِ اجراکننده دستور، مجری کاری تکراری یا کاری که چندان نیاز به ابتکار ندارد، توصیف می‌شوند، اما بیشتر مردان در شغل‌های معتبر و با اقتدار ترسیم می‌شوند و فعالیت‌های غیرتکراری و نیازمند به ابتکار و خلاقیت را انجام می‌دهند، می‌توان گفت که متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی حامل کلیشه‌های تبعیض جنسی هستند، زیرا از یک‌سو زنانی یافت می‌شوند که فعالیت حرفه‌ای آنان هرچه باشد، نشان می‌دهند که از اقتدار، ابتکار و خلاقیت برخوردارند، و از سوی دیگر مردانی نیز هستند که هیچ‌یک از این خصوصیات را ندارند.

فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی

منظور از این فعالیت‌ها تمام فعالیت‌هایی است که در چارچوبی وسیع‌تر از خانواده یا کار حرفه‌ای، مسئولیتی سیاسی یا اجتماعی را دربر می‌گیرد. این چارچوب گسترده ممکن است شهر، بخش دولتی، ملت، سازمان ملی یا بین‌المللی باشد (از جمله صاحبان این مسئولیت‌ها می‌توان از شهردار، مسئول باشگاه ورزشی، یا انجمنی که هدفی اجتماعی، هنری، فرهنگی، یا ورزشی را دنبال می‌کند، نام برد). اگر این نمودار را مبنای تحلیل خود قرار دهیم، به آسانی می‌توانیم وجود کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را آشکار کنیم. در واقع اگر تقریباً تمام نقش‌های سیاسی و اجتماعیِ توصیف شده در یک کتاب درسی را اشخاص مذکر انجام می‌دهند، می‌توان گفت که این کتاب حامل پیشداوری تبعیض جنسی است، زیرا هم در دوران‌های گذشته و هم در دورهٔ کنونی زنانی بوده و هستند که کارکردهای سیاسی و اجتماعی آنان مستلزم اقتدار و حس مسئولیت و ابتکار است.

فعالیت‌های اوقات فراغت

در این عرصه (خرده کاری، ورزش، فعالیت‌های هنری و مانند آن‌ها) نیز شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی به آسانی صورت می‌گیرد. برای این کار، معیارهایِ متفاوتِ ارزیابی را که لیزدونیگان مطرح ساخته است و در تمام عرصه‌های فعالیت‌های اوقات فراغت، کاربرد دارند، برمی‌گزینیم: معیارِ فعالیت و خلاقیت در تقابل با معیارِ انفعال و فقدان خلاقیت؛ معیارِ خود فرمانی در مقابل معیارِ سرسپردگی [2:75].

خرده کاری و ساخت اشیا (کار با چوب، مجسمه سازی، نقاشی، سفال گری، دوخت لباس و...)

بررسی این فعالیت‌های غیرحرفه‌ای باید به نحوی باشد که مشخص شود آیا اشخاص (کودک یا بزرگ‌سال)، براساس جنسیت خود، در انجام آن‌ها خلاقیت و ابتکار نشان می‌دهند یا بازهم به دلیل جنسیت خود، فاقد ابتکار و خلاقیت هستند. اگر در کتابی، در توصیف این فعالیت‌ها، زنان فاقد ابتکار و استقلال و مردان صاحب این صفات معرفی شوند، آن‌گاه می‌توان گفت که در این کتاب، کلیشه‌های تبعیض جنسی وجود دارد.

فعالیت‌های هنری

اگر در فعالیت‌های هنری (آواز، رقص، موسیقی، تئاتر، نمایش و مانند آن‌ها) دختران و زنان بیشتر به صورت تماشاگران منفعل توصیف شده‌اند، اما پسران و مردان در نقش مجریِ واقعی این هنرها نمایان می‌شوند، در این مورد نیز می‌توان از تبعیض جنسی سخن گفت.

بازی‌ها

پیشتر، همصدا با نویسندگان بررسی دربارهٔ اوکراین [11] گفتیم که نباید از آن کلیشه‌های تبعیض جنسی غافل ماند که دختری را که نقش «سردسته» را ایفا می‌کند، یا پسری را که با «چرخ خیاطی» بازی می‌کند، «استثنایی» جلوه می‌دهند. در نظر ما بدیهی است که توصیف پسران و دختران در متن‌ها و نیز در تصویرها باید چنان باشد که معلوم شود آنان قادرند در هردو نوع بازی‌های به اصطلاح پسرانه و دخترانه شرکت کنند

و شهامت و ابتکاری یکسان را در جریان این بازی‌ها از خود نشان دهند. بنابراین وقتی که متن‌ها و تصویرها، شهامت و جنبش و ابتکار را صرفاً در بازی‌های پسران نشان می‌دهند و ترس و سکون و انفعال و فقدان ابتکار را به بازی‌های دختران نسبت می‌دهند، ما با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. به عنوان مثال، پژوهشی که دربارهٔ زامبیا صورت گرفته، دو کتاب درسی کلاس اوّل دبستان را که در آن‌ها پسر در حال توپ‌بازی ترسیم شده است، اما دخترِ همکلاسی او با حالتی منفعل به تشویق شیرین‌کاری‌های پسر می‌پردازد، تبعیض‌آمیز می‌داند [20:4].

فعالیت‌های اکتشافی و ماجراجویانه

این فعالیت‌ها، آن گونه که در کتاب‌های درسی توصیف شده‌اند، تبعیض‌آمیزند، زیرا که فقط به پسران و مردان نسبت داده شده‌اند، حال آن که در میان زنان نیز افراد کاشف یا ماجراجو وجود دارد (به عنوان مثال زنانی که دزد دریایی بوده‌اند یا زنان فاتح قلهٔ هیمالایا).

ورزش

در تحقیق مربوط به کویت [25] آمده است که در یکی از کتاب‌های علوم اجتماعی در کویت، فقط به نام مردانِ قهرمان مسابقات ورزشی اشاره شده و از زنان قهرمان ذکری نشده است. در کتاب‌های درسیِ کِبِک نیز در این مورد، تبعیض جنسی وجود دارد، زیرا در ۹۰٪ از موارد، توصیف فعالیت‌های ورزشی به نحوی است که گویا فقط پسران و مردان به ورزش می‌پردازند و فقط در ۱۰٪ از موارد زنان و دختران را سرگرم ورزش نشان می‌دهند [2:76]. اما در واقعیت امر، در کِبِک نیز مانند دیگر

جاها، زنان ورزشکار بسیاری وجود دارند و بعضی از آنان به مدال‌های المپیک نیز دست یافته‌اند.

تحلیل تبعیض جنسی در رفتارهای اجتماعی ـ عاطفیِ اشخاص مذکر و مؤنث

ما نیز همانند لیزدونیگان، رفتارهای اجتماعی ـ عاطفی را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. رفتارهایی که به عرصهٔ عاطفی مثبت، در مقابلِ عواطف منفی مربوط می‌شوند؛

۲. مقاومت در برابر فشار اجتماعی، در مقابلِ وابستگی و فرمانبرداری.

۳. ضعف شخصیت (ترس، پریشانی، وابستگی، ناتوانی و مانند آن‌ها) در مقابلِ قدرت شخصیت (شجاعت، سرسختی و مانند آن‌ها) [2:125].

عواطف مثبت یا منفی

به آسانی می‌توان دریافت که متن‌ها و تصویرهایی که دختران و زنان را دلسوز یا پرعاطفه، و پسران و مردان را متجاوز، خشن، اهل دعوا و زد و خورد، و بی‌عاطفه توصیف می‌کنند، آلوده به تبعیض جنسی هستند، زیرا حامل کلیشه‌هایی هستند که در آن‌ها اشخاص مذکر و مؤنث، کاریکاتوروار و برمبنای پیشداوری‌های سنتی معرفی شده‌اند.

مقاومت در برابر فشار اجتماعی

رفتار فرد، اعم از مرد یا زن، پسر یا دختر، در برابر قواعد، فشار

اجتماعی و قدرت، ممکن است نموداری روشن از وجود تبعیض جنسی باشد ـ البته اگر استقلال و مقاومت در برابر فشار اجتماعی خاص یک جنس باشد و جنس دیگر، برعکس، مطیع، تسلیم و تابع همیشگی قدرت و فشار اجتماعی توصیف شود.

ضعف و قدرت شخصیت

براساس پژوهشی که لیزدونیگان انجام داده است، ضعف شخصیت برمبنای رفتارهای همراه با ترس، آشفتگی، وابستگی، ناتوانی و گریز ارزیابی می‌شود، اما قدرت شخصیت بر مبنای شجاعت، خونسردی، تمایل به فرماندهی یا حس مسئولیت است. در این مورد نیز تقسیم ضعف و قدرت شخصیت بین افراد دو جنس، نموداری روشن از کلیشه‌های تبعیض جنسی است. در پژوهش پیشگفته، بر مبنای این نمودار، وجود تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی کِبِک نشان داده شده است، زیرا از ۱۰۰ عملِ نشاندهندهٔ نیروی شخصیت، ۹۰ عمل را پسران و مردان، و فقط ۱۰ عمل را دختران یا زنان انجام می‌دهند [2:97]. همه‌چیز به نحوی است که گویا کتاب‌های درسی کِبِک نه فقط باید علم حساب یا دستور زبان، بلکه این نکته را نیز به کودکان بیاموزند که استقلال اجتماعی و نیروی شخصیت، صفاتی کاملاً مردانه‌اند.

به نظر ما، تحلیلی که به مقایسهٔ ویژگی‌های شخصیتی منسوب به اشخاص مذکر و مؤنث (کودکان و بزرگ‌سالان) در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان می‌پردازد، برای شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی بسیار مناسب است.

تحلیل تبعیض جنسی در زبان

تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ممکن است در استفاده از واژگان، در کاربرد دستور زبان و در اشارات و کنایاتِ به ظاهر ناچیزی که در واقع پیامی تبعیض‌آمیز را پنهان می‌دارند نیز نمودار شود.

تبعیض جنسی در واژگان

پیامدِ کاربردِ مفرطِ صیغهٔ مذکر برای اشاره به تمام افراد، مردان و زنان که بشریت را تشکیل می‌دهند، کاستن از ارزش جنس مؤنث یا ناچیز شمردن آن است. در واقع هنگامی که یک کلمهٔ مذکر واحد (به عنوان مثال واژهٔ «hommes» در زبان فرانسه) نه فقط برای اشاره به تمام انسان‌های مذکر بلکه همچنین برای اشاره به تمام افراد بشر و از جمله زنان به کار می‌رود، چگونه ممکن است که کودکان به تحقیر زنان کشیده نشوند یا زنان را جنس دوم، جنس فرودست به حساب نیاورند؟ همچنین سخن گفتن از «droits de l'homme» [که هم «حقوق بشر» معنی می‌دهد و هم «حقوق مرد»] به جای «droits des humains» [حقوق انسان‌ها] در حکم آن است که به کودکان القا کنیم که حقوق زنان، بخشی از حقوق بشر نیست. گفتن این که «تمام مردان برابر هستند» به معنای آن است که به کودک بفهمانیم که زنان، برابر با مردان نیستند[1].

---

۱. به طورکلی هرجا و در هر زبانی که واژه «مرد» یا ترکیبات آن برای اشاره به انسان یا صفت‌های انسانی به کار رود، با تبعیض جنسی در واژگان روبه‌رو هستیم. چنین تبعیضی در زبان فارسی نیز بسیار رایج است و در موارد بی‌شماری واژه مرد به معنای انسان به طور عام به کار رفته و صفت‌های بسیاری نیز از واژهٔ مرد ساخته شده است که همگی معنای مثبت دارند و انسان به طور عام را دربرمی‌گیرند: مردی، مردانگی، مردانه، جوانمرد، رادمردی. مثال دیگر واژهٔ «بنی‌آدم» است که بار تبعیض جنسی آن آشکار است و برای «نوع بشر» به کار برده می‌شود.

برتری تعداد اشخاص مذکر بر تعداد افراد مؤنث هنگامی بیشتر می‌شود که به «وفور» ـ نه فقط اشخاص ـ بلکه واژگان (نام‌ها، ضمیرهای) به‌کار رفته در متن برای اشاره به هر جنس توجه کنیم. به عنوان مثال، در پژوهشی که دربارهٔ نروژ صورت گرفته [12:42] گزارشی از شمارش تمام نام‌ها و ضمیرهایِ مربوط به اشخاص مذکر و مؤنث، در سه کتاب درسی آمده است. همان‌گونه که در جدول شمارهٔ ۱ دیده می‌شود، تعداد نام‌ها و ضمیرهای مذکر، بسیار بیشتر از ضمیرها و نام‌های مؤنث است:

جدول شمارهٔ ۱. واژگانی که به زنان و مردان اشاره دارند				
	سال چهارم		سال هفتم	
	مذکر	مؤنث	مذکر	مؤنث
تعداد واژگان (اسم و ضمیر)	۵۶۵	۱۸۰	۳۹۹	۴۵
درصد	۷۸	۲۲	۹۰	۱۰

همچنین می‌توان بر بعضی از زبان‌ها خُرده گرفت که چرا برای اشاره به نقش‌ها و حرفه‌هایی که ممکن است بی‌هیچ تمایزی مردانه یا زنانه باشند، اسامی مذکر را به‌کار می‌برند: به عنوان مثال در زبان انگلیسی غالباً به جای *chairperson*، واژهٔ *chairman*، و به جای *mail carrier*، *mailman* به‌کار برده می‌شود. [در زبان فارسی نیز گاهی به جای بزرگان قوم، بزرگان دولت، سیاستمدار، واژه‌های رجال قوم، رجال دولت، رجل سیاسی یا سیاستمرد به‌کار می‌رود]. کاربرد اسم‌های مذکر برای نامیدن نقش‌ها یا حرفه‌هایی که ممکن است هم مردانه باشند و هم زنانه، چه‌بسا به کودکان

www.KetabFarsi.com

القا کند که این نقش‌ها یا حرفه‌ها فقط می‌توانند مردانه باشند.

به علاوه بعضی از اسامی معنا وجود دارند که معمولاً برای اشاره به تمام افراد بشر یا گروهی خاص به کار می‌روند و به کودکان القا می‌کنند که به زنان، به دلیل جنسیتشان، نباید اشاره کرد و یا این که آنان هیچ‌وقت اهمیتی نداشته‌اند. به عنوان مثال در زبان انگلیسی برای اشاره به افراد هردو جنس، واژه‌های *mankind, forefathers, average man* به کار می‌رود. [در فارسی نیز از واژهٔ عربیِ «بنی» که هم به معنای پسران به کار می‌رود و هم به معنای فرزندان، واژه‌های ترکیبی متعددی ساخته شده است: «بنی آدم» به معنایِ «پسران آدم، اولاد آدم، مردم، مردمان»، یا «بنی نوع» که به جای «همنوعان» به کار می‌رود].

تبعیض جنسی در دستور زبان

دستور زبان فرانسه و اسپانیایی آلوده به تبعیض جنسی است، زیرا براساس قواعد دستوری، وقتی که از دو اسم، یکی مذکر و دیگری مؤنث است، صفت‌ها و ضمیرها باید جمع مذکر باشند. این قاعدهٔ دستوری، پیامی تبعیض‌آمیز را به کودکان منتقل می‌سازد: مذکر باید بر مؤنث برتر باشد. در پژوهش دربارهٔ کویت نیز آمده است که در کتاب‌های درسی این کشور، برای اشاره به مردان و زنان، صیغه‌های دستوری مذکر به کار می‌رود.

اشاره‌ها و کنایه‌ها

اشاره‌ها و کنایه‌ها از شکل‌های بسیار پوشیدهٔ تبعیض جنسی به حساب می‌آیند و پیش از هرچیز به معنای آن هستند که به افراد یک جنس،

نقش‌های غیرسنتی را چنان نسبت دهند که گویی این نقش‌ها از آنِ هردو جنس نیستند، بلکه فقط به یک جنس تعلق دارند. در راهنمای پیشنهادی یونسکو[۱] برای بررسی دربارهٔ کلیشه‌ها، براین جنبه پافشاری شده است: اشاره‌ها و کنایه‌ها در محتوای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان عبارتند از: «واژگان، گزاره‌ها، صفت‌ها یا اشاره‌های تبعیض‌آمیز در متن یا تصویرها (به عنوان مثال: این دختر مثل پسرها می‌دود و جست و خیز می‌کند؛ آن پسر مثل دخترها ضعیف و ناتوان است، و مانند آن‌ها)». همچنین اگر دربارهٔ یک زن بگوییم که او «با وجودی که زن است، موفق شده است» عبارتی تبعیض‌آمیز را بر زبان رانده‌ایم، مثل وقتی که بگوییم «آن دختر مثل پسرها می‌دود». در واقع این جمله‌ها به معنای آن است که دویدن برای پسرها، قاعده است، اما برای دخترها، استثنا محسوب می‌شود. یکی از نشانه‌های تبعیض جنسی در زبان فرانسه این است که دختری که به خود حق می‌دهد به دویدن و بالا رفتن از درخت و بازی فوتبال و در یک کلام به انبوهی از فعالیت‌هایی بپردازد که گویا مختص پسران هستند، «نیم پسر» (graçon manqué)[۲] نامیده می‌شود.

برعکس اگر دربارهٔ پسری که سرگرم بازی با عروسک یا خرس پارچه‌ای است بگوییم که او «مثل دخترها بازی می‌کند» در واقع کلیشه‌ای تبعیض‌آمیز را بر زبان رانده‌ایم، زیرا چنین گفته‌ای بدین معناست که ابراز

---

۱. رجوع کنید به پیوست ۱.

۲. اصطلاح «نیم پسر» را به قیاس از عبارت «نیم مرد» در این شعر اسدی برگزیده‌ام که خود بهترین شاهد مثال برای اشاره‌ها و کنایه‌های تبعیض جنسی در زبان فارسی است:

زن ارچه دلیرست و با زور دست — همان نیم مرد است هرچون که هست

به نقل از امثال و حکم، علی‌اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، جلد ۲، ص ۹۲۰ ـ م.

محبت به عروسک یا حیوان پارچه‌ای، رفتاری عاطفی است که مختص دختران است و پسران از آن منع شده‌اند. اما همان‌گونه که دختران حق دارند همانند پسران، توانایی‌های جسمانی خود را در تمرین‌های بدنی، بازی‌ها و ورزش‌ها پرورش دهند، پسران نیز حق دارند توانایی عاطفی خویش را با نوازش عروسک یا خرس پارچه‌ای نشان دهند.

گفتن این که دختری «مثل پسرها»، یا پسری «مثل دخترها» رفتار می‌کند، در حکم تقسیم فعالیت‌های انسانی و بازی‌ها و ورزش‌ها به دو اردوگاه متفاوت است که یکی از آن دو ـ چون مختص پسران است ـ برای دختران ممنوع است و برعکس. اما همان‌گونه که دیده شد، هیچ‌یک از توانایی‌های انسان را، خواه در عرصهٔ هوش و عاطفه و خواه در عرصهٔ فعالیت، نمی‌توان در یک موجود بشری به سبب تعلقش به جنس مذکر یا مؤنث، رد کرد. گزینش باید براساس تمایلات و سلیقه‌های افراد صورت گیرد و نه براساس کلیشه‌های تبعیض جنسی.

طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی

مجموعهٔ ملاحظات پیشین را که راهنمای تفصیلی برای بررسی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان است، می‌توان در جدول شمارهٔ ۲ که با الهام از طرح پیشنهادیِ پژوهش دربارهٔ نروژ تهیه شده، خلاصه کرد. راهنمای نروژیِ شناسایی تبعیض جنسی، بررسی تطبیقی تعداد افراد مذکر و مؤنث و نیز فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی آنان را دربرمی‌گیرد.

طرح عرضه شده در جدول ۲ این مزیت را داراست که کلیشه‌های تبعیض جنسی را در چندین عرصه مشخص می‌کند: تعداد تطبیقی

اشخاص مذکر و مؤنث، مقایسهٔ فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی براساس جنسیت. به علاوه می‌توان در این سه عرصهٔ تحلیل، بررسی جداگانهٔ عنوان‌ها، متن‌ها یا تصویرهای یک کتاب را مبنا قرار داد. این طرح همچنین شناسایی عرصهٔ کلیشه‌های تبعیض جنسی را امکان‌پذیر می‌سازد، زیرا کتاب درسی یا کتاب کودکان ممکن است در یک عرصه آلوده به تبعیض جنسی باشد و در عرصه‌ای دیگر، نباشد؛ ممکن است در ترسیم زنان، حامل تبعیض جنسی باشد، ولی در ترسیم مردان، نباشد، ممکن است در عنوان‌ها و تصویرها طرفدار تبعیض جنسی باشد و در متن‌ها، نباشد. به عنوان مثال ممکن است یک کتاب دبستانی دستورزبان یا قرائت، از نظر شغل، فعالیت‌های سنتی و غیرسنتی را به‌طور مساوی بین زنان و مردان تقسیم کرده باشد، اما در زندگی خانوادگی، همچنان مردان و زنان را براساس کلیشه‌های سنتی نشان دهد: کارهای خانگی، خانه‌داری و تربیتی صرفاً برعهدهٔ زنان و دختران است (پسران و مردان از انجام آن‌ها معاف هستند). بنابراین باوجودی که در فصل‌های ۱ و ۲ نشان داده شده که کلیشه‌های تبعیض جنسی معمولاً در تمام عرصه‌ها درکنار هم قرار دارند، می‌توان درجات متفاوت تبعیض جنسی را در کتاب‌های مختلف شناسایی و تصور کرد.

برای وجود تبعیض جنسی در کتابی ـ اعم از درسی یا غیردرسی ـ حتماً نباید تبعیض جنسی در سه عرصهٔ این طرح نمودار شود. جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد که کتاب درسی یا کتاب کودکان در چه عرصه‌ای نشاندهندهٔ تبعیض جنسی است.

در عین خودداری از تفسیری مکانیکی، می‌توان جدول شمارهٔ ۳ را به ترتیب زیر تشریح کرد:

جدول شمارهٔ ۲. طرح راهنمای ساده برای تحلیل کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان

		زنان	مردان	حیوانات
		دختران	پسران	ماده و نر
۱. تحلیل تطبیقی تعداد افراد مطرح شدهٔ مذکر و مؤنث				
تعداد ضمیرهای مذکر و مؤنث	عنوان‌ها:			
	متن‌ها:			
	تصویرها:			
تعداد دختران / پسران	عنوان‌ها:			
	متن‌ها:			
	تصویرها:			
تعداد زنان / مردان	عنوان‌ها:			
	متن‌ها:			
	تصویرها:			
۲. تحلیل تطبیقی فعالیت‌های مردانه و زنانه[1]				
فعالیت‌های سنتی(ACn)[2]				
فعالیت‌های غیرسنتی(ANCn)[3]				
عرصه‌های فعالیت				
فعالیت‌ها در خانه و در مدرسه				
الف) سنتی				

www.KetabFarsi.com

ب) غیر سنتی

فعالیت‌های حرفه‌ای

الف) سنتی

ب) غیرسنتی

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

الف) سنتی

ب) غیرسنتی

دیگر فعالیت‌ها (سرگرمی‌ها، ورزش‌ها، بازی‌ها و مانند آن‌ها)

الف) سنتی

ب) غیرسنتی

۴. تحلیل تطبیقی ویژگی‌های شخصیتی مردانه و زنانه

سنتی (TCn)

غیرسنتی (TNCn)

۱. بدیهی است که طبقه‌بندی فعالیت‌های «سنتی» و «غیرسنتی» ممکن است در کشورهای مختلف، متفاوت باشد. بنابراین استفاده‌کنندگان از این راهنما باید این تفاوت‌ها را در نظر داشته باشند.

۲. جمع کل فعالیت‌های سنتی (ACn) برای هرجنس از راه محاسبهٔ جمع فعالیت‌های سنتی (الف) در هر دسته از فعالیت‌های برشمرده در بخش «عرصه‌های فعالیت» به دست می‌آید.

۳. جمع کل فعالیت‌های غیرسنتی (ANCn) برای هرجنس از راه محاسبهٔ جمع فعالیت‌های غیرسنتی (ب) در هر دسته از فعالیت‌های برشمرده در بخش «عرصه‌های فعالیت» به دست می‌آید.

www.KetabFarsi.com

۱. Mn=Fn به معنای آن است که تعداد اسم‌های مذکر و مؤنث (ضمیرها، اسم اشخاص یا حیوانات در دستهٔ مورد نظر، عنوان، متن یا تصویرها) در یک کتاب درسی، کتاب کودکان یا در مجموعه‌ای از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، باهم برابرند و در نتیجه اگر کمیّت را در نظر گیریم، تبعیض جنسی وجود ندارد. برعکس اگر تعداد اسامی مذکر بیشتر از تعداد اسامی مؤنث باشد (Mn > Fn)، با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم.

۲. ACn=ANCn به معنای آن است که تعداد فعالیت‌های سنتیِ دختران (همین بررسی را در مورد پسران نیز می‌توان انجام داد) با تعداد فعالیت‌های غیرسنتی برابر است و می‌توان گفت که در دستهٔ مورد نظر (عنوان، متن یا تصویرها) تبعیض جنسی وجود ندارد. اگر برعکس، فعالیت‌های سنتی دختران بیشتر از فعالیت‌های غیرسنتی باشد (ACn>ANCn) آن‌گاه تبعیض جنسی وجود دارد. همین تحلیل را می‌توان در مورد پسران نیز انجام داد.

۳. TCn=TNCn به معنای آن است که تعداد ویژگی‌های شخصیتیِ سنتی دختران با ویژگی‌های غیرسنتی آنان برابر است و بنابراین تبعیض جنسی در کار نیست. اگر برعکس، تعداد ویژگی‌های سنتی بیشتر از تعداد ویژگی‌های غیرسنتی باشد (TCn>TNCn) با تبعیض جنسی روبه‌رو هستیم. همین تحلیل را در مورد پسران نیز می‌توان انجام داد.

در عمل، همان‌طور که پیشتر گفته شد، کاربرد مکانیکی این جدول در تمام عرصه‌های موردنظر، دشوار است. در واقع نمی‌توان دربارهٔ کتابی به این نتیجه رسید که در تمام متن‌های آن، تعداد اسم‌ها و ضمیرهای مذکر و مؤنث، به طور منظم برابر است. اما در مورد تصویرها، به دلیل تأثیرگذاری

جدول شمارهٔ ۳. شناسایی تبعیض جنسی در یک کتاب درسی با استفاده از طرح راهنمای جدول شمارهٔ ۲

		تبعیض جنسی	نبود تبعیض جنسی
۱. آمار مقایسه‌ای اسم‌های مذکر (Mn) و مؤنث (Fn):			
ضمیرها، اشخاص، حیوانات	عنوان‌ها	Mn>Fn	Mn=Fn
	متن‌ها	Mn>Fn	Mn=Fn
	تصویرها	Mn>Fn	Mn=Fn
۲. فعالیت‌های تطبیقی سنتی (ACn) و غیرسنتی (ANCn)			
تحلیل مربوط به اشخاص مؤنث	عنوان‌ها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
	متن‌ها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
	تصویرها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
تحلیل مربوط به اشخاص مذکر	عنوان‌ها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
	متن‌ها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
	تصویرها	ACn>ANCn	ACn=ANCn
۳. ویژگی‌ها شخصیتی مقایسه‌ای سنتی (TC) و غیرسنتی (TNC):			
تحلیل مربوط به اشخاص مؤنث	عنوان‌ها	TCn>TNCn	TCn=TNCn
	متن‌ها	TCn>TNCn	TCn=TNCn
	تصویرها	TCn>TNCn	TCn=TNCn
تحلیل مربوط به اشخاص مذکر	عنوان‌ها	TCn>TNCn	TCn=TNCn
	متن‌ها	TCn>TNCn	TCn=TNCn
	تصویرها	TCn>TNCn	TCn=TNCn

www.KetabFarsi.com

گستردهٔ تصویر بر ذهن کودکان، باید بیشتر دقت کرد و سخت‌گیرتر بود. دربارهٔ تقسیم ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های سنتی یا غیرسنتی در میان افراد دو جنس، نسبت مطلوب ۵۰٪ است و تجاوز از این نسبت نباید بیش از ۱۰٪ باشد. وقتی که در مواردی تعادل به هم خورده است، شاید بتوان این برهم خوردن را به نوعی جبران کرد: به عنوان مثال اگر تعداد زنان از مردان کمتر است، اما ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های غیرسنتی آنان بیشتر از مردان باشد، آیا این امر در حکم حضور کیفی بیشتر زنان نیست؟

در هرحال، زدودن تبعیض جنسی از متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، با فقدان کامل یا کمبود نمایش دختران و زنان، و نیز با محبوس کردن آنان در چارچوب فعالیت‌ها و رفتارهایی که منفی یا فرودست محسوب می‌شوند، ناسازگار است.

طرح یک راهنمای ساده برای شناسایی تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ای

دومین راهنمای پیشنهادی، برای تحلیل تبعیض جنسی در فعالیت‌های حرفه‌ایِ اشخاص مؤنث و مذکر است. این راهنما (رجوع کنید به جدول شمارهٔ ۲ از پیوست شمارهٔ ۱) از پیشنهادهای یونسکو در چارچوب مجموعهٔ بررسی‌های ملی دربارهٔ «سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان» به وام گرفته شده است و شناسایی فعالیت‌های حرفه‌ایِ زنان و مردان را آسان می‌سازد. بنابراین، اگر در کتابی بیشتر زنان در شغل‌های موسوم به زنانه نشان داده شده‌اند و نه به تعداد مساوی در شغل‌های دو ستون این راهنما، آن کتاب را می‌توان

آلوده بـه تـبعیض جــنسی دانست. هـمین داوری را مـی‌توان دربـارهٔ حرفه‌های مردان نیز انجام داد. برعکس، اگر شغل‌های زنان در یک کتاب درسی یا کتاب کودکان تقریباً بین دو ستون راهنمای حرفه‌های کلیشه‌ای به طور مساوی تقسیم می‌شوند، می‌توان گفت که کتاب مـورد نـظر، در زمینهٔ فعالیت‌های حرفه‌ای زنان حامل تبعیض جنسی نیست.

www.KetabFarsi.com

تبعیض جنسی پنهان در ارجاعات اجتماعی و در فعالیت‌های اشخاص مذکر و مؤنث

پیشتر دیدیم که یکی از جنبه‌های - نه چندان بی‌اهمیتِ - تبعیض جنسی پنهان عبارت است از توجیه وضعیت فرودست دختران و زنان در مقایسه با پسران و مردان. ناگفته نماند که این توجیه نه آشکارا، بلکه از این طریق صورت می‌پذیرد که هیچ گزینه یا راه‌حلی برای اصلاح این وضعیت یا از بین بردن این فرودستی ارائه نمی‌شود. بنابراین اگر زنان هیچ‌گاه نه به صورت افرادی مستقل از شوهر یا فرزندان، بلکه همواره در مقام همسر یا مادر نشان داده شوند، در واقع در حکم آن است که به شیوه‌ای موذیانه به کودکان القا شود که زنان فقط در مقام همسری وابسته به شوهر یا مادری تابع نیازهای فرزندان وجود خارجی دارند.

همچنین می‌توان برخی از جنبه‌های واقعیت اجتماعی را به نحوی نادیده گرفت که نمایش تحریف شده‌ای که از واقعیت ارائه می‌شود، تصویری کاذب را از پدیده‌ها در ذهن دانش‌آموزانِ دختر و پسر فرو کند. به عنوان مثال، برخلاف توصیه‌های یک ناشر بزرگ فرانسوی برای نویسندگان کتاب‌های درسی[1]، یک کتاب ادبیاتِ حامل «تبعیض جنسی» در سال ۱۹۸۳ در پاریس دربارهٔ ادبیات قرن بیستم منتشر شد. از متن‌هایی که سه نویسنده این کتاب برگزیده‌اند به روشنی مشخص می‌شود که آنان آثار نویسندگان زن را یا کم‌ارزش دانسته یا نادیده گرفته‌اند. به عنوان مثال این کتاب درسی از کتاب جنس دوم اثر سیمون دوبووار فقط ۲۰ سطر را نقل می‌کند که به انتقاد سیمون دوبووار از کتاب‌های مونترلان مربوط می‌شود و متن‌های فمینیستی سیمون دوبووار را بیش از رمان‌های

---

۱. رجوع کنید به پیوست ۳.

او، و جنبش طرفدار حقوق و آزادی زنان را بیش از هرجنبش اجتماعی دیگر، نادیده می‌گیرد.

براثر این سکوت‌ها و نادیده گرفتن‌ها، شاگردان دختر و پسر به برداشتی کاذب از ادبیات قرن بیستم، نقش واقعی زنان نویسنده در این ادبیات، و محتوای پیام‌ها و آفریده‌های ادبی آنان می‌رسند.

www.KetabFarsi.com

۴. انتشار کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسیِ تبعیض ستیز

همان‌طور که دیده شد، به راحتی تمام می‌توان با استفاده از راهنمای شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی، این پدیدهٔ زیانبار را در کتاب‌های درسی یا کتاب‌های کودکان آشکار ساخت. بنابراین برای تهیه کتاب‌های تبعیض ستیز باید از هرآنچه به عنوان پیشداوری‌های تبعیض جنسی مشخص شده است، پرهیز کرد. راهنمایی که با این هدف تدوین شده باشد می‌تواند کار نویسندگان و تصویرگران مرد و زن را در تولید کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسیِ تبعیض‌ستیز آسان سازد.

یکی از ناشران بزرگ آمریکایی (انتشارات مک‌گرو ـ هیل) در پاسخ به فراخوان فمینیست‌های آمریکایی، در سال ۱۹۷۲ راهنمایی برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی را تدوین کرد[۱]. این راهنما مرجع نویسندگان کتاب‌های درسی و غیردرسی است که این انتشاراتی منتشر می‌کند. در فرانسه نیز فرنان ناتان، ناشر کتاب‌های درسی و غیردرسی برای کودکان، توصیه‌هایی برای نویسندگان و تصویرگران تدوین کرده است[۲].

ما در این‌جا یک راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض‌ستیز را که نه مانع است و نه جامع، عرضه می‌کنیم. خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند با مراجعه به راهنماهای پیشنهادیِ مک‌گرو ـ هیل و فرنان ناتان، راهنمای ما را تکمیل کنند.

---

۱. رجوع کنید به پیوست ۲.
۲. رجوع کنید به پیوست ۳.

راهنمای مختصر برای آفرینش آثار تبعیض ستیز

تقسیم عادلانهٔ اشخاص مذکر و مؤنث

تقسیم عادلانهٔ اشخاص مذکر و مؤنث باید در سرتاسر آثار، اعم از عنوان، متن‌ها، نقل‌قول‌ها یا تصویرها وجود داشته باشد. در گزینش ضمیرهای شخصی و اسامی جمع، همواره باید برای اجتناب از برتر شمردن یک جنس بر دیگری، تلاش کرد.

تقسیم عادلانهٔ نقش‌های متفاوت زنان و مردان

در خانواده

در یک اثرِ عاری از تبعیض جنسی، پسران و دختران به یک نسبت در حال انجام کارهای خانگی و نگهداری از برادر و خواهرهای کوچک‌تر، و مردان و زنان نیز به یک نسبت در حال خانه‌داری، نگهداری از بچه‌ها و تربیت آنان یا «تأمین نانِ» خانواده ترسیم می‌شوند. به همین ترتیب، دختران و پسران به عروسک‌بازی، مهمان‌بازی، توپ بازی و بازی‌های الکترونیکی می‌پردازند، از درختان بالا می‌روند، خیاطی و باغبانی می‌کنند، کاموا می‌بافند و...

در خانواده، مادر و پدر به صورت اولیای برابری که مسئولیت‌های همانندی دارند و پیش از تصمیم‌گیری‌های مشترک، با هم بحث می‌کنند، نشان داده می‌شوند. تصویر سنتی زوجی که در آن، زنِ تسلیم و مطیع، منفعلانه منتظر تصمیم شوهر است، باید ناپدید شود. اگر یکی از اولیا باید به ناچار برای نگهداری از بچه‌ها در خانه بماند، این فرد هم ممکن است پدر باشد و هم مادر. به جای القای این تصور که فعالیت حرفه‌ای مادر در

بیرون از خانه، به خانواده آسیب می‌رساند، باید نشان داد که کار زن به همان اندازهٔ کار مرد اهمیت دارد و اگر زن و مرد، هردو در بیرون کار کنند، به نفع خانواده است. در این‌باره یادآوری می‌کنیم که در بررسی‌های جامعه‌شناختیِ متعددی که در مورد این مسئله صورت گرفته، ثابت شده است که کار مادران در بیرون از خانه کاملاً به نفع فرزندان است.

از سوی دیگر فقط به نمایش تصویر خانوادهٔ سنتی و یا کامل، متشکل از پدر و مادر و فرزندان بسنده نمی‌شود. برعکس، همواره تلاش می‌شود تا نشان داده شود که چندین الگوی خانوادگی وجود دارد: از خانواده‌های گسترده که در آن‌ها زوج و فرزندان با اجداد، خویشاوندان جانبی و غیرخویشاوندان همزیستی دارند تا خانواده‌های تک والدی که ۸۰٪ از آن‌ها را زنان اداره می‌کنند. چنین زنانی را «رئیس خانه» می‌نامند. در واقع در جهان، ۳۳٪ خانواده‌ها را زنان اداره می‌کنند و در نسبتی بسیار بالاتر، بقای زندگی زوج‌ها یا خانواده‌ها به کار زنان وابستگی دارد.

باید از معرفی زنان فقط به عنوان همسر یا مادر خودداری ورزید، زیرا زنان همانند مردان در مقام اشخاص ازدواج نکرده یا بی‌فرزند نیز زندگی می‌کنند. در تصویرها باید کودکان را همان‌قدر در کنار و همراه پدر نشان داد که در کنار و همراه مادر، وگرنه این پیشداوری به کودکان القا می‌شود که نگهداری و تربیت فرزندان، مختص زنان است. به همین ترتیب مادر و پدر، زن و شوهر به یک اندازه در حال انجام کارهای آشپزی، خرده کاری، نظافت، شستشو و اتو کشیدن لباس‌ها و مانند آن‌ها ترسیم می‌شوند، زیرا هیچ‌کاری مربوط به خانه یا خانواده وجود ندارد که افراد هردو جنس نتوانند آن را انجام دهند. خلاصه آن که فعالیت‌هایی که

در تمام دوره‌های زندگی (کودکی، بلوغ، بزرگ‌سالی، سالخوردگی) در خانواده صورت می‌پذیرد، میان هردو جنس به طور مساوی تقسیم می‌شود و برای هردو، ارزشی واحد دارد.

در زندگی درسی

باید نشان داد که پدر و مادر، آموزگاران و دبیرانِ مرد و زن و دیگر افراد بزرگ‌سال، به آموزش و پرورش حرفه‌ای دختران و پسران، اهمیتی یکسان می‌دهند. پسران برای ادبیات و زبان‌ها، و دختران برای ریاضیات و علوم مستعد خواهند بود. پسرانی که مایلند یکی از حرفه‌های سنتی زنانه را داشته باشند و دخترانی که آرزومند داشتن یک شغل سنتی مردانه هستند، نشان داده می‌شوند.

در کتاب‌های تبعیض ستیز، نسبت مدیران مرد و زن، بازرسان مرد و زن برابر خواهد بود و مردان و زنان، وظایفشان را با کارآیی همانندی انجام می‌دهند. در این کتاب‌ها دیگر از گردشگاه‌ها و میدان‌های بازی که در آن‌ها، دختران با حالتی منفعل و مات و مبهوت، نظاره گر توپ‌بازی یا جنب و جوش پسران هستند، نشانی نخواهد بود. برعکس شاهد شرکت دختران در بازی‌های متنوع ـ مختلط یا غیرمختلط ـ خواهیم بود و آنان نیز به همان اندازهٔ پسران، فعال، توانا، ماهر و ماجراجو خواهند بود. مقام رهبری در بازی‌ها نیز بین افراد دو جنس به تساوی تقسیم خواهد شد.

در زندگی شغلی

مسئولیت‌های کاری و شغلی نیز همانند وظایف تربیتی و خانگی به تساوی میان افراد دو جنس تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، زندگی شغلی

در انحصار مردان نخواهد بود و زنان نیز در قفس تنگ خانه اسیر نخواهند شد، بلکه نقش‌های خانگی و شغلی به تساوی میان مردان و زنان تقسیم خواهد شد. همچنین زنان و مردان در شغل‌های مرسوم و سنتیِ زنانه یا مردانه محبوس نخواهند شد. به عنوان مثال شاهد زنان مهندس، هوانورد، خلبان، پزشک، جرّاح، معمار، ریاضیدان، برقکار، کارگر بسیار متخصص خواهیم بود، همان‌گونه که مردانِ پرستار، ماشین‌نویس، کارگر ساده یا فروشنده در مغازهٔ لبنیاتی را نیز مشاهده خواهیم کرد. صلاحیت و آگاهی شغلی، بلندپروازی، علاقه به حرفه، میل به دانش، به مفید بودن در شغل خود، به ارتقای آگاهی و توانایی کاری خویش، به شرکت در اکتشافات علمی یا آفرینش هنری، به نسبت مساوی در افراد دو جنس دیده خواهد شد و وضعیت نقش‌های منفی نیز به همین ترتیب خواهد بود. (بی‌صلاحیتی، فقدان آگاهی شغلی، بی‌علاقگی به حرفه، سر باز زدن از کسب دانش، از مفید بودن، از ارتقای آگاهی و تواناییِ کاری خود و از بالا بردن سطح شغلی خویش به طور کلی). نقش‌های سلسله مراتبی نیز به تساوی میان مردان و زنان تقسیم خواهد شد. دیگر فقط مردان را در نقش رئیس و مدیرکل، مدیر بیمارستان، مدرسه، آزمایشگاه تحقیقاتی، مؤسسهٔ صنعتی، بازرگانی، بانک و مانند آن‌ها نخواهیم دید، بلکه برعکس نشان داده می‌شود که زنان نیز می‌توانند در زندگی شغلی، نقش‌های رهبری، مدیریت و ریاست را به خوبی تمام انجام دهند. خصوصیات منفی یا مثبتی که با اجرای این کارها همراه است به تساوی میان دو جنس تقسیم خواهد شد و روحیهٔ ابتکار، صلاحیت‌ها و توانایی‌های زنان به همان اندازهٔ مردان همشغل و همکارشان خواهد بود.

بدین‌ترتیب کودکان دیگر وسوسه نخواهند شد که ارزش صلاحیت و

نقش‌های سلسله مراتبی مردان را به غایت بالا برند و از ارزش زنان زحمتکش بکاهند، زنانی که متن‌ها و تصویرهای آلوده به تبعیض جنسی، معمولاً نافی صلاحیت، اهمیت و نیز تنوع تخصص‌هایشان هستند. در نتیجهٔ این اقدامات، حرفه‌ها و تخصص‌های زنان، معرفی می‌شوند و از ارزش و اعتبار و احترام برخوردار می‌گردند.

در نقش‌های اجتماعی و سیاسی

در نقش‌های اجتماعیِ غیر از نقش‌های شغلی، زنان به همان اندازهٔ مردان نشان داده خواهند شد، نه فقط از نظر کمّی، بلکه همچنین از نظر کیفی. شاهد آن خواهیم بود که زنان نقش‌های سیاسی و اجتماعی را انجام خواهند داد و این کار را در تمام سطوح (روستا، محله، منطقه، ملت، نهاد بین‌المللی، بین حکومتی یا حکومتی) و با همان صلاحیت، همان قدرت و همان روحیهٔ ابتکارِ همکاران مردشان به پیش خواهند برد. خصوصیات منفیِ همراه با این یا آن نقش فقط نصیب زنان نخواهد شد، بلکه مردان نیز به همان نسبت از آن‌ها سهم خواهند داشت. همان‌گونه که در پژوهش مربوط به نروژ خاطرنشان شده است [12] برای ارزش بخشی یکسان به زنان و مردان، باید جدیدترین پژوهش‌ها را دربارهٔ زنان (در علوم اجتماعی، تاریخ و دیگر عرصه‌ها) در نظر گرفت. و یا به پیشنهاد پژوهشی که دربارهٔ کویت صورت گرفته است [25]، تاریخ مشاهیر گذشته نباید فقط نمایندگان یک جنس را برجسته سازد. در دنیای امروز، هرچند در رأس حکومت‌ها، تعداد مردان بیشتر از زنان است، بسیاری از زنان، همتای مردان در جامعهٔ مدنی به انجام کارهای اجتماعی لازم برای بقای جامعه مشغول هستند (زنان بسیاری مبتکر ایجاد انجمن‌هایی هستند که

برای صلح، برای متقاعد کردن حکومت‌ها به گزینش الگوی توسعه براساس عدالت و حفظ طبیعت و نوع بشر، پیکار می‌کنند). تمام این فعالیت‌ها را که غالباً «آغازگرانشان» زنان بوده‌اند، احزاب سیاسی ناچیز و نادیده گرفته و کم ارج شمرده‌اند. بنابراین باید در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، ارزش آن‌ها را مطرح ساخت.

از ترسیم عرصه‌ها یا موقعیت‌هایی (خانواده، شغل، زندگی سیاسی یا اجتماعی و مانند آن‌ها) که فقط جایگاه تجلیِ ابتکار و هوش و فداکاری افراد یک جنس است، پرهیز خواهد شد. نباید توصیف دو جنس چنان باشد که گویی زنان جز در زندگی خانوادگی، هوش و پختگی و ابتکار از خود نشان نمی‌دهند و فقط مردان می‌توانند این صفات را در زندگی سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی و شغلی، بروز دهند. صفات مثبت فکری، عاطفی و ارادی (یا نقطه مقابل منفی آن‌ها) در تمام عرصه‌های زندگیِ خانوادگی، شغلی، اجتماعی، سیاسی به تساوی میان افراد هردو جنس تقسیم خواهد شد. می‌توان زنان و مردان را به یک اندازه در انجام کارهای خانگی ورزیده و ماهر نشان داد. همین کار را باید در مورد زندگی شغلی و سیاسی نیز انجام داد.

بدین ترتیب کودکان به جای این تصور که خانواده، جایگاه اختصاصی زنان، در مقام همسر و مادر است، و زندگی شغلی، اجتماعی و سیاسی، فقط به مردان تعلق دارد، درخواهند یافت که هیچ جایگاه اختصاصی برای یک جنس وجود ندارد و زنان نیز همتای مردان می‌توانند در هریک از بخش‌های جامعه خوش بدرخشند.

www.KetabFarsi.com

تقسیم عادلانه خصوصیات مثبت و منفی میان هردو جنس

برای کنار زدن کلیشه‌های تبعیض آمیزی که همواره خصوصیات مثبت را به یک جنس و خصوصیات منفی را به جنس دیگر نسبت می‌دهند، باید دختران و پسران، زنان و مردان، برحسب مورد، از نسبت مساوی در ویژگی‌های روانی یا جسمانیِ مثبت و منفی برخوردار باشند. دختران درست مثل پسران، برحسب مورد، مطیع یا تابع پدر و مادر و بزرگ‌سالان، یا نافرمان، مستقل و یاغی توصیف خواهند شد.

جنبهٔ جسمانی و پوشاکی

در متن‌ها، عنوان‌ها، تصویرها، زنان و دختران دیگر به حالت مطیع و منفعل و یا در لباس‌های قراردادی که شاهد حالت وابستگی و نقش قراردادیی است که از نمایندگان جنس مؤنث انتظار می‌رود، نشان داده نخواهد شد. در نتیجه در تصویرها زنان و مردان به تعداد مساوی در لباس مناسب برای انجام کارهای خانگی نشان داده خواهند شد تا کودکان نپندارند که آشپزی یا خانه‌داری مختص زنان است و بس. در میان بچه‌هایی هم که لباس نامرتب دارند، همان‌قدر پسر وجود دارد که دختر، زیرا هر کودکی، اغم از پسر یا دختر، حق دارد از درخت بالا برود، دوچرخه سوار شود، فوتبال بازی کند و در حین بازی دست و صورت و لباسش را کثیف کند. همچنین تعداد پسران و مردان طناز نیز به اندازهٔ دختران و زنان طناز و خوش‌پوش خواهد بود. در واقع باید این کلیشه را که ارزش دختران و زنان را فقط در آرایش و عشوه گری خلاصه می‌کند،

و در نهایت آنان را تا حد اشیای جنسی پایین می‌آورد، به دور انداخت. در یک کلام، سر و وضع نامرتب، درست مثل خوش‌پوشی و طنازی، و نیز انواع متفاوت پوشاک و آرایش به تساوی میان افراد هردو جنس تقسیم خواهد شد.

امتیازها و کمبودهای فکری

درمیان بچه‌های باهوش، لایق، دارای استعداد درخشان، برخوردار از تخیل قوی، آفرینشگر، مستعد برای ریاضیات و علوم و هنر، یا برعکس در میان بچه‌های کم‌هوش، نالایق، بی‌استعداد، با تخیل ضعیف، بی‌بهره از آفرینشگری و بی‌استعداد برای ریاضیات و علوم و هنر، همان‌قدر دختر یافت خواهد شد که پسر. در نتیجه تمام خصوصیات فکری، اعم از منفی یا مثبت که معمولاً برخی از آن‌ها به زنان و برخی دیگر به مردان نسبت داده می‌شود، میان افراد دو جنس به تساوی تقسیم خواهد شد.

امتیازها و کمبودهای عاطفی

باید کوشید تا در ترسیم افرادِ آزموده، فداکار، دلسوز دیگران، مسلط بر خویش، آرام، مهربان، بی‌غرض و یا برعکس، ناآزموده، خودپرست، بی‌اعتنا به دیگران، تأثیرپذیر، خشن، سنگدل و مغرض، تعداد دختران با پسران، و زنان با مردان برابر باشد.

امتیازها و کمبودهای ارادی

باید کوشید تا در نشان دادن افراد فعال، مستقل، بی‌پروا، با اعتماد به نفس، مصمم، پیگیر، نترس، قهرمان و یا منفعل، وابسته، ترسو، بی‌اعتماد

به نفس، نامصمم، ناپیگیر، ترسو، بزدل، تعداد دختران با پسران، و زنان با مردان برابر باشد.

این ویژگی‌های شخصیتیِ مثبت یا منفی، در تمام عرصه‌ها (خانواده، جامعه، زندگی درسی، شغل، زندگی اجتماعی، تفریحات، ورزش و مانند آن‌ها) به یک نسبت میان افراد هردو جنس تقسیم خواهد شد.

پرهیز از تبعیض جنسی در واژگان و دستور زبان

در واژگان

پژوهشی که دربارهٔ کویت صورت گرفته است [25] با اشاره به این که کاربرد واژهٔ عربیِ مذکر «بشر» نشاندهندهٔ تبعیض جنسی است، پیشنهاد می‌کند که عبارت «زنان و مردان» جایگزین آن گردد تا تصور نشود که همهٔ افراد بشر صرفاً با جنس مذکر معرفی می‌شوند. در زبان فرانسه نیز کاربرد واژهٔ جمع مذکر (Les hommes) برای اشاره به افراد بشر به نادیده گرفتن جنس مؤنث و خوار شمردن آن در ذهن بچه‌های هردو جنس می‌انجامد. بنابراین بهتر است واژه‌ای را به کار برد که هردوجنس را بی‌هیچ تمایزی نشان می‌دهد (به عنوان مثال: "hunanité") و یا صاف و ساده، عبارت «زنان و مردان» را در نوشتار و گفتار به کار گرفت. همچنین می‌توان اصطلاح "Les droits des [redacted]" (حقوق مردمان) را جایگزین "Les droits de l'homme" (حقوق بشر) کرد. در زبان انگلیسی واژه‌های تبعیض‌آمیزی مانند *Mankind* (نوع بشر) *forfathers* (اجداد، نیاکان)، *the average man* (انسان معمولی) را می‌توان با واژگان خنثی جایگزین کرد (به عنوان مثال به جای *chairman*، از *chairperson* استفاده

www.KetabFarsi.com

کرد) و یا به هردو جنس استناد ورزید (به عنوان مثال *womankind* و *mankind*، *formothers* و *forfathers*، *the average woman* و *The average man* و مانند آن‌ها).

اسامی حرفه‌ها را که بیشتر اوقات به جنس مذکر وابسته‌اند، باید با نام‌هایی به دور از نشان جنسی جایگزین کرد تا کودکان دریابند که افراد هردو جنس می‌توانند آن‌ها را انجام دهند. این کار را در زبان‌هایی مانند فرانسوی یا اسپانیایی که اسامی مؤنث‌پذیر هستند، می‌توان با مؤنث کردن اسامی حرفه‌ها و مشاغل انجام داد (مثلاً اهالی کِبِک، هنگام سخن گفتن از زنان، علامت تأنیث را به اسامی حرفه‌ها و مشاغل می‌افزایند و می‌گویند آن زن professoure ، coordonniére، auteure ، docteure است). در زبان‌های دیگر می‌توان خود اسامی را تغییر داد (در انگلیسی به عنوان مثال می‌توان mail carrier ، fireperson را به ترتیب جایگزین mailman و fireman کرد).

در دستور زبان و نحو

قاعدهٔ دستوری زبان فرانسه که برطبق آن باید در صورت وجود دو نفر (یکی مذکر و دیگری مؤنث) صفت‌ها و اسم مفعول را مذکر کرد، قاعده‌ای تبعیض‌آمیز است که بی‌تردید باید عوض شود. همچنین در کاربرد ضمیرهای مذکر در زبان فرانسه و اسپانیایی برای اشاره به جمعی مرکب از اشخاص هردو جنس نیز باید تجدیدنظر شود: هنگامی که از دونفر، یکی مذکر و دیگری مؤنث سخن می‌گوییم، به جای ضمیر مذکر جمع (ils) (آنان) باید بگوییم "il et elle" (آن مرد و آن زن).

پژوهشی که دربارهٔ کویت صورت گرفته نشان می‌دهد که در زبان

www.KetabFarsi.com

عربی نیز برای اشاره به دونفر (یکی مذکر و دیگری مؤنث) صیغه مذکر به کار برده می‌شود. این پژوهش خواستار حذف این نابرابری و به‌کار بردن معادل عربی جملهٔ انگلیسی زیر شده است: «The average Arab drink "thier" cofee» به جای «The average Arab drinks "his" coffee»

هر زبانی قواعد واژگان، دستور زبان و نحو خاصی دارد و وظیفهٔ دستورزبان‌دانان و زبان‌شناسانِ هر زبان است که تغییرات لازم را برای زدودن تمام جنبه‌های تبعیض‌آمیز در زبان خویش انجام دهند.

www.KetabFarsi.com

۵. اقدامات ضروری برای پاکسازی نظام‌آموزشی از تبعیض جنسی

پیشتر دیدیم که تبعیض جنسی، آن‌گونه که در کتاب‌های درسی و در مدرسه جلوه‌گر می‌شود چیزی جز بازتاب تبعیض جنسی در کل جامعه نیست. در نتیجه برای از بین بردن تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی، نباید تلاش ما فقط به نظام آموزشی محدود شود.

نظام آموزشی مجموعه‌ای از عاملان اجتماعي حساس یا بی‌اعتنا به وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی را دربر می‌گیرد. به همین‌سبب اقدامات تبعیض‌ستیز را باید به حوزه فعالیت یکایک آن‌ها گسترش داد: وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ، کارکنان اداری یا آموزشی مدارس، مربیان و مشاوران تربیتی، و سرانجام خود دانش‌آموزان. این اقدامات را می‌توان برحسب موقعیت و ابزارهای در دسترس، همزمان یا پیاپی در تمام عرصه‌های موردنظر به پیش برد. در این جا چند نمونه از فعالیت‌هایی راکه تاکنون انجام شده و نیز چندین پیشنهاد را عرضه می‌کنیم. در این میان اساساً به اقدام‌های تبعیض‌ستیز نزد عوامل زیر توجه داریم: وزارت‌خانه‌ها یا اداره‌های آموزش و پرورش و فرهنگ؛ کارکنان اداری و غیرآموزشی مدارس؛ کارکنان آموزشی و آموزگاران؛ مربیان و مشاوران ترتیبی؛ شاگردان.

این اقدام‌ها ممکن است شامل طرح مشکل و آگاهی بخشی، پرورش، یا وضع قوانین باشد. جدا کردن این سه مقوله دشوار است ـ ما نیز برای روشنی هرچه بیشتر مباحث به این کار دست نخواهیم زد ـ زیرا که اقدام در هریک از این زمینه‌ها پیوندی ناگسستنی با دیگر زمینه‌ها دارد: به

عنوان مثال هرگونه قانونگذاری آموزشی برضد تبعیض جنسی، به خودی خود ارزش آگاهی‌بخش دارد و به کار تربیتی و پرورش می‌پردازد. به همین ترتیب اقدام‌های آگاهی بخش را می‌توان در گردهمایی‌های تربیتی انجام داد.

اقدامات لازم در وزارت‌خانه‌ها یا اداره‌های آموزش و پرورش و فرهنگ

در میان تمام وزارت‌خانه‌ها وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ، مهم‌ترین نقش را در پیکار با تبعیض جنسی برعهده دارند، زیرا این وزارت‌خانه‌ها، برحسب نظام‌های حاکم بر کشورهای مختلف، نظام آموزشی رایج را از دور یا نزدیک در اختیار و زیرنظر دارند. چگونگی اقدامات ضد تبعیض جنسی به نقش دولت و بخش خصوصی در نظام آموزشی بستگی دارد. هنگامی که وزارت آموزش و پرورش یا وزارت فرهنگ، مسئول تهیه و تدوین و تصویرگری و چاپ کتاب‌های درسی باشد، اقدامات خاصی لازم است و هنگامی که مسئولیت این کار برعهدهٔ بخش خصوصی است، اقداماتی دیگر لازم می‌شود.

در مورد اوّل، اقدامات لازم در وزارت آموزش و پرورش یا فرهنگ در وهلهٔ اوّل به خواست و ارادهٔ حکومت برای محو یا بقای تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی بستگی دارد. اگر حکومت طرفدار محو این تبعیض باشد، دو وزارتخانهٔ مورد نظر سیاست خود را با عوامل دست‌اندرکار کتاب‌های درسی (نویسندگان، بنگاه‌های انتشاراتی، تصویرگران و غیره) در میان می‌گذارند.

در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند و در آن‌ها، تهیه و

چاپ کتاب‌های درسی زیرنظر یا به دست دولت انجام می‌شود، فعالیت‌های ضدتبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، دراصل باید آسان‌تر باشد.

در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند و در آن‌ها تهیه و تدوین و انتشار کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تا حد زیادی در اختیار بخش خصوصی است، اقدامات ضد تبعیض جنسی در وزارت‌خانه‌ها، ادارات یا انجمن‌ها بیشتر به خواست افکار عمومی یا ابتکار وزات‌خانه‌ای که بیشترین مسئولیت را در دفاع از حقوق زنان بر عهده دارد، وابسته است. در نخستین مرحله، تأثیری که افکار عمومی می‌تواند بر وزارت یا ادارهٔ آموزش و پرورش بگذارد، از رهگذر جنبش‌های «طرفدار حقوق و آزادی زنان» عملی می‌شود: این جنبش‌ها فعالیت خود را در عرصهٔ تحقیقات، چاپ مقالات در مطبوعات و برگزاری گردهمایی برای افشای تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی افزایش می‌دهند. در این مورد کافی است که به نمونهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا اشاره کنیم که در آن جا «طرفداران حقوق و آزادی زنان» تحقیقاتی عالی را همراه با اقدام‌های عملی درخشان انجام داده‌اند. از جمله، «طرفدران حقوق و آزادی زنان» در ایالت نیوجرسی در سال ۱۹۷۲، براساس تحلیل ۲۷۶۰۰ داستان و سرگذشتی که در ۱۳۴ کتاب درسی دبستانیِ رایج در این ایالت به چاپ رسیده، تبعیض جنسی را در کتاب‌های درسی آمریکایی افشا کرده‌اند [32]. در همان سال ل. ویتزمن مقاله‌ای در نشریهٔ *American Journal of sociology* [32] به چاپ می‌رساند. کمی بعد، در ۱۹۷۴، «طرفداران حقوق و آزادی زنان» در بخش روان‌شناسی دانشگاه میشیگان یک نشریهٔ ادواری را به نام *Sex discrinination in education newsletter* (خبرنامهٔ تبعیض جنسی در آموزش و پرورش) برای پیکار با

تبعیض جنسی در نظام آموزشی، به ویژه در کتاب‌های درسی به راه انداختند. در همان زمان در مجموعهٔ کتاب‌های جیبی، اثری اساسی منتشر شد که تمام جنبه‌های تبعیض جنسی را در نظام آموزشی آمریکا دربر می‌گرفت [17]. در همین ایام زنان دانشگاهی نیز که از سال ۱۹۷۰ پژوهش‌های مربوط به زنان *(Woman studies)* را در دانشگاه‌های آمریکایی تدریس می‌کردند (از جمله سوزان برود (Susan Béraud) در دانشگاه کورنل یا ل. ویتزمن در دانشگاه کالیفرنیا) با رساله‌ها و کتاب‌های دانشگاهی خود به تقویت اقدامات ضد تبعیض جنسی پرداختند و دامنهٔ این فعالیت‌ها به مقامات رهبری وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و بهزیستی ایالات متحدهٔ آمریکا رسید.

در فرانسه، فعالیت طرفداران حقوق و آزادی زنان در آغاز دههٔ هفتاد با حمایت وزارت حقوق زنان، بر وزارت آموزش و پرورش تأثیر گذاشت و این وزارت‌خانه را به صدور بخشنامه‌ای دربارهٔ تبعیض جنسی واداشت. این بخشنامه که در *Bulletin officiel* (روزنامهٔ رسمی) شمارهٔ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۲ منتشر شده است، مقرر می‌دارد که از سال تحصیلی ۱۹۸۳/۱۹۸۲، باید فعالیتی آموزشی برضد پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز و «برای پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی در مجموعهٔ برنامه‌های تمام رشته‌ها و فعالیت‌های آموزشی و نیز در تمام سطوح آموزشی دورهٔ ابتدایی و متوسطه» در پیش گرفته شود. علاوه‌براین، وزارت حقوق زنان اجازهٔ ایجاد کمیسیونی را در آکادمی پاریس برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی به دست آورد که اولین هدف آن، تهیه گزارشی از وضع موجود تبعیض جنسی در این عرصه است. این کمیسیون تشکیل شده است از: بازرسان آکادمی پاریس، نمایندگانی از

اتحادیه‌های آموزگاران، انجمن‌های اولیای دانش‌آموران و وزارت حقوق زنان. در پی تحقیقات این کمیسیون معلوم شد که «در بعضی از موارد، استناد به اصل آزادی آموزشیِ آموزگاران، سرپوشی است بر مقاومت در برابر تغییر مقامات اداری و آموزشیِ وزارت آموزش و پرورش و فرهنگستان‌های متفاوتِ وابسته به آن».

فعالیت ضد تبعیض جنسی در وزارت‌خانه‌ها ممکن است مسئولان آن‌ها را به واکنش در برابر عواملی که تابع این وزارت‌خانه‌ها هستند (آموزگاران، مربیان، مشاوران و مانند آنان) یا در برابر ناشران و نویسندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، وادار سازد.

اقدامات لازم در میان کارکنان اداری و غیرآموزشیِ مدارس

این اقدامات بسیار متنوع هستند و چندین نهاد ممکن است به آن‌ها بپردازند: از جمله، انجمن‌های محلی، وزارت‌خانه‌ها، گروه‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان، و...

به عنوان مثال در فرانسه، «انجمن آموزش و پرورشِ تبعیض‌ستیز» فعالیتی گسترده را در میان مسئولان آموزشی دورهٔ ابتدایی به پیش برده است. هدف این انجمن عبارت است از: «پیکار با ترسیمِ سنتیِ نقش‌های مذکر و مؤنث در تصویرها و متن‌های کتاب‌های درسی؛ جلب توجه آموزگاران، اولیای شاگردان، انجمن‌های اولیا و مربیان، مسئولان اداره و بازرسی مدارس، منتخبان محلی، ناشران، نویسندگان به جنبهٔ تبعیض‌آمیزِ کتاب‌های درسی» [33].

از سوی دیگر در پی فعالیت وزارت حقوق زنان، وزارت آموزش و پرورش بخشنامه‌ای صادر کرد که براساس آن، مدیران مدارس، کالج‌ها،

دبیرستان‌ها، رئیس بخش ورزش و تربیت‌بدنی، مسئول اقدام تربیتی و آموزشی برضد پیشداوری‌های تبعیض جنسی در مدرسه هستند (بخشنامهٔ ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۸۲).

در ایالات متحدهٔ آمریکا، اصلاحیهٔ آموزشی وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و بهزیستی در اکتبر ۱۹۷۶ مقرر می‌دارد که به هریک از دولت‌های محلی ایالات مختلف آمریکا که هماهنگ با دفتر آموزش و پرورش دولت یا هر نهاد با صلاحیت دیگر، اداره ویژه‌ای برای زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌های آموزشی ایجاد کنند، سالیانه دست‌کم ۵۰/۰۰۰ دلار اعطا خواهد شد. این قانون ممکن است به آن دسته از مدارس آمریکایی یاری برساند که زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی را در دستور کار خود قرار می‌دهند.

نروژ از سال ۱۹۷۴، یک برنامهٔ درسیِ ملی را برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی در اختیار مدیران و آموزگاران دبستان‌ها و دبیرستان‌ها قرار می‌دهد. در جمهوری فدرال آلمان نیز کمیسیونی ایجاد شده که هدف آن بازبینی تمام مواد و کتاب‌های درسی برای «زدودن همهٔ کلیشه‌های مربوط به نقش‌های متضاد و تبعیض‌آمیز است». در اتریش یک گروه کاریِ بینِ حکومتی، راهنمایی را برای نحوهٔ تبعیض‌ستیز معرفی مردان و زنان و زندگی خانوادگی در کتاب‌های درسی تهیه کرده است. باوجودی که این راهنما در نوامبر ۱۹۸۰ ارائه شده است «هنوز باید چند سالی صبر کرد تا دگرگونی‌های مهم رخ بدهند» [34:134].

ایجاد کمیسیون‌های ویژه در وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، و یا در درون حکومت منطقه یا محلی که مدارس در چارچوب آن‌ها جای دارند، چه‌بسا توجه کارکنان اداری مدارس را به مسئلهٔ تبعیض جنسی

جلب کند.

در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، به هیچ فعالیتی در میان کارکنان اداری مدارس اشاره‌ای نمی‌شود. زیرا که اداره‌های فرهنگ یا آموزش و پرورش، کار تهیه و چاپ کتاب‌های درسی را در چارچوب بنگاه‌های انتشاراتی دولتی زیرنظر دارند و آن‌ها را مستقیماً در اختیار مؤسسات آموزشی می‌گذارند. در نتیجه در این کشورها فعالیت در میان بنگاه‌های انتشاراتی و نویسندگان کتاب‌های درسی، نقش درجه اوّل دارد؛ اما در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند، اقدامات ضد تبعیض جنسی در میان عوامل گوناگونی که در کار آموزش و پرورش نقش دارند، تقسیم می‌شود: از جمله کارکنان اداری مدارس، آموزگاران، اولیای شاگردان و...

پژوهشی که دربارهٔ کویت صورت گرفته است [25] کتابخانه‌ها را تشویق می‌کند که در گزینش کتاب‌های کودکان، تعادل را رعایت کنند: کتاب‌های خاص زنان و خاص مردان، کتاب‌هایی که نویسندگانشان زن، و آن‌هایی که نویسندگانشان مرد هستند.

پیشتر گفته شد که تبعیض جنسی در مدرسه، در سلسله مراتب اداری مدارس نیز جلوه‌گر می‌شود، زیرا مقام‌های مدیریت و فرماندهی غالباً به مردان، اما مقام‌های اجرایی (عمدتاً در کارهای آموزشی) به زنان اختصاص دارد. بنابراین اگر ساختارِ خود نظام آموزشی تبعیض‌آمیز باقی بماند و الگویی برای نقش‌های کلیشه‌ای مردان و زنان در جامعه باشد، اقدام وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ یا مدیران مدارس در تغییر محتوای کتاب‌های درسی، برای کمک به شکوفایی همه‌جانبهٔ توانایی‌های شاگردان کافی نیست. به همین سبب جای آن دارد که در این

بخش، پیشنهادهای کمیسیون جامعهٔ اروپا را به وزارت‌های آموزش و پرورش کشورهای اروپایی برای تغییر ساختار نظام‌های آموزشی کشورهای عضو یادآور شویم [22.par2:26] :

«تدوین سیاست‌های ملی مثبت برای تشویق موارد زیر، ضروری می‌نماید:

الف) شرکت بیشتر مردان برای تدریس در دورهٔ ابتدایی؛

ب) دستیابی بیشتر زنان به مقام‌های مدیریت و معاونت و بازرسی در دورهٔ متوسطه؛

ج) دستیابی بیشتر زنان به آموزشی که امکان تدریس درس‌هایی را که تاکنون در اختیار مردان بوده است، برای آنان فراهم آورد و برعکس.

د) پژوهش‌های جدید درباره کار واقعی و مسئولیت‌های افراد هردو جنس در دبیرستان‌ها، برای پیکار باکلیشه‌های تقسیم نقش براساس جنس افراد.»

می‌توان به این رهنمود افزود که همچنین جای آن دارد که وزارت‌های آموزش و پرورش کشورهای جامعهٔ اروپا، همانند دیگر کشورها، سهمی عادلانه‌تر را در آموزش عالی به زنان اختصاص دهند تا مسئولان آینده که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، متقاعد شوند که در همهٔ سطوح آموزشی، زنان همتای مردان هستند.

اقدامات لازم در میان کارکنان آموزشی و آموزگاران

فعالیت در میان کارکنان آموزشی، در اکثر کشورها یکی از عوامل اساسي موفقیت در ریشه‌کنی تبعیض جنسی در مدارس است. همان‌طور که در پژوهش دربارهٔ اوکراین آمده است: «شرط ضروری موفقیت آن

است که آموزگاران به اهمیت زدودن کلیشه‌های جنسی باور راسخ داشته باشند و عوامل اصلی پیدایش آن‌ها و شکل‌های منظم بروز تبعیض جنسی در گروه‌های سنی مختلف را به خوبی بشناسند...» [11:37].

در کشورهایی که بیشتر کتاب‌های درسی را آموزگاران و بازرسان شاغل یا بازنشسته می‌نویسند، نقش آموزگاران در نابودی تبعیض جنسی، تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. با این همه نباید به خوش‌بینی ساده‌اندیشانه گرفتار شد؛ زیرا آموزگاران در جامعه تافته‌ای جدا بافته نیستند و چندان تفاوتی با دیگر فعالان اجتماعی (اعضای وزارت‌خانه‌ها، کارکنان اداری مدارس، اولیای دانش‌آموزان، ناشران و مانند آنان) ندارند. همگی آنان از همان آغاز کودکی با تقسیم سنتیِ وظایف خانوادگی و شغلی براساس کلیشه‌های تحقیرآمیز، خوگرفته و بزرگ شده و آن‌ها را پذیرفته‌اند. این واقعیت که آموزگاران دبستان نسبتاً جوان و غالباً زن هستند نیز تضمینی در مقابل وجود تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی محسوب نمی‌شود. پس اساساً در پرتو فعالیتی آگاهانه در میان تمام کارکنان اداری و آموزشی دورهٔ ابتدایی و متوسطه می‌توان به نتایجی دست یافت. این فعالیت ممکن است که از آموزگاران، از ابتکارهای خصوصی یا از وزارت‌خانه‌ها سرچشمه بگیرد و شامل انواع اقدام‌های فردی یا جمعی بشود که در آن‌ها جلب توجه و آموزش، نقش اساسی دارند، اما نباید به این دو وجه محدود شود، بلکه باید به دگرگونی در تمام برخوردهای تبعیض‌آمیز میان آموزگاران و شاگردان گسترش یابد.

در فرانسه اقدام‌های متفاوت برای آموزش و جلب توجه معلمان به ستیز با تبعیض جنسی، هم از انجمن‌های خصوصی سرچشمه می‌گیرد، هم از وزارت حقوق زنان و هم از آموزگاران.

www.KetabFarsi.com

به عنوان مثال، انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز، از رهگذر سه نوع فعالیت، توجه آموزگاران را به مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و در آموزش و پرورش برانگیخته است: برگذاری گردهمایی‌های متعددی که در آن‌ها، نه فقط آموزگاران، بلکه اولیای دانش‌آموزان، اعضای سندیکاها، نمایندگان انجمن‌های گوناگون، طرفداران حقوق و آزادی زنان نیز دعوت شده بودند؛ نمایش فیلم‌های ضد تبعیض جنسی در جریان این گردهمایی‌ها (از جمله فیلم زن خانه‌دار و زن شاغل دربارهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و مدرسه)؛ توزیع راهنمای مک‌گرو ـ هیل (برای نویسندگان کتاب‌های درسی) و راهنمای تحلیل برای شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، در میان تمام آموزگاران؛ و سرانجام، فروش یا اجارهٔ تخته‌های نقاشی دربارهٔ تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی که آموزگاران می‌توانند آن‌ها را برای آموزش ستیز با تبعیض جنسی به شاگردان نیز به کار برند.

وزارت حقوق زنان براین نظر است که فعالیتِ ضد تبعیض جنسی باید از رهگذر پرورش و آموزش آموزگاران براساس احترام به دیگری انجام شود. اما مطابق آمار، احترام به دیگری فقط برای ۲۹٪ از آموزگاران فرانسوی از اولویت برخوردار است [36:13]. افزون براین، در نظر وزارت حقوق زنان، فراگیریِ احترام به دیگری ممکن نیست به‌طور انتزاعی و بی‌توجه به واقعیات صورت گیرد، بلکه باید با ردّ کلیشه‌های تبعیض جنسی همراه باشد. در واقع [39:13]، «اگر شناخت دیگری بر تحلیل کلیشه‌های تبعیض جنسی (کلیشه‌هایی که هم سد و مانع هستند و هم زندان، و سیمون دوبووار آن‌ها را «تصویرهای زیبا» نامیده است) استوار نباشد، احترام به دیگری در حد تصدیق شفاهیِ صرف باقی

می‌ماند. به همین سبب آموزش کارساز به معلمان در این عرصه، امکان‌پذیر نیست مگر از رهگذر آموزشی تکمیلی که آنان را به تحلیل کلیشه‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز وامی‌دارد».

وزارت آموزش و پرورش، با تأثیرپذیری از وزارت حقوق زنان بخشنامه‌ای را در تاریخ ۱۲ ژوئیهٔ ۱۹۸۲ صادر کرد که در آن چنین آمده است: «آموزگاران در پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی نقشی اساسی برعهده دارند و هریک از آنان، در چارچوب رسالت آموزشی خود، باید به دگرگون‌سازی اذهان و نابودکردن هرگونه تبعیضی نسبت به زنان، یاری رساند... آنان باید در مجموع دستگاه و ابزارهای آموزشی (کتاب‌های درسی، برگه‌ها، اسلایدها، فیلم‌ها، نوارها و مانند آن) بقای احتمالی کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی راکه به تصویری نابرابر از زنان تداوم می‌بخشند، آشکار کنند و آن را به نقد بکشند. آموزگاران همچنین باید هوشیار باشند که در سخنان یا در رفتار خود، کلیشه‌های تبعیض جنسی را منتقل نسازند...»

اما در واقع، این توصیه‌ها، تا زمانی که آموزش و پرورش ضد تبعیض جنسی در میان و با شرکتِ آموزگاران به پیش برده نشود، حرف تو خالی باقی می‌ماند. برای دستیابی به این هدف، یکی از بازرس‌های آموزش ابتدایی که آموزش ضد تبعیض جنسی را در یکی از دانش‌سراهای مقدماتی فرانسه رواج داده است می‌گوید که: «اگر بخواهیم به مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی بتازیم بی‌تردید باید از آموزگاران کمک بگیریم، آنان را با خود همراه سازیم و فقط به این بسنده نکنیم که جزوه‌ای آموزشی در اختیار آنان بگذاریم، جزوه‌ای که چه‌بسا آن را نه یک وسیله بلکه نوعی نتیجه به حساب آورند».

این تجربه مبتنی بود بر یک دورهٔ بازآموزیِ دو هفته‌ای که دانش‌سرای شهر نانت آن را برای آموزگاران منطقه سازمان داده بود. ناگفته نماند که مقاومت آموزگاران فرانسوی در برابر تغییر و تحولات ضد تبعیض جنسی تحت عنوان «آزادی آموزشی آموزگاران» صورت می‌پذیرد، تو گویی دفاع از این آزادی، با دفاع از «حقوق انسان‌ها» اعم از مرد یا زن در برخورداری از حیثیت و کرامت، تضادی دارد. آیا می‌توان به بهانهٔ رعایت «آزادی آموزشی» حقوق زنان را نفی کرد؟

در ایالات متحدهٔ آمریکا، در پی فعالیت‌های انجمن‌های فمینیست و زنان پژوهشگر در دانشگاه‌ها، اقدامات متعددی برضد تبعیض جنسی در مدرسه، به ویژه در میان آموزگاران انجام شده است. برنامهٔ *Born free* (زایش آزاد) [35] را بانویی که ریاست بخش راهنمایی دانشجویان را در دانشکدهٔ آموزش و پرورشِ دانشگاه مینه‌سوتا برعهده دارد، در سال ۱۹۷٦ به اجرا گذاشت. در این برنامه پیشنهاد شده است که کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در نهادهای آموزشی، به‌طور همزمان برای مردان و زنان کاهش یابد. وظیفهٔ اصلی عبارت است از تهیهٔ مواد آموزشی برای اولیای دانش‌آموزان و معلمان در تمام سطوح آموزشی (ابتدایی و متوسطه) [35].

تجربهٔ عملی این برنامه که در اساس به آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان در چند مدرسه اختصاص داشت، مبتنی بود بر یک دورهٔ آموزشی یک ساله. در جریان این دوره، ۴۰ نفر (از معلمان و دیگر شرکت‌کنندگان) فرا گرفتند که می‌توانند برخوردها و رفتارهای شخصی خود را با شاگردان و همکارانشان تغییر دهند و حتی به دگرگونی ساختارهای سازمانی مؤسسات خود و یا انجام همزمان هردو کار

بپردازند. پس از طی این دوره، شرکت‌کنندگان (معلمان دورهٔ ابتدایی و متوسطه) به ۱۴ گروه تقسیم شدند و ٦۴ فعالیت مختلف را برای کاهش تبعیض جنسی در آموزش و پرورش انجام دادند. در بیشتر موارد، آنان در چارچوب فعالیتی به نام «طرح‌های پیشرفت کارکنان»، جلسه‌های آموزشی دو روزه را در محل کار، برای گروه‌های کوچکی از معلمان و گاهی نیز اولیای دانش‌آموزان برگذار کردند. در جریان این جلسات آموزشی، شرکت‌کنندگان، برداشت‌هایشان را از پذیرش اجتماعی نقش‌های خانوادگی و شغلی خود، با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. البته نویسندهٔ این طرح معتقد است که چنین کاری با بعضی از فرهنگ‌ها هماهنگی ندارد. این نوع درون‌نگری در میان یک جمع کوچک، به اولیا و معلمان آمریکایی امکان می‌دهند تا تأثیری راکه بر کودکان دارند، بهتر درک کنند. همان‌گونه که نویسندهٔ برنامهٔ *Born free* خاطرنشان می‌کند، این آموزش در اساس آگاهی‌بخش است، زیرا راه‌شناسایی پدیده‌های مربوط به تقسیم نقش‌های دو جنس را به اولیا و معلمان یاد می‌دهد. این برنامه، جنبهٔ تجربی و عاطفی نیز دارد و مستلزم آن است که آموزش‌دهندگان، تأثیرات منفی کلیشه‌های جنسی را بر کودکان دریابند و به ظریف‌ترین برخوردها و رفتارهای تبعیض‌آمیز آگاهی پیدا کنند.

در یک کلام شاید بتوان گفت که فلسفهٔ برنامهٔ *Born Free* براین دستور سقراطی استوار است: «خودت را بشناس». در واقع معلمان چگونگی تقسیم نقش‌ها را در جامعه میان مردان و زنان، شیوهٔ تأثیرگذاری بر شاگردان خود و راه رفع تبعیض‌های جنسی را در عرصهٔ آموزش و پرورش، بهتر درک می‌کنند.

این برنامه به علاوه تدبیری بسیار مشخص را دربردارد که هدف آن

آماده ساختن معلمان برای شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، طی یک جلسهٔ نود دقیقه‌ای است. برای این کار پرسشنامه‌ای برای ارزیابی تبعیض جنسی و نیز یک یا چند کتاب درسی میان معلمان پخش می‌شود و آنان باید براساس راهنمای پرسشنامه‌ای که به همین منظور تهیه شده است (جدول شمارهٔ ۴) به ارزیابی این کتاب‌ها بپردازند. سه ربع ساعت پس از پایان این جلسه، تمام گروه دربارهٔ نتایج ارزیابی‌های خود به بحث می‌پردازند و اگر وقت کافی باشد، فهرست کامل تمام کلیشه‌های جنسیِ شناسایی شده تنظیم می‌شود.

در این جلسه‌های آموزشی ـ که در ساعات کار و با موافقت مدیریت برگذار می‌شوند ـ از معلمان خواسته می‌شود که در کسب آگاهی از کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، نقشی فعال اجرا کنند.

در پژوهشی که دربارهٔ نروژ صورت گرفته است، پرورش معلمان آینده برای پیکار با تبعیض جنسی توصیه شده است [12:106]:

«برای اصلاح کتاب‌های درسی، ضروری است که استفاده کنندگان از آن‌ها ـ یعنی معلمان و نیز شاگردان ـ به قوانین رایج و ضروریاتی که باید تدوین و بیان شوند، آگاهی یابند. گروه بررسی پیشنهاد می‌کند که رهنمودهایی دربارهٔ برابری جنس‌ها در دسترس شناخت معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد. دانشجویان دانش‌سراها و معلمان باید در چارچوب آموزش دانشگاهی یا دوره‌های کارآموزی به تحلیل کتاب‌های درسی از دیدگاه برابری جنس‌ها تشویق شوند».

ساروجینی بیزاریا [5] نیز پیشنهاد می‌کند که چنین اقداماتی برای معلمان آیندهٔ هند و کل آسیا انجام شود. برنامه‌های آموزشی معلمان در مورد ستیز با تبعیض جنسی باید جنبهٔ اثباتی داشته باشد. برنامه‌های درسی

www.KetabFarsi.com

دانسشراهای تربیت معلم باید به دقت بررسی شود و از گرایش‌های پایدار تبعیض جنسی مصون باشد. تا زمانی که نسل کاملی از دانشجویان ـ از مدرسه تا دانشگاه ـ از شرّ کلیشه‌های تبعیض جنسی رهایی یابد، باید به تدوین برنامه‌های درسی و طرح‌های آموزش معلمان، هرچه بیشتر توجه کرد [21].

www.KetabFarsi.com

جدول شمارهٔ ۴. راهنمای ارزیابی معلمان از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی

۱ـ عنوان اثر:
۲ـ موضوع مورد بحث:
۳ـ ناشر و سال انتشار:
۴ـ نویسنده (نویسندگان):

جنس: مؤنث: مذکر:

۵ـ چه فعالیت‌ها / شغل‌هایی برای افراد زیر، توصیف یا ترسیم شده‌اند:

دختران پسران زنان مردان

۶ـ تعداد تصویرهای ارائه شده برای هر جنس:

دختران پسران زنان مردان

۷ـ در متن کتاب چند بار به افراد زیر اشاره شده است:

دختران پسران زنان مردان

۸ـ چه صفت‌هایی برای توصیف افراد زیر به کار رفته است:

دختران پسران زنان مردان

۹ـ زبان به کار رفته در متن را تشریح کنید. آیا زبانی غیر تبعیض‌آمیز است و هیچ اشاره‌ای به تمام شکل‌های کلیشه‌های تبعیض جنسی ندارد؟

۱۰ـ آیا نقش‌های مهمی از زنان و مردان نادیده گرفته شده‌اند؟

۱۱ـ آیا به کلیشه‌های سنتی برای گروه‌های مختلف در عرصه‌های فعالیت، علائق، نقش‌های خانوادگی، شغل و مانند آن‌ها اشاره شده است؟
چه الگوی نقش‌هایی برای دختران و پسران عرضه شده است؟

۱۲ـ آیا متن به یک سبک معاصر و واقع‌گرا نوشته شده است؟

۱۳ـ آیابخش‌های خاصی وجود دارند که فقط به بررسی زنان یا اقوامی ویژه بپردازند؟

۱۴ـ این متن چگونه ممکن است بر تمایلات دختران و پسران در مورد آموزش و شغل تأثیر بگذارد؟

۱۵ـ تحلیل خود را از متن در یک صفحه (یا کمتر) خلاصه کنید.

منبع: برنامهٔ *Born free*، دانشگاه مینه‌سوتا، ایالات متحدهٔ آمریکا.

پژوهشی که دربارهٔ پرو صورت گرفته است [21] همین پیشنهاد جلب‌توجه معلمان را به تبعیض جنسی مطرح می‌کند و یکی از راه‌های مهم این کار را پخش گزارشی در دانش‌سراهای تربیت معلم می‌داند که در این‌باره در پرو انجام شده است. این پژوهش می‌افزاید که باید معلمان را به شرکت در تدوین مطالب آموزشی تشویق کرد و برگذاری کلاس‌های درس مختلط را در دانش‌سراها گسترش داد.

در پژوهشی که لیزدونیگان دربارهٔ کِبِک انجام داده [2] پیش‌بینی شده است که مجموعه‌ای از سفارش‌ها و رهنمودها در میان نمایندگان محافل مختلفی که مورد نظر هستند ـ از جمله معلمان ـ پخش شود، سفارش‌ها و رهنمودهایی که ممکن است به استفاده‌کنندگان از آن‌ها در واکنش در برابر هر مطلب آموزشی تبعیض‌آمیزی که هم‌اکنون رایج است، یاری برساند ـ البته پیش از تهیهٔ کتاب‌های درسیِ تبعیض‌ستیز. علاوه‌براین خواسته شده است «که کمیسیون‌های آموزشی و مدارس با ایجاد کمیته‌های ویژه‌ای به ارزیابی مجدد کتاب‌های درسیِ رایج بپردازند. این کمیته‌ها ممکن است دائمی بشوند و سپس به بررسی دیگر عوامل تبعیض براساس جنس در تشکیلات آموزشی بپردازند [...]. معلمان نیز باید روش‌های انتقال برخوردهای تبعیض‌آمیز از رهگذر مدرسه را بررسی کنند و نقش خاص خود را در پرورش یا تقویت این برخوردها در شاگردان آشکار سازند» [2:184].

بنابراین بیشتر نویسندگان پژوهش‌هایی که درباره تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی صورت گرفته است، معتقدند که فعالیت آموزشی در میان معلمان، نقش اساسی دارد. در بیشتر موارد این فعالیت از چارچوب خاص کتاب‌های درسی فراتر می‌رود، زیرا که یکی از هدف‌هایش این

است که معلمان را ـ در جریان آموزش اولیه یا در طول زندگی شغلی آنان ـ از مسئولیت‌های خاصشان در زمینهٔ پیکار با تبعیض جنسی هرچه بیشتر آگاه سازد. در واقع به‌کلی دور از عقل و ناممکن است که تبعیض جنسی در روابط معلمان با دانش‌آموزان وجود داشته باشد، اما بخواهیم آن را در کتاب‌های درسی از بین ببریم. برای دستیابی به این هدف، «شورای جایگاه زن» در حکومت کِبِک پیشنهاد می‌کند که پرسشنامه‌ای در میان معلمان پخش شود که برای هر معلمی، امکان ارزیابی رفتار خود را با شاگردان دختر و پسر، فراهم می‌آورد. این پرسشنامه به تفصیل در جدول شمارهٔ ۵ آمده است و می‌توان آن را با همین صورت یا با تغییراتی برای آموزش معلمان، به آسانی به کار برد.

باید افزود که کاربرد ویدئو در کلاس، شناسایی رفتار شاگردان و نیز تفاوت رفتار معلمان را در برابر شاگردان، براساس جنس آنان، ممکن ساخته است [38]. می‌توان امیدوار بود که این کاربرد، آگاهی‌یابی از تبعیض جنسی را در روابط معلمان با شاگردان در جریان برنامهٔ آموزش معلمان، آسان‌تر کند.

اقدامات لازم در میان مربیان و مشاوران تربیتی

هرچند رهنمودهای پیشین نه فقط برای معلمان، بلکه برای مجموعهٔ مربیان بیان شده، جای آن دارد که به اقدامات لازم در میان مشاوران تربیتی و مربیان آموزشی و حرفه‌ای نیز اشاره‌ای خاص بشود. ساروجینی

جدول شمارهٔ ۵. پرسشنامه

آموزگاران گرامی، آیا شما در کلاس‌های خود به تبعیض جنسی می‌پردازید؟

۱ـ به طورکلی از پسران کلاس می‌خواهید که سنگین‌ترین کارها (مانند حمل جعبه‌های بزرگ) را انجام دهند و از دخترها خواستار کارهای سبک‌تر (مانند آب دادن به گیاهان) می‌شوید؟

۲ـ برای یک کارگروهی، کارهای منشی‌گری را به‌دختران، و وظایف مدیریت را به پسران پیشنهاد می‌کنید؟

۳ـ آیا به تقسیم پسران و دختران، در سپردن تکالیف، یا نقش‌های متمایز در اجرای کارها، یا صرفاً در نشاندن هریک از آنان در سمت «خاص خودشان» در کلاس، گرایش دارید؟

۴ـ از دخترانی که ناتوان هستند یا از خوش‌پوشی خودداری می‌ورزند، ایراد می‌گیرید؟ آیا برایتان پیش آمده است که توجه دیگران را به دخترانی که بیش از همه باب روز هستند یا بهترین آرایش را کرده‌اند، جلب کنید؟

۵ـ آیا از پسرانی که دست و پا چلفتی هستند یا چندان علاقه‌ای به ورزش ندارند، ایراد می‌گیرید؟ آیا برایتان پیش آمده است که توجه دیگران را به پسرانی که ورزشکارتر از دیگران هستند، جلب کنید؟

۶ـ آیا در برابر پسرانی که موی بلند یا دست‌بند و گردن‌بند دارند، یا در برابر دخترانی که شلوار می‌پوشند واکنش منفی نشان می‌دهید؟

۷ـ آیا انتظار دارید که دختران بهتر از پسران سخن بگویند؟

۸ـ آیا انتظار دارید که پسران بلندتر و بدتر از دختران حرف بزنند؟

۹ـ آیا فکر می‌کنید که علوم و ریاضیات با علائق پسران، و ادبیات و زبان با علائق دختران هماهنگ‌تر است؟

۱۰ـ آیا عادی‌تر آن می‌دانید که پسری، دختری را هُل بدهد یا این که دختری، پسری را؟

۱۱- آیا بی‌هیچ اعتراضی می‌پذیرید که پسران، دختران را مسخره کنند و با خود بگویند که این نشانهٔ مردانگی است؟

۱۲- آیا تاکنون برای تنبیه پسری، او را در کنار یکی از دختران همکلاسیش نشانده‌اید؟

۱۳- در مدرسهٔ شما، حیاط بازی، دست‌شویی و کتابخانهٔ دختران و پسران از هم جداست؟

۱۴- آیا دانش‌آموزان مجبورند که کارگاه‌های معینی را براساس جنس خود انتخاب کنند (آشپزخانه برای دختران، نجاری و مکانیکی برای پسران)؟

۱۵- آیا مدرسهٔ شما دختران را به همان اندازهٔ پسران برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی تشویق می‌کند (انتخاب رشته‌ها، ساعت‌های دستیابی به وسایل و تجهیزات، مربی، بودجه، تبلیغات برای مسابقه)؟

۱۶- آیا شما ویژگی‌های زیر را در یکی از دو جنس کمابیش مطوب می‌شمارید:

روحیهٔ استقلال	وابستگی
اطمینان و اعتماد به نفس	اهمال‌کاری
اطمینان ، آمادگی و دقت	عادت به قسم خوردن
حساسیت و خیال‌پردازی	کمرویی، فقدان ابتکار
فرمانبرداری	حالت رهبری
بد بودن لباس (یا چهره و حالت)	بلندپروازی، رقابت جویی

۱۷- آیا معتقدید که آماده کردن پسران برای کامیابی در زندگی شغلی، مهم‌تر از آماده کردن آنان برای موفقیت در زندگی خانوادگی است؟

۱۸- آیا گزینش‌های شما در مورد دختران، برعکس پسران نیست؟

به نقل از:

L'écol sexiste, c'est quoi? [37].

بیزاریا در پژوهش خود اهمیت این اقدام را خاطرنشان کرده است [5]: «در برنامه‌های راهنمایی و مشاوره برای مدارس، تدبیر لازم باید به درهم شکستن محدودیت‌های اجتماعی که تحمیلیِ جدایی میان جنس‌ها هستند، یاری برساند. در هند، برای دستیابی به این هدف برنامه‌های پژوهشی برای مشاوران مدارس گسترش یافته است».

در فرانسه معلوم شده است که کلیشه‌های تبعیض جنسی بر گزینش دختران که غالباً بیش از ۸۰٪ آنان به سوی شغلی سنتی کشیده می‌شوند، تأثیر می‌گذارند. آموزشی که دختران دریافت می‌دارند، ۳۰ تخصص را دربر می‌گیرد، اما آموزش پسران، ۳۰۰ تخصص را! چنین موقعیتی، دست کم تاحدی زیاد نتیجهٔ فقدان آموزش دختران و نیز مشاوران و مربیانی است که آنان را غالباً به سوی حرفه‌های سنتی راهنمایی می‌کنند.

در ایالات متحدهٔ آمریکا، طرفداران حقوق و آزادی زنان و افراد علاقه‌مند به شکوفایی توانایی‌ها و استعدادهای تمام کودکان ـ بی‌هیچ استثنایی ـ نیک آگاهند که کلیشه‌های تبعیض جنسی را مربیان تربیتی در میان دانش‌آموزان هردو جنس حفظ می‌کنند.

نخستین ایرادی که از مشاوران تربیتی گرفته می‌شود، بی‌خبری آنان از قوانین برابری‌طلبانه و پیامدهای منفی این بی‌خبری است: نظر آنان در راهنمایی شاگردان، به ویژه دختران، به سمت حرفه‌های سنتی؛ نحوهٔ استفادهٔ آنان از تست‌ها و کتاب‌های درسی و «راهنماهای مشاغل حرفه‌ای» که انباشته از کلیشه‌های تبعیض جنسی هستند؛ نحوهٔ سخن گفتن آنان از فعالیت‌های سنتی مردانه و فعالیت‌های به اصطلاح زنانه؛ چگونگی استفادهٔ آنان از واژگان مذکر برای اشاره به بعضی از مشاغل، به عنوان مثال کاربرد واژهٔ سیاستمرد به جاسی سیاستمدار. علاوه‌براین، بر

رفتار سنتیِ غیرکلامی آنان نیز خرده گرفته می‌شود که در واقع این مفهوم را به شاگردان منتقل می‌سازد که برای هر جنس، گزینش‌های شایسته و ناشایسته‌ای وجود دارد و بدین ترتیب مشاوران تربیتی به جای تشویق شاگردان به برگزیدن رشته‌ها یا حرفه‌های غیرسنتی، آنان را از این کار باز می‌دارند یا دست کم از چنین امکانی بی‌خبرند [35].

برنامهٔ *Born free* برای کاهش و حذف تبعیض جنسی در میان مربیان و مشاوران تربیتی، پیشنهاد می‌کند که نه فقط هرگونه جلوهٔ تبعیض جنسی در تست‌ها و پرسشنامه‌هایی که به دانشجویان عرضه می‌شود و به‌طورکلی در مجموع مواد و مطالب آموزشی از میان برداشته شود، بلکه مربیان و مشاوران تربیتی نیز به گردهمایی‌هایی که جزو ساعت کارشان محسوب خواهد شد، دعوت شوند. در جریان این گردهمایی‌هایِ چند روزه، مربیان و مشاوران همپایِ اولیا و معلمان در تمرین کسب شناختِ جمعی و فردی از نگرش‌ها و رفتارهای کلیشه‌ای براساس جنس شاگردان، و آشنایی با کلیشه‌های تبعیض جنسی در نظام آموزشی، مواد و مطالب درسی، تست‌ها، کتاب‌های درسی و مانند آن‌ها شرکت می‌کنند. به علاوه، باتوجه به این که در آموزش علوم و ریاضیات برانگیزش‌های مردانه تأکید می‌شود و دختران را از توجه به این رشته‌ها باز می‌دارند، کشورهای بسیاری به ویژه ایالات متحدهٔ آمریکا، انگلستان، سوئد، نروژ برنامه‌های ویژه‌ای برای تغییر این وضعیت و تشویق دختران در پیش گرفته‌اند [35].

حال که در تمام پژوهش‌ها تأکید شده است که به معلمان و نیز تمام مربیان باید از همان دورهٔ دانش‌سرا و یا پس از اشتغال به کار، در دوره‌های بازآموزی، اصول و شیوهٔ ستیز با تبعیض جنسی آموزش داده شود، جای آن دارد که اصول عمدهٔ ضروری برای این آموزش را یادآور

www.KetabFarsi.com

شویم. کمیسیون جامعهٔ اروپا، چند اصل راهنما را برای هدایت آموزش ضد تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و نیز در دوره‌های بازآموزی پیشنهاد کرده است [22,par2:66] : «بهتر است که به تمام برنامه‌های درسی آغازین معلمان در دانش‌سراها، داده‌هایی دربارهٔ نقش‌های دو جنس در آموزش، دربارهٔ تأثیر تشکیلات آموزشی بر دختران و پسران و بر جایگاه زن در جامعه، افزوده شود. از وضعیت و محتوای دوره‌های کنونی چندان اطلاعی در دست نیست، اما می‌توان اندیشید که دانش‌سراهای تربیت معلمی که در برنامه‌های اصلی خود «مطالعاتی دربارهٔ وضعیت زن» یا پیامدهای تفاوت‌های جنسی در مدارس را می‌گنجانند، بسیار نادرند. در این میان یک مشکل اضافی نیز وجود دارد که عبارت است از جدا افتادگی معلمان از دنیای بیرونی کار. این مشکل باعث می‌شود که معلمان آمادگی لازم را برای رویارویی با برخوردهای سنتی دختران یا پسران پیدا نکنند. ما باید به ویژه در تمام برنامه‌های آموزشی معلمان، مدرن‌ترین روش‌های روان‌شناسی کودک را بگنجانیم ـ از روش‌هایی که نظریه‌هایِ قدیمی دربارهٔ تفاوت‌های فطری (فکری) براساس جنس را به پرسش می‌گیرند تا روش‌هایی که به یاری برداشت‌های جدید به پیکار با تأثیراتِ تحمیلِ زود هنگامِ الگوهای رفتار کلیشه‌ای به کودکان می‌پردازند. مفاهیم «مردانگی» یا «زنانگیِ» عام یا یکپارچه را به ویژه باید در عرصهٔ آموزش و پرورش به دور انداخت. تفاوت‌های موجود در میان افراد یک جنس، آشکارتر از تفاوت‌های میان دو جنس است».

به عبارت دیگر، آموزش پیکار با تبعیض جنسیِ موجود در کتاب‌های درسی به معلمان، در گروِ آموزش ردّ تمام شکل‌های تبعیض

جنسی است که حیثیت زنان را نادیده می‌گیرند.

اقدامات لازم در میان شاگردان

در بیشتر پژوهش‌هایی که به تقاضای یونسکو صورت گرفته، توصیه شده است که معلمان در کلاس‌های خود، روحیهٔ انتقادی شاگردان را برای ردّ تبعیض جنسی، به ویژه در مورد محتوای کتاب‌های درسی، برانگیزانند. در پژوهشی که دربارهٔ نروژ صورت گرفته، دربارهٔ اهمیت این نقشی که به معلمان واگذار شده، آمده است: «جای آن دارد که معلمان با رفتار خود، باکتاب‌های درسیی که به کار می‌برند، و نیز با نحوهٔ گزینش و معرفی متن‌های درسی، تصویری بسیار دقیق از واقعیت ارائه دهند و به یاری اطلاعات عینی و واقعی، بابرخوردهای تبعیض‌آمیز پیکار کنند. آماده‌سازی شاگردان برای زندگی خانوادگی و دنیای کار و زندگی در جامعه باید چنان باشد که آنان دریابند انسان‌ها، به هر جنسی تعلق داشته باشند، دوشادوش هم در تمام عرصه‌های جامعه، کارها و مسئولیت‌ها را عهده‌دار می‌شوند» [2:13].

لیز دونیگان نیز سفارش می‌کند که «معلمان (به کمک مباحثات و تمرین‌های روزانه) برخوردی انتقادی را به تصویر کلیشه‌ای دو جنس در کتاب‌ها و مطالب درسی، در ذهن دانش‌آموزان برانگیزانند» [2:184].

براساس برنامهٔ «زایش آزاد»، فعالیت لازم در میان دانش‌آموزان باید اقدامات زیر را دربرگیرد [35]:

۱. شناساندن دقیق و کامل قوانینِ برابری جنس‌ها و نیز حقوق ناشی از آن‌ها، از جمله راه‌های شکایت بر ضد تبعیضات، به تمام دانش‌آموزان؛

۲. کمک به آنان در شناخت نحوه‌های گوناگونِ جلوهٔ کلیشه‌های

تبعیض جنسی در مدارس و تأثیرات منفی آن‌ها؛ کمک به آنان در درک شیوهٔ جامعه‌پذیری خودِ آنان؛

۳. آموزش شیوهٔ ژرف‌اندیشی و بررسی انتقادی به آنان دربارهٔ تعلیم و تربیتی که دریافت می‌دارند و نیز آموزش نحوهٔ شناسایی کلیشه‌ها و پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی، تربیت، انتخاب رشته و حرفه و نیز برخوردهای کارکنان آموزشی به آنان؛

۴. فهماندن این نکته به دانش‌آموزانِ پسر و دختر که آنان می‌توانند در این عرصه، از عواملِ دگرگونی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه باشند، و کمک به آنان در گام گذاشتن در این راه؛

۵. آگاه ساختن آنان از اهمیت وضعیت جسمانی مناسب برای پسران و دختران و تشویق یکایک آنان ـ اعم از دختر یا پسر ـ به داشتن فعالیت ورزشی، پافشاری براین نکته که شرایط شرکت و امکانات عرضه شده، باید برای همگان برابر باشد؛

٦. فهماندن این مفهوم به دختران که هیچ رشتهٔ تحصیلی یا درسی وجود ندارد که در انحصار یکی از جنس‌ها باشد و آنان نیز مثل پسران می‌توانند ریاضیات یا هر رشتهٔ علمی دیگری را بخوانند و یا حرفه‌های به ظاهر مردانه را فراگیرند. به پسران نیز باید توضیح داد که آنان نیز مانند دختران می‌توانند به کارهای خانگی، بچه‌داری یا هر فعالیت دیگری که تاکنون فقط مختص دختران بوده است، بپردازند.

بنابراین، هدف برنامهٔ «زایش آزاده آن است که در تمام عرصه‌ها به همهٔ دانش‌آموزان آموزشی تبعیض‌ستیز بدهد. چنین برنامه‌ای بی‌تردید بدون کمک معلمان انجام‌پذیر نیست. به همین جهت راهنمایی با عنوان *Egual their chances* [39] (برابری امکانات) برای معلمان و به ویژه برای

آموزگاران دورهٔ ابتدایی نگاشته شده که هدفش آگاه ساختن معلمان از شیوه‌های کمک به دانش‌آموزان در شناسایی جلوه‌های گوناگون تبعیض جنسی است. اما کنار زدن تصویرهای منفی، کافی نیست: باید به نوآوری‌های خلاقی پرداخت که تصویری مثبت‌تر از دختران و زنان عرضه می‌کنند و اطلاعات دقیق‌تر و روزآمدی را دربارهٔ امکانات مختلفی که، به ویژه در عرصهٔ آموزشی و شغلی در اختیارشان قرار دارد، فراهم می‌آورند و بدین‌ترتیب به آنان یاری می‌رسانند تا در مقام انسان‌های مؤنث، استعدادهای خود را هرچه بهتر شکوفا سازند. چنین برخوردی به آنان امکان می‌دهد تا شناختشان را از آن‌چه در عرصهٔ آموزش و پرورش و کار و خانواده، انجام‌پذیر است، گسترش بخشند؛ به آنان یاری می‌رساند تا دریابند که می‌توانند اختیار و مهار زندگیشان را خود در دست گیرند؛ امکان و تجربهٔ داشتنِ مقام مدیریت را در فعالیت‌های حرفه‌ای آتی در اختیارشان قرار می‌دهد...

در تجربهٔ آمریکاییِ «زایش آزاد» همه‌چیز چنان می‌گذرد که گویی آگاهی‌یابیِ کودکان از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی از تلاش تربیتی و آموزشی معلم یا هر مربی دیگری جدایی‌ناپذیر است. این تلاش نه فقط مستلزم آن است که کلیشه‌های منفی رد شوند، بلکه باید با اثبات تصویرهای مثبت جنس مؤنث نیز همراه باشد، به نحوی که احساس عزّت و برابری با پسران را در دختران بیدار و تقویت کند.

در فرانسه هرچند در یک بخشنامهٔ دولتی از معلمان خواسته می‌شود که به شناسایی و نقد تمام شکل‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی بپردازند، هنوز باید در این مورد به جلب توجه و کارِ آگاهی‌بخش دست زد تا معلمان توانایی شناسایی جلوه‌های تبعیض جنسی را پیدا کنند و

نحوهٔ رفتار مناسب با شاگردان را فراگیرند. یکی از کارهای مثبت «انجمن حمایت از آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» تهیه مواد و مطالب آموزشی برای راهنمایی عملی معلمان و مربیان است. این مطالب به طور عمده عبارت است از یک «چمدان نمایشی» که بیست و شش تابلوی چوبی دو طرفه را دربرمی‌گیرد. این تابلوها، تصویر کوچک شدهٔ تابلوهای چوبی بسیار گسترده (حدود صدمتر) را که برای بینندگان بیرون از مدرسه آماده شده است، عرضه می‌کنند. به علاوه در این چمدان آموزشی، اسلایدها و نوارهای ویدئو نیز وجود دارد که معلمان می‌توانند با استفاده از آن‌ها با شاگردان دربارهٔ تبعیض جنسی به بحث بپردازند. برای جلب توجه هرچه بیشتر شاگردان به این موضوع، معلمان می‌توانند از یکی از اعضای این انجمن کمک بگیرند.

در پژوهشی که دربارهٔ پرو صورت گرفته نیز کاربرد تلویزیون برای پخش تصویرهای ضد تبعیض جنسی در میان شاگردان توصیه شده و آمده است که این تصویرها باید هرچه بیشتر از تبعیض جنسی، دورتر، و به واقعیت نزدیک‌تر باشند.

نتیجه گیری

این فصل را با یادآوری نکته‌ای به پایان می‌رسانیم: در تمام پژوهش‌های پیشگفته نشان داده شده است که سراپای نظام آموزشی، از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان گرفته تا رفتارهای گروه‌های متفاوت افرادِ کادر آموزشی، آلوده به تبعیض جنسی است. در نتیجه برای نابودی تبعیض جنسی نمی‌توان فقط به تلاش برای اصلاح کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان بسنده کرد. در برنامهٔ زایش آزاد نیز برهمین

نکته پافشاری شده است [35]: پاکسازی کتاب‌های درسی از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، ضروری است، اما اگر دگرگونی‌هایی در دیگر مطالب و مواد آموزشی صورت نگیرد، اگر معلمان درنیابند که رفتار آنان با پسران و دختران، نادرست و تبعیض‌آمیز است، اگر زنان بیشتری در مقام‌های ریاست و مدیریت نباشند، اگر ساختارهای مدرسه که امکان‌ها و امیدهای متفاوتی برای دختران و پسران فراهم می‌آورند، دگرگون نشوند، صرفِ زدودن کلیشه‌های تبعیض‌آمیز از کتاب‌های درسی برای حل مشکل تبعیض جنسی در مدارس کافی نیست. چنین دگرگونی‌هایی در دانشگاه‌ها و دانش‌سراهای تربیت معلم نیز ضروری است.

برای ریشه‌کنی تبعیض جنسی در مدرسه، فعالیت میان مسئولان متعدد آموزشی ضرورت دارد و همین امر، تعیین اولویت‌های لازم را دشوار می‌سازد. البته در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، دخالت مستقیم دولت برای ممنوع ساختن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی یا کتاب‌های کودکان آسان‌تر است، اما چنین دخالتی مسئله تبعیض جنسی را در مدرسه به تمامی حل نمی‌کند، چراکه این مسئله ممکن است در برخوردهای معلمان به دانش‌آموزان یا در سلسله مراتب نظام آموزشیِ مبتنی بر جنس جلوه‌گر شود. به همین سبب بهتر آن است که فعالیت ضد تبعیض جنسی در درون نظام آموزشی، به صورت همزیستی منظمِ مجموعه‌ای از اقدامات در میان تمام عاملانِ درگیر، در تمام عرصه‌های آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.

برای دستیابی به همین هدف، شورای اروپا [40:3-4] (در پی گردهماییِ هونفوس در نروژ) قطعنامه‌ای صادر کرد که می‌توان برنامه‌های نابودی تبعیض جنسی در مدارس را براساس آن استوار ساخت. در این

قطعنامه، هماهنگی فعالیت‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف زیر خواسته شده است: گردآوری آمارهایی که تفاوت‌های موجود میان دختران و پسران را در درون نظام آموزشی آشکارا نشان می‌دهند؛ آگاه ساختن معلمان و تمام کارکنان مدارس، از چگونگی رفتارهایشان با دانش‌آموزان (به‌کمک ویدئو) و عرضهٔ اطلاعات پایه‌ای (از همان مقطع دانش‌سرا) دربارهٔ تفاوت‌های جنسیی که هنوز در مدارس موجودند؛ استخدام هرچه بیشترِ زنان برای تدریس در رشته‌های علمی و فنی و برای مقام‌های مدیریت در درون نظام آموزشی؛ نابودی تبعیض جنسی در تمام مطالب آموزشی و برنامه‌های درسی؛ استخدام هرچه بیشتر زنان برای تدریس در رشته‌های علمی و فنی و برای مقام‌های مدیریت در درون نظام آموزشی؛ هدایت هرچه بیشتر دختران در عرصهٔ آموزشی و شغلی به نحوی که آنان رشته‌ها یا حرفه‌های آتی خود را با آگاهی تمام انتخاب کنند.

www.KetabFarsi.com

۶. اقدامات ضروری در بیرون از نظام آموزشی برای زدودن تبعیض جنسی

اقدامات ضروری در بیرون از نظام آموزشی باید در وهلهٔ نخست پدیدآورندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان (ناشران، نویسندگان، تصویرگران)، خریداران (اولیای دانش‌آموزان و در مواردی نیز شهرداری‌ها) انجمن‌ها، رسانه‌های گروهی که اطلاعات و اخبار را در میان عامهٔ مردم پخش می‌کنند، اتحادیه‌ها و سرانجام کارفرمایانی راکه امکان استخدام دارند، دربرگیرد.

اقدامات لازم در میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان

فعالیت ضروری میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تابع نظام تولید فرهنگی حاکم در کشور است. در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند و تولید کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان زیرنظر دولت و یکی از وزارت‌خانه‌ها (وزارت آموزش و پرورش یا فرهنگ) انجام می‌شود، رهنمودهای لازم در این عرصه از بالا صادر می‌شود، اما در کشورهایی که اقتصاد مبتنی بر بازار دارند، و در آن‌ها بنگاه‌های انتشاراتیِ بخش خصوصی، براساس قانون بازرگانی سود، آثار مناسب برای کودکان را برمی‌گزینند، رهنمودها و ابتکارها از پایین می‌آید. در هریک از این دو نظام، مسائل خاصی مطرح می‌شود.

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین، کار تهیه و انتشار کتاب‌های

درسی برای دورهٔ ابتدایی و دورهٔ متوسطه (سیکل اول) را اساساً انتشارات آموزشی خلق برعهده دارد. این انتشارات تابع وزارت آموزش و پرورش و زیر نظارت شورای امور دولتی است. کتاب‌های کودکان را نیز عمدتاً بنگاه‌های انتشاراتی بزرگ و تخصصی پکن و شانگهای که زیرنظر وزارت فرهنگ اداره می‌شوند، منتشر می‌سازند. در نتیجه، در جمهوری خلق چین، وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ می‌توانند مجموعه‌ای از تدبیرهای ضروری را برای بنگاه‌های انتشاراتی و نویسندگان، به آسانی برنامه‌ریزی کنند. به همین سبب، وزارت آموزش و پرورش خواهان آن است که به طور همزمان اقداماتی را در زمینهٔ پیشگیری و پرورش انجام دهد و می‌دانیم که اقدامات در این دو عرصه، به هم پیوسته هستند. در زمینهٔ پیشگیری، وزارت‌خانه به عنوان مثال مقرر می‌دارد که افرادِ مسئولِ بررسی و صدور مجوز برای محتوای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، دقیق‌تر و جدی‌تر باشند [10:65]: «این افراد برای آن که تمام مسائلی را که ممکن است در این‌باره مطرح شوند، پیش از انتشار و پخش آثار میان خوانندگان کودک و نوجوان، از میان بردارند، باید با مشورت با نویسندهٔ مورد نظر، به بازبینی ژرفِ تمام آثاری بپردازند که در آن‌ها اصل برابری [جنس‌ها] رعایت نشده است».

در زمینهٔ آگاهسازی و پرورش افراد، وزرات فرهنگ مقرر داشته که الگوی راهنمای پژوهش که یونسکو برای شرکت‌کنندگان در مجموعهٔ بررسی‌های ملی دربارهٔ سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، پیشنهاد کرده، همراه با بررسی‌هایی که در چین صورت گرفته است، پخش شود. این کار در درجهٔ اول باید در میان تمام بنگاه‌های بزرگ نشر آثار برای کودکان و نیز در دفاتر یا دوایر نگارش که

تاحدی از نفوذ و اعتبار برخوردارند، صورت گیرد و در وهلهٔ دوم در میان نویسندگان و معلمان، با این هدف که «همگان از چند و چون مسئله باخبر شوند و بتوانند توجه لازم را به آن ابراز دارند» [10:64].

علاوه براین پیش‌بینی شده است که یک «برنامهٔ آگاهسازی» در سطح ملی برای جلب‌توجه اهالی کشور به مسئلهٔ نابرابری در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازماندهی شود. این برنامه در آغاز در جریان گردهمایی سراسری کمیتهٔ ملی فرهنگ و هنر برای کودکان، در میان مدیران اداره‌های فرهنگ تمام استان‌ها، مسئولان ادارات مرکزی مورد نظر و پدیدآورندگان (نویسندگان و تصویرگران) که از مناطق مختلف چین آمده‌اند، اجرا می‌شود. آنان عامل دگرگونی در سطح محلی خواهند بود. به علاوه پیش‌بینی شده که در تمام مناطق کشور، برای آموزش نویسندگانِ کتاب‌های کودکان، گردهمایی‌هایی برگزار گردد و از سازمان‌های توده‌ای (فدراسیون زنان چینی، کمیته ملی هماهنگی برای نوباوگی و مانند آن‌ها) نیز استفاده شود.

سرانجام وزارت فرهنگ نوعی فعالیت تشویقی را پیش‌بینی می‌کند که هدفش پاداش دادن به آثار ادبی برای کودکان براساسِ معیارِ نمایش برابر زنان و مردان در متن‌ها و تصویرهاست، زیرا باید «نویسندگان و تصویرگرانی را که اثری ارزشمند آفریده‌اند، در زمان مناسب، تشویق کرد و در برخورد به نارسایی‌ها نیز انتقادهای دقیقی به عمل آورد» [10:64].

بنابراین هدف اقدامات ضد تبعیض جنسی در چین عبارت است از انجام بهترین روش برای پیشگیری، همراه با فعالیت عمودی و سلسله مراتبیِ آگاهسازی و آموزش که از بالا (وزارت فرهنگ یا آموزش و پرورش) شروع می‌شود و به نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و

کتاب‌های کودکان می‌رسد، و این کار در تمام مناطق کشور صورت می‌پذیرد.

در پژوهشی که دربارهٔ اوکراین صورت گرفته، پیشنهاد شده است که «وزارت آموزش و پرورش جمهوری سوسیالیستی (سابق) اوکراین، «انجمن پژوهش فلسفی» در آکادمی علوم، «انجمن پژوهش تربیتی»، «انجمن پژوهش روان‌شناختی»، دانش‌سراهای تربیت معلم و دانشگاه‌های جمهوری اوکراین به ایجاد گروه ویژه‌ای بپردازند که هدف آن، تدوین رهنمودهای لازم برای حذف تصویرهای نادرست (نه فقط از دیدگاه برابری جنس‌ها، بلکه به طور عام‌تر از نظرگاه جمعیت‌شناختی، قومی و به ویژه زیبایی‌شناختی) است» [11:35]. این رهنمودها که براساس بررسیی تدوین خواهند شد که در چارچوب مجموعه بررسی‌های ملی پیشنهادی یونسکو، در اوکراین صورت گرفته است، باید در میان پدیدآورندگان آثار ادبی و کتاب‌های درسی و مدیران نشریات و مجموعه‌های خاص کودکان پخش شوند.

بنابراین، انستیتوی دولتی آموزش و پرورش، برای فعالیت مقامات تصمیم‌گیرنده در زمینهٔ آموزشی، در میان پدید آورندگان و ناشران کتاب‌های کودکان، اهمیت اساسی قائل است.

در پرو، باوجودی که تدوین و انتشار کتاب‌های درسی در اختیار بنگاه‌های خصوصی است، ارزیابی رسمی کتاب‌های درسی در سطح کشور از شرایط کاربرد آن‌ها در مؤسسات آموزشی است، زیرا وزارت آموزش و پرورش معتقد است که باید «مراقب بود که کتاب‌های درسی راهنماهای راستینی برای آموزش دانشجویان باشند» (بخشنامه‌های دولتی شمارهٔ 69-2114 و 69-215). «برای این کار، کمیسیون‌هایی به

وجود آمده و شرایط حداقلی که باید در کتاب‌های درسی رعایت گردند، معین شده‌اند» [41:21-22]. اما INIDE (انستیتوی ملی پژوهش و پیشرفت در عرصهٔ آموزش و پرورش)، سازمانِ دستگاه آموزشی دولت پرو، تا به امروز، برای موافقت یا مخالفت با فروش و کاربرد کتاب‌های درسی در مدارس، وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی را نادیده گرفته است، ولی این معیار باید در ردیف شرایطی جای گیرد که رعایت آن‌ها اساسی و الزامی است. به علاوه، نویسندگان پژوهش دربارهٔ پرو [21] توصیه می‌کنند که INIDE در میان نویسندگان و ناشران به فعالیت بپردازد تا آنان را به آگاه شدن از وجود کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در کتاب‌های درسی و به نگارش کتاب‌های جدید و تبعیض‌ستیز، تشویق کند.

بدین ترتیب فعالیت دوگانهٔ پیشگیری و نظارت، برای پیکار با تبعیض جنسی در مدرسه، در نظر گرفته شده است.

نویسندهٔ پژوهشی که دربارهٔ زامبیا صورت گرفته، معتقد است که نهادهای عمومی و دولتی باید به مسئلهٔ مهمی در مورد کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان انتقالی مشترک برای قوم‌های متفاوت توجه کنند، زیرا که کتاب‌های درسیِ انگلیسی زبان رایج در مدارس را معمولاً نویسندگانی خارجی نوشته‌اند که «چون به فرهنگ زامبیایی تعلق ندارند، فقط می‌توانند برداشت و توصیفی سطحی از هویت انسان زامبیایی ارائه دهند. آنان چه بسا در نمایش افراد دو جنس در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان دچار افراط شوند» [20:34]. برای رفع این نقص باید که «اتباع هر کشور ـ در این مورد، اتباع زامبیا ـ به نگارش متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان بپردازند. همانا اهالی زامبیا هستند که فرهنگ مردمشان را می‌شناسند و آن را در اعماق وجود خویش

احساس می‌کنند. اهالی زامبیا هستند که پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز زامبیایی‌ها را در حرف و نظریه و عمل و رفتار می‌شناسند و به راه‌های مبارزه با آن‌ها نیز آگاهی دارند» [20:34].

از سوی دیگر این نویسنده «توصیهٔ اکید می‌کند که کتاب‌های درسی را نویسندگان مرد وزن زامبیایی مشترکاً بنویسند تا جوانان و بزرگ‌سالان هردو جنس با دقت و انصاف توصیف شوند. بدیهی است که این نویسندگان باید به اهمیت برابری میان زنان و مردان باور ژرف داشته باشند [...]. در حال‌حاضر در زامبیا تعداد نویسندگان زن بسیار کمتر از مردان نویسنده است. اما در همین‌حال نیز باید برای مشارکت زنان در نگارش کتاب‌ها تلاش ورزید. ما توصیه می‌کنیم که زنان در کمیسیون‌های مسئول برنامه و موضوع امتحانات، در شورای امتحانات ـ نهاد مسئول تدوین برنامه‌های درسی در جمهوری زامبیا ـ عضویت داشته باشند» [20:34].

ضرورت افزایش نقش زنان در نگارش کتاب‌های درسی را نویسندگان پژوهش مربوط به نروژ نیز توصیه کرده‌اند: «ناشران باید هرچه بیشتر به نویسندگان و تصویرگران زن روی آورند» [12:105]. در بررسی مربوط به‌کویت نیز بر همین نکته پافشاری شده است [25].

در کشورهای صنعتی که اقتصاد بازار آزاد دارند، فعالیت میان ناشران و نویسندگانِ کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را بیش از همه جنبش‌ها یا انجمن‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان انجام می‌دهند که ارتقای وضعیت زنان و برابری آنان را با مردان دنبال می‌کنند.

در ایالات متحدهٔ آمریکا، فعالیت میان ناشران و نویسندگان با فعالیت میان نهادهای مسئول آموزش و پرورش در حکومت فدرال یا ایالت‌ها

همگام بوده است. گروه‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان در درون یا بیرون دانشگاه، در این‌جا و آن‌جا برای افشای بقای تصویرهای کلیشه‌ای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و برای پیشنهاد گزینه‌ای دیگر، به فعالیت پرداخته و گاهی از کمک اولیای دانش‌آموزان نیز برخوردار شده‌اند. حاصل این فعالیت چشمگیر بوده است. از جمله در سال ۱۹۷۳ انتشارات مک‌گرو ـ هیل راهنمایی برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی منتشر کرده است. دیگر ناشران کتاب‌های درسی در آمریکا نیز از اقدام مک‌گرو ـ هیل به نحوی گسترده پیروی کرده و راهنماهایی برای نگارش کتاب‌های تبعیض‌ستیز برای نویسندگان فرستاده‌اند. علاوه‌براین، ناشران به پیروی از مک‌گرو ـ هیل، تعداد بسیاری از طرفداران حقوق و آزادی زنان، از جمله برخی از اعضای سازمان ملی زنان (Now) را استخدام کرده‌اند. این افراد با آگاهی کامل مصمم بودند که برای انتشار کتاب‌های درسیِ تبعیض‌ستیز، به بنگاه‌های انتشاراتی خود یاری برسانند. فعالیت در میان ناشران عمدتاً عبارت بوده است از متقاعد کردن آنان به این که پافشاری در راه حفظ کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، منافع آنان را به خطر خواهد انداخت.

در فرانسه وزارت آموزش و پرورش اصل رایگان بودن کتاب‌های درسی برای تمام کلاس‌های دورهٔ دبستان و دورهٔ اوّل دبیرستان را مقرر کرده است. اما در حالی که شهرداری‌ها بودجه‌ای سالانه برای خرید کتاب‌های درسی دبستانی اختصاص می‌دهند، وزارت آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دورهٔ دبیرستان را خریداری می‌کند. چه بسا تصور شود که چون این وزارت‌خانه نهادی است که کتاب‌های درسی دبستانی و دبیرستانی را خریداری می‌کند، وزیر آن می‌تواند بر ناشرانی که

در حکم پیمانکار هستند، تأثیر بگذارد. اما در واقع ناشران هستند که تحت عنوان «آزادی آفرینش نویسندگان» محتوای کتاب‌های درسی را تعیین می‌کنند [42].

در فرانسه برای نخستین‌بار، «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» از ناشران خواستار شد که تمام شکل‌های تبعیض‌جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان حذف شوند. اولین ابتکار این انجمن آن بود که ترجمهٔ فرانسویِ راهنمای انتشارات مک‌گرو ـ هیل برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی را برای تمام ناشرانِ تهیه‌کنندهٔ کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان فرستاد. ناشران کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی (مانند انتشارات ناتان و مانیار) با الهام از این راهنما، مجموعه‌ای از رهنمودهای تبعیض‌ستیز را در اختیار تمام نویسندگان خود قرار داده‌اند.

باوجود این ابتکار، شاهد آنیم که ناشران فرانسوی کتاب‌های درسی چندان عجله‌ای ندارند که آثار قبلاً منتشر شده را براساس دیدگاهی تبعیض ستیز بازنویسی کنند. در واقع کتاب‌های تبعیض‌آمیز هرچه بیشتر تجدید چاپ شوند، هزینه‌های تولید کمتر و سود ناشران بیشتر خواهد بود. نمایندگان سوسیالیست فرانسوی نیز با آگاهی به همین امر، «طرح قانونی برای پیکار با تبعیض‌نژادی و جنسی در کتاب‌های درسی» را در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ پیشنهاد کردند.

در شرح انگیزه‌های پیشنهاد این لایحه آمده است: «نوعی تبعیض وجود دارد که نه فقط نویسندگان کتاب‌های درسی با آن پیکار یا از آن اجتناب نمی‌کنند، بلکه ویژگی تقریباً مشترک تمام آنان است: تبعیض میان جنس‌ها. این وضعیت در درجهٔ اوّل زادهٔ تنبلی و حسابگری بعضی

از ناشران است که کتاب‌هایی را که چاپ اولشان به ۳۰ سال پیش برمی‌گردد، بی‌هیچ تغییری تجدید چاپ می‌کنند و بدین‌ترتیب سودهای کلانی به جیب می‌زنند. هیچ تردیدی نیست که در زمان چاپ نخست این آثار، ایدئولوژی حاکم برداشت‌های بسیار ارزشباخته و تحقیرآمیزی را از زنان و دختران تحمیل می‌کرده و با اعتراض واقعی و مؤثری نیز روبه‌رو نبوده است. امروزه زنان این تصویرهای تحقیرآمیز را با نیروی فزاینده ردّ می‌کنند؛ اما ناشران بی‌توجه به این اعتراض‌ها کتاب‌های انباشته از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را تجدید چاپ می‌کنند. در کتاب‌های تازه نیز اشتباهات قدیمی حفظ می‌شود، تبلیغات و تلقینات نادرست و زیانبار از همان نخستین سال‌های مدرسه آغاز می‌شود.»

پیش از طرح پیشنهادی حزب سوسیالیست، نمایندگان جناح حزب کمونیست فرانسه در اوّل مارس ۱۹۷۹ طرحی را به مجلس سنا عرضه کرده بودند که در آن خواسته شده بود که «در وزارت آموزش و پرورش، کمیسیونی تشکیل شود که نمایندگان ناشران نیز در آن شرکت داشته باشند. هدف این کمیسیون آن است که رهنمودهایی تدوین کند تا تصویرهای زنان در کتاب‌های درسی دورهٔ دبستان با مضمون برابری میان زن و مرد همخوان باشند.»

در نروژ، فعالیت میان ناشران امروزه به وزارت کلیسا و آموزش و پرورش وابستگی دارد، هرچند در اصل، فمینیست‌های نروژی (مانند کاری اسکیونسبرگ) بودند که در این وزارت‌خانه به فعالیت پرداختند تا اهمیت زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را بشناسانند [43]. در پی این فعالیت‌ها، در این وزارت‌خانه نهادی برای بررسی کتاب‌های درسی از دیدگاه برابری میان جنس‌ها

تأسیس شد. این نهاد باید کاربرد کتاب‌های درسی را در مدارس تأیید کند و اگر معیار برابری جنس‌ها رعایت نشده باشد می‌تواند از ناشران خواهان انجام تغییراتی بشود. با این همه، نویسندگان بررسی مربوط به نروژ برای کارسازی هرچه بیشتر این نظامِ تأیید و اصلاح، تدبیرهایی را پیشنهاد کرده‌اند [12:104-105] : «تحکیم همکاری براساس معیارها و موازین آشکارا معین، از دیدگاه برابری جنس‌ها، میان مسئولان بررسی کتاب‌های درسی و شورای آموزش دبستانی و دورهٔ اوّل دبیرستان و نیز شورای آموزش دورهٔ دوم دبیرستان؛ سازماندهی مباحثات ادواری دربارهٔ مسائل اصولی در زمینهٔ کاربرد قواعد تأیید آثار، از دیدگاه برابری جنس‌ها، میان مسئولان بررسی کتاب‌های درسی، کارشناسان رشته‌های مختلف، ناشران و نمایندگان سازمان‌های زنان؛ کمک به ناشران برای درک این نکته که آنان باید ضرورت برابری جنس‌ها را از همان آغاز گزینش متن‌ها و تدوین کتاب‌های درسی، در نظر گیرند.»

این نویسندگان همچنین خاطرنشان می‌کنند که «نظام تأیید آثار، ابزاری کارساز برای اصلاح محتوای کتاب‌های درسی است و باید با الهام از معیارهای برابری جنس‌ها به حفظ و تقویت این نظام پرداخت» [12:104] .

وزیر آموزش و پرورش نروژ معتقد است که تأیید پیش از انتشار، با آزادی آفرینش نویسندگان و با آزادی آموزشی معلمان سازگار است.

اهمیت پژوهش‌ها

اگر بررسی و پژوهش دربارهٔ نقش زنان در تاریخِ گذشته یا معاصر اطلاعات لازم را برای نوشتن کتاب‌های درسیِ تبعیض‌ستیز در اختیار

ناشران و نویسندگان این کتاب‌ها قرار ندهد، فعالیت میان آنان، در رشته‌هایی مانند تاریخ، با شکست روبه‌رو خواهد شد. به همین سبب نویسندگان تحقیق دربارهٔ نروژ توصیه می‌کنند که پژوهش دربارهٔ زنانِ هنرمند، دربارهٔ وضعیت زندگی و دستاوردهای آنان برای تاریخ ادبیات، موسیقی، هنر، فلسفه، اندیشه‌ها، جامعه‌شناسی، حکومت، انسان‌شناسیِ اجتماعی، حقوق و اقتصاد، گسترش یابد. بنابراین کافی نیست که فقط در میان ناشران و نویسندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به فعالیت پرداخت؛ همزمان با آن باید ابزارهای پیشبرد تحقیقات دربارهٔ زنان در دانشگاه‌ها یا پژوهشگاه‌های بزرگ را در اختیار طرفداران حقوق و آزادی زنان قرار داد.

نویسندگان تحقیق مربوط به اوکراین [11] خواستار انجام پژوهش‌هایی هستند که هدفشان شناسایی علل بقای الگوهای کلیشه‌ای و کهنهٔ تاریخی و نیز شناخت شرایط ضروری برای خنثی‌سازی تأثیر این الگوها بر شکل‌گیری شخصیت کودکان است.

سرانجام، شورای اروپا [40] توصیه می‌کند که هرچه زودتر پژوهش‌هایی دربارهٔ فرایند دگرگونی در نگرش‌ها، رفتار و ساختارهای اجتماعی صورت گیرد.

بدین ترتیب بر اهمیت انجام پژوهش نه فقط در زمینهٔ تاریخ گذشته یاحال زنان بلکه دربارهٔ فرایندهای مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی، یا برعکس تسهیل این دگرگونی پافشاری شده است.

اقدامات لازم در میان شهرداری‌ها و اولیای شاگردان

بیشتر نویسندگانِ پژوهش‌های پیشگفته، بر ضرورت به هم پیوستن

اولیای شاگردان و مقامات صلاحیت‌دار محلی در پیکار با تبعیض جنسی در مدرسه تأکید می‌ورزند.

لیزدونیگان توصیه می‌کند که «پدران و مادران همراه با فرزندانشان، محتوای کتاب‌های درسی، کتاب‌های کودکان، برنامه‌های برگزیدهٔ آنان را بررسی کنند و دربارهٔ کلیشه‌هایی که ممکن است در آن‌ها یافت شود با فرزندانشان به بحث بپردازند. آنان بهتر است با هم متحد شوند و گروه‌هایی تشکیل دهند تا بتوانند ایرادهای احتمالی خود را به گوش مدیران مدارس، ناشران و رسانه‌های گروهی برسانند» [2:184].

در «راهنمای ابونصر» آمده است که برای جلب توجه مربیان، اولیا، دانشجویان، مدیران، ناشران، نویسندگان، تصویرگران و به طورکلی عموم مردم به مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، باید اقدامات زیر را انجام داد: «ایجاد کمیته‌هایی با شرکت اشخاص آگاه به مسائل تبعیض جنسی برای یاری به گزینش کتاب‌های درسی؛ برگزاری سمینارهایی دربارهٔ کتاب‌های درسی و مطالب آموزشی برای معلمان، اولیا، ناشران، نویسندگان، تصویرگران، و برای تمام دیگر افراد، سمینارهایی که طی آن‌ها دربارهٔ تبعیض جنسی بحث خواهد شد؛ انتشار نتایج ارزیابی این سمینارها در میان پدیدآورندگان کتاب‌های درسی و استفاده‌کنندگان از آن‌ها، [...] دادن رهنمودهایی به اولیا و معلمان در زمینهٔ چگونگی کاهش تأثیر مطالب آموزشی آلوده به پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز بر کودکان» [1:57-58].

نویسندگان پژوهش مربوط به پرو معتقدند که باید توجه اولیا را به تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی جلب کرد و گردهمایی‌هایی برای آنان برگزار کرد.

فعالیت‌های لازم، همان‌گونه که از تجربه‌های فرانسویان و آمریکاییان برمی‌آید، ممکن است از نهادهای رسمی یا ابتکارهای خصوصی سرچشمه گیرد.

در فرانسه شهرداری‌ها مسئولیت‌هایی در زمینهٔ آموزش و پرورش برعهده دارند، زیرا که باید هرسال، بخشی از بودجهٔ شهرداری را صرف خرید کتاب‌های درسی برای مدارس کنند. در نتیجه، این شهرداری‌ها می‌توانند بر محتوای این کتاب‌های درسی تا حدی نظارت داشته باشند. در این میان اگر بخواهیم که شهرداری‌ها در زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی شرکت ورزند باید توجهشان را به این مسئله جلب کرد. برای دستیابی به همین هدف است که «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» در سطح محلی، سمینارها و گردهمایی‌ها و نمایشگاه‌هایی را با شرکت اعضای شورای شهرداری که مسئول آموزش و پرورش در منطقه هستند، طرفداران حقوق و آزادی زنان و نیز نمایندگان اولیای دانش‌آموزان، اتحادیه‌ها و معلمان برگزار کرده است. وزارت حقوق زنان با ایجاد کمیسیون‌های پیکار با تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی از فعالیت‌های این انجمن پشتیبانی کرده است. وظیفهٔ این کمیسیون‌ها که گاهی استانی و گاهی شهری هستند، بازخوانی کتاب‌های درسی و دادن پیشنهادهایی به شهرداری‌هاست که برای خرید کتاب‌های درسی بودجه‌ای در اختیار دارند. هدف این پیشنهادها آن است که شهرداری‌ها کتاب‌های تبعیض‌ستیز را برگزینند. علاوه‌براین، وزارت حقوق زنان چندین «قرارداد ضد تبعیض جنسی» با شهرداری‌های فرانسه بسته است که در آن‌ها پیش‌بینی شده که یک کمیسیون شهری به بررسی محتوای کتاب‌های درسی می‌پردازد تا تبعیض جنسی را در آن‌ها آشکار و

برطرف سازد [44].

فعالیت در میان اولیای شاگردان نیز یکی از اهداف «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» است. در واقع هرچند اولیا کتاب‌های درسی فرزندانشان را نمی‌خرند ـ آن‌ها رایگان هستند ـ در چارچوب انجمن‌های اولیایِ شاگردان از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. در طرح پیشنهادی حزب سوسیالیست که در ژوئن ۱۹۸۰ ارائه شد، با هدف بهره‌مندیِ اولیای دانش‌آموزان از حق بررسی محتوای کتاب‌های درسی بود که در مادهٔ ۱ این حق به اولیای دانش‌آموزان داده شده است: «می‌توان به ابتکار مدیر یا یکی از اعضای انجمن اولیا، این انجمن را به نظر دادن دربارهٔ کتاب‌های درسی رایج در مدارس فراخواند. انجمن در صورت مشاهدهٔ برخورد تبعیض‌آمیز به گروه‌ها، براساس نژاد، جنسیت یا عقاید سیاسی، اجتماعی یا دینی آن‌ها، در کتاب‌های درسی، می‌تواند کاربرد این کتاب‌ها را منع کند. پانزده روز پیش از جلسهٔ تصمیم‌گیری، مدیر مدرسه کتاب‌های مورد نظر را برای مشورت‌خواهی در اختیار اولیا و معلمانی قرار می‌دهد که خواستار بررسی آن‌ها هستند. به تقاضای آنان یک جلسهٔ مشورتی نیز ممکن است برگزار شود.»

هرچند این طرح قانونی در مجلس به بحث گذارده نشد، وزیر آموزش و پرورش بخشنامه‌ای را برای مدیران مدارس فرستاد که در آن توصیه شده است که مدیران به تبلیغ اندیشه‌های مربوط به برابری جنس‌ها در میان اولیای دانش‌آموزان، اهمیت بسیاری بدهند.

روی سخن برنامهٔ «زایش آزاد» برای آگاهسازی و تشویق پیکار با مهم‌ترین کلیشه‌های تبعیض جنسی در مدارس و در کتاب‌های درسی، با معلمان و اولیای دانش‌آموزان است. به همین سبب اولیا به همان

جلسه‌های آموزشی (که در فصل پیش بدان اشاره شد) دعوت شده‌اند که معلمانِ فرزندان آنان نیز در آن‌ها حضور دارند. نقطهٔ شروع این برنامه، رفتارهای آموزشی و تربیتی اولیا با فرزندانشان است: بی‌توجهی به آگاه ساختن فرزندان از قوانین مساوات‌جویانه و نیز از حقوق کودکان؛ اعتماد بیش از حد آنان به مدرسه، در عوضِ به پرسش کشیدن رفتار و کردارهای خاص خود؛ عادت آنان به ملاقات فردی با معلمان، در عوض جمع شدن با دیگر اولیا در انجمن‌های اولیا و آموزگاران در چارچوب ساختارهای جدید. بنابراین هدف اجلاس‌هایی که اولیا به آن‌ها دعوت می‌شوند باید این باشد که در موارد زیر به آنان یاری رساند: به دست آوردن درک و آگاهی ژرف‌تر از تبعیض جنسی در مدرسه و در جامعه و کسب توانایی برای کمک به فرایند دگرگونی اندیشه‌ها و عادات تبعیض‌آمیز؛ آگاهی‌یابی از پیام‌هایی که فرزندانشان در مدرسه، در کتاب‌های درسی، در روابطشان با معلمان، در اطلاعات از مشاغل مختلف و در قوانین مدرسه دریافت می‌کنند. آگاه شدن به این که تقسیم کار در مدرسه ممکن است ناقل کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باشد؛ گسترش نظام‌های جدید تقسیم نقش‌ها و تعیین نقش‌هایی که اجتناب از کلیشه‌های جنسی را در وظایف خانگی، ممکن می‌سازند؛ پافشاری براین که مدرسه فقط و فقط کتاب‌های درسی و مطالب آموزشی تبعیض‌ستیز را به کار برد.

برنامهٔ «زایش آزاد» براین فرضیه استوار است که تلاش در راه آگاهسازی و آموزش اولیا برای شناسایی و طرد تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، از کسب آگاهی آنان از رفتار تبعیض‌آمیز خودشان با فرزندانشان جدایی‌ناپذیر است. همین کار از معلمان نیز خواسته شده است. اصل پایه‌ای این روش آن است که اگر نخستین اشخاصی که

www.KetabFarsi.com

کودکان دختر و پسر با آنان رابطه دارند ـ اولیا و معلمان ـ با رفتار و برخوردهای خود کودکان را در قفس نقش‌های سنتی که برمبنای جنس تعیین شده‌اند، محبوس سازند، زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی به هیچ وجه آزادی دختران و پسران را تأمین نمی‌سازد و امکان شکوفایی همه جانبهٔ استعدادهای آنان را (با گزینش نقش‌های متنوع و غیر کلیشه‌ای) فراهم نمی‌آورد.

اقدامات لازم در رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها

فعالیت لازم برای زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی باید با فعالیت در رسانه‌های گروهی همراه باشد[1]. نویسندگان بسیاری بر اهمیت این فعالیت در کشورهای در حال توسعه تأکید ورزیده‌اند. از جمله، سارو جینی بیزاریا [5] معتقد است که رسانه‌ها در آموزش بی‌سوادان و نوسوادان، نقشی تعیین‌کننده دارند. در واقع اگر ابزارهای دیداری ـ شنیداری ناقل پیام‌های تبعیض‌آمیز باشند، کارهای انجام شده در مورد کتاب‌ها و برنامه‌های درسی به سرعت بی‌نتیجه می‌شود. بنابراین باید تمام فعالیت‌ها برای زدودن تبعیض جنسی از برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، کتاب‌های کودکان و رسانه‌ها را همزمان به پیش برد. رسانه‌های تبعیض‌ستیز می‌توانند نوعی خرده نظام آموزشی باشند و در پرتو استفاده از اسلایدها، فیلم‌های آموزشی، نوارهای کاست و مانند آن‌ها به غنای آموزش یاری رسانند.

در اسپانیا نیز به گفتهٔ نمایندهٔ وزارت آموزش و پرورش در مجمع

---

۱. منظور از «رسانه‌های گروهی» پیام‌هایی است که رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، داستان‌های مصور، نوارها و مانند آن‌ها عرضه می‌کنند.

www.KetabFarsi.com

هونفوس دربارهٔ تبعیض جنسی در مدرسه: «نه معلمان، نه مدرسه، نه شاگردان، جزیره‌ای در جامعه نیستند و جامعه نیز انباشته از کلیشه‌هاست. این واقعیت در تلویزیون، در تبلیغات و دیگر رسانه‌ها که هر روزه به روشنی‌بین نقش‌های زنانه و مردانه فرق می‌گذارند، بازتاب می‌یابد. در تمام رسانه‌ها مردان در نقش‌های فعال رهبری و پر مسئولیت ترسیم می‌شوند، اما زنان نقش‌های منفعل، فرعی و زیردست دارند [...]. زنان مصرف‌کننده و سبک‌سر و سطحی و بی‌دفاع و وابسته هستند ـ یک شیء جنسی.» [45:100].

در بررسی مربوط به اوکراین نیز بر ضرورت تأثیرگذاری همزمان بر رسانه‌های گروهی و عموم مردم و نیز خانواده‌ها و آموزگاران تأکید شده است: «گروه پژوهشی اوکراینی معتقد است که می‌توان تجربهٔ اجتماعی ـ آموزشیِ سازنده‌ای را دربارهٔ مسئله تبعیض‌جنسی (در گروه‌های سنی مختلف) سازماندهی کرد، تجربه‌ای که امکان تدوین رهنمودهایی را برای مدارس، خانواده‌ها، رسانه‌ها و عموم مردم، در زمینهٔ راه‌های پیکار با کلیشه‌های منفی فراهم می‌آورد.» [11:37].

بررسی مربوط به چین، بسیج سازمان‌های زنان و کمیته‌های دفاع از کودکان را پیشنهاد می‌کند، «با این هدف که هریک از این سازمان‌ها، در عرصهٔ خاص خود توجه افکار عمومی را جلب کند و به جست و جوی ابزارهای تشویق همه جانبهٔ برابری میان زنان و مردان در مجموع جامعه برآید، از اهمیت این اقدام برای اصلاح محیط اجتماعی، هموار سازی راه پیشرفت هماهنگ نسل نو و کمک مستقیم به ۳۰۰ میلیون کودک، و از رهگذر آنان به تمامی جامعه، آگاهی بیابد.» [10:66].

در پژوهش مربوط به پرو [21] نیز بر ضرورت برخورد به تبعیضات

جنسی در وسایل ارتباطی به‌طورکلی و شناساندن تحقیقات مربوط به این موضوع، همزمان با معرفی راه‌حل‌های لازم، تأکید شده است. و سرانجام در برنامهٔ «زایش آزاد» آمده است که اگرچه طی سال‌های ۷۰، فعالیت علیه تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی عمدتاً معلمان و اولیای شاگردان را دربر می‌گرفت، پیکار با تبعیض جنسی امروزه به ویژه در پرتو فعالیت‌های نهادهای کشوری و سازمان‌های جمعی، عموم مردم را دربر می‌گیرد. این تحولی مشترک در ایالات متحدهٔ آمریکا و جوامع اروپایی است [35]: «دفتر زنانِ ادارهٔ کار» در ایالات متحدهٔ آمریکا و در کانادا، «انجمن آمریکاییِ زنانِ دانشگاهی»، «اتحادیهٔ دختران»، «اتحادیهٔ مربیان زن» و دیگر سازمان‌ها برای آگاه ساختن مردم از محدودیت‌های پیشرفت زنان در پی نابرابری‌های جنسی، به اقدامات فراگیر ملی دست زده‌اند، نهادهای مختلف سیاست‌های جدیدی برای ایجاد دگرگونی تدوین کرده‌اند، مانند برنامه‌های فعالیت مثبت (در نروژ، ایالات متحدهٔ آمریکا، کانادا) و فعالیت‌های مبتنی بر برابری امکانات دو جنس... بین گروه‌های مختلف ـ مانند مراکز زنان، بخش‌های ویژهٔ اتحادیه‌های معلمان، سازمان‌های دینیِ فعال در راه برابری میان مردان و زنان در کلیسا ـ ملاقات‌هایی صورت گرفته که انجام اقداماتی را برای کاهش تبعیض جنسی و کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در تلویزیون و نیز در کتاب‌های درسی، تصویرهای کتاب‌ها، اسباب‌بازی‌ها و رسانه‌ها ممکن ساخته‌اند.

در فرانسه، زنان روزنامه‌نگار توجه عموم مردم را به تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی جلب کرده‌اند. انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز معتقد است که تأثیرگذاری بر مطبوعات بسیار مهم است، زیرا که مطبوعات یکی از بهترین راه‌ها برای دستیابی به معلمان و آگاه ساختن

آنان از مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی است. دیگر مجامع نیز مانند سازمان حقوق بشر، اتحادیهٔ زنان فرانسوی، اتحادیه اولیای دانش‌آموزان، اتحادیه‌های معلمان یا کارگران، مجامع زنانه یا خانوادگی در میان اعضای خود به فعالیت پرداخته‌اند تا توجه آنان را به تبعیض جنسی جلب کنند.

اقدامات لازم در میان کارفرمایان

فعالیت در میان کارفرمایان در زمینهٔ پیکار با تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ممکن است رهنمودی بسیار عجیب جلوه کند. با این همه یکی از دلایل این که دختران غالباً تمایلی به شغل‌های غیرسنتی ندارند و اولیا و مربیان نیز گزینش دیگری را تشویق نمی‌کنند، آن است که کارفرمایان چندان علاقه‌ای به استخدام زنان در حرفه‌های غیرسنتی ندارند و این بی‌علاقگی مبتنی است بر کلیشه‌های تبعیض‌آمیزی که آنان همراه با تمام دیگر افراد جامعه آن‌ها را پذیرفته‌اند. تا هر زمان که کارفرمایان برخوردی تبعیض‌آمیز داشته باشند، تصویر حرفه‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان نیز به افراد هردو جنس تحمیل خواهد شد، اعم از این که آنان آموزگار، دانش‌آموز، پدر یا مادرِ شاگردان، عضو شهرداری یا یک انجمن، ناشر، نویسنده یا کارگر بالقوه باشند. در واقع فقدان زنان در تمام حرفه‌هایِ به اصطلاح مردانه و فقدان مردان در حرفه‌های موسوم به زنانه، کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را در تمام اذهان، حتی در ذهن نویسندگان و ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تقویت می‌کند. بدین‌ترتیب سدّهایی که کارفرمایان در برابر تعویض‌پذیری مشاغل میان دو جنس قرار می‌دهند، متقابلاً به تقویت

کلیشه‌های تبعیض‌آمیز می‌انجامد. بنابراین فعالیت در میان کارفرمایان نیز اهمیت دارد، زیرا یکی از هدف‌های ما ا ن است که هر فردی بتواند مستقل از جنس خود، توانایی‌هایش را در عرصهٔ کار شکوفا سازد.

از سوئد معمولاً به عنوان کشور نمونه برای اجرای برنامه‌های فعالیت‌های مثبت در راه درهم شکستن این تثبیت نقش‌های مردانه و زنانه در مشاغل کلیشه‌ای یاد می‌کنند. کمیتهٔ رهنمود برای برابری میان زنان و مردان در دفتر نخست‌وزیری، طرح سه اصلاح را پیشنهاد کرده که به تصویب دولت رسیده است: «صد کارمند متخصص در مشکلات زنان برای پیدا کردن کار، در دفترهای محلی ادارهٔ کاریابی به کار می‌پردازند؛ کارفرمایانی که زنان یا مردان را برای مشاغل غیرسنتی آموزش دهند و استخدام کنند، می‌توانند خواستار کمک مالیِ موسوم به «سوبسید برای برابری» بشوند؛ مؤسساتی که خواستار بهره‌مندی از کمک دولت برای توسعهٔ منطقه‌ای (تعیین جای تازه برای کارخانه و مانند آن) هستند باید زنان و مردان را همزمان استخدام کنند. دست کم ۴۰٪ از مشاغلی را که مؤسسه تازه ایجاد کرده است باید به طور مساوی به زنان و مردان اختصاص یابد.» [40:21].

در فرانسه، سازمان دولتی کارهای زنان چندین مرکز آموزشی نمونه [47] و مختص زنان را ایجاد کرده است که در آن‌ها زنان برای حرفه‌های موسوم به غیرزنانه مانند ذوب فلزات و جوشکاری آموزش می‌بینند و طی ماه‌های آموزش نیز معادل دستمزد حداقل کارگران، حقوق می‌گیرند. سپس وزیر حقوق زنان تعداد دوره‌های کارآموزی نمونه را که زنان را برای بسیاری از حرفه‌های غیرسنتی (باغبانی، کامپیوتر، دفترداری، جوشکاری، تعمیرکار اتومبیل و برق و مانند آن‌ها) آموزش

می‌دهند، تا صد دوره افزایش داده است. در این دوره‌ها که بین ۹ تا ۱۲ ماه طول می‌کشند، معادل مزد حداقل، حقوق داده می‌شود و تمام زنانی که آن‌ها را گذرانده‌اند، در تخصص جدید خودکاری پیدا کرده‌اند.

برنامه‌های فعالیت‌های مثبت، همراه با تشویق مالی، همانند برنامه‌های پیشگفته نشان می‌دهند که درهم شکستن منطق سنتی که آموزش و اجرای حرفه‌های به اصطلاح مناسب را به جنس افراد نسبت می‌دهد، امکان‌پذیر است.

ارزیابی تأثیر اقدامات برضد تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی

از مطالب پیش آشکار می‌شود که کشورهای مختلفی که به بررسی این مسئله پرداخته‌اند، تا چه حد از ضرورت این امر آگاهند که باید به بسیاری از دیگر عوامل اجتماعی ـ غیر از کارکنان آموزشی و ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ـ در زمینهٔ ستیز با تبعیض جنسی، آموزش و آگاهی بدهند. اما هرچند گفته‌ها و مقاصد، آشکار و مشخص است، در گزارش‌های بسیار اندکی، اطلاعات دقیق دربارهٔ نتایج اعمال انجام شده آمده است.

در مورد کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، باید پذیرفت که آرمان‌های برابری جنس‌ها که در قانون اساسی آن‌ها آمده به ارزش بخشی به زنان در متن‌ها و تصویرهای کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی انجامیده است.

در کشورهایی که اقتصاد بازار آزاد دارند، در پی اقداماتِ انجام شده، نتایج مثبتی به دست آمده است. از جمله در چندین پژوهش دربارهٔ

ایالات متحدهٔ آمریکا خاطرنشان شده که در پرتو فعالیت اولیا و آموزگارانی که ناشران را به زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی متقاعد کرده‌اند، نتایج مثبتی به دست آمده است. ناشرانی مانند مک‌گرو ـ هیل و سازمان‌های ملی مانند «شورای ملی معلمان انگلیسی» معیارهای خاصی برای برخورد برابر به دو جنس تدوین کرده‌اند. دگرگونی‌هایی که در تحقیق کپنر و کوهن [48] به آن‌ها اشاره شده است، تعادل بهتری را میان تعداد زنان و مردان در داستان‌ها و نیز در میان قهرمانان زن و مرد دربر می‌گیرد.

علاوه براین، مادران در نقش‌های فعال‌تر ترسیم شده‌اند و پدرانی نیز هستند که به آشپزی می‌پردازند. به‌طورکلی زبان تبعیض‌آمیز کنار گذاشته شده و زبانی با تبعیض‌آلودگی کمتر و فراگیری بیشتر جایگزین آن گشته است. برای در نظر گرفتن منافع و اهمیت دختران و زنان، در مثال‌های کتاب‌های علوم و ریاضیات بازبینی شده است. اجرای برنامهٔ «زایش آزاد» به دست نهادهای مربوط، با نتایج مثبتی همراه بوده است: در واقع پژوهش‌های انجام شده به روشنی نشان داده‌اند که مطالب آموزشی که به پیکار با تبعیض جنسی اختصاص یافته‌اند به آموزگاران یاری رسانده‌اند تا درفعالیت‌های خود به‌نفع برابری جنس‌ها، کارآیی بیشتری به‌دست‌آورند.

ارزیابی‌های پی در پیِ تأثیر جلسه‌های آموزشی برای اولیا و مربیان نیز نشان داده که دگرگونی‌هایِ چندی، بی‌درنگ یا در عرض یک سال روی داده‌اند.

اما به مقاومت‌های عناصر محافظه کارتر در جامعهٔ آمریکایی نیز اشاره شده است: «فرایند زدودن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی عمدتاً بدان سبب کُند بوده است که طرح راهنماهایی برای نگارش کتاب‌های درسی

تبعیض‌ستیز بایستی تدوین و اجرا شود و نیز بدان سبب که نوعی فرایند قطب‌بندی ایجاد شد که در جریان آن مردان و زنان محافظه‌کاری که با تهدیدِ دگرگونی‌هایِ پیشنهادی روبه‌رو شده بودند، دربارهٔ پیام‌های جدید نقش‌های مردان و زنان که در نظر آنان، تحمیلی و آشفته و نامطلوب بود، به اعتراض برخاستند.» [30:119].

در دیگر ارزیابی‌هایی که در ایالات متحدهٔ آمریکا صورت گرفته، نشان داده شده که تأثیر تصویرها و متن‌های تبعیض‌ستیز بر نگرش و رفتار کودکان در مواردی تضعیف و در مواردی دیگر تقویت شده است. به نظر سافیلیوس ـ روتچلید [30:121-122]، حتی وقتی که برخورد پدران و مادران از فعالیت تبعیض‌ستیز در مدرسه میان دانش‌آموزان پشتیبانی نمی‌کند، صرف معرفی متن‌ها یا تصویرهای تبعیض‌ستیز به دانش‌آموزان تأثیراتی فوری در پی دارد. اما هنگامی که کودکان در مدرسه با الگوهای تبعیض‌ستیز رو به رو می‌شوند، از آن‌جا که هیچ مدرسه‌ای وجود ندارد که کتاب‌های درسیش به کلی عاری از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باشد، الگوهای تبعیض‌ستیز تقویت نمی‌شوند. وانگهی، تبعیض‌ستیزی بسیاری از کتاب‌های درسی به تقسیم برابر اشخاص مذکر و مؤنث خلاصه می‌شود.

این نتایج را باید با ملاحظاتِ خلاصه شدهٔ زیر در راهنمای هانسن [35] تکمیل کرد: «می‌توان به بچه‌ها در مهد کودک یاد داد که سرگرمی‌های تبعیض‌ستیز داشته باشند. رفتارهای مربوط به نقش‌های جنس‌ها را در کودکان در هر سنی به دشواری می‌توان تغییر داد. آنان در مورد خودشان تبعیض‌آمیز برخورد نمی‌کنند بلکه در مورد همبازی‌های همجنس خود تمایلات تبعیض‌آمیز دارند. در مورد همبازی‌های جنس مخالف این تمایلات بسیار بیشتر است. دختران می‌کوشند شیوه‌های

زندگی بیافرینند که خانه و شغل را به هم پیوند دهد. پسران به تحقیر یا سرکوب ارزش‌های تبعیض‌ستیز گرایش دارند. نقشِ اختصاص یافته به پسرها را بچه‌ها استوارتر از نقشِ اختصاص یافته به دختران و زنان می‌دانند. نقش دختران و زنان در نظر آنان سست‌تر از نقش پسران و مردان جلوه می‌کند. اقدام ضعیف برضد تبعیض جنسی خطرناک است یا ممکن است خطرناک باشد، اما موضع‌گیری محکم و استوار می‌تواند تأثیری بسیار سودمند داشته باشد».

سرانجام یکی از راهبردها باید آن باشد که کلیشه‌های سنتی مردانه را در کتاب‌های درسی، بسیار بیش از آن‌چه اکنون عملی می‌شود، تغییر داد، زیرا آن‌ها پسران را وا می‌دارند که خود را جنس برتر بشمارند.

نویسندگان پژوهش مربوط به نروژ [12] معتقدند که نظام تأیید آثار که در وزارت کلیسا و آموزش و پرورش در مورد کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان رایج است باید کارسازتر شود، زیرا هنوز در این آثار، متن‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز بسیاری وجود دارد.

در فرانسه، «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» معتقد است که نتایج اندکی در مورد کتاب‌های درسی به دست آمده است. عده‌ای این نارسایی را به بودجه‌های ناچیزی که شهرداری‌ها به خرید کتاب‌های درسی دورهٔ دبستان اختصاص داده‌اند، نسبت می‌دهند. با این همه نمایندگی منطقهٔ لیل دو ـ فرانس در امور زنان موفقیت‌هایی به دست آورده است [49].

فهرست اقداماتی که تاکنون در راه زدودن تبعیض جنسی میان ناشران و نویسندگان کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، پدران و مادران، شهرداری‌ها، رسانه‌های گروهی، افکار عمومی، انجمن‌ها و کارفرمایان

انجام شده، تشخیص انواع گوناگون راهبردها را برای رسیدن به هدف موردنظر امکان‌پذیر می‌سازد. جلسه‌های آموزشی، دوره‌های آموزشی، سمینارها، اجلاس‌ها، سخنرانی‌های روزنامه‌نگاران در رادیو، مقاله‌های مطبوعات، برنامه‌های تلویزیونی ممکن است پویایی فعالیت جمعی در بیرون از نظام آموزشی را برانگیزند و مرحلهٔ نخست این کار، جلب توجه افکار عمومی است. اما همچنین باید که عوامل پیشبرد این فعالیت جمعی در وهلهٔ اوّل از وجود تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و نیز از پیامدهای زیانبار این پدیده برای پیشرفت کودکان آگاهی یابند.

اشاره به این تبدیل علت و معلول در فعالیت بر ضد تبعیض جنسی در حکم گفتن آن است که تعیین دقیق ارجحیت میان کسانی که باید هدف آگاهسازی باشند، بیهوده است. فعالیت‌های لازم باید مجموعهٔ پیکر جامعه را دربرگیرند، درست مثل جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان که نخستین افرادی بودند که به وجود تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان آگاهی یافتند و به همه نوع تلاش میان عوامل نظام درسی یا افراد بیرون از این نظام دست زدند. برای تقویت هرچه بیشتر عدالت و برابری میان جنس‌ها هیچ اقدامی را نباید تحقیر کرد. همچنین می‌توان اندیشید که فعالیت در راه پیشگیری از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، آسان‌تر و کارسازتر از فعالیت برای از میان برداشتن پیامدهای زیانبار تبعیض جنسی در نگرش‌ها و اعمال کودکان، اولیا، آموزگاران و تمامی جامعه است. پیشگیری از نظر انسانی و مالی همیشه کم هزینه‌تر از درمان است. از این دیدگاه باید یادآوری کرد که یونسکو تاکنون با انتشار پژوهشی که به درخواست

خود این سازمان دربارهٔ تبعیض جنسی در معرفی زنان در رسانه‌ها صورت گرفته [9] توجه همگان را به خطر این پیام‌های تبعیض‌آمیز جلب کرده است. در واقع اگر در متن‌ها و تصویرهایِ رسانه‌ها از تبعیض جنسی پیشگیری نشود، آیا می‌توان پیشگیری از آن را در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تصور کرد؟

www.KetabFarsi.com

نتیجه‌گیری

در پژوهش‌هایی که به درخواست یونسکو صورت گرفته و مبنای این اثر بوده‌اند، نشان داده شده که در تمام کشورها و به درجات متفاوت، کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی وجود دارد. نویسندگان این پژوهش‌ها ضرورتِ شروع یا دنبال کردن اقدامی پیگیر را برای زدودن کلیشه‌های تبعیض‌آمیز خاطرنشان کرده‌اند، کلیشه‌هایی که به دلیل تأثیر منفی بر کودکان دو جنس، اوضاعی نابرابر برای شکوفایی آنان در محیط خانوادگی، اجتماعی و شغلی ایجاد می‌کنند. در چشم‌انداز همین اقدام پیگیر است که وزیران آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان اعلام کرده‌اند که خواستار آنند تا یک راهنمای تحلیل برای شناسایی کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، و راهنمایی برای یاری به نویسندگان و تصویرگران و ناشران در آفرینش آثار تبعیض‌ستیز در اختیار داشته باشند. راهنمای اولی برای شناسایی، و در نتیجه افشای کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، در عین تشویق نوعی کسب آگاهیِ جمعی؛ راهنمای دومی برای تشویق آفرینش آثار تبعیض‌ستیز و در عین حال، گسترش روحیهٔ برابری و احترام متقابل میان زنان و مردان.

کتاب حاضر با نقل برخی از تجربه‌های بسیار مفیدی که تاکنون انجام گرفته‌اند و با عرضهٔ مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که می‌توانند به حل مسئله پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز یاری برسانند، تلاش کرده است که پاسخگوی این خواست باشد.

هرچند تمام عاملان درگیر در این تلاش خود را به شرکت در پیکار با کلیشه‌های تبعیض‌آمیز موظف می‌دانند، باید تنوع نظام‌های حکومتی را در نظر داشت. در نتیجه با وجودی که هدف اصلی در همه‌جا یکسان

است،اقدام لازم در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد و در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، متفاوت خواهد بود. در کشورهای نوع اوّل، بخش خصوصی نقشی بسیار مهم در تهیه و تولید کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی دارد و در کشورهای نوع دوم، تصمیم‌گیری در این زمینه را نهادهای حاکم انجام می‌دهند و بنگاه‌های انتشاراتی زیر نظارت دولت قرار دارند.

در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد، بر فعالیت‌های آموزشی، توضیحی و اقناعی در میان عوامل اجتماعی مختلف (اولیا، آموزگاران، نویسندگان، تصویرگران، ناشران و دیگران) پافشاری می‌شود. همان‌گونه که در برنامهٔ «زایش آزاد» خاطرنشان شده است، باید هر فردی آگاهی یابد که خود می‌تواند عاملی برای دگرگونی باشد. در وهلهٔ نخست او باید دریابد که خودش می‌تواند، چه بسا ناخودآگاهانه، با رفتار خویش تمام انواع پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز را منتقل سازد. در نتیجه هر فردی پیش از متقاعد کردن دیگران به ضرورت محو کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، باید در وهلهٔ نخست کنار گذاشتن پیشداوری‌ها و اعمال تبعیض‌آمیز را از خودش آغاز کند و سپس به تقویت ارزش‌ها و شیوه‌های عمل جدید و نوآورانه در محیط‌های خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای بپردازد. همچنین به نظر ما باید از جنبش‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان که در کشورهای دارای اقتصاد بازار آزاد به صورت یک نیروی جدید سیاسی نمودار می‌شوند که قادر به دگرگونی قاطع ساختار اجتماعی هستند، پشتیبانی کرد. مقامات دولتی نیز می‌توانند شرکتی فعال در این دگرگونی داشته باشند و برای زدودن تمام مقررات تبعیض‌آمیزِ استوار برجنس و نیز برای تشویق فعالیت‌های اثباتی به‌نفع برابری، به‌تجدیدنظر در قوانین بپردازند.

در کشورهای دارای اقتصاد برنامه‌ریزی شده، اگر دولت بخواهد به حل مسئلهٔ پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز بپردازد، می‌تواند مستقیماً وارد عمل شود، زیراکه بنگاه‌های انتشاراتی و مراکز پخش و فروش کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی را در اختیار خود دارد. البته پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفته، اما هنوز بقایای فراوانی از گذشته باقی مانده است. به همین سبب بررسی‌های مربوط به چین و اوکراین نشان می‌دهند که مقامات ملی این کشورها اهمیت بسیاری به پیشگیری می‌دهند و رهنمودهایی را برای نویسندگان و تصویرگران و ناشران تهیه می‌کنند.

در نهایت بهتر آن است که فعالیت‌های برنامه‌ریزی شدهٔ مقامات دولتی با ابتکارات متعدد خصوصی و نامتمرکز، افراد یا انجمن‌های گوناگون، همزیستی داشته باشند. در این صورت مشخص می‌شود که مجموعهٔ پیکر اجتماعی به مشکل تبعیض جنسی توجه دارد و برای رفع آن تلاش می‌کند. به عنوان مثال در نروژ، فعالیت پیگر و کارساز طرفداران حقوق و آزادی زنان که از سال ۱۹۷۰ شروع شده با نظام تأییدی که حکومت نروژ ایجاد کرده است همزیستی دارد. این نظام، اشخاص صاحب‌نظرِ برگزیدهٔ وزارت کلیسا و آموزش و پرورش را مجاز می‌سازد که از تأییدِ کاربرد کتاب‌های درسی تبعیض‌آمیز خودداری ورزند. این اشخاص می‌توانند از نویسندگان این کتاب‌ها بخواهند که متن‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز را پیش از پخش این کتاب‌ها در مدارس حذف کنند. این نظام نه با «آزادی آفرینش» نویسندگان کتاب‌های درسی ناسازگار محسوب شده است و نه با «آزادی آموزشی» معلمان. بنابراین جامعهٔ سیاسی و جامعهٔ مدنی باید به هدف مشترکِ حفظ «حقوق انسان‌ها» که دفاع از حیثیت دختران و زنان بخش جدایی‌ناپذیر آن است،

یاری برسانند. اگر این آزادی‌ها فقط به صورت قدرت سلطه‌گران در تداوم سلطهٔ خود بر سلطه‌پذیران در نظر گرفته شود، دفاع از آن‌ها ناممکن خواهد بود.

در واقع تقریباً در تمام جوامع معاصر، هنوز مردان قدرت و سلطهٔ خود را بر زنان ـ اگر نه همچنان در خانواده ـ دست‌کم در اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ اعمال می‌کنند. همچنین نشان داده شده است که هرچند طی نخستین مرحله، پیشداوری‌ها پیامد سلطهٔ یک گروه انسانی بر گروهی دیگر هستند و توجیه آن را ممکن می‌سازند، در مقابل، طی دومین مرحله، پیشداوری‌ها با تحکیم اعمال تبعیض‌آمیز و وضعیت‌های سلطه‌گرانه به حفظ و بازتولید آن‌ها می‌پردازند. در نتیجه می‌توان گفت که وقتی جنس مسلط به آزادی تولید و پخش نوشته‌ها و تصویرهای تبعیض‌آمیز توسل می‌جوید، آگاهانه یا ناآگاهانه بازتولید وضعیتی را پی می‌گیرد که برتری او را بر جنس دیگر تأمین می‌کند.

در عرصهٔ پیشداوری‌هایِ نژادی، دولت‌هایی که خواستار محو این پیشداوری‌ها بوده‌اند، حضور آن‌ها را در متن‌ها و تصویرها ممنوع ساخته‌اند. چرا در عرصهٔ پیشداوری‌هایِ جنسی نیز به همین اقدام دست زده نشود؟! اگر در جوامعی که نابودی تبعیض نژادی را دنبال می‌کنند، ممنوعیت پیشداوری‌های تبعیض نژادی در نوشته‌ها و تصویرها با آزادی بیان نویسندگان سازگار محسوب شده است، چرا نباید در جوامعی که به اعطای حیثیت برابر به دو جنس و به حذف فرودستی و سلطه‌پذیری دختران و زنان متقاعد شده‌اند نیز ممنوعیت پیشداوری‌های تبعیض‌جنسی در متن‌ها و تصویرها با آزادی بیان نویسندگان سازگار محسوب شود؟ بنابراین باید اشخاصی که در جامعهٔ سیاسی یا جامعهٔ مدنی بیشترین آگاهی

را از پیامدهای منفی تبعیض جنسی دارند، در این باره به ژرف‌اندیشی بپردازند و بیانیه‌های خود را به نفع برابری جنس‌ها با تدابیر شایسته برای دستیابی به اهداف ضد تبعیض جنسی همراه سازند. کارساز بودن این تدابیر در گرو آن است که تنوع گستردهٔ فرهنگ‌ها و نهادها و جوامع در نظر گرفته شود.

تاختن به حفظ این کلیشه‌ها در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، نه فقط برای کودکان، بلکه برای بزرگ‌سالانی که این کتاب‌ها را می‌نویسند، منتشر می‌سازند یا به کار می‌برند نیز ارزشی آموزشی و تربیتی دارد. اما در وهلهٔ اوّل جامعه باید توجهی خاص به کودکان ـ بزرگ‌سالان فردا ـ ابراز کند. در واقع، تماس با معلمان مدارس از نخستین تماس‌های کودکان با جهان بزرگ‌سالان است و تصویرها و متن‌های کتاب‌های کودکان یا کتاب‌های درسی نیز در ردیف نخستین برداشت‌های آنان از جهان فرهنگ است. در پی تأثیرپذیری گستردهٔ کودکان از پیام‌های محیط پیرامونی، اگر پیام‌هایی که برای کودکان در نظر گرفته شده‌اند، انباشته از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز باشند، آنان نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌ستیز را بسط نخواهند داد. در مقابل، تجربه‌های پیشگفته نشان می‌دهند که پرورش ضد تبعیض جنسی کودکان در مدرسه کارساز است.

زدودن تبعیض جنسی از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان برای ریشه‌کنی کامل آن در ذهن و رفتار و اعمال کودکان مسلماً کافی نیست، اما این کار از نخستین وظایف ضروریی است که تمام عاملان نظام آموزشی، نمی‌توانند از انجامش شانه خالی کنند، البته اگر هدفشان بنای جامعه‌ای باشد که در آن حیثیت دختران و زنان و برابری آنان با پسران و مردان، حفظ گردد و جزیی از ارزش‌های کودکان بشود.

پیوست ۱

مجموعهٔ بررسی‌های ملی دربارهٔ سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان.

گزینش‌هایِ پژوهشیِ ممکن[1]

پیشگفتار

طرح مسئله

در بیشتر پیام‌هایی که از رهگذر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به دانش‌آموزان و دانشجویان و کودکان منتقل می‌شود، دگرگونی‌های پراهمیتی که طی دهه‌های اخیر در زندگی زنان روی داده، نادیده گرفته می‌شود. در واقع با وجودی که زنانِ متعلق به محیط‌های

۱. گروه تحقیقاتی موظف نیست که رهنمودهای این سند یونسکو (ED-81/WS/72) را دنبال کند و می‌تواند روش‌های دیگری را که مناسب‌تر می‌داند، برگزیند.

www.KetabFarsi.com

فرهنگی و اجتماعی با سنت‌های مختلف نشان داده‌اند که قادرند در عرصه‌هایی که به طور سنتی مختص مردان بوده است، نقش فعال ایفا کنند و ارتقای مقام بیابند، در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این دگرگونی‌ها اصلاً، یا دست‌کم به طور کامل بازتاب نیافته است.

نقش مردان نیز دگرگون شده است، زیرا آنان بیش از پیش عهده‌دار وظایفی می‌شوند که به طور سنتی به زنان اختصاص داشته، یا مشاغل زنانه را انجام می‌دهند، اما در کتاب‌های درسی و ادبیات کودکان این جهش‌ها اصلاً، یا به اندازهٔ کافی روشن نمی‌شود.

بعضی از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان همچنان حامل پیام‌های غالباً نادرست و پوسیده‌اند. در آن‌ها از دگرگونی‌های واقعی نشانی نیست. این آثار در تقویت و استحکام چنین دگرگونی‌هایی نقشی فعال یا درجهٔ اوّل ندارند و با اوضاع جدید سازگار نیستند. هدف دههٔ ملل متحد برای زنان، تقویت مسائل زیر است: برابری میان مردان و زنان؛ شرکت زنان در تلاش‌های توسعه؛ مشارکت زنان در تحکیم صلح.

به همین سبب ضرورت عاجل دارد که تصویرهای کلیشه‌ایِ جنس‌ها از مطالب آموزشی محو گردد و طوری عمل شود که آموزش درسی به تقویت برخوردهای مثبت و مساعد برای برابری جنس‌ها بپردازد. کنفرانس جهانی دههٔ ملل متحد برای زنان (کپنهاگ، ژوئیهٔ ۱۹۸۰) با تأکید مجدد براین نکته مصرانه خواستار شده که «حکومت‌ها تمام تدبیرهای لازم را برای محو کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در مطالب آموزشی، در پیش گیرند».

دگرگونی‌های ضروری فقط هنگامی روی خواهند داد که مسئولان

تهیه، نگارش، تصویرگری، انتشار[۱] و تفسیر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان به تأثیر زیانبارِ تداوم نقش‌ها و تصویرهای کلیشه‌ایِ انتسابی به هر جنس، متقاعد شده باشند.

اهداف

مجموعهٔ پژوهش‌های کنونی بخشی از یک برنامهٔ دراز مدت است که یونسکو در سال ۱۹۶۷ با هدف تأمین برابری امکانات دختران و زنان در زمینهٔ آموزش و پرورش در پیش گرفته است. گروه‌های مسئول انجام پژوهش‌ها به بررسی کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی دبستانی و دورهٔ اوّل دبیرستان در کشور خود می‌پردازند و اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

بررسی نحوهٔ ترسیم مردان و زنان.

شناسایی تصویرهای نادرستی که از زنان و مردان در این کتاب‌ها عرضه شده و نقش‌های کلیشه‌ای که به آنان نسبت داده شده است.

معرفی ابزارها و برنامه‌ها و راهبردهایی برای زدودن این‌گونه تصویرها و کلیشه‌ها و تقویت برابری میان جنس‌ها.

گزارشی که در پی این پژوهش‌ها تدوین می‌شود، باید از قابلیت پخش گسترده برخوردار باشد و هدف آن عبارت است از: افزایش شناخت دربارهٔ این موضوع، تشویق به در پیش گرفتن تدابیر ضروری برای پیکار با تبعیض جنسی[۲] و تقویت برخوردهای مثبتی که به برابری میان جنس‌ها

---

۱. ناشرانی مانند فرنان ناتان در فرانسه و مک‌گرو-هیل در ایالات متحدهٔ آمریکا رهنمودهایی برای نویسندگان و تصویرگران تهیه کرده‌اند تا آنان از تصویرها و نقش‌هایِ کلیشه‌ای و تبعیض‌آمیز دوری گزینند.

۲. برای اهداف پژوهشی، کاربرد تعریف زیر از مارلین فرای از دانشگاه دولتی

یاری می‌رسانند.

آثار مورد بررسی

متن‌های مورد بررسی عبارتند از آثاری که برای کودکان تا سن ۱۰ یا ۱۲ سالگی اختصاص یافته‌اند و نیز کتاب‌های درسی رایج در هر کشور (به عنوان مثال کتاب‌های قرائت زبان، تاریخ، تعلیمات مدنی، علوم اجتماعی و مانند آن‌ها).

اما با توجه به تفاوت‌های موجود در هر کشور، هرگروه پژوهشی برای تصمیم‌گیری در مورد ماهیت کتاب‌های درسی که برای تحقیق برمی‌گزیند (به عنوان مثال: کتاب قرائت زبان، تاریخ، جغرافیا، علوم، ریاضیات و مانند آن‌ها) و نیز تعداد این کتاب‌ها در دورهٔ دبستان و دورهٔ اوّل دبیرستان از آزادی عمل برخوردار است. گروه پژوهشی می‌تواند در گزینش خود از جمله موارد زیر را در نظر گیرد:

اهمیت و دامنهٔ ممتاز اثر (یعنی کتاب‌های درسی یا کودکان که در تمام کشور یا در بیشتر مدارس کاربرد دارند)؛

کتاب‌های مربوط به موضوعاتی که نقش مهم در برنامهٔ درسی یا کاربرد زمان تحصیلی دارند؛

کتاب‌هایی که بر نگرش‌ها و رفتارهای کودکان و نوجوانان تأثیری محسوس دارند.

دلایل گزینش باید در گزارشی که هر گروه پژوهشی به یونسکو تحویل می‌دهد، ذکر شود.

بیشگان توصیه شده است: «تبعیض جنسی اصطلاحی است برای توصیف هرچیزی که به تمایز ناروا میان جنس‌ها می‌پردازد، یا این تمایز را تقویت می‌کند و یا به بهره‌کشی از آن می‌پردازد».

روش‌شناسی

توصیه شده است که گروه پژوهشیِ ملی دست‌کم از تعداد مساوی مردان و زنانِ پژوهشگر یا نویسنده، منتقد کتاب، متخصص در زمینهٔ آموزش و پرورش، روان‌شناسی، تصویرگری کتاب، جامعه‌شناسی، مطالعات دربارهٔ زنان، رشته گزینی حرفه‌ای و درسی و... تشکیل شود. گروه پژوهشی مسئولیت تنظیم برنامهٔ پژوهش و تقویم مراحل مختلف پیشبرد آن را برعهده دارد. گروه می‌تواند به جمع‌های کاریِ محدودتر تقسیم شود و جلساتِ این جمع‌ها و یا در صورت لزوم جلسات کل گروه را برگزار کند.

جمع‌آوری مطالب

گروه پژوهشی بر مبنای معیارهای برگزیدهٔ خود به گردآوری مطالب مورد نظر می‌پردازد، آن‌ها را براساس سال تحقیق، و در دل این زمان‌بندی بر مبنای موضوع مورد بحث، تقسیم و طبقه‌بندی می‌کند.

تحلیل مطالبِ گردآوری شده[1]

گروه پژوهشی پس از تعیین معیارها و چارچوبِ تحلیلِ مطالب گردآوری شده، می‌تواند به بررسی ویژهٔ مسائل اساسی زیر بپردازد:

القایِ محتوایی

واژگان، گزاره‌ها، صفت‌ها یا اشاره‌های تبعیض‌آمیز در متن یا تصویرها (به عنوان مثال: این دختر مثل پسرها می‌دود و جست و خیز می‌کند؛ آن

---

۱. نگاه کنید به جدول شمارهٔ ۱ در صفحهٔ ۱۱۶.

پسر مثل دخترها ضعیف و ناتوان است، و مانند آن‌ها).

کلیشه‌ها

کلیشه‌ها عبارتند از عناصری که مشوّق پیشداوری هستند و تمام تنوع برخوردها و تمایلات فردی مردان و زنان را در نظر نمی‌گیرند و یا حامل این اندیشه هستند که تمام مردان یا تقریباً همهٔ آنان، یا تمام زنان از بسیاری جهات همانندند، حال آن که واقعیت امر چیز دیگری است. به عنوان مثال می‌توان کلیشه‌ها را به دسته‌های متفاوتی تقسیم کرد:

نقش‌های مختلف در درون خانواده و مدرسه: پدران تکیه‌گاه خانواده و زنان، خدمتکار خانه هستند؛ پسران دوست دارند فوتبال بازی کنند و دخترها دوستدار طناب‌بازی هستند؛ بیشتر آموزگاران دبستان، زن و مدیران مدارس، مرد هستند؛ پسران درس‌های فنی را ترجیح می‌دهند و دختران علوم اجتماعی را.

خصوصیات شخصیتی: پسران و مردان به طورکلی آفریننده و تصمیم‌گیر و اهل عمل معرفی می‌شوند. اما دختران و زنان، موجوداتی منفعل و وابسته ونظاره‌گر جلوه می‌کنند.

نقش‌های اجتماعی و سیاسی: زنان به فعالیت‌هایی می‌پردازند که جنبهٔ اجتماعی دارند، اما مردان در سطح محلی از مسئولیت برخوردارند یا رهبر سیاسی هستند.

نقش حرفه‌ای[1]: زنان منشی یا پرستار، اما مردان کارفرما یا پزشک هستند.

---

۱. رجوع شود به جدول شمارهٔ ۲ (صفحهٔ ۱۲۱) که فهرستی مختصر از کلیشه‌های رایج ارائه می‌دهد.

کلیشه‌های دیگر.

نمایش نامناسب

در حال حاضر کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی تصویری غلط یا ناقص از دختران و زنان ارائه می‌دهند. حضور کلیشه‌های تبعیض‌آمیز با این پدیده بی‌ارتباط نیست.

تدوین ضابطهٔ تحلیلِ کلیشه‌های مذکر و مؤنث

گروه پژوهشی باید به تدوین یک یا چند ضابطهٔ تحلیل بپردازد. این تحلیل‌ها مبنای نتیجه‌گیری‌ها، ملاحظات، و تفسیرهای مربوط به هر اثرِ مورد بررسی خواهند بود. در جدول شمارهٔ ۱ نمونه‌ای از چنین ضابطه‌هایی ارائه شده است.

بررسی نتایج تحلیل

گروه پژوهشی نتایج کارهای خود را در جلساتِ تمام اعضای گروه یا در جریان جلسات جمع‌هایِ کاری بررسی می‌کند و معلوم می‌سازد که آیا پژوهش‌های تکمیلی[1] برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات بیشتر ضروری هستند یا نه.

مشورت با مقامات حکومتی، ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها.

گروه پژوهشی در پرتو نتایج و دستاوردهای تحقیق، همراه با مقامات

۱. گروه پژوهشی می‌تواند با پرسشنامه و مصاحبه، نظر دانشجویان و استادان را دربارهٔ پژوهش خود گردآوری کند. رجوع شود به جدول شمارهٔ ۳ (صفحهٔ ۱۲۴).

حکومتی، ناشران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها به تعیین راهبردها، تدابیر و اقدامات ممکن می‌پردازد تا کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان محو کند و تصویرهای مثبت زنان را در آن‌ها وارد سازد و برخوردهای مناسب برای برابری میان جنس‌ها را تقویت کند. این راهبردها و تدبیرها ممکن است به صورت‌های زیر درآیند:

اقدامات آگاهی‌بخش و حمایتی، مانند ایجاد یک کمیسیون (یا استفاده از یکی از کمیسیون‌های صلاحیت‌دار موجود) برای بررسی هر آنچه به کلیشه‌های تبعیض‌آمیز مربوط است، پیش از اجازهٔ انتشار به کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی؛

اقدامات از رهگذر آموزش؛

همکاری با نویسندگان، ناشران، اتحادیه‌های معلمان، سازمان‌های زنان و مانند آن‌ها.

جدول شمارهٔ ۱ ـ ضابطهٔ تحلیل کلیشه‌های تبعیض آمیز

I. تحلیل

۱ـ عنوان:

۲ـ نوع مطلب (به عنوان مثال، کتاب درسی ابتدایی، کتاب قرائت زبان، و مانند آن‌ها):

۳ـ زبان و سال انتشار:

۴ـ سطح کتاب (به عنوان مثال، برای سال دوم دبستان، برای خوانندگان ۴ تا ۶ ساله، و مانند آن‌ها):

۵ـ نام پژوهشگر:

۶ـ تاریخ:

	القای محتوایی	کلیشه‌ها					
	واژگان ـ گرایش‌ها	تصویرها	نقش در خانواده و مدرسه	خصوصیات	نقش‌های سیاسی و اجتماعی	دیگر کلیشه‌های (تعریف نشده)	کلیشه‌های (تعریف شده)
مردان [1]							
زنان [1]							

II. تفسیرها و ملاحظات ویژه (به عنوان مثال تصویرهای متفاوت مرد و زن، آیا این تفاوت‌ها با تفاوت‌های پیشتر روشن‌شده انطباق دارند؟)

III. تفسیرهای جامع، همراه با پیشنهاد فعالیت مناسب برضد کلیشه‌ها (به عنوان مثال این اثر در سال ..... منتشر شده است؛ اکنون سیاست جدیدی با هدف زدودن کلیشه‌های تبعیض آمیز، در حال بررسی است...)

www.KetabFarsi.com

۱ـ در هر ستون «القای محتوایی» و «کلیشه‌ها» تعداد دفعاتی که القائات برضد مردان و زنان ذکر شده و نیز تعداد دفعاتی که به خصلت‌های مردانه یا زنانه ارجاع شده است، ثبت می‌شود.
همچنین باید برحسب مورد مشخص کرد که آیا القائات وخیم یا ناچیز مطرح است و یا اصلاً القایی در کار نیست.

جدول شمارهٔ ۲. فهرست کلیشه‌ای مشاغلی که غالباً به زنان و مردان اختصاص داده می‌شوند[1]

مشاغل زنانه	مشاغل مردانه
مددکار اجتماعی	کشاورز
کتابدار	مدیر و رئیس اداره
صندوق‌دار	معمار
ماشین‌نویس	نانوا
سندپرداز	قصاب
خدمتکار همه کاره	رانندهٔ اتومبیل
کلفت	رانندهٔ قطار، اتوبوس، کامیون
پرستار	مفسر رادیو و تلویزیون
مربی مهدکودک و آموزگار	دندان‌پزشک
مانکن	مدیر و رئیس مزارع کشاورزی
کارگر کشاورزی	رئیس دانشکده
کارگر غیرمتخصص	برقکار
کارگر نیمه متخصص	کاشف
کارگر کارخانه	مهندس
گویندهٔ رادیو و تلویزیون	روزنامه‌نگار
منشی	مغازه‌دار
خدمتکار	دریانورد
تلفنچی	مکانیک
فروشنده	کارگر متخصص
	کارگر نیمه متخصص
	ماهی‌گیر
	لوله‌کش
	دبیر
	پلیس و سرباز
	مدیر دبیرستان
	تراشکار

۱ـ این فهرست محدود، اعتبار جهانی ندارد.

www.KetabFarsi.com

تهیهٔ گزارش مشروح

تا پایان سپتامبر ۱۹۸۲ پنج نسخه از یک گزارش مشروح دربارهٔ هر پژوهش باید به زبان انگلیسی یا فرانسه به یونسکو تحویل داده شود. این گزارش بیشتر باید شامل موارد زیر باشد:

پیشگفتار، که در آن هدف‌های پژوهش بیان خواهد شد؛

ترکیب گروه پژوهشی با ذکر نام، موقعیت و کارکردهای هریک از اعضای آن؛

طرح پژوهش؛

گزینش آثار بررسی شده؛

سیر پیشرفت پژوهش با ذکر رهیافت‌های دنبال شده، نتایج به دست آمده، کمبودها و دشواری‌های احتمالی؛

پیشنهادهایی دربارهٔ ابزارها، برنامه‌ها و دیگر تدبیرهای لازم برای تقویت برخوردهای مثبت و مساعد برای برابری و محو تصویرهای تبعیض‌آمیز از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان؛

نتیجه‌گیری

www.KetabFarsi.com

جدول شمارهٔ ۳. رهنمودهایی خطاب به گروه‌های پژوهشی برای تدوین و طبقه‌بندی پرسشنامه‌ها و یا متن مصاحبه‌ها

۱. پیشگفتار. تنظیم توضیحات مشروح برای آگاه ساختن افراد پرسش شونده از اهداف و مقاصد پژوهش.

۲. برای استادان و کارکنان آموزشی. پرسشنامه‌ها و متن مصاحبه با این گروه‌ها را می‌توان به ترتیب زیر تنظیم کرد:

۲ـ۱ اطلاعات در مورد اشخاص پرسش‌شونده

(I) جنس

(II) سن

(III) شغل‌ها یا مسئولیت‌ها

(IV) محل کار.

۲ـ۲ پرسش‌ها

(I) آیا در مورد تصویر زنان و مردان در کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی، از سال ۱۹۷۳ شاهد دگرگونی‌هایی بوده‌اید؟

(II) در صورت جواب مثبت این دگرگونی‌ها را به اختصار تشریح کنید.

(III) اگر جواب منفی است در صورت تمایل به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

آیا فکر می‌کنید که اکنون زمان دگرگونی‌ها فرا رسیده است؟

مهم‌ترین دگرگونی‌ها در نظر شما کدامند؟

برای ایجاد چنین دگرگونی‌هایی چه اقدامات یا تدبیرهایی ضروری است؟

(IV) آیا هیچ‌گاه دربارهٔ تصاویر کلیشه‌ای از دو جنس در کتاب‌های درسی، با دانش‌آموزان یا دانشجویان بحث کرده‌اید؟ آنان در این مورد چه نظری دارند؟

(V) شما چنین مباحثاتی را ضروری می‌دانید؟ چرا؟

۳. برای متخصصان تهیهٔ کتاب‌ها و برنامه‌های درسی، متخصصان مشاورهٔ حرفه‌ای و تحصیلی، متخصصان ادبیات کودکان، ناشران.

۳ـ۱ـ رجوع شود به ۲ـ۱ در بالا.

www.KetabFarsi.com

۳-۲- پرسش‌ها

(I) آیا از سال ۱۹۷۸ شما برنامه‌ای برای طرد کلیشه‌های تبعیض‌آمیز از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، یا برای تقویت برابری میان جنس‌ها در نظر گرفته‌اید؟ در صورت جواب مثبت، پاسخی مشروح بدهید و مشخص کنید که ارزیابی‌های احتمالی به چه نتایجی رسیده‌اند.

(II) اگر چنین برنامه‌ای اجرا نشده است، به نظر شما انجام آن در حال حاضر کاملاً موجه است؟

(III) باتوجه به اهداف این پژوهش‌ها، چه ابتکارهای دیگری را مهم می‌دانید؟

۴- برای دانش‌آموزان، دانشجویان و اعضای سازمان‌های جوانان

۴-۱- یک پیشگفتار مختصر و ساده

۴-۲- اطلاعات مربوط به اشخاص پرسش‌شونده

(I) جنس

(II) سن

(III) کلاس

(IV) نام و نشانی مدرسه

۴-۳- پرسش‌ها

(I) در اوقات آزاد خود دوست دارید چه نوع کتاب‌هایی بخوانید؟ خواندن کدام‌یک از کتاب‌های درسی را ترجیح می‌دهید؟ دلایل گزینش‌های خود را بگویید.

(II) تصویری را که معمولاً از زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های داستانی ارائه شده است، تأیید می‌کنید؟ چرا؟

(III) آیا هیچ‌گاه با دوستان دختر و پسر خود دربارهٔ مسئلهٔ تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های داستانی بحث کرده‌اید؟به طور کلی با چه واکنش‌هایی روبه‌رو شده‌اید؟ دختران چه نظری دارند؟ واکنش‌های پسران چیست؟

(IV) به نظر شما برای اصلاح موقعیت چه باید کرد؟

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

پیوست ۲

راهنمای انتشارات مک‌گرو ـ هیل برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی[1]

پیشگفتار

واژهٔ تبعیض جنسی به قیاس از واژهٔ تبعیض نژادی و برای افشای نابرابریِ مبتنی بر جنس، به ویژه نسبت به جنس مؤنث ساخته شده است و در معنایی وسیع تر برای اشاره به کلیشه‌هایِ تبعیض‌آمیز زنانه و مردانه، براساس جنس، به کار می‌رود.

ما برای زدودن هرگونه اشارهٔ تبعیض‌آمیز و برای تشویق افراد به برنامه‌ریزی‌هایِ کاملاً آزادانه و بیشترین شکوفاییِ توانایی‌هایشان، مجموعه‌ای از رهنمودها را برای نویسندگانمان پیشنهاد می‌کنیم و امیدواریم که نویسندگان و تمام کارکنان بنگاه انتشاراتی خود را از کلیشه‌های مؤنث و مذکری که در آثار چاپ شدهٔ تاکنونیِ ما به فور یافت

---

۱. این راهنما ترجمهٔ خلاصهٔ متن زیر است: *The Mc Graw- hill guidelines for equal Treatment of the sexes*. این متن را «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» به فرانسوی ترجمه کرده است. نشانی این انجمن: 14, rue Cassette, 75006 Paris.

می‌شوند، آگاه سازیم. همچنین امید آن داریم که نقش واژگان را در تقویت و تحکیم نابرابری میان جنس‌ها، و بهترین راه‌های ترسیم افراد دو جنس را نشان دهیم.

به نظر ما برای انجام شایستهٔ این اقدام باید هرچه بیشتر از زنان یاری گرفت. دیدگاه‌ها و نوشته‌های آنان باید همواره و به‌گسترده‌ترین وجه به کار گرفته شود. خلاصه‌های متعددی از آثار آنان باید در جُنگ‌ها بیاید و زنان که تاکنون کمتر نشانی از آنان بوده است، از این پس باید در عرصه‌های مختلفِ مورد بحث هرچه بیشتر معرفی شوند.

زنان نیز «رهبر»، قهرمان، کاشف و پیشرو بوده‌اند و در پیشرفت علم، پزشکی، بازرگانی، سیاست، ادبیات، هنر و ورزش نقشی برجسته ایفا کرده‌اند...

باید در فرصت‌های مختلف در این‌باره به بحث پرداخت که زنان چگونه در پی محدودیت‌هایی که جامعه تحمیل کرده است از نمودار شدن همانند مردان بازمانده‌اند و به اندازهٔ آنان حق و امکان شکوفایی استعدادهای خود را نداشته‌اند.

ترسیم غیرتبعیض‌آمیز مردان و زنان

زنان و مردان در وهلهٔ نخست باید به صورت موجودات انسانی معرفی شوند، قبل از این‌که از آنان به عنوان جنس‌های مخالف یاد شود. باید پیش از سخن گفتن از نوع مذکر و مؤنث، وجوه مشترک زنان و مردا را برجسته کرد. هیچ یک از دو جنس نباید فراتر یا فروتر از جنس دیگر نمودار شود.

چگونه می‌توان از کلیشه‌های مؤنث و مذکر دوری گزید؟

باوجودی که بسیاری از زنان همچنان فعالیت‌های سنتی مانند خانه‌داری یا منشی‌گری را برمی‌گزینند، باید آنان را در نقش‌های بسیار متنوع نشان داد: پزشک و دندان‌پزشک، و نه فقط پرستار؛ مدیر دبیرستان یا استاد دانشگاه به جای آموزگار؛ وکیل یا قاضی به جای مددکار اجتماعی؛ رئیس بانک و نه همیشه صندوقدار؛ نمایندهٔ مجلس و مانند آن‌ها.

همچنین اگر مردانی ترسیم شوند که فقط براساس حرفه یا سطح درآمدشان مشخص نگشته‌اند و نیز اگر نشان دهیم که مردان اجباراً بیشتر از زنان درآمد ندارند و صرفاً آنان نیستند که خانوادهٔشان را می‌چرخانند، آن‌گاه کلیشه‌های مربوط به مردانگی دیگر نمودار نمی‌شوند.

مشاغل توصیفی بی‌هیچ تبعیضی به زنان و مردان نسبت داده می‌شود و هرگز القا نمی‌گردد که این مشاغل با «زنانگی» یا «مردانگی» ناسازگارند. زنان و مردانی نشان داده می‌شوند که در مقام مهندس، خلبان، لوله‌کش، برقکار، منشی، تلفنچی یا مربی شیرخوارگاه و مهدکودک به کار مشغولند.

زنان شاغل در تمام سطوح، حتی در بالاترین مقام‌ها نشان داده می‌شوند. آنان هم مدیر مردان می‌شوند و هم مدیر همجنسان خود، بی آن که مردان از دستور گرفتن از زنان احساس سرشکستگی کنند، یا زنان از این که رئیسشان همجنس خودشان است، نگران باشند. هرکاری باید آبرومند و درخورِ احترام ترسیم شود و امکان گزینش زنان و مردان باید بسیار بیشتر از هنگامی باشد که اسیر نقش‌های کلیشه‌ای هستند.

در کتاب‌های کودکان باید زنانِ متأهلی که دربیرون از خانه کار

می‌کنند، به نحوی دلپذیر ترسیم شوند. نباید این تصور را القا کرد که تمام زنان حتماً ازدواج می‌کنند و بچه‌دار می‌شوند. برعکس باید نشان داد که زنان نیز مانند مردان حق انتخاب دارند، بعضی ترجیح می‌دهند مجرد باقی بمانند، بعضی عجله‌ای برای ازدواج ندارند، برخی دیگر ازدواج می‌کنند اما بچه نمی‌خواهند، بعضی نیز بچه دارند و به کارشان هم ادامه می‌دهند. باید نشان داد که گاهی نیز یکی از والدین در منزل می‌ماند. در هیچ حالتی نباید گفت که تمام زنان غریزهٔ مادری دارند یا خانواده براثر کار مادر در بیرون از خانه آسیب می‌بیند. برعکس باید نشان داد که وقتی پدر و مادر، هردو، کار می‌کنند، بچه را به شیرخوارگاه یا مهدکودک می‌فرستند و به تربیت او بیشتر می‌رسند. وانگهی در حال‌حاضر درصد زنان شاغل روبه افزایش است و در کتاب‌های درسی باید به این واقعیت توجه شود.

باید نشان داد که مردان و زنان به تمام کارهای خانگی می‌پردازند و به ویژه مردان آشپزی یا اتوکشی می‌کنند و زنان خرده‌کاری‌های خانه را انجام می‌دهند یا اتومبیل می‌شویند.

باید با دقت تمام نشان داد که دختران مانند پسران از حق انتخاب بازی و رشتهٔ تحصیلی برخوردارند. آنان را باید تشویق کرد که به ریاضیات، مکانیک، انواع ورزش‌ها علاقه‌مند شوند و پسران نیز نباید از پرداختن به شعر، هنر، موسیقی و یا حتی آشپزی و خیاطی و رسیدگی به نوزادان احساس شرمساری کنند. پسران و دختران دورهٔ خانه‌داری خواهند دید و دختران هیچ‌گاه بیش از پسران اسیر خیاطی و آشپزی و... نخواهند بود.

چگونگی برجسته کردن وجوه مشترک میان دو جنس

مردان و زنان را باید با ضعف‌ها و توانایی‌هایِ ناشی از موقعیت بشر نشان داد، اعم از این‌که فرد مورد نظر از جنس مذکر باشد یا مؤنث. باید زنان و دخترانی را نشان داد که از همان توانایی‌ها و بلندپروازی‌های مردان و پسران برخوردارند. صفاتی که معمولاً نزد پسران ستوده می‌شود، مانند جسارت، ضرورت ابتکار و ابراز شخصیت، نزد دختران نیز ستوده خواهد شد.

همچنین صفاتی مانند ملایمت و دلسوزی و حساسیت در پسران هم ستوده می‌شود.

زنان و دختران را باید به همان‌اندازهٔ پسران، مستقل، فعال، شجاع، با لیاقت، مصمم، با پشتکار، جدی و موفق توصیف کرد. آنان منطقی، بااراده و قادر به حل هر مسئله‌ای خواهند بود. به‌کارشان علاقه خواهند داشت و گوناگون‌ترین مشاغل را دنبال خواهند کرد: کارهای درخشان آنان درخور ستایش همگانی خواهد بود و از این ستایش نیز بهره‌مند خواهند شد.

گاه‌گاهی باید مردانِ ساکت، منفعل یا ترسو و دودل، غیرمنطقی و ناپخته را نشان داد، همان‌گونه‌که زنانِ پرخاشگر و بی‌احساس و خشن نیز باید ترسیم شوند. بدین‌ترتیب کلیشه‌هایِ مبنی بر منطقی و عینی بودن مردان، و احساساتی و ذهنی بودن زنان کنارگذاشته می‌شود. شجاع‌ترین و جسورترین فرد، یا کسی که بیشترین کامیابی را به دست می‌آورد، هم ممکن است پسر یا مرد باشد و هم دختر یا زن. در تصاویر، بزرگ‌ترین، قوی‌ترین یا فعال‌ترین فرد همان قدر از میان دختران انتخاب می‌شود که از میان پسران.

زنان و مردان باحرمت، عزت و اهمیتی یکسان ترسیم خواهند شد. زنان دیگر فقط با صفات جسمانی، و مردان صرفاً با حرفه و هوششان توصیف نخواهند شد. دربارهٔ زنان یا مردان، جز در موارد مطلقاً ضروری از استناد به جذابیت یا فهم و ادراکشان خودداری خواهد شد.

نادرست	درست
هانری لبرَن وکیلی مشهور است و همسرش، سبزه‌رویی زیبا.	خانوادهٔ لبرَن زوج زیبایی هستند. هانری موهای بور قشنگ و همسرش گیسوان زیبایی دارد. هریک از آن دو در عرصهٔ کار خود خوش درخشیده است. آننا موسیقیدانی عالی و هانری وکیلی بااستعداد است.

در توصیف زنان باید از القائات شبهه‌آمیز دربارهٔ خصوصیات جسمانیشان خودداری ورزید (مثلاً نباید گفت: یک زن موبور گوشتالو). بیشتر باید ویژگی‌های شخصیت آنان را یادآوری کرد. آنان را نباید ضعیف و وابسته و عصبی ترسیم کرد و اسباب مضحکه قرار داد، بلکه باید جدی گرفت.

این‌گونه کلیشه‌های ضدِ زن را باید کنار گذاشت: زنان بی‌عقل، سبک‌سر، پرچانه... زنی که مورد پرستش قرار می‌گیرد، یا شوهرش را دنبال خود می‌کشاند، یا پیر دختری ناکام است... همان‌گونه که از تمسخر زنان راننده یا از شوخی دربارهٔ مادرزن‌های بدعنق خودداری می‌شود، اصطلاحاتی مانند «جنس ضعیف»، «نیمهٔ من»، یا «طوق بندگی» در اشاره

www.KetabFarsi.com

به ازدواج از واژگان حذف خواهد شد و از مردان خانه‌دار و زنان نان‌آور سخن به میان می‌آید.

در توصیف مردان، به ویژه در خانه، نباید آنان را چنان نشان داد که گویی در مورد غذا یا خانه‌داری وابسته به زنان هستند و یا از همسرشان می‌پرسند که چه لباسی بپوشند یا از بازار چه چیزی بخرند و یا به هنگام بیماری از پس انجام کارهای خودشان برنمی‌آیند. زنان در تملک مردان نیستند. بلکه دوشادوش آنان در فعالیت‌هایشان سهیم می‌شوند.

دیگر نباید زنانی را نشان داد که برای عمل کردن یا بهره‌مندی از حقوق خود، از همسرشان اجازه می‌خواهند (البته به استثنای مواردی که وقایع تاریخی مربوط به وابستگی زنان گزارش می‌شود). زنان با جسارت و هوشمندی به عمل می‌پردازند و زنان نوآور به عنوان الگو به دختران معرفی می‌شوند. «رهبران» جنبش‌های آزادی زنان، نادیده یا به تمسخر گرفته نمی‌شوند، بلکه از آنان بزرگداشت به عمل می‌آید.

چگونه واژگانی دیگر بیابیم؟

واژهٔ مرد که در بسیاری از موارد برای اشاره به نوع بشر به کار رفته است، در حد امکان با واژگانی مانند: بشر، موجود انسانی، نوع بشر، مردان و زنان، اشخاص... جایگزین می‌شود [...].

باید برای یافتن واژگان جدید برای اشاره به زنانی که به کارهایی می‌پردازند که معمولاً خاص مردان بوده است، اما آنان نیز به خوبی مردان از پس انجامشان برمی‌آیند، تلاش ورزید: بیمه‌گر، دولتمرد، سیاستمرد...

برای ترسیم زندگی روزمره نیز مثال‌های خنثی برگزیده می‌شود: به

جای گفتن «در حالی که ریشش را اصلاح می‌کرد» بهتر است گفته شود «در حالی که هر روز صبح دندان‌هایش را مسواک می‌زد.» اصطلاحات زن خانه‌دار و مادر خانواده فقط هنگامی برای اشاره به زن به کار می‌رود که در همان متن، اصطلاحات «مرد خانه» و پدر خانواده برای توصیف مرد به کار رفته باشد. در مغازهٔ خواربارفروشی، زن، کدبانو یا کلفتی نیست که خرید می‌کند، بلکه فقط در حکم مشتری است.

و سرانجام این که باید واژگان و اصطلاحات و موقعیت‌هایی یافت که به یاری آن‌ها پسران و دختران با بیشترین امکانات برای کشف و تحقق استعدادها و تمایلات خویش به زندگی گام بگذارند.

www.KetabFarsi.com

پیوست ۳

رهنمودهای انتشارات فرنان ناتان برای نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان

در اغلب موارد تصویری که از مردان و زنان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان ارائه شده، واقعیت امروز را آن‌گونه که کودکان در زندگی می‌آزمایند، بازتاب نمی‌دهد و به دختران، برابری امکانات با پسران را عرضه نمی‌کند.

هدف رهنمودهای زیر، برانگیختن هوشیاری هرچه بیشتر شما در مورد این مسئله به هنگام نگارش یا تصویرگری کتاب است. اجازه دادن به بقای معانی و اشارات و حتی موقعیت‌های تبعیض‌آمیز در کتاب‌های کودکان و نوجوانان، با رسالت آموزشی این کتاب‌ها مبتنی‌بر معرفی دنیای نو، آگاهسازی، روشنگری و ژرف‌اندیشی در تضاد است...

پیکار با کلیشه‌های کهن که هنوز به ویژه در سه عرصه جان سختی می‌کنند، وظیفه‌ای ضروری و حیاتی است.

www.KetabFarsi.com

پیکار با کلیشه‌ها در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی ـ حرفه‌ایِ مردان و زنان (نابرابری توانایی‌ها)

در این مورد مشاهده می‌شود که مثال‌های دستورزبان و تمرین‌های واژگان و سایر نکاتِ زبانيِ سنتی بسیار تبعیض‌آمیزند: کاربرد بسیار گستردهٔ ضمیر سوم شخص مذکر (il)؛ فعل‌هایی مانند «ابداع کردن، کار کردن، ساختن، بنا کردن، تعمیر کردن، اداره کردن، سازماندهی کردن» فاعل مذکر دارند، اما فعل‌هایی مانند «پُرگویی، شستن، پختن» غالباً فاعل مؤنث دارند.

www.KetabFarsi.com

پیکار با کلیشه‌ها در ترسیم «زندگی» و «خانواده» (روابط پدر ومادر بافرزندان، شوهر با زن، پدر با مادر)

تقسیم نقش‌ها و وظایف زن و مرد در زندگی مدرن، در این عرصه نیز روبه تحول است و باید چنین تحولی را در نظر گرفت. در این عرصه همانند عرصهٔ پیشین، کودک می‌تواند از واقعیتی سخن گوید (یا می‌توان با کودک از واقعیتی سخن گفت) که هنوز به الگوی سنتی و تبعیض‌آمیز (تعداد بیشتر مردان در پست‌های مدیریت و تصمیم‌گیری، تعداد بیشتر زنان «در آشپزخانه» پس از فراغت از کار...) «می‌چسبد»: این واقعیت، «عامیانه‌سازيِ» چنین پدیده‌ای را توجیه نمی‌کند. برعکس باید (در سطحی کمابیش پیشرفته) دیگران را به ژرف‌اندیشی دربارهٔ سرچشمه‌ها و علت‌های این وضعیت برانگیخت و به پیدایش برخوردها و نگرش‌های جدید یاری رساند.

و تازه مگر «چسبیدن به واقعیت» در حکم آن نیست که در کنار هسته‌های خانوادگی سنتی، وجود «اقلیت» فزاینده‌ای از زنان را بپذیریم

که فرزندانشان را به تنهایی بزرگ می‌کنند؟ آیا ارائهٔ یک الگوی خانوادگی واحد در کتاب‌های درسی، به سه یا چهار شاگرد کلاس که خانوادهٔشان «سنتی و همرنگ جماعت» نیست، حقیقتاً آرامش خاطر می‌دهد؟

پیکار با کلیشه‌ها در ترسیم خصوصیات جسمانی، روانی و اخلاقی اشخاص واقعی و خیالی در کتاب‌ها

تبعیض جنسی در این‌جا به دختران و زنان سخت آسیب می‌رساند (آنان عشوه‌گر، سبک‌سر، ولخرج، بی‌بهره از جسارت و وابسته به مردان ـ شوهران هستند) اما پسران را نیز از آسیب مصون نمی‌دارد (خستگی، کمبود هوش یا کمبود قهرمانی‌گری مردانه، برای آنان ممنوع است). باید افراد را نشان داد و نه موجودات این یا آن جنس را.

این رهنمودها و توصیه‌ها برای تمام رشته‌ها و در تمام سطوح معتبرند، اما به ویژه برای نخستین کتاب‌های کودکان (دوره‌های آمادگی و دبستان) و مجموع آثار آموزشی (و نیز برای آثاری که در مجموعه‌های «ادبیات نوجوانان و جوانان» منتشر می‌شوند) اهمیت دارند.

ناشر بی‌آن‌که بخواهد به کار آفرینشگرانهٔ آزادِ نویسندگان آسیب برساند، بر رعایت این رهنمودها پافشاری می‌ورزد، با این امید که کتاب‌های ما دیگر بازتاب‌دهندهٔ تصویرهای کهنه نباشند و به بقای کلیشه‌های پوسیده یاری نرسانند.

ژ. سولچنیک

رئیس بخش آموزش و پرورش در انتشارات فرنان ناتان

ژوئن ۱۹۸۰

www.KetabFarsi.com

ارجاعات کتاب شناختی[1]

** 1. ABU NASR, J.; LORFING, I.; MIKATI, J. *Identification and elimination of sex stereotypes in and from school textbooks; Some suggestions for action in the Arab world.* Paris, Unesco, 1983. (ED-84/WS/31.) [En anglais seulement.]

2. DUNNIGAN, Lise. *Analyse des stéréotypes masculins et féminins dans les manuels scolaires au Québec.* Gouvernement du Québec, 1982.

3. SHESTAKOV, V. *Guide on identification and elimination of negative sex stereotypes in school textbooks and children's literature and on promotion of positive image of women.* 1982. [Document préparé pour l'Unesco; en anglais seulement; non publié.]

4. MORRIS, Jan. *L'énigme.* Paris, Gallimard, 1974.

** 5. BISARIA, Sarojini. *Identification and elimination of sex stereotypes in and from educational programmes and textbooks; Some suggestions for action in Asia and the Pacific.* Paris, Unesco, 1983. (Multigraphié.) [En anglais seulement.]

6. BLUMER, Herbert. États-Unis d'Amérique. *Bulletin international des sciences sociales* (Paris, Unesco), vol. 10, n° 3, 1958, p. 430-478.

7. BLUNDEN, Katherine. *Le travail et la vertu; Femmes au foyer : une mystification de la révolution industrielle.* Paris, Payot, 1982. (Bibliothèque historique.)

---

۱ ـ بررسی‌های ملیی که به درخواست یونسکو صورت گرفته‌اند با یک ستاره، و راهنماهای محلی که برای یونسکو تدوین شده‌اند، با دو ستاره، مشخص گشته‌اند.

8. ORGANISATION DES NATIONS UNIES. DIVISION DE L'INFORMATION ÉCONOMIQUE ET SOCIALE. Women 1980. *Newsletter*, n° 3, 1980.
9. GALLAGHER, Margaret. *Unequal opportunities; The case of women and the media*. Paris, Unesco, 1981. [En anglais seulement.]
*10. RÉPUBLIQUE POPULAIRE DE CHINE. MINISTÈRE DE LA CULTURE. *Étude sur l'image que donnent des femmes et des hommes les ouvrages pour enfants et les manuels scolaires en Chine* (par Chen Zijun, *et al.*). Paris, Unesco, 1983. (ED-83/WS/22.)
*11. RÉPUBLIQUE SOCIALISTE SOVIÉTIQUE D'UKRAINE. INSTITUT D'ÉTAT DE PÉDAGOGIE (INSTITUT GORKI); INSTITUT DE RECHERCHE PÉDAGOGIQUE. *Étude sur l'image que donnent des femmes et des hommes les manuels scolaires et les ouvrages pour enfants dans la République socialiste soviétique d'Ukraine*. Paris, Unesco, 1982. (ED-82/WS/109.)
*12. NORVÈGE. MINISTÈRE DE L'ÉGLISE ET DE L'ÉDUCATION. *Étude sur l'image que donnent des femmes et des hommes les manuels scolaires et les ouvrages pour enfants en Norvège* (par Ingeborg Bjerke, *et al.*). Paris, Unesco, 1983. (ED-83/WS/45.)
13. BÉREAUD, Susan. Les images masculines et féminines dans les albums pour tout-petits. *L'école des parents* (Paris), novembre 1974, p. 16-26.
14. CHOMBART DE LAUWE, Marie-Jo. L'enfant et son image. *L'école des parents* (Paris), n° 3, mars 1972, p. 14-26.
*15. FÉDÉRATION INTERNATIONALE SYNDICALE DE L'ENSEIGNEMENT (SECTION FRANÇAISE). *Étude sur l'image que donnent des femmes et des hommes les manuels scolaires et les livres pour enfants en France*. Paris, Unesco, 1983. (ED-83/WS/118.)
16. MICHEL, Andrée; BÉREAUD, Susan; LORÉE, Marguerite. *Inégalités professionnelles et socialisation différentielle des sexes*. Paris, CNRS/CORDES, 1975. (Multigraphié.)
17. STACEY, Judith; BÉREAUD, Susan; DANIELS, Joan (dir. publ.). *And Jill came tumbling after: Sexism in American education*. New York, Dell, 1974.

18. STRAUS, Jacqueline; STRAUS, Murray. Family roles and sex differences in creativity in children in Bombay and Minneapolis. *Journal of marriage and the family* (Lake Mills, Iowa), vol. 30, février 1968.
19. FALCONNET, Georges; LEFAUCHEUR, Nadine. *La fabrication des mâles.* Paris, Le Seuil, 1975.
*20. ZAMBIE. COMMISSION NATIONALE ZAMBIENNE POUR L'UNESCO. *L'homme et la femme dans les manuels scolaires. Étude nationale sur les préjugés sexistes dans les manuels des écoles primaires et secondaires (1er cycle) de Zambie et leurs implications pour l'enseignement dans ce pays* (par L. P. Tempo). Paris, Unesco, 1984. (ED-84/WS/25.)
*21. PÉROU. COMMISSION PÉRUVIENNE DE COOPÉRATION AVEC L'UNESCO. *L'image de la femme et de l'homme dans les livres scolaires péruviens* (par J. Anderson et C. Herencia). Paris, Unesco, 1983. (ED-83/WS/93.)
22. COMMISSION DES COMMUNAUTÉS EUROPÉENNES. *Égalité de l'enseignement général et professionnel pour les filles (de 10 à 18 ans).* Bruxelles, CEC, 1979.
23. SEARS, Pauline; FELDMAN, David. Teachers interactions with boys and girls. Dans : J. Stacey, S. Béreaud et J. Daniels (dir. publ.), *And Jill came tumbling after: Sexism in American education.* New York, Dell, 1974.
24. MOLLO, Suzanne. *L'école dans la société.* Paris, Dunod, 1970.
*25. KOWEIT. NATIONAL COMMITTEE FOR EDUCATION, SCIENCE AND CULTURE. *Report on men's and women's roles in school textbooks and children literature.* Traduit de l'arabe par Ibrahim Abd El-Jawad Ahmed. 1983. (Multigraphié.) [En anglais seulement.]
26. BARUCH, Grace. Sex roles attitudes of fifth grade girls. Dans : J. Stacey, S. Béreaud et J. Daniels (dir. publ.), *And Jill came tumbling after: Sexism in American education*. New York, Dell, 1974.

27. Sears, Pauline S.; Feldman, David. Teachers interactions with boys and girls. Dans : J. Stacey, S. Béreaud et J. Daniels (dir. publ.), *And Jill came tumbling after: Sexism in American education.* New York, Dell, 1974.

28. Maccoby, Eleanor E.; Jacklin, Carol N. *The psychology of sex differences.* Stanford (Calif.), Stanford University Press, 1974.

29. Skjønsberg, K. *Kjønnsrollemønster i skandinaviske barne- og ungdomsbøker* [Rôle des sexes dans la littérature scandinave destinée à la jeunesse]. Copenhague, Gyldendal, 1977. (En norvégien, avec résumé en anglais.)

30. Safilios-Rothschild, Constantina. Sex-stereotyping in U.S. primary and secondary schools and interventions to eliminate sexism. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

31. Women on Words and Images (WOWI). *Dick and Jane as victims, sex stereotyping in children's readers.* Princeton (N.J.), WOWI, 1972.

32. Weitzman, L. J., *et al.* Sex-role socialization in picture books for preschool children. *American journal of sociology* (Chicago, Ill.), vol. 77, nº 6, 1972, p. 1125-1150.

33. Association pour une éducation non sexiste. *Dossier « Pour une éducation non sexiste ».* Association pour une éducation non sexiste, 14, rue Cassette, 75006 Paris. [Mises à jour périodiques.]

34. Dorrer, Rosemarie. Sex-stereotyping in Austrian schools. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

**35. Hansen, L. S.; Schultz, C. *Élimination des stéréotypes sexuels à l'école ; Guide régional destiné aux éducateurs d'Amérique du Nord et d'Europe occidentale.* Paris, Unesco, 1984.

36. Roudy, Yvette. La différence est inscrite dans notre culture : c'est là qu'il faut agir. *Citoyennes à part entière* (Paris, Ministère des droits de la femme), nº 16, 1983, p. 13. [Extraits du discours prononcé par Yvette Roudy, le 27 novembre 1982, au cours du Colloque des droits de l'homme et de l'éducation.]

37. Gouvernement du Québec. *L'école sexiste, c'est quoi?* Conseil du statut de la femme, printemps 1976.
38. Kelly, Alison. Summary report. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.
39. Shapiro, June; Kramer, Silvia; Hunerberg, Catherine. *Equal their chances: Children's activities for non-sexist learning*. Englewood Cliffs (N.J.), Prentice-Hall, 1981. (Collection: Spectrum.)
40. Conseil de l'Europe. *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.
41. Ayala Flores, Ana, *et al. Reducción de costos en la producción de libros de texto: estudio de caso, Perú*. Lima, Instituto Nacional de Investigación y Desarrollo de la Educación (INIDE), 1981.
42. Malfatto, Monique. Faut-il brûler les manuels scolaires? *Antoinette* (Paris, Confédération générale du travail), nº 187, septembre 1980.
43. Skjønsberg, Kari. *Kjønnsroller og miljø i barnelitteratur* [Rôles des sexes, environnement et classes sociales dans la littérature enfantine]. Oslo, Universitetsforlaget, 1972. (En norvégien, avec résumé en anglais.)
44. Le sexisme dans les manuels scolaires. *Citoyennes à part entière* (Paris, Ministère des droits de la femme), nº 23, septembre 1983.
45. Gutiérrez Ruiz, Irène. Sex-stereotyping at school in Spain. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.
46. Liljeström, Rita, *et al. Roles in transition: Report of an investigation made for the Advisory Council on Equality between Men and Women*. Stockholm, Liber, 1978.
47. Les stages pilotes. *Citoyennes à part entière* (Paris, Ministère des droits de la femme), nº 22, juillet-août 1983.
48. Kepner, H. S., Jr; Koehn, L. R. Sex-roles in mathematics: A study on the status of sex-stereotypes in elementary mathematics texts. *The arithmetic teacher* (Reston, Va.), vol. 24, 1977.
49. *L'image de la femme dans les manuels scolaires et livres d'enfants*. Paris, Délégation régionale à la condition féminine, janvier 1979.

www.KetabFarsi.com

کتاب‌های برگزیده

Agence femmes information (AFI). *L'école aussi préfère les garçons ; dossier de presse*. AFI, 21, rue des Jeûneurs, 75002 Paris, 1981.

American Institute for Research (AIR). *Programs to combat stereotyping in career choice*. Palo Alto (Calif.), AIR, 1980.

Association pour une éducation non sexiste. *Texte de présentation* [de cette Association]. Association pour une éducation non sexiste, 14, rue Cassette, 75006 Paris.

Ayala Flores, Ana, *et al*. *Reducción de costos en la producción de libros de textos: Estudio de caso*. Lima, Instituto Nacional de Investigación y Desarrollo de la Educación (INIDE), 1981.

Balbo, Laura. Women's dual life and access to intellectual work: Objective conditions, sex-stereotyping, new goals. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Bingham, M.; Edmondson, J.; Stryler, S.; Guttentag, M. *Choices—a teen women's journal for life/career planning*. Santa Barbara (Calif.), Advocacy Press, 1983.

Brock-Utne, Birgit; Hankaa, Runa. *Kunnskap uten makt: kvinner som lae rere og elever* [Le savoir sans le pouvoir. Les femmes : professeurs et élèves]. 2ᵉ éd. Oslo, Universitetsforlaget, 1981. (En norvégien.)

Byrne, Eileen, M. *The education and training of girls in Ireland*. Bruxelles, Commission des Communautés européennes, 1978. (Rapport.)

www.KetabFarsi.com

——. *Égalité de l'enseignement général et professionnel (pour les filles de 10 à 18 ans)*. Bruxelles, Commission des Communautés européennes, 1979.

Chombart de Lauwe, Marie-Jo. Convergences et divergences des modèles d'enfants dans les manuels scolaires et dans la littérature enfantine. *Psychologie française* (Paris), nº 3, 1965.

Cochini, Fausta Giani. Research on sex-stereotyping—Why focus on schools? Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Conseil de l'Europe. *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Decroux-Masson, Annie. *Papa lit, maman coud*. Paris, Denoël-Gonthier, 1979.

Dorrer, Rosemarie. Sex-stereotyping in Austrian schools. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Dube, Leela. *Studies on women in Southeast Asia: A status report*. Bangkok, Bureau régional de l'Unesco pour l'éducation en Asie et dans le Pacifique, 1980.

Dupont, Béatrice. *Fille ou garçon : la même éducation ? Étude sur les programmes scolaires dans le secondaire*. Paris, Unesco, 1980.

Falconnet, G.; Lefaucheur, N. *La fabrication des mâles*. Paris, Le Seuil, 1975.

Follet, C.; Watt, M. A.; Hansen, L. S. *Born free. Selected review of the literature on career development and sex-role stereotyping at the post-secondary higher education level*. Newton (Mass.), EDC/WEEAP Distribution Center, 1978. (Project Born Free; Technical report, nº 3).

Foxley, C. H. *Non-sexist counselling: Helping women and men redefine their roles*. Dubuque (Iowa), Kendall/Hunt Publishing Co., 1979.

Gutiérrez Ruiz, I. Sex-stereotyping at school in Spain. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Hannan, D. Sex-stereotyping in Irish post-primary schools. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

www.ketabfarsi.com

HANSEN, L. S. Counselling issues related to changing roles of women and men in work and family. *International journal for the advancement of counselling* (La Haye), vol. 1, été 1979, p. 67-66.

HANSEN, L. S. New goals and strategies for vocational guidance and counselling. *International journal for the advancement of counselling* (La Haye), vol. 4, été 1981, p. 21-23.

——. Gender and career. Dans : N. C. Gysbers, *et al. Designing careers: Counselling to enhance education, work and leisure.* San Francisco (Calif.), Jossey-Bass, 1984.

——; KEIERLEBER, D. L. A collaborative consultation model for career development and sex-role stereotyping. *Personnel and guidance journal* (Alexandria, Va.), vol. 56, nº 7, 1978, p. 395-399. (Numéro spécial.)

——; PELCAK, Douglas; PERRAULT, Gerri; DEGE, Dolores. *Born free. Training packet to reduce sex-role stereotyping in career development: elementary level.* Newton (Mass.), EDC/WEEAP Distribution Center, 1978.

HENDERSON, Hazel. The reawakening of Eve. (Enregistrement sonore d'une communication présentée à la Global Futures Conference, Toronto (Ontario), octobre 1980.)

KALLAB, I. *Hya Tatbokh wa Haw Yakra* [Elle cuisine, il lit]. Beyrouth, Beirut University College, Institute for Women's Studies in the Arab World, 1983. (Monographie, nº 3.) [En arabe.]

——; ABU NASR, J.; LORFING, I. Sex roles images in Lebanese textbooks. Dans : I. Cross et J. Downing (dir. publ.), *Sex roles attitudes and cultural change.* Dordrecht, D. Riedel Publishing, 1982.

KAUFMAN, Jakob, *et al. Attempts to overcome sex-stereotyping in vocational education.* University Park (Penn.), Pennsylvania State University, Institute for Research on Human Resources, 1976. (Multigraphié.)

KELLY, Alison (dir. publ.). *The missing half: Girls and science education.* Manchester (Mass.), Manchester University Press, 1981.

——. Research on sex differences in schools in the United Kingdom. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

——. Summary report. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

KEPNER, H. S. Jr; KOEHN, L. R. Sex roles in mathematics: A study on the status of sex stereotypes in elementary mathematics texts. *The arithmetic teacher* (Reston, Va.), vol. 24, 1977.

KERR, Barbara A. Raising the career aspirations of gifted girls. *Vocational guidance quarterly* (Alexandria, Va.), vol. 32, nº 1, septembre 1983, p. 37-43.

KLEIN, S. S.; THOMAS, V. G. *Sex equality in education*. Washington (D.C.), U.S. Government Printing Office, 1981. (National Institute of Education-Sponsored projects and publications.)

LEAL, Yvone. Research into sex-stereotyping in schools in Portugal. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

LOCKHEED, M. *Curriculum and research for equality: a training manual for promoting sex equality in the classroom*. Princeton (N.J.), Educational Testing Service, 1977.

MACCOBY, E. E.; JACKLIN, C. N. *The psychology of sex differences*. Stanford (Calif.), Stanford University Press, 1974.

MCGRAW-HILL. *Guidelines for equal treatment of the sexes in McGraw-Hill Book Company Publications*. New York, McGraw-Hill, 1972.

MANSILLA, A.; MARIA, E. *La socialización y los estereotipos sexuales: Estudios de los textos escolares de EBR*. Lima, Pontificia Universidad Católica del Perú, 1981. (Multigraphié.)

MEER, C. G. *Sex roles stereotyping in occupational choices: A career counseling manual*. Rutgers University (N.J.), Institute of Management and Labor Relations, 1982.

MICHEL, Andrée. Sex differentiated socialization in French schools. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

——; BÉREAUD, Susan; LORÉE, Marguerite. *Inégalités professionnelles et socialisation différentielle des sexes*. Paris, CNRS/CORDES, 1975. (Multigraphié.)

Mollo, Suzanne. *L'école dans la société.* Paris, Dunod, 1970.

Mottier, I. Sex-role stereotyping in textbooks: The Dutch Handrover Project. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

National Educational Association (NEA). *Non-sexist education for survival.* Washington (D.C.), NEA, 1975.

National Institute of Education (NIE). *Sex equality in education.* Washington (D.C.), Department of Health, Education and Welfare, 1980. (NIE—Sponsored projects and publications.)

Organisation des Nations Unies. *Les femmes et les médias.* New York, ONU, 1982.

Penn, P. Evaluation of 1978 Born free. Minneapolis (Minn.), University of Minnesota, 1978. (Project Born free; Technical report, n° 10.)

Pogrebin, L. C. *Growing up free: Raising your kids in the 80's.* New York, McGraw-Hill, 1980.

Rapeza, R. S.; Blocher, D. H. The Cinderella effect: Planning avoidance in girls. *Counselling and values* (Alexandria, Va.), vol. 21, n° 1, 1976, p. 12-19.

Romm, T. Interaction of vocational and family factors in the career planning of teenage girls—A new developmental approach. *Interchange* (Toronto), vol. II, n° 1, 1980-1981, p. 13-24.

Sadken, M. P.; Sadken, D. M. *Sex equality handbook for schools.* New York/Londres, Longman Inc., 1982.

Safilios-Rothschild, C. Sex-stereotyping in U.S. primary and secondary schools and interventions to eliminate sexism. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

Shapiro, J.; Kramer, S.; Hunerberg, C. *Equal their chances: Children's activities for non-sexist learning.* Englewood Cliffs (N. J.), Prentice Hall, 1981. (Collection : Spectrum.)

Sheridan, E. M. *Sex stereotypes and reading: Research and strategies.* Newark (Del.), International Reading Association, 1982.

SKJØNSBERG, K. *Kjønnsroller og miljø i barnelitteratur* [Rôles des sexes, environnement et classes sociales dans la littérature enfantine]. Oslo, Universitetsforlaget, 1972. (En norvégien, avec résumé en anglais.)

——. *Kjønnsrollemønster i skandinaviske barne- og ungdomsbøker* [Rôle des sexes dans la littérature scandinave destinée à la jeunesse]. Copenhague, Gyldendal, 1977. (En norvégien, avec résumé en anglais.)

——. *Velg selv. Ungdom, utdanning og kjønns-roller* [Pouvoir choisir : la jeunesse, l'éducation et les rôles des sexes]. Oslo, Likestillingsrådet, 1981.

SPENDER, D. The role of teachers: What choices do they have? Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

——; PAYNE, I. *Learning to lose: Sexism and education*. Londres, the Women's Press, 1980.

STACEY, J.; BÉREAUD, S.; DANIELS, J. (dir. publ.). *And Jill came tumbling after: Sexism in American education*. New York, Dell, 1974.

TORNES, K. Sex-stereotyping and schooling: A general overview. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

TORNIEFORTH, G. Sex-stereotyping in German school education. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

VERHEYDEN-HILLIARD, M. E. *A handbook for workshops on sex equality in education*. Washington (D.C.), American Personnel and Guidance Association, 1976.

VEYA, E. Research into sex-stereotyping in school in Switzerland. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools*. Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

WARSETT, S. *Evaluation report on Born free videotapes, training packet and selected workshops*. Minneapolis (Minn.), University of Minnesota, 1978. (Project Born free; Technical report, nº 9.)

WEITZMAN, L.; EIFLER, D.; HOKADA, E.; ROSS, C. Sex-role socialization in picture books for pre-school children. *The American journal of sociology*, vol. 77, nº 6, mai 1972.

WERNERSSON, I. Sex differentiation and teacher-pupil interaction in Swedish compulsory school. Dans : Conseil de l'Europe, *Sex-stereotyping in schools.* Lisse (Pays-Bas), Swets & Zeitlinger, 1982.

WOLPE, A. M. *Woman's occupational choice: The impact of sexual divisions in society.* Stockholm Institute of Education, Department of Educational Research, 1980. (Reports on education and psychology, n° 3.)

WOMEN ON WORDS AND IMAGES (WOWI). *Dick and Jane as victims: sex-stereotyping in children's readers.* Princeton (N.J.), WOWI, 1972.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

تبعیض جنسی در کنار تبعیض طبقاتی و نژادی، مثلث سوم تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی را می‌سازد که از دیرباز، در چهارگوشهٔ جهان، مایهٔ رنج و عذاب و محرومیت نوع بشر بوده است.

تبعیض جنسی یعنی اعمال، رفتارها، پیشداوری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست و کم‌ارزش‌تر از مردان و جنس مذکر را مسلط بر جنس مؤنث می‌دانند.

پژوهشگر فرزانه و نامدار فرانسوی خانم آندره میشل که کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در دفاع از حقوق زنان نوشته است و هم‌اکنون نیز در «مرکز ملی پژوهش‌های علمی» در فرانسه، مدیریت گروه پژوهشی نقش‌های جنسی، خانواده و توسعه را برعهده دارد، در این کتاب جلوه‌های گوناگون تبعیض جنسی را در همهٔ عرصه‌های اجتماعی و به‌ویژه در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد و با تیزبینی و به روشنی ثابت می‌کند که تبعیض‌های تحقیرکنندهٔ جنس زن حاصل نظامی طبیعی یا مبتنی بر زیست‌شناسی نیستند، بلکه نتیجهٔ نظام اجتماعی تبعیض‌آمیز و رفتار اجتماعی نادرست و ناعادلانه با زنان هستند. رهنمودهای او برای شناخت و طرد کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی نیز شایان توجه و بسیار آموزنده و راهگشاست.

روی سخن این کتاب با جوانان، بزرگسالان، پدران و مادران، معلمان، مربیان، مشاوران، نویسندگان، تصویرگران، ناشران، کارکنان مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی و تمام کسانی است که امروز و فردایی بهتر، و عالم و آدمی دیگر را ـ به دور از ستم و تبعیض ـ خواستارند.

مؤسسه انتشارات نگاه

قیمت ۶۵۰ تومان